

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری و منافع اجتماعی «نشریه علمی»

سال دوازدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۷)، زمستان ۱۴۰۱

# فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

سر دبیر: غلامرضا کردستانی، استاد دانشگاه امام خمینی

هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهرا (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

مهناز ملانطری، دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

مدیر اجرایی: اعظم پاک خصال

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: علی رضایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهرا (س) دانشکده علوم

اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: [jaacsi@alzahra.ac.ir](mailto:jaacsi@alzahra.ac.ir)

وبگاه: [jaacsi.alzahra.ac.ir](http://jaacsi.alzahra.ac.ir)

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می رسد.

---

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

---

### راهنمای کلی نگارش مقاله

مقاله‌های ارسال شده پس از دوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استناد و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

#### ۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، فونت عنوان: قلم فارسی متن B Titr با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۴ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ فونت متن: قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، بی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰. فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۳، سانتی‌متر و ردیف شده (Justify) قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، بی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عنوان نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و مآخذ) و بدون شماره‌گذاری صفحات، حروف‌چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها [www.jaaci.ac.ir](http://www.jaaci.ac.ir) ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

#### ۲. ساختار مقاله

۲-۱. صفحه جلد مقاله: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

##### عنوان (B TITR 14 Bold)

##### نویسندگان (B Nazanin 12 Bold)

نمونه انگلیسی برای دانشگاه آزاد اسلامی:

Assistant Professor, Department of ....., ..... Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author). (Email)

نمونه انگلیسی برای دانشگاه دولتی:

Assistant Professor, Department of ....., Faculty of ....., ..... University, Tehran, Iran. (Email)

نمونه فارسی برای دانشگاه آزاد اسلامی:

مقطع تحصیلی یا مرتبه علمی.....، گروه.....، واحد.....، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر.....، ایران. (نویسنده

مسئول)، (ایمیل) (BNAZANIN 8 REGULAR). و برای ایمیل (Times New Roman 8)

نمونه فارسی برای دانشگاه دولتی: مقطع تحصیلی یا مرتبه علمی.....، گروه.....، دانشکده.....،

نام دانشگاه.....، نام شهر.....، ایران. (ایمیل).

مربی (Instructor)، استادیار (Assistant Professor)، دانشیار (Associate Professor) و استاد (Professor)، دانشجوی

دکتری (Ph.D. Student)، دانشجوی کارشناسی ارشد (M.Sc. Student)، نام شهر، کشور، نشانی ایمیل. ضمناً در صورت

تعدد نویسندگان، شیوه شماره‌گذاری پاورقی (پانویس) عددی باشد.

در صفحه اول عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان آورده شود.

---

---

---

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

---

---

تذکر مهم: فقط نام نویسندگان را بیان کنید و مشخصات نویسندگان حتماً در پاورقی بصورت درست و کامل نوشته شود. ۱: مقطع تحصیلات، ۲: نام رشته، ۳: مرتبه علمی؛  
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

### ۲-۲. صفحه اول مقاله: عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی.

**چکیده (B ZAR 12 Bold):** چکیده به فارسی و انگلیسی تنظیم شود.  
چکیده در ۵ بخش بصورت مختصر توضیح داده شود که شامل: هدف، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و دانش‌افزایی (چکیده به فارسی و انگلیسی بر اساس همین ساختار در ۵ بخش تهیه شود).  
چکیده مقاله پژوهشی است که با خواندن آن اطلاعات اساسی در خصوص پژوهش به خواننده منتقل می‌شود. چکیده بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باید باشد. در چکیده ابتدا موضوع و یا هدف پژوهش در حداکثر دو سطر توضیح داده می‌شود. پس از آن روش پژوهش که شامل جامعه، نمونه‌بروش اجرا، زمان و مکان اجرای پژوهش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها است مجموعاً در حداکثر سه تا چهار سطر توضیح داده شود و آنگاه شرح روش تحلیل و نتایج کلی پژوهش و دانش‌افزایی در دو تا سه سطر ارائه شود. (B ZAR 11 Regular)  
**واژه‌های کلیدی (B ZAR 9 Bold):** واژه‌های کلیدی مقاله باید بین ۳ تا ۵ کلمه باشد (قلم متن B ZAR 9 Regular).  
**طبقه‌بندی موضوعی (B ZAR 8 Bold):** نحوه‌ی استفاده از آن در پایگاه اینترنتی زیر قابل دسترسی است [www.aeaweb.org/journal/jel\\_class\\_system.html](http://www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html). (قلم متن B Zar Regular 8).

### ۲-۳. صفحه دوم تا انتهای مقاله: این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

#### - مقدمه

مقاله لازم است در ۵ بخش تهیه و تنظیم شود که شامل: مقدمه، مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری است.  
حجم کل مقاله شامل چکیده و منابع انتهایی) باید حداکثر ۲۰ صفحه باشد. نکات اصلی و کلیدی که باید در مقدمه یک مقاله پژوهشی مورد توجه قرار بگیرد عبارتند از موضوع یا مساله پژوهش و هدف از انجام پژوهش که باید به صورت ساده و روشن ارائه شوند در واقع نویسنده باید در مقدمه به موارد ذیل به صورت شفاف بپردازد.  
۱- موضوع یا مساله پژوهش ۲-هدف از انجام پژوهش و ضرورت و اهمیت آن ۳- تعریف دقیق اصطلاحات و مفاهیم بکار رفته در پژوهش.

#### - مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

مبانی نظری و پژوهش‌های مرتبط انجام شده قبلی در زمینه پژوهش، یافته‌های قبلی در خصوص موضوع پژوهش و تبیین کافی در خصوص نتایج کاربردی پژوهش پرسشها یا فرضیه‌هایی که پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آنها است.  
نکته مهم: لطفاً تیتر جداگانه با عنوان پیشینه قرار ندهید و پیشینه داخلی و خارجی در بخش مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها بصورت یکپارچه ارائه و تحلیل شود.

---

---

---

---

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

---

---

- در پژوهش‌های کیفی ارائه اهداف پژوهش الزامی است.
- متن اصلی مقاله به صورت تک ستونی با قلم (فونت) ۱۲ بی زر (B ZAR 12 Regular) تک فاصله (Single Space) تهیه شود. خط اول همه پاراگراف‌ها باید دارای تورفتگی به اندازه ۰/۵ سانتیمتر باشد.
- منابع درون متن را حتماً استاندارد درج نمایید. رفرنس نویسی به شیوه APA انجام شود. درون متن همه منابع و نام‌ها فارسی اند و همه نام‌های انگلیسی در اولین ارجاع، پی‌نویس می‌شوند. در منابع درون متنی شماره صفحه نیز درج شود.
- منابع درون و انتهای متن را کاملاً بر هم تطبیق دهید، همه منابع درون متن باید در انتها باشند و همه منابع انتهایی در درون متن قرار گیرند.
- اگر منبعی چند نویسنده دارد، حتماً در اولین ارجاع نام تمام نویسندگان را بیاورید و تنها در ارجاعات بعدی است که می‌توانید از واژه همکاران استفاده کنید.
- در مورد همه پرانتزها فاصله‌ها به این شکل رعایت شود، توجه نمایید که فاصله‌ها و محل قرارگیری نقطه پایانی کجاست: نمونه صحیح: سازماندهی فرآیندی پویا است (الوانی، ۱۳۹۵: ۲۲۵).
- در تمام جداول و تمام متن باید همه اعداد فارسی بوده و همه ممیزها به شکل واقعی شان استفاده شوند (در تمام متن و جداول، همه اعداد و واژه‌ها فارسی و همه ممیزها به شکل واقعی) استفاده شوند. از بکاربردن (.) و (،) به جای ممیز خودداری کنید.

### - روش‌شناسی پژوهش

- این قسمت از یک مقاله پژوهشی شامل توضیح در مورد نوع پژوهش (هم‌اکنون جهت هدف در نظر گرفته شده برای پژوهش و هم از نظر روش انجام پژوهش)، جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل، مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف عملیاتی متغیرها و روشن نمودن میزان روایی و پایایی ابزار و توضیح در خصوص چگونگی مراحل انجام پژوهش است.
- نحوه ارجاع منابع در متن (سایکتی، ۲۰۱۵).

### - یافته‌های پژوهش

- این بخش شامل ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها می‌باشد. در این بخش ابتدا فرضیه‌ها (یا در پژوهش کیفی اهداف)، بعد از آن نوع آزمون آماری و جدول سپس تحلیل جدول در زیر هر جدول ارائه شود.

### - بحث و نتیجه‌گیری

- در تدوین این بخش از مقاله باید به مباحث زیر به صورت دقیق و خلاصه پرداخته شود.
  - ۱- خلاصه مسئله و ذکر اهداف انجام پژوهش ۲- تبیین میزان ارتباط یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف و نیازهای کاربردی در نظر گرفته شده از انجام پژوهش ۳- تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش ۴- کاربردهای نتایج پژوهش ۵- مقایسه یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های قبلی و ذکر دلایل احتمالی برای توافق یا عدم توافق بین نتایج ۶- محدودیت‌های پژوهش ۷- پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده در این خصوص و بالاخره ۶- نتیجه‌نهایی که از پژوهش حاصل شده است.
  - نکته مهم: تیتراژ جداگانه به عنوان محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش قرار ندهید. پیشنهادها ذیل عنوان بحث و نتیجه‌گیری بصورت یکپارچه در انتهای مقاله قید شود.
- 
-

---

---

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

---

---

درج تقدیر و تشکر از حامی در انتهای مقاله قبل از منابع انتهایی (نهایتاً در دو خط) در صورتی که حامی پژوهشی داشته باشید.

### - فهرست منابع

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

### ۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن مقاله از روش APA (ای.پی.ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار و صفحه آن منبع در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و معادل انگلیسی اسامی در پاورقی همان صفحه قید شود. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.
- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع آورده شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع بیان نشود.
- در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یادکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پاورقی استفاده شود در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

### ۴. فهرست منابع

از آنجایی که هدف فصلنامه در راستای بین‌المللی شدن می‌باشد، تمامی نویسندگان لازم است منابع فارسی انتهایی مقاله خود را بصورت انگلیسی نیز وارد کنند. در غیر این صورت مقاله در چرخه بررسی قرار نمی‌گیرد.

برای تنظیم فهرست منابع از روش ارجاع (APA، ای.پی.ای) استفاده می‌شود، به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. کتاب: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار) (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات (نقطه)

۴-۲. مقاله: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار) (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله (نقطه)

۴-۳. مقالات بر خط: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار) (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. گزارش‌ها و سایر منابع: در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بوده اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging 0.5 سانتی متر) است.

---

---

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

### ۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداولی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا ... شماره گذاری شوند.

### ۶. پاورقی

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پاورقی همان صفحه درج شود.

### ۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دوتقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و ... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.
- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.
- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر است:

عنوان	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph.D. Student
دکتر	Ph.D.
استادیار	Assistant Professor
دانشیار	Associate Professor
استاد	Professor

- \* مقاله‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.
- \* فصلنامه از پذیرش مقاله‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.
- \* فصلنامه در ویرایش مقاله‌ها و حذف برخی بخش‌ها بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و مقاله‌هایی را که دریافت می‌کند، بزمنی گرداند.
- \* مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به عهده نویسنده است.

\* مقاله‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود، <https://jaacsi.alzahra.ac.ir/>

- \* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ مقاله، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال مقاله از ویرایش فنی و ادبی مقاله و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل کنید.

## فهرست مطالب

- وضعیت افشای ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و راهبری در صنعت بیمه ایران ..... ۱  
مهناز محمودخانی، علی رحمانی، سعید همایون، لیلی نیاکان
- اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین محدودیت مالی با بازده سهام و سرمایه گذاری جدید .. ۳۳  
محمد علی آقایی، محمد امری اسرمی، الهام ملک زاده
- بررسی اثر سرریزی ورشکستگی بر کیفیت گزارشگری مالی ..... ۵۷  
آمنه بذرافشان، مرجان محمودی
- تبیین مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی ..... ۸۷  
امید محمدی، ابراهیم گیوکی، محمدتقی کبیری، آذر مسلمی
- تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان ..... ۱۱۵  
رضا باقرزادگان، مهدی مرادزاده فرد، بهمن بنی مهد، زهرا پورزمانی
- تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد ..... ۱۳۵  
مریم شیخ زاده، رسول برادران حسن زاده
- شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی های سرمایه ای دولتی از  
نگرش خبرگان ..... ۱۵۳  
غریبه اسماعیلی کیا، حامد پرویزی کیا



## وضعیت افشای ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در صنعت بیمه ایران<sup>۱</sup>

مهناز محمودخانی<sup>۲</sup>، علی رحمانی<sup>۳</sup>، سعید همایون<sup>۴</sup>، لیلی نیاکان<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

مقاله پژوهشی

### چکیده

**هدف:** صنعت بیمه نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کند و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد پایداری سایر صنایع و جامعه تأثیر می‌گذارد. هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان افشای مولفه‌های پایداری در صنعت بیمه است.

**روش:** در این پژوهش الگوی بدست‌آمده با استفاده از تحلیل محتوای گزارش‌های پایداری خارجی در پژوهش محمودخانی، رحمانی، همایون و نیاکان (۱۴۰۰)، با بررسی استانداردها و رهنمودهای پایداری و کسب نظرات خبرگان تعدیل و تکمیل شد. سپس، با استفاده از تحلیل محتوای کمی میزان افشای مولفه‌های پایداری در سطح صنعت بیمه بررسی شد. بر این اساس، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره ۷ شرکت بیمه عضو بورس و اوراق بهادار و ۱۹ شرکت بیمه عضو فرابورس ایران برای سال ۱۳۹۸، تحلیل محتوا شد. از آزمون کای دو برای بررسی تفاوت افشای مولفه‌های پایداری در سطح شرکت‌ها استفاده شد.

**یافته‌ها:** طبق یافته‌ها، ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری، سه بعد اصلی گزارشگری پایداری صنعت بیمه است. نتایج نشان داد که بین افشای مولفه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در مقایسه‌های دوگانه و سه‌گانه مولفه‌های پایداری در سطح ۲۶ شرکت بیمه تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور میانگین، میزان افشای بعد راهبری به ازای هر سنج ۲۱/۷۱ برای بعد اجتماعی ۱۳/۱۳ بوده است. همچنین، این نسبت برای بعد زیست‌محیطی ۱/۵۳ است.

**نتیجه‌گیری:** در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره بیشترین افشا مربوط به بعد راهبری بوده و هیچ نوع افشایی در خصوص مؤلفه تغییر اقلیم انجام نشده است. یک دلیل، توجه بیشتر به بعد راهبری به آیین‌نامه حاکمیت شرکی در صنعت بیمه است که شرکت‌های بیمه آن را اجرایی می‌کنند.

**دانش‌افزایی:** یافته‌های این پژوهش موجب غنای ادبیات پژوهشی گزارشگری پایداری در صنعت بیمه می‌شود و نتایج آن می‌تواند مورد استفاده شرکت‌های بیمه، برای تهیه و بهبود گزارشگری پایداری، واقع شود.

**واژه‌های کلیدی:** افشای زیست‌محیطی، افشای راهبری، افشای اجتماعی، گزارشگری پایداری، صنعت بیمه.

طبقه بندی موضوعی: M41

10.22051/JAASCI.2022.39763.1688 : DOI .۱

۲. دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. (m.mahmoudkhani@alzahra.ac.ir)

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (rahmani@alzahra.ac.ir)

۴. دانشیار، گروه مطالعات اقتصادی و کسب‌وکار، دانشکده مطالعات آموزش و کسب‌وکار، دانشگاه گاوله، گاوله، سوئد. (Saeid.Homayoun@hig.se)

۵. استادیار، گروه مطالعات کلان بیمه، پژوهشکده بیمه، تهران، ایران. (niakan@irc.ac.ir)



## مقدمه

شرکت‌های بزرگ طبق الزامات قانونی و یا مقررات بورس و یا به صورت داوطلبانه اقدامات خود در خصوص پایداری را در گزارش سالیانه و یا گزارش مستقل پایداری منتشر می‌کنند. سه مؤلفه مهم پایداری، ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری است (رویترز، ۲۰۱۹). افشای مؤلفه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در سطح صنایع مختلف، متفاوت است. در همین ارتباط، لیدنبرگ و همکاران (۲۰۱۰) تأکید دارند که شاخص‌های کلیدی پایداری مخصوص هر صنعت و شرکت وجود دارند و این شاخص‌ها باید برای یک سازمان خاص ساده، مهم و شفاف باشند (نوبو، اولابی و هیولا، ۲۰۱۷). رویه هیات استانداردهای پایداری آمریکا نیز این گونه است که از دیدگاه سرمایه‌گذاران موضوعات مهم پایداری که باید افشا شود را به تفکیک صنایع مشخص می‌کند و یک نقشه اهمیت<sup>۱</sup> برای هر صنعت ترسیم می‌کند که بیانگر حداقل افشاهای لازم است.

صنعت بیمه بخش مهمی از اقتصاد است و به‌عنوان یک محرک فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، روش‌ها و محرک‌های لازم برای تسهیل فعالیت‌های تجارت پایدار را در اختیار دارد. صنعت بیمه، هسته اصلی یک سیستم مالی پایدار است و از طریق پیشگیری و کاهش ریسک، به حفاظت از جامعه، کمک و نوآوری و توسعه اقتصادی را تقویت می‌کند که برای یک جامعه پایدار اهمیت دارد. بنابراین، صنعت بیمه می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کاربردی برای توسعه و تجارت پایدار استفاده شود (آرودا، ۲۰۱۸). صنعت بیمه به‌طور قابل توجهی در معرض ریسک‌های ناشی از رویدادهای اقلیمی و همچنین، دگرذیسی جهانی به اقتصاد کم‌کربن است. علاوه بر این، در هنگام گذار به اقتصاد کم‌کربن، تغییراتی در خط‌مشی‌ها و فناوری‌ها رخ می‌دهد که می‌تواند منجر به بروز ریسک‌های ناشی از تغییر تقاضا برای محصولات و خدمات بیمه‌ای و همچنین، ریسک اعتباری شود.

صنعت بیمه ایران دارای مسئولیت مهم اجتماعی به‌خصوص در هنگام بروز رویدادهای طبیعی مانند سیل و زلزله است. پوشش بیمه‌ای ارائه شده پشتیبان مردم در هنگام بروز حوادث غیرمنتظره است. البته، شرکت‌های بیمه در هنگام بروز حوادث، سعی در ارائه کمک‌های بشردوستانه و خیرخواهانه به‌صورت داوطلبانه نیز دارند. امروزه با توسعه فرهنگ بیمه در کشور، ارائه محصولات نوآورانه

شرکت‌های بیمه ایرانی روزبه‌روز در حال گسترش است. از سویی، سندیکای بیمه‌گران ایران در سال ۱۳۸۸، منشور اخلاق حرفه‌ای صنعت بیمه را منتشر نمود. مطابق با مصوبه سندیکای بیمه‌گران ایران و تأیید مدیران عامل کلیه شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی به‌عنوان اعضای سندیکای بیمه‌گران ایران، کلیه فعالان صنعت بیمه به اصول اخلاقی منشور متعهد شدند. در منشور اخلاقی به مواردی چون پایبندی به مقررات و تعهدات، عدالت و انصاف، شفافیت و صداقت، حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق اجتماعی اشاره شده است. گزارشگری پایداری ابزاری است که می‌تواند میزان عمل به این منشور اخلاقی را منعکس سازد.

از سوی دیگر، عمده شرکت‌های بیمه در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران پذیرفته‌شده‌اند و طبق ماده ۴۲ دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷، به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده است «اطلاعات بااهمیتی از قبیل نام، مشخصات کامل، تحصیلات، تجارب و مدارک حرفه‌ای اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل، کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره و اعضای آن‌ها، موظف یا غیرموظف بودن آنان، مستقل بودن آنان، میزان مالکیت سهام آنان در شرکت، عضویت در هیئت‌مدیره سایر شرکت‌ها به اصالت یا به نمایندگی، حقوق و مزایای مدیران اصلی و رویه‌های حاکمیت شرکتی و ساختار آن و نحوه ارتباط بین سهامداران و عضو مستقل هیئت‌مدیره باید به نحو مناسب در پایگاه اینترنتی شرکت و در یک یادداشت جداگانه در گزارش تفسیری مدیریت افشا شود. شرکت می‌تواند با رویکرد توسعه پایدار و ایجاد سازوکاری برای سنجش و ارزیابی توان ایجاد ارزش در کوتاه‌مدت و بلندمدت، اطلاعات لازم در زمینه مسائل مالی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی را در قالب گزارشگری یکپارچه تهیه و در پایگاه اینترنتی خود ارائه نماید». سؤال این است که شرکت‌های بیمه در اجرای این دستورالعمل و نیز منشور اخلاقی صنعت تا چه حدی فعالیت‌های پایداری خود را گزارش می‌کنند و از چه ابزاری برای این مقصود استفاده می‌نمایند.

با وجود اینکه پژوهش‌های مختلفی در حوزه مسئولیت اجتماعی و پایداری (اسچالتز، ۲۰۱۱؛ حیانی، حجازی، حسینی و باستانی، ۱۳۹۷؛ حسنی، ۱۳۹۹؛ بخردی نسب و ژولانژاد، ۱۳۹۹، حجازی

و رجب دری، ۱۳۹۹؛ رحمانی و محمودخانی، ۱۴۰۰؛ رحمانی، محمودخانی، همایون و نیاکان، ۱۴۰۱؛ بابایی، رحمانی، همایون و امین، ۱۴۰۰) انجام شده است، اما تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی تدوین چارچوب و میزان افشای عملکرد پایداری صنعت بیمه ایران نپرداخته است. به دلیل تفاوت نقشه اهمیت اقلام گزارش‌های پایداری صنایع مختلف (سونی و کافلان، ۲۰۰۸؛ نوبو و همکاران، ۲۰۱۷) و فقدان چارچوب و رهنمود مشخص گزارشگری پایداری در ایران، در این پژوهش از الگوی پیشنهاد شده محمودخانی، رحمانی، همایون و نیاکان (۱۴۰۰) برای گزارش مولفه‌های پایداری صنعت بیمه در ایران، استفاده شد. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که مولفه‌های گزارشگری پایداری شامل کلیات و خلاصه‌های مهمی از اطلاعات شرکت، سرمایه‌گذاری پایداری، بیمه پایدار، اقدامات زیست‌محیطی، مشتریان و کارکنان شرکت، فرصت‌های عادلانه و تنوع و شمول، مدیریت توانگری و ریسک، آموزش و توسعه، سلامت و رفاه، مدیریت تطبیق، تغییر اقلیم، زنجیره تأمین، عوامل سلامت سازمانی و پاسخگویی، ساختار رهبری، فعالیت شهروند شرکتی و فناوری اطلاعات است. این الگو با اخذ نظر خبرگان تعدیل، تکمیل و بومی شد. سپس وضعیت صنعت بیمه در خصوص افشای ابعاد پایداری بر اساس الگوی تکمیل شده بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده شرکت‌های بیمه برای تهیه گزارش‌های پایداری واقع شود. در این پژوهش ابتدا ادبیات نظری بیان می‌شود. سپس روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه شده و در خاتمه نتیجه‌گیری انجام می‌شود.

### ادبیات پژوهش

در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ تمرکز روی گزارش‌های زیست‌محیطی بود، با افزایش علاقه به گزارشگری اجتماعی، اکنون تمرکز اصلی بر روی گزارشگری خط سه گانه یا گزارشگری توسعه پایدار است. خط زیرین سه گانه، یک عبارت بود که توسط جان ال‌کینگتون، ابداع شد (گری و میلن، ۲۰۰۲). خط زیرین سه گانه به رابطه کارایی اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی یک شرکت اشاره دارد. شرکت‌ها باید در چنین فعالیت‌هایی شرکت کنند، زیرا این امر نه تنها عملکرد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه بر مزیت رقابتی بلندمدت و توسعه پایدار کسب‌وکار نیز تأثیر می‌گذارد (شاد و همکاران، ۲۰۱۹).

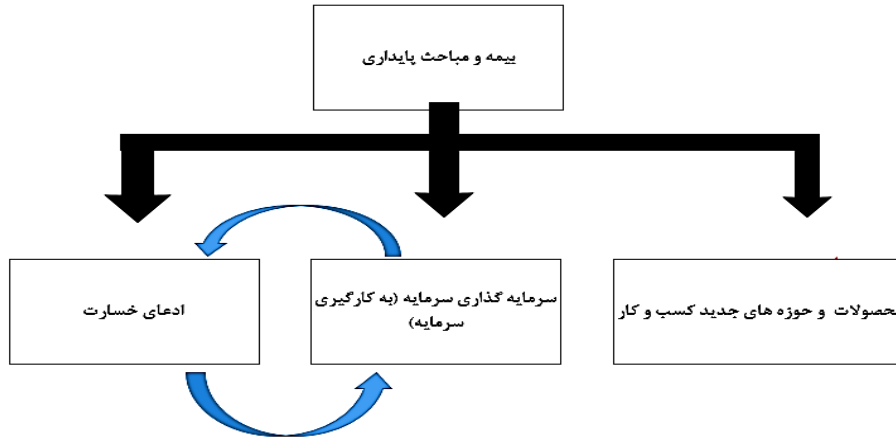
صنعت خدمات مالی، ستون اصلی اقتصاد است، زیرا فراهم کننده سرمایه مالی است و به‌طور بالقوه محرک اصلی برای دستیابی و انتقال به یک اقتصاد فراگیر<sup>۱</sup>، کم‌کربن و دارای منابع کارآمد است. با این حال، از زمان بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، مشخص شد که این بخش کاملاً با آینده پایدار همسو نبوده است. با توجه به فعالیت‌های وام‌دهی و سرمایه‌گذاری، این بخش در صورت اتخاذ و انتشار شیوه‌های مسئولانه و شفاف در کل زنجیره ارزش سرمایه مالی، به‌طور بالقوه تأثیرات مضاعفی دارد. نوع فعالیت‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری و نحوه مواجهه‌شدن و تحمل انواع ریسک‌های پرخطر، علامت‌های محکمی را در خصوص وضعیت پایداری صنعت بیمه به اقتصاد مخابره می‌کند. گزارشگری پایداری هنگام انتقال به یک اقتصاد پایدار می‌تواند یک ابزار تعیین‌کننده در ایجاد آینده‌ای پایدار باشد (ایرتون، ولیدو و رامیرز، ۲۰۱۷).

وو، شا و چن (۲۰۱۸) با تکیه بر مطالعات گذشته استدلال می‌کنند که شواهد حکایت از تفاوت افشای ابعاد پایداری در گزارشگری پایداری در بین صنایع و کشورها دارد (وو و همکاران، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش گائو، هراوی و ایکسا (۲۰۰۵) با تحلیل ۱۵۴ گزارش سالانه ۳۳ شرکت در هنگ‌کنگ نشان داد که تفاوت صنعت بر میزان، محتوا و محل افشائیات زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌ها اثر می‌گذارد و بین اندازه شرکت و سطح افشائیات زیست‌محیطی و اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد. ایده تعیین موضوعات پایداری هر صنعت به‌عنوان الگوی استاندارد برای گزارشگری، جذاب است، زیرا این امکان را به ما می‌دهد تا شرکت‌ها را در صنعت مشابه باهم مقایسه کنیم. حتی موضوعات جهانی مانند تغییر اقلیم در برخی صنایع نسبت به صنایع دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. تدوین دستورالعمل‌های مربوط به هر بخش و صنعت در مورد موضوعات پایداری موجب بهبود توانایی شرکت‌ها در گزارشگری عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری می‌شود (اکلز و همکاران ۲۰۱۲).

صنعت بیمه دارای نقش کلیدی در توسعه پایدار است. در همین زمینه گارز، کدزاس و ولک (۲۰۰۴) سه مبحث مهم پایداری در صنعت بیمه را به شکل نمودار ذیل ترسیم نمودند. بر اساس شکل (۱) از سرمایه مربوط به بخش ذخایر برای پرداخت خسارت استفاده می‌شود و از ذخایر برای انجام

1. Inclusive

سرمایه گذاری استفاده می شود. طبق این شکل شرکت ها بایستی در حوزه های کلیدی فعالیت خود، چون فعالیت بیمه گری و سرمایه گذاری، به مباحث پایداری توجه کنند.



شکل ۱. سه مبحث مهم پایداری در صنعت بیمه (منبع: گارز و همکاران، ۲۰۰۴)

در زمینه پایداری محیط زیست، طیف فزاینده ای از محصولات بیمه ای مانند بیمه های انرژی تجدیدپذیر وجود دارد که انتقال به یک اقتصاد پاک و با بهره وری بیشتر از منابع را تقویت می کند. مسائل پایداری چون سالخوردگی جمعیت شامل ریسک های طول عمر است که می تواند خود منجر به مسائلی چون کسری درآمد، تهی دستی بازنشستگان و فشار بر سیستم های تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی شود. بیمه گران، به طور فزاینده ای می دانند که مسائل مربوط به توسعه پایدار، برای کسب و کار آنها اهمیت دارد. موضوعات پایداری در اصول بیمه پایدار<sup>۱</sup> (PSI) و اصول سرمایه گذاری مسئولانه<sup>۲</sup> (PRI) مورد حمایت سازمان ملل، منعکس شده است. لازم به ذکر است، اگرچه اصول محوری انجمن بین المللی ناظران بیمه<sup>۳</sup> (ICP)، چارچوب نظارتی پذیرفته شده را برای صنعت بیمه ارائه می دهند، اما در مورد ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و راهبری توسعه پایدار کاملاً

1. Principles for Sustainable Insurance (PSI)  
 2. Principles for Responsible Investment (PRI)  
 3. IAIS Insurance Core Principles (ICPs)

واضح و روشن نیستند و ادغام معمول و نظام‌مند موضوعات توسعه پایدار در مقررات بیمه به‌اندازه کافی انجام نشده است. با این وجود، طیف وسیعی از موضوعات نظارتی در رابطه با بیمه و توسعه پایدار در حال ظهور است (باکانی، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که در سایر صنایع همچون، بانک‌ها نیز گزارشگری پایداری در حال تهیه است؛ از این رو لازم است که شرکت‌های بیمه نیز همگام با سایر صنایع در این مسیر گام بردارند.

امروزه سازمان‌های بسیاری در جهان در حال همکاری با یکدیگر هستند تا صنعت بیمه در مسیر اهداف پایداری قرار گیرد. سازمان‌هایی از جمله اصول بیمه پایدار<sup>۱</sup> (PSI)، مجمع بیمه پایدار<sup>۲</sup> (SIF) و انجمن بین‌المللی ناظران بیمه<sup>۳</sup> (IAIS) با یکدیگر در این زمینه همکاری می‌نمایند. به‌طور نمونه، مک دانیلز، رویترز و باکانی (۲۰۱۷) تحت نظر مجمع جهانی بیمه پایدار، دستور کاری برای قانون‌گذاران و ناظران تهیه نمودند تا رهنمودی برای ادغام عوامل پایداری در مقررات و نظارت شرکت‌های بیمه‌ای تا سال ۲۰۲۰ باشد. لازم به ذکر است که مجمع بیمه پایدار تحت برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد تشکیل شده است. با توجه به اینکه بسیاری از ناظران بیمه کشورها در انجمن بین‌المللی ناظران بیمه عضویت دارند و این انجمن نیز از اعضای مجمع بیمه پایدار است، دور از انتظار نیست که در آینده‌ای نزدیک بسیاری از کشورها و شرکت‌های بیمه، اقدام به تهیه گزارش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری نمایند، همان‌طور که تعداد گزارش‌های منتشر شده در سالیان اخیر حاکی از این امر دارد (کی پی ام جی، ۲۰۲۰). بر این اساس، لازم است که شرکت‌های بیمه ایران نیز همگام با دیگر شرکت‌های خارجی در پی بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بوده و با تهیه گزارش‌های پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی زمینه توسعه صنعت بیمه را فراهم آورند.

یافته‌های کی پی ام جی (۲۰۱۶) در بررسی گزارش‌های پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی شرکت‌های G250 (۲۵۰ شرکت بزرگ جهان) و N100 (۱۰۰ شرکت بزرگ جهان) نشان داد که

- 
1. Principles for Sustainable Insurance(PSI)
  2. The Sustainable Insurance Forum (SIF)
  3. International Association of Insurance Supervisors(IAIS)

شرکت‌های بیمه‌ای می‌توانند گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی و پایداری خود را به میزان قابل توجهی بهبود بخشند. کیفیت گزارشگری مسئولیت شرکتی و پایداری در بخش بیمه (۵۲ درصد) از کل معیارهای مورد بررسی (مشارکت و تعامل با ذینفعان، اهمیت، ریسک‌ها، فرصت و استراتژی، اهداف و شاخص‌ها، تامین‌کننده و زنجیره ارزش، شفافیت و توازن و مسئولیت راهبری شرکتی)، کمتر از متوسط جهانی (۵۷ درصد) است. طبق بررسی‌های کی پی ام جی (۲۰۱۶) میزان گزارشگری در مورد مسئولیت شرکتی و پایداری در بخش بیمه به‌طور گسترده با میانگین جهانی گزارش‌های ۲۵۰ و ۱۰۰ شرکت بزرگ جهان مطابقت دارد. همچنین، نرخ گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی و پایداری در شرکت‌های بیمه در سال ۲۰۱۵ نیز با میانگین جهانی همسو بوده است. نظرسنجی انجام‌شده توسط کی پی ام جی (۲۰۲۰) حاکی از روند رو به رشد انتشار گزارش‌های پایداری در بین ۲۵۰ و ۱۰۰ شرکت بزرگ جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۰ دارد. این امر نشان می‌دهد که گزارشگری مسئولیت شرکتی به‌عنوان یک روش تجاری استاندارد در این بخش برقرار شده است. لازم به ذکر است که در صنعت بیمه و نیز سایر صنایع، اطلاعات و ابعاد پایداری در گزارش‌های غیرمالی تحت عناوین مختلف چون گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی، گزارشگری پایداری و گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری منتشر می‌شود. در ادامه نمونه‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه موضوع مقاله ارائه می‌شود.

فراست و همکاران (۲۰۰۵:۸۹) ماهیت و میزان شیوه‌های گزارشگری پایداری را در رسانه‌های مختلف گزارشگری (گزارش‌های سالانه، گزارش‌های مجزا<sup>۱</sup> و وب‌سایت‌ها) استرالیا بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد گزارش‌های سالانه از نظر تعداد شاخص‌های مشاهده‌شده و تنوع اطلاعات ارائه‌شده، دارای کمترین ارزش اطلاعاتی در مورد پایداری شرکت‌ها است. اوبالولا (۲۰۰۸:۵۳۸) مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت بیمه نیجریه را بررسی کرد. در این مطالعه از روش کمی استفاده‌شده و داده‌های اولیه از طریق پرسشنامه ساختاری از شرکت‌های بیمه که در نیجریه فعالیت می‌کنند، جمع‌آوری شده است. نتایج کلی حاکی از حمایت جدی از مسئولیت اجتماعی است و این حمایت از طریق مشارکت در برخی پروژه‌های جامعه‌محور است. شواهد حاصل از این مطالعه

همچنین، نشان داد که مسئولیت اجتماعی هنوز هم تا حد زیادی به‌عنوان یک ژست بشردوستانه تلقی می‌شود.

بنیاد ابتکار مالی برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد و کارگروه علمی آن در سال ۲۰۰۹ یک نظرسنجی در زمینه درک و ادغام عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG) در صدور بیمه‌نامه و توسعه محصول و ارزیابی سطح آگاهی از عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در صنعت بیمه جهانی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری هم به بیمه و هم به عملیات سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه مربوط هستند. بنابراین، ریسک‌های جهانی، بلندمدت و سیستمیک ناشی از عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری می‌تواند نقدینگی و سلامت اقتصادی بلندمدت شرکت‌های بیمه و نیز بیمه‌شدگان و واحدهای تجاری که از طریق سرمایه‌بیمه، تأمین مالی می‌شوند را تضعیف کند.

اسچالتز (۲۰۱۱: ۱۴۳) مسئولیت اجتماعی شرکتی را در شرکت‌های بیمه بررسی کرد. او انواع مختلفی از بیمه‌گرها را در بیش از ۱۵۰ موسسه از ۲۰ کشور جهان مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش اسچالتز (۲۰۱۱) تفاوت‌های چشمگیری را بین انواع مختلف بیمه‌گران و کشورها نشان داد. نتایج این پژوهش نشان داد جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبت به جنبه‌های زیست‌محیطی در فعالیت‌های تجاری بیمه‌گران بهتر منعکس می‌شود.

هوو، هانگ و اوو (۲۰۱۸: ۳۹۱) مطالعه‌ای را به‌منظور تعیین عوامل موثر بر توسعه پایدار در صنعت بیمه تایوان انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که «شیوه‌های مدیریتی»، مهم‌ترین مؤلفه و پس از آن «شیوه‌های اجتماعی» و «شیوه‌های زیست‌محیطی»، دارای اهمیت است. از نظر اهمیت معیارها برای توسعه پایدار، پنج گروه برتر شامل «افشای اطلاعات»، «استراتژی‌ها و تعهدات شرکت‌ها»، «تغییر اقلیم»، «انطباق قانونی» و «مدیریت محیط‌زیست»، بود. آل حواج و بالی (۲۰۲۲: ۶۲) تأثیر جهانی گزارشگری پایداری را بر عملکرد شرکت‌ها با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از ۳۰۰۰ شرکت در ۸۰ کشور مختلف به مدت ده سال از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ (مجموعاً ۲۳۷۳۸ مشاهده) بررسی نمودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت‌هایی در تأثیر گزارشگری پایداری بر عملکرد عملیاتی شرکت، عملکرد مالی و عملکرد بازار وجود دارد.



حیاتی و همکاران (۴۳:۱۳۹۷) مولفه‌های زیست‌محیطی گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌های بورسی را با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار دادند. با استفاده از نمونه‌گیری قضاوتی در یک دوره ۵ ساله، نتایج این پژوهش بیانگر معناداری تفاوت نوع افشا در صنایع مختلف بود. یافته‌ها بیانگر این بود که بیشترین افشا در صنعت سیمان، آهک و گچ به وقوع پیوسته و صنعت فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای، صنعت محصولات شیمیایی و صنعت فلزات اساسی، با فاصله از صنعت سیمان و با فراوانی افشای نزدیک به یکدیگر، رتبه‌های بعدی افشا را به خود اختصاص داده‌اند.

کاشانی پور و همکاران (۱۱:۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات پایداری پرداختند. نتایج نشان داد که بین مدیریت سود، محافظه‌کاری و کیفیت ارقام تعهدی با افشای اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما بین شاخص افشای الزامی و افشا اطلاعات پایداری، رابطه معناداری مشاهده نشد. فخاری و همکاران (۱۵۳:۱۳۹۶) الگویی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در ایران تبیین نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که به ترتیب افشای ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری شرکتی دارای بیشترین امتیاز هستند. ملکیان و همکاران (۷۷:۱۳۹۸) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت‌ها بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی طی دوره زمانی ۵ ساله از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد متغیرهای نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، نسبت مالکیت هیئت‌مدیره و نسبت زنان هیئت‌مدیره و نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تأثیر مثبت و معناداری دارند.

مصطفایی و حسینی (۶۱:۱۴۰۰) با تحلیل محتوای کیفی بخش گزارش مسئولیت اجتماعی مندرج در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس و فرابورس ایران، مهمترین مقوله‌های گزارشگری اجتماعی ناظر بر ذینفعان اجتماعی، را استخراج نمودند. نتایج بیانگر تفاوت نوع افشاء در سطح صنایع انتخابی بوده است.

### روش‌شناسی پژوهش

هدف از اجرای این پژوهش تعیین میزان افشای مولفه‌های پایداری در سطح صنعت بیمه است. بر این اساس، لازم است که ابتدا ابعاد خاص پایداری صنعت بیمه شناسایی شود. برای این منظور ابتدا مولفه‌های شناسایی شده توسط محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰)، بررسی استانداردها و رهنمودها و از طریق مصاحبه با ۳۹ خبره صنعت بیمه ایران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی، برای صنعت بیمه ایران تکمیل و بومی شد. جامعه آماری مرحله مصاحبه، متخصصان و خبرگان آشنا با گزارشگری پایداری و صنعت بیمه ایران بوده است. از این رو، نمونه شامل ۴ مدیرعامل، رئیس و عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های بیمه، ۱۳ مدیر و معاون مالی و اقتصادی، ۵ مدیر حسابرسی داخلی، ۸ مدیر میانی، ۶ حسابرس مستقل و ۳ عضو هیئت‌علمی بوده است.

سپس، برای بررسی میزان افشای ابعاد پایداری و وضعیت صنعت بیمه ایران، گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های پژوهشی است که از گذشته‌ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته و امروزه در علوم اجتماعی، کاربرد فراوانی یافته است. این روش در بیان ساده به بیرون کشیدن مفاهیم موردنیاز پژوهش از متن مورد مطالعه است (تبریزی، ۱۳۹۳).

شرکت‌های بیمه‌ای خصوصی که عضو بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران هستند و باید دستورالعمل حاکمیت شرکتی را رعایت کنند، احتمالاً برای تهیه و افشای مسائل پایداری از انگیزه بیشتری برخوردار هستند. بنابراین، جامعه آماری مرحله تحلیل محتوای گزارش فعالیت هیئت‌مدیره، کلیه شرکت‌های بیمه عضو بورس و اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران بود. فرایند نمونه‌گیری در این قسمت انجام نشد و با توجه به محدود بودن جامعه آماری و دسترسی به کلیه اطلاعات، تمام گزارش‌ها تحلیل شدند. با توجه به اینکه آخرین گزارش موجود در زمان تحلیل (سال ۱۳۹۸) می‌تواند گزارش تکامل‌یافته‌تری برای بررسی وضعیت افشای ابعاد و مولفه‌های پایداری در بین شرکت‌های بیمه باشد، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره ۲۶ شرکت بیمه‌ای برای سال ۱۳۹۸ تحلیل محتوا شد. مجموع صفحات گزارش‌های مورد تحلیل ۹۴۹ صفحه بوده است. در جدول ۱ اسامی شرکت‌های مورد تحلیل ذکر شده است.

## جدول ۱.۱. اسامی شرکت‌های مورد تحلیل صنعت بیمه ایران

تعداد صفحات گزارش	نام شرکت	عضویت
۴۱	بیمه ما	بورس و اوراق بهادار تهران (۷ شرکت)
۳۷	بیمه اتکایی امین	
۴۰	بیمه البرز	
۶۳	بیمه آسیا	
۲۴	بیمه پارسیان	
۴۳	بیمه دانا	
۴۰	بیمه ملت	
۴۲	بیمه اتکایی ایرانیان	فرا بورس ایران (شرکت ۱۹)
۲۷	بیمه آرمان	
۳۹	بیمه پاسارگاد	
۳۵	بیمه تجارت نو	
۳۱	بیمه تعاون	
۲۶	بیمه حافظ	
۱۴	بیمه حکمت صبا	
۴۳	بیمه دی	
۳۳	بیمه رازی	
۱۷	بیمه زندگی باران	
۳۴	بیمه زندگی خاورمیانه	
۲۳	بیمه سامان	
۳۴	بیمه سرمد	
۳۸	بیمه سینا	
۲۸	بیمه کارآفرین	
۲۴	بیمه کوثر	
۹۲	بیمه معلم	
۳۰	بیمه میهن	
۵۱	بیمه نوین	

بعد از تحلیل محتوای گزارش فعالیت هیئت‌مدیره، معنی‌دار بودن تفاوت افشای شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در سطح شرکت‌های بیمه با آماره کای دو بررسی شد. همچنین،

نسبت افشای ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره نسبت به چارچوب گزارشگری پایداری صنعت بیمه ایران (جدول ۲) که با نظرات خبرگان به‌دست آمده بود، بررسی شد.

## یافته‌های پژوهش

### مولفه‌های گزارشگری پایداری در صنعت بیمه

مولفه‌های شناسایی شده در مقاله محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰) در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. از آن‌ها خواسته شد تا نظر خودشان را نسبت به مولفه‌هایی که باید در گزارش‌های پایداری صنعت بیمه ایران باشد بیان نمایند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که مولفه‌های در نظر گرفته شده کافی است و نیاز به اضافه و تغییر زیادی نیست. با این حال، بعضی نیز معتقد بودند که لازم است مولفه‌های جدیدی گنجانده شود. عمده نظرات پیرامون این بود که در خصوص زنجیره تأمین و ارزش، بایستی بازنگری صورت گیرد و سنجه‌های مربوط به شبکه فروش و ارزش هم لحاظ شود. با توجه به اهمیت مدیریت خسارت در شرکت‌های بیمه مصاحبه‌شوندگان خواستار گنجاندن این مؤلفه بودند. همچنین، بحث مدیریت قراردادها نیز در مصاحبه‌ها مورد تأکید قرار گرفت. در خصوص مولفه‌های دیگر، مصاحبه‌شوندگان به‌طور کلی معتقد بودند عناصر کلیدی دیده شده و به نحوی شرکت‌ها می‌توانند فعالیت‌های پایداری خود را در سنجه‌های مربوطه قرار دهند. با این حال سنجه‌های محدودی در حوزه بیمه پایدار، سلامت سازمانی و پاسخگویی و مدیریت توانگری و ریسک اضافه شد. همچنین، اصلاحاتی در نحوه نگارش مؤلفه‌ها مطابق با نظرات خبرگان انجام شد. از سویی، مولفه‌های پایداری نسبت به الگوی محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰) در سه دسته کلی زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری قرار گرفتند. به‌طور کلی، یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان صنعت بیمه بیانگر این بود که عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری سه مؤلفه اصلی گزارش پایداری در صنعت است که می‌تواند به‌عنوان مولفه‌های پایداری نیز یاد شود. در جدول ۲، الگو و مولفه‌های گزارشگری پایداری صنعت بیمه نشان داده شده است.

جدول ۲. چارچوب گزارشگری پایداری صنعت بیمه ایران (الگوی تعدیل شده محمودخانی و همکاران ۱۴۰۰)

بعد زیست محیطی		بعد اجتماعی		بعد راهبری	
الگوی محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰)	الگوی تعدیل شده	الگوی محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰)	الگوی تعدیل شده	الگوی محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰)	الگوی تعدیل شده
اقدامات زیست محیطی (۳ سنجه)	اقدامات زیست محیطی (۳ سنجه)	آموزش و توسعه (۶ سنجه)	آموزش و توسعه (۶ سنجه)	کلیات (۶ سنجه)	کلیات (۶ سنجه)
تغییر اقلیم (۴ سنجه)	تغییر اقلیم (۱۲ سنجه)	سلامت و رفاه (۳ سنجه)	سلامت و رفاه (۳ سنجه)	سلامت سازمانی و پاسخگویی (۱۰ سنجه)	سلامت سازمانی و پاسخگویی (۱۱ سنجه)
		تنوع، شمول اجتماعی و فرصت های عادلانه (۹ سنجه)	تنوع، شمول اجتماعی و فرصت های عادلانه (۹ سنجه)	ساختار رهبری (۴ سنجه)	ساختار رهبری (۴ سنجه)
		کارکنان (۱۱ سنجه)	کارکنان (۱۱ سنجه)	سرمایه گذاری پایدار (۵ سنجه)	سرمایه گذاری پایدار (۸ سنجه)
		مشتریان (۴ سنجه)	مشتریان (۵ سنجه)	زنجیره تأمین و ارزش (۲ سنجه)	زنجیره تأمین و ارزش (۹ سنجه)
		فعالیت های شهروندشهرکی (۳ سنجه)	فعالیت های شهروندشهرکی (۳ سنجه)	بیمه پایدار (۳ سنجه)	بیمه پایدار (۵ سنجه)
		فعالیت های شهروندشهرکی (۳ سنجه)	فناوری اطلاعات (۲ سنجه)	فناوری اطلاعات (۲ سنجه)	فناوری اطلاعات (۲ سنجه)
			-	مدیریت حقوقی (۵ سنجه)	مدیریت حقوقی (۵ سنجه)
			مدیریت تطبیق (۶ سنجه)	مدیریت تطبیق (۶ سنجه)	مدیریت تطبیق (۶ سنجه)
			مدیریت توانگری و ریسک (۲ سنجه)	مدیریت توانگری و ریسک (۶ سنجه)	مدیریت توانگری و ریسک (۶ سنجه)
			-	مدیریت خسارت (۹ سنجه)	مدیریت خسارت (۹ سنجه)
۷ سنجه	۱۵ سنجه	۳۶ سنجه	۳۷ سنجه	۴۰ سنجه	۷۱ سنجه

## تحلیل محتوای گزارش فعالیت هیئت مدیره

همان طور که پیش تر ذکر شد برای بررسی میزان افشای مولفه های پایداری در صنعت بیمه، گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت های بیمه عضو بورس و اوراق بهادار و فرابورس ایران تحلیل محتوا شد. در جدول ۳ شاخص های افشا شده در گزارش های پایداری بیان شده است.

جدول ۳. شاخص های پایداری افشا شده در گزارش فعالیت هیئت مدیره

تعداد شرکت	نسبت از ۲۰۵۱	تعداد کد	سنجه	مؤلفه	بعد
۲۰	٪۱/۱۷	۲۴	پیام مدیرعامل یا هیئت مدیره	کلیات	راهبری
۲۶	٪۲/۲۴	۴۶	معرفی شرکت و شرح انواع فعالیت های بیمه ای آن		
۲۶	٪۲/۸۳	۵۸	خلاصه از وضعیت حساب ها و صورت های مالی (عملکرد مالی)		
	٪۶/۲۴	۱۲۸	جمع مؤلفه کلیات		
۳	٪۰/۱۵	۳	تدوین منشور اخلاقی	پاسخگویی و سلامت سازمانی	
۲۰	٪۱/۸۲	۲۷	راهبردها و اهداف کلی، چشم انداز و مأموریت ها		
۵	٪۰/۲۴	۵	بررسی عملکرد شرکت		
۱۴	٪۰/۸۸	۱۸	رعایت اصول حاکمیت شرکتی		
۶	٪۰/۲۹	۶	تعامل با ذینفعان و اخذ رضایت آنان		
۹	٪۰/۵۹	۱۲	پیش بینی و مقایسه بودجه پیش بینی شده با انحرافات	ساختار رهبری	
	٪۳/۴۶	۷۱	جمع مؤلفه پاسخگویی و سلامت سازمانی		
۲۶	٪۴/۷۸	۹۸	شرح اطلاعات مربوط ساختار سازمانی و راهبری و اعضای هیئت مدیره و کمیته های راهبری شرکت		
۶	٪۰/۳۴	۷	نحوه تعیین حقوق و مزایای مدیرعامل و مدیران اجرایی	سرمایه گذار پایدار	
	٪۵/۱۲	۱۰۵	جمع مؤلفه ساختار رهبری		
۱	٪۰/۰۵	۱	شرح سرمایه گذاری های پایدار صورت گرفته توسط شرکت		
۲۶	٪۷/۱۷	۱۴۷	شرح اطلاعات کلیدی مربوط به سهامداران و سرمایه گذاران	زنجیره تأمین و ارزش	
	٪۷/۲۲	۱۴۸	جمع مؤلفه سرمایه گذاری پایدار		
۱۵	٪۲/۴۴	۵۰	بررسی و نظارت عملکرد و کیفیت خدمات شبکه فروش		
۱۸	٪۲/۳۴	۴۸	شرح تبلیغات و بازاریابی انجام شده (مثل برگزاری نمایشگاه ها)	ارزش	
۳	٪۰/۱۵	۳	شرح فعالیت های مربوط به خدمات پس از فروش		
۲۴	٪۵/۲۲	۱۰۷	تعداد و پراکندگی شبکه فروش و تأسیس آن (شعب و نمایندگی)		
۹	٪۰/۶۳	۱۳	همکاری با استارت آپ ها در مورد فروش محصولات بیمه و گسترش کانال های فروش		

تعداد شرکت	نسبت از ۲۰۵۱	تعداد کد	سنتجه	مؤلفه	بعد
۱۷	٪۲/۳۹	۴۹	ذکر اقدامات و اصلاحات زیرساختی در شبکه فروش		
	٪۱۳/۱۶	۲۷۰	جمع مؤلفه زنجیره تأمین و ارزش		
۲۳	٪۲/۸۸	۵۹	شرح انواع خدمات و محصولات بیمه‌ای شرکت		
۲۵	٪۵/۷۵	۱۱۸	اطلاعات عملکرد بیمه (حق بیمه و تعداد بیمه‌نامه و...) و جایگاه و سهم بازاری شرکت در صنعت	بیمه پایدار	
۲۴	٪۳/۱۷	۶۵	شرح انواع فعالیت شرکت در زمینه پوشش‌های اتکایی تحصیل شده و واگذار شده		
	٪۱۱/۸۰	۲۴۲	جمع مؤلفه بیمه پایدار		
۲۴	٪۵/۸۰	۱۱۹	بکارگیری فناوری اطلاعات در شرکت و دیجیتالی سازی کسب و کار بیمه	فناوری اطلاعات	
۱۳	٪۰/۹۳	۱۹	امنیت اطلاعات و ارتقای امنیت شبکه و لایه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شرکت		
	٪۶/۷۳	۱۳۸	جمع مؤلفه فناوری اطلاعات		
۶	٪۰/۴۹	۱۰	جلوگیری از پرداخت خسارت‌های تقلبی و ساختگی با طرح دعاوی	مدیریت حقوقی	
۷	٪۰/۸۳	۱۵	شرح اقدامات شرکت در خصوص واحد حقوقی و دعاوی حقوق رخ داده		
	٪۱/۲۲	۲۵	جمع مؤلفه مدیریت حقوقی		
۲	٪۰/۱۰	۲	شرح وضعیت مالیاتی و مبالغ پرداختی بابت مالیات		
۱۲	٪۰/۹۳	۱۹	تعامل سازنده با دستگاه ناظر و نهادهای نظارتی (ارائه به‌موقع گزارش و رعایت الزامات و سایر همکاری‌ها)	مدیریت تطبیق	
۲۰	٪۱/۰۷	۲۲	شرح کلیاتی از آئین‌نامه‌ها و مقررات حاکم در صنعت بیمه و رعایت آن		
۲	٪۰/۱۵	۳	رقابت و تجارت منصفانه (عدم نرخ شکنی)		
۸	٪۰/۵۹	۱۲	مبارزه با تقلب و فساد و پول‌شویی و ارتقای سلامت اداری		
	٪۲/۸۳	۵۸	جمع مؤلفه مدیریت تطبیق		
۲۶	٪۴/۴۴	۹۱	تجزیه و تحلیل مدیریت توانگری و ریسک شرکت	مدیریت توانگری و ریسک	
۱۳	٪۲/۸۳	۵۶	شناسایی و شرح و مدیریت انواع ریسک‌های کسب و کار شرکت (شامل ریسک بیمه‌گری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک اعتبار و ریسک عملیاتی)		
	٪۷/۱۷	۱۴۷	جمع مؤلفه مدیریت توانگری و ریسک		
۲۵	٪۶/۰۵	۱۲۴	شرح آمار و نسبت‌های مالی کلیدی شرکت در زمینه خسارت (شامل نسبت خسارت، تعداد خسارات و خسارت پرداختی و غیره)	مدیریت خسارت	
۱۴	٪۱/۶۱	۳۳	اقدامات انجام شده در زمینه مدیریت و نظارت بر واحد خسارت و پرونده‌های خسارت		

تعداد شرکت	نسبت از ۲۰۵۱	تعداد کد	سنجه	مؤلفه	بعد
۴	٪۰/۵۴	۱۱	بکارگیری کارشناسان متخصص در خصوص پرونده‌های خسارت		
۱۵	٪۱/۴۶	۳۰	کیفیت خدمات رسیدگی به فرایند خسارات		
۶	٪۰/۳۴	۷	میزان برون‌سپاری ارزیابی خسارت		
۵	٪۰/۲۴	۵	توسعه جغرافیایی و تعداد مراکز ارزیابی و پرداخت خسارت		
	٪۱۰/۲۴	۲۱۰	جمع مؤلفه مدیریت خسارت		
	٪۷۵/۱۸	۱۵۴۲	-	جمع بعد راهبری	
۸	٪۰/۸۸	۱۸	مشارکت و حمایت از تحقیقات علمی		اجتماعی
۵	٪۰/۴۴	۹	اقدامات شرکت در جهت نگهداشت کارکنان و عدم جذب نیروی انسانی خیره توسط سایر شرکت‌ها		
۲۶	٪۵/۴۶	۱۱۲	شرح کلیه اقدامات آموزشی صورت گرفته در شرکت در زمینه‌های موضوعی مختلف	آموزش و توسعه	
۳	٪۰/۲۰	۴	فراهم کردن فرصت اشتغال برای اقشار مختلف جامعه		
۱۱	٪۰/۸۸	۱۶	شرح انواع مختلف همکاری با نهادهای انجمن‌ها و شرکت‌های داخلی و خارجی		
	٪۷/۷۵	۱۵۹	جمع مؤلفه آموزش و توسعه		
۷	٪۰/۵۴	۱۱	ارائه خدمات رفاهی به کارکنان (تعادل کار و زندگی)	سلامت و رفاه	
۱۰	٪۰/۶۳	۱۳	اقدامات انجام شده در جهت بهداشت و سلامت کارکنان و مشتریان		
	٪۱/۱۷	۲۴	جمع مؤلفه سلامت و رفاه		
۱۳	٪۰/۹۳	۱۹	تنوع جنسیتی در سطح نیروی انسانی	تنوع، شمول و فرصت‌های عادلانه	
۱	٪۰/۰۵	۱	شمول جابازان در بین کارکنان شرکت		
	٪۰/۹۸	۲۰	جمع مؤلفه تنوع و شمول و فرصت‌های عادلانه		
۲۶	٪۴/۰۰	۸۲	شرح اطلاعات نیروی انسانی و ترکیب آن (برحسب تحصیلات، سمت شغلی، نوع قرارداد و غیره)		کارکنان
۴	٪۰/۲۴	۵	نحوه ارتقا و توسعه شغلی کارکنان		
۱۴	٪۰/۸۸	۱۶	ارزیابی و ارتقای عملکرد و بهره‌وری کارکنان و مدیران		
۶	٪۰/۲۹	۶	سیستم حقوق و پاداش و مزایای کارکنان و افراد شرکت بر مبنای عملکرد		
۱۳	٪۰/۸۸	۱۸	شرح سیستم استخدامی و فرصت‌های شغلی موجود و کلیاتی در خصوص جذب افراد و نیروی متخصص برحسب شایسته‌سالاری		
۱	٪۰/۰۵	۱	فرهنگ کاری مسئولیت پذیر و تقسیم وظایف و اختیارات		
۳	٪۰/۱۵	۳	روند تغییر نیازها و ترکیب نیروی کار (جانشین پروری کارکنان)		



تعداد شرکت	نسبت از ۲۰۵۱	تعداد کد	سنجه	مؤلفه	بعد
۱۱	٪۰/۵۴	۱۱	تعامل با کارکنان و اخذ رضایت کارکنان		
	٪۶/۹۲	۱۴۲	جمع مؤلفه کارکنان		
۲۱	٪۴/۳۹	۹۰	اخذ بازخوردها از مشتریان و میزان رضایت آن‌ها	مشتریان	
۷	٪۰/۴۴	۹	کیفیت خدمات و محصولات ارائه شده		
۸	٪۰/۶۳	۱۳	طبقه‌بندی مشتریان و طرح‌های حفظ و جذب مشتریان بر اساس آن		
	٪۵/۴۶	۱۱۲	جمع مؤلفه مشتریان		
۱۲	٪۱/۴۱	۲۹	اقدامات خیرخواهانه و فعالیت شهروندشکنی	فعالیت شهروند شرکتی	
	٪۲۳/۷۰	۴۸۶	-	جمع بعد اجتماعی	
۴	٪۰/۲۴	۵	مجموعه اقدامات شرکت در راستای حفاظت از محیط‌زیست (حمایت از طرح‌های سبز)	اقدامات	زیست‌محیطی
۷	٪۰/۸۸	۱۸	مجموعه اقدامات شرکت در راستای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای	زیست‌محیطی	
	٪۱/۱۲	۲۳	جمع مؤلفه فعالیت زیست‌محیطی		
	٪۱/۱۲	۲۳	-	جمع بعد زیست‌محیطی	
-	٪۱۰۰	۲۰۵۱	-	-	جمع

یافته‌های حاصل از تحلیل گزارش فعالیت هیئت‌مدیره حاکی از این است که بعد راهبری شرکتی با ۱۵۴۲ کد (٪۷۵/۱۸)، دارای با اهمیت‌ترین بعد پایداری در بین شرکت‌های بیمه است. بعد اجتماعی با ۴۸۶ کد (٪۲۳/۷۰)، دارای اولویت دوم و بعد زیست‌محیطی دارای کمترین سطح افشا با ۲۳ کد (٪۱/۱۲)، است.

جدول ۴ رتبه شرکت‌ها در خصوص افشای مولفه‌های پایداری را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است شرکت‌های بیمه پاسارگاد، آسیا، معلم، ملت، رازی، البرز دارای بالاترین افشا در زمینه مولفه‌های پایداری هستند. لازم به ذکر است که این تحلیل بر اساس تعداد کدهای افشا شده است.

جدول ۴. رتبه شرکت‌های بیمه در زمینه مولفه‌های پایداری افشاشده در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره

رتبه	جمع تمام ابعاد	تعداد کد بعد زیست‌محیطی	تعداد کد بعد اجتماعی	تعداد کد بعد راهبردی	شرکت	ردیف
۱	۱۴۱	۷	۳۳	۱۰۱	پاسارگاد	۱
۲	۱۳۶	۰	۳۰	۱۰۶	آسیا	۲
۳	۱۳۰	۰	۴۱	۸۹	معلم	۳
۴	۱۰۸	۰	۲۶	۸۲	ملت	۴
۵	۹۵	۳	۲۳	۶۹	رازی	۵
۵	۹۵	۰	۱۸	۷۷	البرز	۶
۶	۹۱	۰	۱۲	۷۹	آرمان	۷
۷	۸۸	۰	۳۱	۵۷	دانا	۸
۸	۸۵	۰	۱۹	۶۶	نوبین	۹
۹	۸۲	۱	۱۲	۶۹	ما	۱۰
۱۰	۸۰	۰	۳۴	۴۶	تعاون	۱۱
۱۱	۷۸	۴	۱۵	۵۹	تجارت نو	۱۲
۱۲	۷۷	۰	۱۷	۶۰	دی	۱۳
۱۳	۷۵	۱	۲۴	۵۰	حافظ	۱۴
۱۳	۷۵	۰	۱۱	۶۴	سرمد	۱۵
۱۴	۷۱	۳	۱۶	۵۲	سینا	۱۶
۱۵	۶۷	۰	۱۱	۵۶	سامان	۱۷
۱۶	۶۴	۰	۲۲	۴۲	حکمت صبا	۱۸
۱۷	۶۲	۲	۹	۵۱	کارآفرین	۱۹
۱۸	۶۱	۲	۱۴	۴۵	خاورمیانه	۲۰
۱۸	۶۱	۰	۱۴	۴۷	امین	۲۱
۱۹	۵۵	۰	۶	۴۹	میهن	۲۲
۱۹	۵۵	۰	۱۱	۴۴	کوثر	۲۳
۲۰	۴۷	۰	۱۹	۲۸	پارسیان	۲۴
۲۱	۴۱	۰	۱۳	۲۸	باران	۲۵
۲۲	۳۱	۰	۵	۲۶	ایرانیان	۲۶
-	۲۰۵۱	۲۳	۴۸۶	۱۵۴۲	جمع	-

وضعیت شرکت‌های بیمه از نظر تعداد سنجه‌های افشا شده به شرح جدول ۵ است. به‌طور نمونه، در خصوص بعد راهبری در مولفه‌های گزارشگری پایداری صنعت بیمه ایران (جدول ۳) ۷۱ سنجه، بعد اجتماعی ۳۷ سنجه و بعد زیست‌محیطی ۱۵ سنجه، وجود داشته است. شرکت بیمه رازی بیشترین افشا را با افشای ۴۳ سنجه از مجموع ۱۲۳ سنجه گزارشگری پایداری صنعت بیمه، داشته است. هدف از این مقایسه بررسی وضعیت افشای نوع ابعاد پایداری نسبت به الگوی گزارشگری ارائه شده در این پژوهش است.

جدول ۵. وضعیت شرکت‌های بیمه در زمینه افشای مولفه‌های پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره نسبت به چارچوب گزارشگری پایداری صنعت بیمه

رتبه	۱-تعداد سنجه بعد راهبری در چارچوب گزارشگری پایداری: ۷۱		۲-تعداد سنجه بعد اجتماعی در چارچوب گزارشگری پایداری: ۳۷		۳-تعداد سنجه بعد زیست‌محیطی در چارچوب گزارشگری پایداری: ۱۵		تعداد کل (۳+۲+۱) سنجه‌های چارچوب گزارشگری پایداری: ۱۲۳		شرکت
	۴-وضعیت افشای بعد راهبری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		۵-وضعیت افشای بعد اجتماعی در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		۶-وضعیت افشای بعد زیست‌محیطی در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		وضعیت افشای ابعاد سه‌گانه (۴+۵+۶)		
	تعداد	درصد (از ۷۱)	تعداد	درصد (از ۳۷)	تعداد	درصد (از ۱۵)	تعداد	درصد (از ۱۲۳)	
۱	۲۹	۴۱	۱۲	۳۲	۲	۱۳	۴۳	۳۵	رازی
۲	۲۸	۳۹	۹	۲۴	۲	۱۳	۳۹	۳۲	پاسارگاد
۳	۲۳	۳۲	۱۳	۳۵	۰	۰	۳۶	۲۹	معلم
۴	۲۷	۳۸	۸	۲۲	۰	۰	۳۵	۲۸	ملت
۵	۲۲	۳۱	۱۱	۳۰	۱	۷	۳۴	۲۸	حافظ
۵	۲۴	۳۴	۱۰	۲۷	۰	۰	۳۴	۲۸	نوین
۶	۲۲	۳۱	۱۰	۲۷	۱	۷	۳۳	۲۷	سینا
۶	۲۳	۳۲	۹	۲۴	۱	۷	۳۳	۲۷	ما
۶	۲۴	۳۴	۷	۱۹	۲	۱۳	۳۳	۲۷	تجارت نو
۶	۲۵	۳۵	۸	۲۲	۰	۰	۳۳	۲۷	آسیا
۷	۲۳	۳۲	۹	۲۴	۰	۰	۳۲	۲۶	دی
۸	۲۲	۳۱	۸	۲۲	۱	۷	۳۱	۲۵	خاورمیانه

رتبه	۱- تعداد سنجه بعد راهبری در چارچوب گزارشگری پایداری: ۷۱		۲- تعداد سنجه بعد اجتماعی در چارچوب گزارشگری پایداری: ۳۷		۳- تعداد سنجه بعد زیست‌محیطی در چارچوب گزارشگری پایداری: ۱۵		تعداد کل (۳+۲+۱) سنجه‌های چارچوب گزارشگری پایداری: ۱۲۳		شرکت
	۴- وضعیت افشای بعد راهبری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		۵- وضعیت افشای بعد اجتماعی در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		۶- وضعیت افشای بعد زیست‌محیطی در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره		وضعیت افشای ابعاد سه‌گانه (۶+۵+۴)		
	تعداد	درصد (از ۷۱)	تعداد	درصد (از ۳۷)	تعداد	درصد (از ۱۵)	تعداد	درصد (از ۱۲۳)	
۸	۲۲	۳۱	۹	۲۴	۰	۰	۳۱	۲۵	دانا
۹	۲۰	۲۸	۱۰	۲۷	۰	۰	۳۰	۲۴	حکمت صبا
۹	۲۶	۳۷	۴	۱۱	۰	۰	۳۰	۲۴	آرمان
۱۰	۱۶	۲۳	۱۳	۳۵	۰	۰	۲۹	۲۴	تعاون
۱۱	۲۲	۳۱	۶	۱۶	۰	۰	۲۸	۲۳	البرز
۱۲	۲۲	۳۱	۵	۱۴	۰	۰	۲۷	۲۲	کوثر
۱۳	۱۷	۲۴	۹	۲۴	۰	۰	۲۶	۲۱	پارسیان
۱۳	۱۷	۲۴	۸	۲۲	۱	۷	۲۶	۲۱	کارآفرین
۱۳	۲۱	۳	۵	۱۴	۰	۰	۲۶	۲۱	سرمد
۱۴	۱۶	۲۳	۷	۱۹	۰	۰	۲۳	۱۹	سامان
۱۵	۱۸	۲۵	۴	۱۱	۰	۰	۲۲	۱۸	میهن
۱۶	۱۳	۱۸	۶	۱۶	۰	۰	۱۹	۱۵	باران
۱۶	۱۳	۱۸	۶	۱۶	۰	۰	۱۹	۱۵	امین
۱۷	۱۳	۱۸	۴	۱۱	۰	۰	۱۷	۱۴	ایرانیان

جدول ۶ وضعیت صنعت بیمه را در خصوص میزان بکارگیری ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که این تحلیل بر اساس تعداد کدهای افشا شده، بوده است. به عبارتی، یک سنجه ممکن است در یک گزارش یک مرتبه و در گزارش دیگر، به طور نمونه پنج مرتبه تکرار شده باشد. بنابراین، یافته‌های این جدول حاکی از فراوانی و میزان پرداخت به ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره است.

جدول ۶. وضعیت صنعت بیمه در خصوص میزان بکارگیری ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت مدیره

ردیف	شرح	تعداد شرکت
۱	تعداد شرکت‌های دارای ۱۰۰ کد و بالاتر	۴
۲	تعداد شرکت‌های دارای ۹۰ تا ۹۹ کد	۳
۳	تعداد شرکت‌های دارای ۸۰ تا ۸۹ کد	۴
۴	تعداد شرکت‌های دارای ۷۰ تا ۷۹ کد	۵
۵	تعداد شرکت‌های دارای ۶۰ تا ۶۹ کد	۵
۶	تعداد شرکت‌های دارای ۵۰ تا ۵۹ کد	۲
۷	تعداد شرکت‌های دارای ۴۰ تا ۴۹ کد	۲
۸	تعداد شرکت‌های دارای ۳۰ تا ۳۹ کد	۱
جمع	-	۲۶

تحلیل بر حسب کد صرفاً بیانگر فراوانی پرداخت به ابعاد پایداری است و تنوع مباحث پایداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین، در جدول ۷ وضعیت صنعت بیمه از نظر تعداد سنجه‌های افشا شده، بیان شده است. بر اساس این تحلیل، فقط یک شرکت در صنعت بیمه وجود دارد که ۴۳ سنجه از مجموع ۱۲۳ سنجه گزارشگری پایداری صنعت بیمه را در گزارش فعالیت هیئت مدیره، بکار گرفته است. نتایج بیانگر این است که شرکت‌های کمی در صنعت بیمه تمام ابعاد پایداری را در گزارش فعالیت هیئت مدیره خود منعکس می‌کنند.

جدول ۷. وضعیت صنعت بیمه در زمینه تعداد سنجه‌های پایداری افشاشده در گزارش فعالیت

هیئت مدیره

ردیف	شرح	تعداد شرکت
۱	تعداد شرکت‌های دارای افشاء ۴۳ سنجه	۱
۲	تعداد شرکت‌های دارای افشاء ۳۰ تا ۳۹ سنجه	۱۴
۳	تعداد شرکت‌های دارای افشاء ۲۰ تا ۲۹ سنجه	۸
۴	تعداد شرکت‌های دارای افشاء ۱۰ تا ۱۹ سنجه	۳
جمع	-	۲۶

### تفاوت در افشای مولفه‌های پایداری

این قسمت در پی پاسخ به این سؤال است که آیا بین افشای مولفه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در بین شرکت‌های بیمه تفاوت معنی‌دار وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال از آزمون کای دو استفاده شد تا مشخص شود که چه میزان، فراوانی مشاهده شده با فراوانی مورد انتظار، فاصله دارد. ۲۶ شرکت و ۳ بعد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری وجود داشته است. بنابراین، درجه آزادی به صورت زیر محاسبه می‌گردد. طبق جدول ۸، مقدار جدول کای دو با درجه آزادی ۵۰ و سطح خطای ۵ درصد برابر با ۶۷/۵ است. در نتیجه کای دو محاسبه شده از کای دو جدول بیشتر است و بین افشای ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در سطح شرکت‌ها تفاوت معنادار وجود دارد. حتی در سطح خطای ۱ درصد نیز این نتیجه برقرار است. در محاسبات دو به دو نیز نتایج برقرار بود. در جدول ۸ شاخص کای دو و سطح معناداری بیان شده است. نتایج این بخش حاکی از متفاوت بودن سطح اهمیت مولفه‌های پایداری در بین شرکت‌های بیمه دارد.

جدول ۸. آماره کای دو برحسب ابعاد سه‌گانه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و شرکت‌ها

شرح	راهبری و زیست‌محیطی	راهبری و اجتماعی	اجتماعی و زیست‌محیطی	راهبری، اجتماعی و زیست‌محیطی
کای دو محاسباتی	۵۸/۸۹	۶۷/۳۸۴	۵۹/۷۵۷	۱۲۸/۵۳۴
درجه آزادی	۲۵	۲۵	۲۵	۵۰
سطح معناداری در سطح خطای ۵ درصد	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کای دو جدول سطح خطای ۵ درصد	۳۷/۶۵	۳۷/۶۵	۳۷/۶۵	۶۷/۵
کای دو جدول سطح خطای ۱ درصد	۴۴/۳۱	۴۴/۳۱	۴۴/۳۱	۷۶/۱۵
کل	۱۵۶۵	۲۰۲۸	۵۰۹	۲۰۵۱

لازم به ذکر است که بخشی از نتایج جدول ۸، به متفاوت بودن تعداد سنجه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در چارچوب نهایی گزارش پایداری برمی‌گردد. با این حال، این نکته حائز اهمیت است که با وجود کم بودن سنجه‌های بعد زیست‌محیطی نسبت به بعد راهبری و اجتماعی، مصادیق برخی سنجه‌های پایداری نسبت به سایر سنجه‌ها بیشتر می‌تواند باشد. به نحوی که در گزارش پایداری

و گزارش سالانه شرکت‌های بیمه خارجی (مانند آلیانز، مونیخ ری و...) تعداد زیادی از صفحات گزارش به فعالیت‌های شرکت در زمینه کاهش آلودگی و الگوی بهینه مصرف اختصاص دارد و افشائات زیادی در خصوص تغییر اقلیم صورت می‌پذیرد. به عبارتی، همیشه نمی‌توان گفت تعداد بالای سنجه می‌تواند به تعداد بالای افشای ابعاد پایداری منتهی شود، اگرچه بی‌تأثیر نیست. برخی سنجه‌ها به علت اهمیت آن با بیشترین مصادیق افشا می‌شود. همین امر باعث شده است که این پژوهش در پی بررسی تفاوت میزان افشای مولفه‌های سه‌گانه پایداری با یک الگوی استاندارد باشند. البته چارچوب مورد استفاده جهت بررسی معنی‌دار بودن تفاوت افشا در پژوهش‌های مختلف (مانند فراست و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسپالتز، ۲۰۱۱) متفاوت بوده است. در این پژوهش از چارچوب بومی شده محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰) برای تحلیل‌های مقایسه‌ای استفاده شد. جدول ۹ تحلیل‌های اضافی و حساسیت نتایج نسبت به تعداد ابعاد را نشان می‌دهد. به‌طور میانگین، میزان افشای بعد راهبری به ازای هر سنجه ۲۱/۷۱ و برای بعد اجتماعی ۱۳/۱۳ بوده است، درحالی‌که این نسبت برای بعد زیست‌محیطی ۱/۵۳ است.

جدول ۹. مقایسه میزان افشای ابعاد پایداری از جنبه تعداد کد و سنجه

شرح	بعد راهبری	بعد اجتماعی	بعد زیست‌محیطی	جمع
تعداد سنجه	۷۱ سنجه	۳۷ سنجه	۱۵ سنجه	۱۲۳
تعداد کد	۱۵۴۲ کد	۴۸۶ کد	۲۳ کد	۲۰۵۱
نسبت کد (تعداد کد تقسیم بر ۲۰۵۱)	۷۵/۱۸٪	۲۳/۷۰٪	۱/۱۲٪	۱۰۰٪
نسبت کد به تعداد سنجه	۲۱/۷۱	۱۳/۱۳	۱/۵۳	۱۶/۶۷

### بررسی میزان افشای ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره

در جدول ۱۰ میزان بکارگیری ابعاد و مولفه‌های گزارشگری پایداری توسط شرکت‌های بیمه در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره بررسی شده است. مثلاً در خصوص مؤلفه سلامت سازمانی و پاسخگویی (جدول ۲)، ۱۱ سنجه وجود داشت. در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره ۶ سنجه آن برای حداقل یک مرتبه و توسط حداقل یک شرکت بیمه، افشاء شده است.

جدول ۱۰. مقایسه میزان افشای ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره در مقایسه با ابعاد چارچوب گزارشگری پایداری صنعت بیمه

نسبت افشا	تعداد سنجه افشاشده در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره	تعداد سنجه گزارشگری پایداری	ابعاد و مولفه‌های گزارشگری پایداری در صنعت بیمه
راهبری			
۰/۵	۳	۶	کلیات
۰/۵۵	۶	۱۱	سلامت سازمانی و پاسخگویی
۰/۵	۲	۴	ساختار رهبری
۰/۲۵	۲	۸	سرمایه‌گذاری پایدار
۰/۶۷	۶	۹	زنجیره تأمین و ارزش
۰/۶	۳	۵	بیمه پایدار
۱	۲	۲	فناوری اطلاعات
۰/۴	۲	۵	مدیریت حقوقی
۰/۸۳	۵	۶	مدیریت تطبیق
۰/۳۳	۲	۶	مدیریت توانگری و ریسک
۰/۶۷	۶	۹	مدیریت خسارت
۰/۵۵	۳۹	۷۱	بعد راهبری
بعد اجتماعی			
۰/۸۳	۵	۶	آموزش و توسعه
۰/۶۷	۲	۳	سلامت و رفاه
۰/۲۲	۲	۹	تنوع، شمول اجتماعی و فرصت‌های عادلانه
۰/۷۳	۸	۱۱	کارکنان
۰/۶	۳	۵	مشتریان
۰/۳۳	۱	۳	فعالیت‌های شهروندشکرکتی
۰/۵۷	۲۱	۳۷	بعد اجتماعی
بعد زیست‌محیطی			
۰/۶۷	۲	۳	اقدامات زیست‌محیطی
۰	۰	۱۲	تغییر اقلیم
۰/۱۳	۲	۱۵	بعد زیست‌محیطی
ابعاد راهبری، اجتماعی و زیست‌محیطی			
۰/۵۰۴	۶۲	۱۲۳	جمع ابعاد پایداری



همان‌طور که مشاهده می‌شود از ۱۲۳ سنجه مؤلفه گزارشگری پایداری (جدول ۲)، ۶۲ سنجه (۰/۵۰۴) برای حداقل یک مرتبه در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره توسط یک شرکت بیمه افشا شده و در خصوص ۶۱ سنجه (۰/۴۹۶)، هیچ افشایی صورت نگرفته است. از جمله شاخص‌های افشا نشده گزارش فعالیت هیئت‌مدیره مربوط به شرح ذینفعان شرکت، نقشه اهمیت پایداری، اطمینان بخشی گزارش‌های غیرمالی، شرح کمیته‌های مرتبط با توسعه پایدار، استراتژی‌های بازاریابی، رویکرد شرکت در خصوص بیمه پایدار، افشای ابزار مشتقه، شمول و تنوع مشتریان، تأمین‌کنندگان و تغییر اقلیم است. بنابراین، نتایج این پژوهش بیانگر این است که شرکت‌ها بر افشای ابعاد زیست‌محیطی اهمیت زیادی قائل نیستند و بیشترین تأکید را بر افشای ابعاد راهبری دارند.

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت افشای مولفه‌های پایداری در ابعاد سه‌گانه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری است. در این پژوهش از مولفه‌های شناسایی شده در پژوهش محمودخانی و همکاران (۱۴۰۰) استفاده شد. سپس، مولفه‌ها با مطالعه رهنمودها و استانداردها تکمیل و بر اساس نظرات خبرگان تعدیل شد. در نهایت، میزان افشای ابعاد پایداری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره بررسی شد.

نتایج نشان داد که بین افشای مولفه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و پایداری در سطح شرکت‌ها تفاوت معنادار وجود دارد. یافته‌ها بیانگر این بود که در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره بیشترین افشا به ترتیب مربوط به ابعاد راهبری، اجتماعی و زیست‌محیطی بوده است. یک دلیل اینکه سطح افشای بعد راهبری بالا بوده است به آیین‌نامه حاکمیت شرکتی در مؤسسات بیمه برمی‌گردد که شرکت‌های بیمه آن را اجرایی می‌کنند. باین، یک پیشنهاد پژوهشی برای محققان آتی بررسی تأثیر و اثرگذار بودن آیین‌نامه حاکمیت شرکتی و سایر آیین‌نامه‌ها بر میزان افشای ابعاد پایداری در قالب مطالعات کمی و کیفی است.

در این پژوهش این یافته حاصل شد که بیشترین افشا به ترتیب مربوط به ابعاد راهبری، اجتماعی و زیست‌محیطی است. این یافته در تطابق با پژوهش اسپالتز (۲۰۱۱)، هوو و همکاران (۲۰۱۸) و در

تضاد با پژوهش فخاری و همکاران (۱۳۹۶) است. نتایج پژوهش اسپالتر (۲۰۱۱) حاکی از آن داشت که جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبت به جنبه‌های زیست‌محیطی در فعالیت‌های تجاری بیمه‌گران بهتر منعکس است. هوو و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که «شیوه‌های مدیریتی» مهمترین مولفه و پس از آن «شیوه‌های اجتماعی» و «شیوه‌های زیست‌محیطی» دارای اهمیت است. فخاری و همکاران (۱۳۹۶) مدلی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تبیین نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که افشای ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و راهبری شرکتی به ترتیب در مدل دارای بیشترین امتیاز هستند. از این رو، نتایج پژوهش فخاری و همکاران (۱۳۹۶) با یافته‌های این پژوهش متفاوت است. دلیل این امر به این موضوع برمی‌گردد که این پژوهش با تأکید بر صنعت بیمه بوده است و پژوهش فخاری و همکاران (۱۳۹۶) در بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بوده است. ضمن اینکه، در این پژوهش از الگوی پیشنهادی بومی شده استفاده شد. از این رو، نتایج این پژوهش تأثیر نوع صنعت بر افشای ابعاد پایداری را روشن می‌سازد.

در تحلیل محتوای گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌های بیمه ایرانی برخی توصیف‌ها از شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری هم از جنبه کمیت و هم کیفیت افشاء متفاوت با افشائات انجام شده در گزارش‌های پایداری شرکت‌های بیمه خارجی است. دلیل این امر می‌تواند متأثر از تفاوت بلوغ گزارشگری پایداری، فقدان چارچوب و رهنمود و نیز مسائل فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نیز کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی شرکت‌ها باشد. چارچوبی که این مقاله برای گزارشگری تدوین کرده است می‌تواند یک خلا بزرگ را پر کند و به بهبود افشای گزارشگری پایداری در صنعت بیمه کمک کند. با این حال در این پژوهش کیفیت، خوانایی، چسبندگی و شکل افشای مولفه‌های پایداری در صنعت بیمه بررسی نشده است و این امر می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده باشد.

با استفاده از الگوی پایداری ارائه شده در این پژوهش، می‌توان مجموعه الزامات منتشر شده توسط رهنمودهای مختلف پایداری (مانند سرمایه‌گذاری مسئولانه، افشای اقلیم و...) را در قالب گزارشگری پایداری رعایت نمود و افشائات خاص صنعت بیمه را به نحو مطلوبی داشت. ابعاد سه‌گانه پایداری می‌تواند نیازهای اطلاعاتی ذینفعان مختلف صنعت بیمه را برآورده سازد. طبق نتایج این پژوهش

افشای مولفه‌های زیست‌محیطی کمترین سطح افشا را در بین شرکت‌های بیمه داشته است و در خصوص مولفه‌های تغییر اقلیم هیچ افشایی صورت نگرفته بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش تغییر اقلیم در صنعت بیمه ایران مورد بررسی عمیق قرار گیرد. همچنین، با عنایت به توجه روزافزون به مسئله تغییر اقلیم در سطح جهان لازم است که شرکت‌های بیمه به این موضوع البته، با در نظر گرفتن مسائل خاص ایران، توجه بیشتری کنند. سایر محققان می‌توانند با توجه به شرایط خاص محیط ایران به لحاظ تغییر اقلیم بررسی نمایند که چه ضوابط و افشائاتی باید توسط شرکت‌های بیمه مورد توجه قرار گیرد. همچنین، امکان‌سنجی افشای تغییر اقلیم و استراتژی‌های راهبردی برای ترویج و توسعه آن نیز مورد توجه واقع شود. شناسایی عواملی که موجب تفاوت در کمیت و کیفیت گزارش پایداری در شرکت‌های بیمه ایرانی است موضوع دیگری است که برای پژوهش‌های بعدی توصیه می‌شود. این نوع مطالعه می‌تواند در خصوص سایر صنایع نیز انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود تحلیل محتوای گزارش فعالیت هیئت‌مدیره به لحاظ افشای اطلاعات پایداری برای سایر صنایع کشور نیز تهیه شود و تفاوت افشای مولفه‌های پایداری صنایع دیگر با این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

#### ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با حمایت و مادی و معنوی پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

## منابع

- بابائی، فاطمه؛ رحمانی، علی؛ همایون، سعید و امین، وحید. (۱۴۰۰). رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲ (۳)، ۱-۲۷.
- بخردی نسب، وحید و ژولانژاد، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر ارزش ویژه نام و نشان تجاری. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰ (۴)، ۲۷-۷۲.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *مجله علوم اجتماعی*، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
- حجازی، رضوان و رجب‌دری، حسین. (۱۳۹۹). رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و دقت پیش‌بینی مدیران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰ (۴)، ۷۳-۹۲.
- حسینی، محسن. (۱۳۹۹). اثر مسئولیت اجتماعی راهبردی بر عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰ (۴)، ۱-۲۶.
- حیاتی، نهاله؛ حجازی، رضوان؛ حسینی، سید علی؛ باستانی، سوسن. (۱۳۹۷). استخراج مولفه‌های زیست‌محیطی از گزارشات فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷ (۴)، ۴۳-۷۰.
- رحمانی، علی؛ محمودخانی، مهناز. (۱۴۰۰). ضرورت تهیه و اطمینان بخشی گزارش‌های پایداری: دیدگاه حساب‌رسان و خبرگان صنعت بیمه. *فصلنامه پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۲ (۵)، ۱۲۸-۱۵۶.
- رحمانی، علی؛ محمودخانی، مهناز؛ همایون، سعید؛ نیاکان، لیلی. (۱۴۰۱). بررسی استانداردها، رهنمودها و وضعیت انتشار گزارش‌گرایی پایداری در صنعت بیمه. *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه بیمه*، ۳۷ (۲).
- فخاری، حسین؛ ملکیان، اسفندیار و جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارش‌گرایی زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *نشریه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲ (۴)، ۱۵۳-۱۸۷.
- کاشانی پور، محمد؛ جندگی، غلامرضا و رحمانی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین کیفیت گزارش‌گرایی مالی با افشا اطلاعات پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸ (۱)، ۱۱-۳۱.

محمودخانی، مهناز؛ رحمانی، علی؛ همایون سعید و نیاکان، لیلی. (۱۴۰۰). شناسایی مولفه‌های گزارشگری پایداری در صنعت بیمه. *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۶(۱۱)، ۱۸۷-۲۱۶.

مصطفایی، پرستو و حسینی، سید علی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کیفی گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با تأکید بر ذینفعان اجتماعی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳)، ۶۱-۸۰.

ملکیان، اسفندیار؛ فخاری، حسین و جفایی، منیر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی. *فصلنامه دانش حسابداری*، پیاپی ۳۷ (تابستان ۱۳۹۸)، ۷۷-۱۱۲.

## References

- Al Hawaj, A. Y., & Buallay, A. M. (2022). A worldwide sectorial analysis of sustainability reporting and its impact on firm performance. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 12(1), 62-86.
- Arruda, P. (2018). The P&C Insurance Industry's Role in Sustainable Development and Commerce.
- Babaei, F., Rahmani, A., Homayoun, S., Amin, V. (2021). The Relationship between Corporate Sustainability Performance and Firm Value: Emphasizing the Role of Disclosure Score and Firm Size. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3), 1-27. (In Persian).
- Bacani, B., McDaniels, J., & Robins, N. (2015). Insurance 2030: Harnessing insurance for sustainable development. Geneva: International Environment House.
- Bekhradi Nasab, V., Zholanezhad, F. (2020). The Role of value Moderator of the Brand Name on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 27-72. (In Persian).
- Eccles, R., Krzus, M., Rogers, J. & Serafeim, G. (2012). The need for sector specific materiality and sustainability standards. *Journal of Applied Corporate Finance*, 24 (2), 8-14.
- Fakhari, H., Malekian, E., & Jafaei Rahni, M. (2018). Explaining and Ranking of the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by Analytic Hierarchy Process in the companies listed in Stock Exchange. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2 (4), 153-187. (In Persian).
- Frost, G., Jones, S., Loftus, J., & Van Der Laan, S. (2005). A survey of sustainability reporting practices of Australian reporting entities. *Australian Accounting Review*, 15(35), 89-96.
- Gao, S. S., Heravi, S., & Xiao, J. Z. (2005). Determinants of corporate social and environmental reporting in Hong Kong: a research note. *In Accounting Forum*, 29(2), 233-242.

- Garz, H., Kudsus, V., & Volk, C. (2004). Insurance and sustainability: playing with fire. WestLB AG, London.
- Gray, R., & Milne, M. (2002). Sustainability reporting: who's kidding whom? *Chartered Accountants Journal of New Zealand*, 81(6), 66-70.
- Hassani, M. (2020). The effect of Social Responsibility on Financial Performance and Earning Response Coefficient. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 1-26. (In Persian).
- Hayati, N., Hejazi, R., Hosseini, S., Bastani, S. (2018). Extraction of Environmental Indicators from the Board of Directors' Report, Using Qualitative Content Analysis. *Empirical Research in Accounting*, 8(2), 43-70. (In Persian).
- Hejazi, R., Rajabdorri, H. (2020). The Relationship between Disclosure of Social Responsibility Information and accuracy of managers Forecast. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(4), 73-92. (In Persian).
- Ho, C. C., Huang, C., & Ou, C. Y. (2018). Analysis of the factors influencing sustainable development in the insurance industry. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(4), 391-410.
- Ireton, K., Valido, V., & Ramirez, L. (2017). Sustainability Reporting in the Financial Sector: A Governmental Approach.
- Kashanipour, M., Jandaghi, G., Rahmani, M. (2018). Financial Reporting Quality and Sustainability Information Disclosure. *Empirical Research in Accounting*, 8(3), 11-31. (In Persian).
- KPMG. (2016). corporate responsibility reporting in the insurance sector. <https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/xx/pdf/2016/08/corporate-responsibility-insurance-sector.pdf>.
- KPMG. (2020). the time has come: The KPMG Survey of Sustainability Reporting 2020, <https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/be/pdf/2020/12/The-Time-Has-Come-KPMG-Survey-of-Sustai>.
- Mahmoudkhani, M., Rahmani, A., Homayoun, S., & Niakan L. (2021). Identify the components of sustainability reporting in the insurance industry. *Journal of Value & Behavioral Accounting*. 2021, 6 (11), 187-216. (In Persian).
- Malekian, E., Fakhari, H., Jafaei Rahni, M. (2019). Impact of Board of Directors' Characteristics on Environmental, Social, and Corporate Governance Reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 10(2), 77-112. (In Persian).
- McDaniels, J., Robins, N., & Bacani, B. (2017). Sustainable Insurance: The Emerging Agenda for Supervisors and Regulators. <https://wedocs.unep.org/handle/20.500.11822/21609?show=full>.
- Mostafaei, P., Hosseini, S. (2021). Qualitative Content Analysis of Corporate Social Responsibility Reports with Emphasis on Social Stakeholders. *Empirical Research in Accounting*, 11(3), 79-112. (In Persian).

- Nwobu, O. A., Owolabi, A. A., & Iyoha, F. O. (2017). Sustainability reporting in financial institutions: a study of the Nigerian banking sector. *Journal of Internet Banking and Commerce*, 22(S8), 1-15.
- Obalola, M. (2008). Beyond philanthropy: corporate social responsibility in the Nigerian insurance industry. *Social Responsibility Journal*, 4(4), 538-548.
- Rahmani, A., Mahmoudkhani, M. (2022). The necessity of preparing and assuring sustainability reports: The views of insurance industry experts and auditors. *Journal of Professional Auditing Research*, 2(5), 128-156. (In Persian).
- Rahmani, A., Mahmoudkhani, M., Homayoun, S., & Niakan, L. (2022). Review of the standards, guidelines and publishing status of sustainability reporting in the insurance industry. *Iranian Journal of Insurance Research*, 37(2), (In Persian).
- Reuters, T. (2019). Environmental, social and governance (ESG) scores from Refinitiv. Refinitiv <https://www.refinitiv.com>
- Scholtens, B. (2011). Corporate social responsibility in the international insurance industry. *Sustainable Development*, 19(2), 143-156.
- Shad, M. K., Lai, F. W., Fatt, C. L., Klemeš, J. J., & Bokhari, A. (2019). Integrating sustainability reporting into enterprise risk management and its relationship with business performance: A conceptual framework. *Journal of cleaner production*, 208, 415-425.
- Sweeney, L., & Coughlan, J. (2008). Do different industries report corporate social responsibility differently? An investigation through the lens of stakeholder theory. *Journal of Marketing Communications*, 14(2), 113-124.
- Tabrizi, M. (2014). Qualitative content analysis: deductive and inductive approaches. *Journal of Social Sciences*, 64, 105-138. (In Persian).
- UNEP Finance Initiative (2009). The global state of sustainable insurance: Understanding and integrating environmental, social and governance factors in insurance. Retrieved from [http://www.unepfi.org/fileadmin/documents/globalstate-of-sustainable-insurance\\_01.pdf](http://www.unepfi.org/fileadmin/documents/globalstate-of-sustainable-insurance_01.pdf)
- Wu, S., Shao, C., & Chen, J. (2018). Approaches on the Screening Methods for Materiality in Sustainability Reporting. *Journal of Sustainability*, 10(9), 3233.

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



## اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین محدودیت مالی با بازده سهام و سرمایه‌گذاری جدید<sup>۱</sup>

محمد علی آقایی<sup>۲</sup>، محمد امیری اسرمی<sup>۳</sup>، الهام ملک‌زاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

مقاله پژوهشی

### چکیده

**هدف:** در حوزه مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند بر متغیرها و پدیده‌های متنوعی تأثیر بگذارد. در این پژوهش، اثر آن بر رابطه بین محدودیت‌های مالی با بازده سهام و سرمایه‌گذاری‌های جدید بررسی شده است.

**روش:** با استفاده از روش نمونه‌گیری غربالگری منظم، ۱۴۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، انتخاب شدند و با کمک الگوی رگرسیون چندگانه با اثرات ثابت، فرضیه‌ها آزمون شدند.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، با افزایش بازده سهام و با سرمایه‌گذاری جدید همبستگی دارد. کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه منفی بین محدودیت‌های مالی و بازده سهام را ضعیف می‌کند، اما با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه مثبت بین محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری جدید تقویت می‌شود.

**نتایج:** بازار سرمایه به کیفیت حسابداری واکنش مثبت نشان می‌دهد و بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری موجب افزایش بازده سهام و سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌شود. افزایش محدودیت‌های مالی، کاهش معنی‌دار در بازده سهام را به دنبال دارد. بنابراین، کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی بین محدودیت‌های مالی و بازده سهام را تضعیف می‌کند. محدودیت‌های مالی با سرمایه‌گذاری‌های جدید رابطه مثبت، اما غیرمعنادار دارد و با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت بین محدودیت‌های مالی با سرمایه‌گذاری جدید، تقویت می‌شود.

**دانش‌افزایی:** کیفیت اطلاعات حسابداری اثر منفی محدودیت‌های مالی بر بازده سهام را کاهش می‌دهد. محدودیت‌های مالی با سرمایه‌گذاری جدید رابطه‌ای ندارد، اما افزایش در کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه مثبت بین محدودیت‌های مالی و بازده سهام تقویت می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت اطلاعات حسابداری، محدودیت‌های مالی، بازده سهام، سرمایه‌گذاری جدید.

طبقه‌بندی موضوعی: G32, E22, G14

DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39025.1679

۱. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (aghaeim@modares.ac.ir).

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (m.amriasrami@semnan.ac.ir).

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (e.malekzadeh61@gmail.com).

jaacsi.alzahra.ac.ir



## مقدمه

در شرکت‌های دارای حسابداری با کیفیت بالاتر، شفافیت مالی بیشتر است و حساسیت آن‌ها نسبت به نارسایی‌های بازار منابع مالی کاهش می‌یابد (بهارات، ساندر و ساندر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ ۴). در مقابل، در شرکت‌های دارای حسابداری با کیفیت پایین‌تر، به تامین مالی برون سازمانی دسترسی کمتری دارند، این شرکت‌ها به تغییرات سود خالص و ارزش خالص حساس‌تر می‌باشند. از سوی دیگر، نرخ بهره بالاتر، هزینه بهره را افزایش و سود خالص را کاهش می‌دهد؛ متعاقباً در این شرایط جریان‌های نقد مورد انتظار آنها با نرخ بالاتری تنزیل می‌شود و ثروت خالص وام‌گیرندگان کاهش می‌یابد. در این شرایط، کاهش در ارزش دارایی‌ها باعث کاهش ارزش رهن شرکت نزد وام‌دهندگان از جمله بانک‌ها می‌شود و به دنبال آن باعث کاهش دسترسی متقاضیان بالقوه به وام می‌گردد، زیرا به دلیل وجود محدودیت در بازار وام و اعتبار، جریان‌های نقدی و وضعیت مالی شرکت‌ها، دسترسی شرکت‌ها به وام را محدود می‌کند (آرمسترانگ، گلیسر و کپلر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹؛ ۱۲ و ۲۴). از سوی دیگر، عدم تقارن اطلاعاتی بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان سبب تشدید مشکلات انتخاب نامطلوب و مخاطرات اخلاقی می‌شود. این امر منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش سود خالص و کاهش ثروت خالص وام‌گیرندگان می‌گردد، متعاقباً سود قابل پرداخت و ارزش وثیقه آنها کاهش می‌یابد (بالاکریشنان، درایموتس، سیواراما کریشنان و تیان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰؛ ۳۰). این افزایش دامنه تضاد نمایندگی بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان منجر به شکاف بین هزینه سرمایه درون سازمانی و برون سازمانی شده که دسترسی به سرمایه برون سازمانی را برای شرکت‌ها دشوار می‌سازد. اغلب زمان‌ها، شرکت‌ها نمی‌توانند تمام منابع مالی لازم خود را منابع داخلی تامین کنند، بنابراین با وجود مشکل دسترسی به منابع مالی برون سازمانی، مجبور به نادیده گرفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور و در نتیجه سبب کاهش ثروت سهامداران می‌شوند (برنانکه و گرترلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ ۳۲). عملکرد، وضعیت مالی و سلامت مالی شرکت‌ها می‌تواند بر میزان تولید و رشد شرکت موثر باشد. از طرف دیگر محیط‌های اطلاعاتی شرکت‌ها و کیفیت حسابداری آنها به طور خاص می‌تواند در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و ارائه‌دهندگان سرمایه نقش داشته باشند

---

1. Bharath, Sunder, & Sunder

2. Armstrong, Glaeser, & Kepler

3. Balakrishnan, Drymiotis, Sivaramakrishnan, & Tian

4. Bernanke, & Gertler

(آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۱۸۰). بنابراین، شرکت‌هایی که مشکل محدودیت مالی و ریسک عدم پرداخت بدهی دارند، این محدودیت‌ها مانع از تامین مالی لازم جهت سرمایه‌گذاری می‌شود که خود تاثیر منفی بر بازده سهام آن شرکت‌ها خواهد گذاشت (اخگر و کرانی، ۱۳۹۸؛ ۱۷). از این رو، مساله پژوهش این است که آیا کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند رابطه بین محدودیت مالی با بازده سهام و میزان سرمایه‌گذاری جدید شرکت را تعدیل کند؟

در ادامه، مبانی نظری، پیشینه، روش‌شناسی و مدل‌های پژوهش تشریح شده است. سپس، به تحلیل یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

### مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

#### محدودیت مالی، سرمایه‌گذاری و بازده سهام

اندازه صرف تامین مالی برون سازمانی با ارزش خالص وام‌گیرنده رابطه معکوس دارد؛ هرچه دارایی خالص وام‌گیرنده بیشتر باشد، احتمال استفاده از سرمایه خود، به‌عنوان ابزاری برای تامین منابع مالی بیشتر، است. شرکت‌های دارای ارزش خالص بالاتر، ممکن است وثیقه بیشتری برای تامین وجوه مورد نیاز برای وام خود داشته باشند. بنابراین، در مقایسه با شرکت‌های دارای ثروت خالص کمتر، می‌توانند وثیقه لازم برای وجوه مورد نیاز خود را تامین کنند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۲ و ۱۱). در نتیجه، وام‌دهندگان هنگام اعطای وام به شرکت‌های دارای ارزش خالص بالاتر، خطر کمتری می‌پذیرند و هزینه‌های نمایندگی آنها کمتر خواهد بود. بنابراین، هزینه‌های جمع‌آوری وجوه برون سازمانی باید برای شرکت‌های با ارزش خالص بالا کمتر باشد. محدودیت مالی ناشی از کاهش دسترسی به وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری، می‌تواند مانع اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زمینه سرمایه‌گذاری شود و منجر به از بین رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت شود و در نتیجه، سود شرکت کاهش می‌یابد. واکنش مناسب شرکت‌ها در مواجهه شدن با محدودیت مالی می‌تواند در پیشگیری از آثار منفی محدودیت‌های مالی موثر باشند (اخگر و کرانی، ۱۳۹۸؛ ۳۳). یکی از راه‌کارها برای آن، بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری از جمله کیفیت اقلام تعهدی است که با محدودیت در تامین مالی رابطه منفی دارد (ستایش و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۲۱).

جریان نقدینگی شرکت‌ها بیانگر وضعیت مالی و نشان‌دهنده ارزش خالص شرکت‌ها است؛ جریان نقدینگی بیشتر منجر به منابع مالی داخلی بالاتر می‌شود که این موضوع سبب افزایش موقعیت‌های سرمایه‌گذاری برای شرکت می‌شود (آرمسترانگ و گیسون، ۲۰۱۰؛ ۲۰۰). با افزایش جریان‌های نقدی، شرکت‌ها نیاز کمتری به تامین مالی از بیرون دارند، زیرا منابع مورد نیاز خود را از طریق منابع درون سازمانی تامین می‌کنند. از سوی دیگر، با افزایش نرخ بهره و کاهش ارزش دارایی‌ها، وام‌گیرندگان وثیقه‌های کمتری برای وام دریافتی خود خواهند داشت، در نتیجه توانایی شرکت‌ها در دریافت تسهیلات با افزایش نرخ تامین مالی بیرونی کاهش می‌یابد و شرکت‌ها مجبور به کاهش سرمایه‌گذاری خود خواهند شد. از سوی دیگر، این کاهش موجب تشویق شرکت‌ها به انجام پروژه‌هایی با ریسک بالاتر می‌شود (میشکین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶، نقل در آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۱۰ و ۱۳).

کاهش ارزش خالص شرکت باعث افزایش مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامطلوب نیز می‌شود، زیرا با تقلیل سرمایه، صاحبان شرکت ممکن است برای نشان دادن وضعیت بهتر شرکت، صورت‌های مالی خود را دستکاری کنند (بالاکریشان و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۶). در نتیجه، شرکت‌هایی که دسترسی کمتری به بازارهای مالی دارند نسبت به شرکت‌هایی که دسترسی آسان‌تر و کم هزینه‌تر به این بازارها دارند، به میزان بیشتری سطح تولیدات آنها کاهش می‌یابد. شرکت‌ها زمانی در محدودیت تامین مالی می‌باشند که بین هزینه‌های درون سازمانی و هزینه‌های برون سازمانی و وجوه تخصیص داده شده، شکافی وجود دارد و دارای دسترسی پایین و پرهزینه به منابع تامین مالی برون سازمانی هستند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۲۵). این امر، منجر به کاهش دسترسی شرکت‌ها به وجوه قابل استقراض می‌شود و از این طریق بر سرمایه‌گذاری و تولید شرکت اثر منفی می‌گذارد.

شرکت‌های دارای محدودیت تامین مالی، طرح‌های سرمایه‌گذاری خود را کاهش می‌دهند در نتیجه دسترسی کمتر به اعتبارات بانکی و کاهش سرمایه‌گذاری، ارزش بازار آنها را کاهش خواهد داد (بالاکریشان، کور و وردی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ ۱). همچنین، به سبب افزایش صرف تامین مالی بیرونی،

1. Mishkin

2. Balakrishnan, Core, & Verdi

میزان سرمایه‌گذاری آنها، کاهش بیشتری خواهد داشت. بنابراین، وضعیت مالی شرکت بر سرمایه‌گذاری، اثر دارد (بالاکریشنان و ارتان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸؛ ۱). این موضوع، اثر مستقیم بر ثروت و نقدشوندگی در بازار سهام دارد، براساس نظریه مبادله پویا<sup>۲</sup> و اهمیت شوک‌های سیاستی در رفتار تامین مالی شرکت، عدم اطمینان سیاست اقتصادی تأثیر مثبت بر اهرم و تأثیر منفی بر برآورد سرعت تعدیل دارد (باجاج، کاشیرامکا و سینق<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱؛ ۱). بنابراین، می‌تواند بر شاخص کل قیمت سهام تأثیر بگذارد. نرخ بهره که بر تقاضای وام اثر مستقیم دارد و باعث افزایش هزینه استقراض و کاهش سرمایه‌گذاری شرکت می‌شود؛ اگر شرکت نتواند سرمایه‌گذاری کند، ارزش خالص جریان نقدی شرکت کاهش می‌یابد (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۸) و در نتیجه قیمت سهام کاهش می‌یابد.

### اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر محدودیت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بازده سهام

خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری، ویژگی‌هایی است که اطلاعات ارائه‌شده به استفاده‌کنندگان برای ارزیابی وضعیت مالی و انعطاف‌پذیری واحد تجاری مفید می‌باشد. محیط‌های اطلاعاتی شرکت‌ها و بخصوص کیفیت حسابداری آن‌ها می‌تواند در کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و ارائه‌دهندگان سرمایه نقش داشته باشند (آرمسترانگ، گای و وبر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ ۱۸۳؛ دیچو، جی و شراند<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ ۳۴۵). عدم‌تقارن اطلاعاتی بر همه شرکت‌ها حاکم و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر منفی دارد. عدم‌تقارن اطلاعاتی وابستگی به سرمایه‌های داخلی را برای سرمایه‌گذاری افزایش داده و منجر به سرمایه‌گذاری بیش از حد یا کمتر از حد شرکت‌ها، می‌شود. وجود عدم‌تقارن اطلاعاتی تأثیر نامطلوب اهرم بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را افزایش می‌دهد (لی، گونگ، وانگ و لی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲؛ ۲؛ احمد، هونجرا و تسکین<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱؛ ۲). بهارات و همکاران (۲۰۰۸، ۱۶) دریافته‌اند شرکت‌های دارای کیفیت حسابداری پایین شرایط تامین مالی سخت‌تر مانند هزینه بالای

- 
1. Balakrishnan, & Ertan
  2. dynamic trade-off theory
  3. Bajaj, Kashiramka, & Singh
  4. Armstrong, Guay, & Weber
  5. Dechow, Ge, & Schrand
  6. Lei, Gong, Wang, & Li
  7. Ahmad, Hunjra, & Taskin

سرمایه، قراردادهای مالی بیشتر و نرخ‌های بهره بالاتر، دارند. لطفی و دلشاد (۱۴۰۰؛ ۷۶) استدلال کردند اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر، ریسک و هزینه دستیابی به اطلاعات را کاهش می‌دهد و متعاقباً منجر به ایجاد همزمانی پایین بازده سهام و افزایش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام، می‌گردد. کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند تضاد نمایندگی و سرمایه‌گذاری بیش از حد را کاهش دهد (لی و همکاران، ۲۰۲۲؛ ۲). در کل، کیفیت حسابداری پایین و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن می‌تواند تعارض‌های نمایندگی را تشدید کرده، مستقیماً جریان‌های نقدی شرکت‌ها را کاهش دهد و همچنین، ریسک اطلاعات غیرقابل تنوع شرکت‌ها را افزایش داده و بر نرخ‌های تنزیل خاص شرکت تاثیر بگذارد (لامبرت، لئوز و ورکیا، ۲۰۰۷؛ ۴۱۱). نتایج لی و همکاران (۲۰۲۲؛ ۱) نشان می‌دهد که کیفیت اطلاعات حسابداری با سرمایه‌گذاری کمتر و بیشتر از حد در حوزه نوآوری، همبستگی منفی دارد و کیفیت اطلاعات حسابداری، می‌تواند محدودیت‌های مالی و کمبود سرمایه‌گذاری در نوآوری را کاهش دهد. این موضوع، اهمیت گزارشگری مالی شرکت‌ها و افشای آنها در کاهش محدودیت‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و تامین‌کنندگان سرمایه را نشان می‌دهد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰، ۱۸۳؛ دیچو و همکاران، ۲۰۱۰، ۳۴۷؛ ستایش و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۲۲). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری بالاتر سطح عدم تقارن اطلاعاتی پایین‌تری داشته و در نتیجه گزینه‌های تامین مالی بیشتری دارند و شرایط تامین مالی مطلوب‌تر را دریافت می‌کنند (بهارات و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۵؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۸، نقل در آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۳۳). افزایش کیفیت گزارش‌های مالی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران، وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران می‌شود (چو و کانگ، ۲۰۱۹؛ ۲۰). امکان بروز خطر اخلاقی، گزینش نادرست، هزینه‌های پایش مدیریت را کاهش داده و در نهایت موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه تامین مالی در شرکت می‌شود (بالاکریشان و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۴). بنابراین، کیفیت حسابداری شرکت‌ها نقش کلیدی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه دارد. همچنین، شواهدی وجود دارد که بین سطح

کیفیت افشاء بالاتر از میانگین و عملکرد شرکت‌ها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (چو و کانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹، ۵؛ لامبرت و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۳۸۵).

از دلایل عمده وجود اختلاف بین هزینه تامین مالی درون سازمانی و برون سازمانی، عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی است. افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی از جریان ورود سرمایه به وسیله سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به درون شرکت، جلوگیری می‌کند یا سرمایه‌گذاران نرخ بازده بالاتری را درخواست می‌کنند که هر دو منجر به محدودیت در فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت می‌شود (بهارات و همکاران، ۲۰۰۸، ۳؛ چو و کانگ، ۲۰۱۹، ۴؛ تیرو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). اگرچه عدم اطمینان سیاست اقتصادی، اهرم مالی را افزایش داده و سبب کاهش سرعت سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه بدهی بلندمدت می‌شود، اما یارانه‌های دولتی و وابستگی به گروه‌ها، منجر به تاثیر قوی‌تر عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر اهرم و تعدیل آن می‌شود (باجاج و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۱). در یک محیط با عدم اطمینان بالا، شدت ارتباط بین کیفیت افشاء، تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، با افزایش عدم اطمینان محیطی، مدیریت می‌تواند با بهبود کیفیت افشای اطلاعات، تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری را افزایش دهد (طاهری‌نیا و دربندی فراهانی، ۱۴۰۱؛ ۴۱). در چنین وضعیتی کیفیت اطلاعات مالی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. اطلاعات مالی می‌تواند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به دستیابی شرکت‌ها به فرصت سرمایه‌گذاری مناسب و بهبود نقش نظارتی مدیران شود (احمد و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۲). در این راستا، بالاگرایش و ارتان (۲۰۱۸؛ ۳) چنین استدلال می‌کنند که شرکت‌هایی با اطلاعات مالی دارای کیفیت بهتر، محدودیت کمتری در تامین مالی دارند. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی از شرکت‌های دارای کیفیت بالاتر، تضمین و وثیقه کمتری برای تامین مالی گرفته می‌شود و بنابراین، کمتر دچار محدودیت در تامین مالی می‌شوند. در این راستا، چو و کانگ (۲۰۱۹؛ ۴) استدلال کردند که با وجود تشدید شرایط یک سیستم تامین مالی، طلبکاران کنترل قوی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها دارند. نتایج چو و کانگ (۲۰۱۹؛ ۴) نشان می‌دهد کیفیت حسابداری و رقابت در بازار تامین مالی،

1. Cho & Kang

2. Tirole

ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مدیران شرکت‌هایی که از کیفیت حسابداری بالاتری برخوردارند، تصمیمات سرمایه‌گذاری اثربخش‌تری اتخاذ می‌کنند و مدیران ارشد آنها تصمیم‌گیری مدیران را به‌طور موثرتری نظارت می‌کنند. برای سطح بالاتری از رقابت در یک صنعت معین، ریسک بالای انحلال، مدیران را مجبور می‌کند تا در مورد سرمایه‌گذاری کارآمدتر تصمیم‌گیری کنند. علاوه بر این، کیفیت حسابداری باعث بهبود ناکارآمدی سرمایه‌گذاری در جایی می‌شود که سطح رقابت در صنعت معینی کم است (چو و کانگ، ۲۰۱۹؛ ۶). نارسایی‌های موجود در بازارهای مالی می‌تواند بر توسعه و رشد تاثیر داشته باشد (کاپلان و زینگالس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ ۱۶۹). از سوی دیگر، محدودیت در تامین منابع مورد نیاز، موجب انحراف از سرمایه‌گذاری مطلوب می‌شود و این موضوع در شرکت‌های با استراتژی جسورانه سرمایه در گردش در مقایسه با شرکت‌های دارای استراتژی محافظه‌کارانه، بیشتر رخ می‌دهد (پورعلیرضا و همکاران، ۱۳۹۸؛ ۱۲۹).

کیفیت اطلاعات مالی از چندین روش به کاهش نقص در بازار کمک می‌کند: نخست، کیفیت بالای اطلاعات مالی به مدیران در شناسایی پروژه مطلوب یا فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کند که منجر به کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۸؛ چو و کانگ، ۲۰۱۹؛ ۱). دوم، کیفیت اطلاعات مالی به سازوکارهای کنترلی شرکت برای جلوگیری از سلب قدرت و ثروت از سهامداران و بستانکاران به وسیله مدیران، کمک می‌کند (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۳۱). سوم، کیفیت اطلاعات مالی می‌تواند به وسیله کاهش ریسک نقدینگی، خطر انتخاب نادرست و ریسک اطلاعات، بر عملکرد اقتصادی تاثیر بگذارد (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۶). البته در مقابل، بهبود شاخص‌های عملکرد مالی نیز کیفیت اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد (حسینی راد و همکاران، ۱۴۰۱؛ ۱). براساس استدلال‌های بالا، فرضیه‌های زیر را می‌توان مطرح کرد: فرضیه ۱) بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه منفی بین محدودیت مالی و بازده سهام را تضعیف می‌کند.

فرضیه ۲) بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه منفی بین محدودیت مالی و سرمایه‌گذاری جدید را تضعیف می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است، زیرا نتایج آن برای اخذ تصمیم‌های اقتصادی و مالی توسط مسئولین شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، طراحان اقتصادی و بسیاری از فعالان بازار سرمایه قابل استفاده است. از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع اسنادکاوی/ کتابخانه‌ای و بر حسب ماهیت و روش انجام کار از نوع مطالعات توصیفی/ همبستگی است، زیرا رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی می‌کند و با استفاده از اطلاعات و داده‌های مربوط به گذشته، آنچه موجود است را توصیف و تفسیر می‌کند؛ بنابراین، پس‌رویدادی است. نرمال بودن متغیر وابسته با آزمون جارکوبرا و همخطی بین متغیرها بررسی شد. الگوی مناسب رگرسیون چندگانه به استفاده از آزمون‌های چاو و هاسمن انتخاب شد. به روش غربالگری منظم و طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر بودند، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند: شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده‌اند و در طی دوره پژوهش توقف معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته‌اند؛ سال مالی آنها پایان اسفند ماه بود؛ در طول دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته‌اند؛ جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نبوده‌اند و داده‌های آنها در دسترس بود. در نهایت ۱۴۸ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

### مدل‌های پژوهش

#### ارزش شرکت و سرمایه‌گذاری بدون هر گونه محدودیت مالی

برای نشان دادن اثر محدودیت‌های مالی بر اساس نظریه کیوتوبین، ابتدا رابطه بین سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت در شرایط نبود محدودیت‌های مالی<sup>۱</sup>، ارایه می‌شود. این مدل براساس مدل تیرول (۲۰۱۵) و آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۹؛ ۴۸) است. ارزش شرکت  $i$  با مدل زیر ارزشگذاری می‌شود:

۱. محدودیت‌های مالی (Financial frictions) به معنای محدودیت‌های مالی است که شرکت‌های بزرگ را از تأمین بودجه تمام سرمایه‌های مطلوب از منابع برون سازمانی باز می‌دارد. طبق نظریه اولویت در تأمین مالی (pecking order theory)، هزینه‌های عدم تقارن اطلاعات نقش مهمی در تعیین انتخاب ساختار سرمایه شرکت‌ها دارند.



$$V_i^* = \max_{I_i} \left\{ q_i I_i - \left( \frac{\theta_i}{2} \right) I_i^2 - I_i \right\} \quad (1)$$

در رابطه (۱)،  $V_i$  برابر با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$ ،  $q_i$  نسبت کیوتوبین شرکت  $i$  است که رابطه بین سرمایه‌گذاری ( $I_i$ ) و ارزش بازار شرکت را نشان می‌دهد.  $\theta_i$  شدت مشکلات اطلاعاتی را نشان می‌دهد، عبارت جبری  $\left( \frac{\theta_i}{2} \right) I_i^2$  رفتار (شکل) محدب هزینه سرمایه‌گذاری جدید را نشان می‌دهد. در نهایت، دیفرانسیل رابطه (۱) نسبت به  $I_i$  منجر به حداکثرسازی بهینه اولین

$$I_i^* = \frac{(q_i - 1)}{\theta_i} = I_i^{FB} \text{ می‌شود،}$$

### ارزش شرکت و سرمایه‌گذاری در شرایط وجود محدودیت‌های مالی

اکنون فرض کنید شرکت  $i$  با محدودیت سرمایه روبرو است، به‌ویژه، وجوه درون‌سازمانی شرکت یا «سود خالص مستمر در آینده» براساس استدلال تیروول (۲۰۱۵)،  $w_i$ ، برای تامین مالی بهترین سطح سرمایه‌گذاری یا  $w_i < I_i^{FB}$  کافی نیست. برای سرمایه‌گذاری مبلغی بیشتر از  $w_i$ ، شرکت باید از منابع مختلف سرمایه برون‌سازمانی ( $e_i = I_i - w_i$ ) جمع کند. مفهوم محدودیت‌های مالی را با فرض هزینه (محدب)  $\left( \frac{\theta_i}{2} \right) I_i^2$  همراه با افزایش سرمایه برون‌سازمانی از منابع مختلف به دلیل مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و ارائه‌دهندگان سرمایه برون‌سازمانی، می‌توان درک کرد، این مشکلات اطلاعاتی می‌تواند به شکل خطرات اخلاقی و یا انتخاب نامطلوب باشد.  $\theta_i$ ، پارامتر اصلی برای آمار مقایسه‌ای است که پیش‌بینی‌های تجربی در این مطالعه را ارائه می‌کند. کیفیت حسابداری شرکت‌ها بر شدت مشکلات اطلاعاتی آنها با تامین‌کنندگان سرمایه برون‌سازمانی تأثیر می‌گذارد: شرکت‌های دارای کیفیت حسابداری پایین‌تر، مقادیر بالاتری از مشکلات اطلاعاتی ( $\theta_i$ ) دارند و برعکس، شرکت‌های دارای کیفیت حسابداری بالاتر، مقادیر کمتری از مشکلات اطلاعاتی ( $\theta_i$ ) دارند.

با فرض اینکه  $I_i > w_i$  باشد، وجود محدودیت‌های مالی و مشکلات اطلاعاتی سبب افزایش هزینه‌های مالی برون‌سازمانی می‌شود. به پیروی از آرمسترانگ (۲۰۱۹؛ ۴۸)، ارزش شرکت به صورت زیر بیان می‌شود:

$$V_i^* = \max_{I_i} \left\{ q_i I_i - \left( \frac{\theta_i}{2} \right) I_i^2 - I_i - \frac{\theta_i}{2} (I_i - w_i)^2 \right\} \quad (2)$$

### سرمايه گذاري شرکت با محدودیت تامین مالی

دیفرانسیل رابطه (۲) نسبت به  $I_i$  بهترین سطح سرمايه گذاري در سطح دوم را ارايه می نماید، که به دلیل محدودیت های هزینه تامین مالی، کمتر از اولین سطح سرمايه گذاري است (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹):

$$I_i^* = \frac{\phi_i}{\phi_i + \theta_i} \frac{q_i - 1}{\phi_i} + \frac{\theta_i}{\phi_i + \theta_i} w_i = I_i^{FB} - \frac{\theta_i}{\phi_i + \theta_i} (I_i^{FB} - w_i) < I_i^{FB} \quad (3)$$

### تعامل بین کیفیت حسابداری و فرصت های رشد

دیفرانسیل ارزش شرکت نسبت به نرخ بهره، کیفیت حسابداری و فرصت های رشد، معادله شماره ۴ را ارائه می دهد:

$$\frac{\partial^3 V_i^*}{\partial r \partial \theta_i \partial q_i} = - \frac{\phi_i}{(\phi_i + \theta_i)^2} \gamma_i < 0 \quad (4)$$

این عبارت نشان می دهد که اثر تعدیل کننده کیفیت حسابداری شرکت ها بر واکنش بازار آنها باید برای شرکت هایی که دارای گزینه های رشد ارزشمندتری هستند (یعنی  $q_i$  بالاتر)، بارزتر باشد. بنابراین، این پیش بینی مربوط به حاشیه است که مقدار  $q_i$ ، بیشتر از متوسط آن است.

### تعامل بین کیفیت حسابداری و محدودیت های تامین مالی

شرکت هایی که منابع مالی داخلی کمتری دارند (یعنی آنهایی که ارزش  $w_i$  پایین تری دارند) برای سرمايه گذاري های خود بیشتر به تامین مالی برون سازمانی وابسته می باشند (فازاری، هویارد و پیترسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ ۲۰۰). مشتق سوم ارزش شرکت نسبت به نرخ بهره، مشکلات اطلاعاتی و تامین مالی درون سازمانی، معادله شماره ۵ را ارائه می دهد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۵۱):

$$\frac{\partial^3 V_i^*}{\partial r \partial \theta_i \partial w_i} = \frac{\phi_i^2}{(\phi_i + \theta_i)^2} \gamma_i > 0 \quad (5)$$

این عبارت نشان می‌دهد که اثر تعدیلی کیفیت حسابداری شرکت‌ها بر واکنش بازار سهام آنها باید برای شرکت‌هایی با مقادیر  $w_i$  کمتر، که مربوط به واحدهای اقتصادی با محدودیت مالی بیشتری است، بیشتر باشد.

### مدل‌های تجربی و متغیرها

اکنون، براساس استدلال بیان شده مدل‌های تجربی آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود: این پژوهش به دنبال بررسی اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر محدودیت‌های مالی است. در فرضیه اول اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر شرکت‌هایی که مشکل محدودیت مالی دارند بر بازده سهام شرکت سنجیده می‌شود، زیرا این محدودیت مانع تامین همه وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری می‌شود و می‌تواند واکنش‌های مختلفی را در بازار سهام به وجود می‌آورد.

$$\text{Ret}_{i,t} = \alpha + \beta_1 Z_{i,t} + \beta_2 AQ_{i,t} + \beta_3 AQ_{i,t} \times Z_{i,t} + \beta_4 SG_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 Con_{i,t} + \beta_7 Lev_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Age_{i,t} + \beta_{10} BM_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

در فرضیه دوم نیز اثر کیفیت اطلاعات حسابداری با وجود محدودیت مالی بر میزان سرمایه‌گذاری سنجیده می‌شود. این نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابداری، با نقش آن در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان شرکت‌ها و تامین‌کنندگان سرمایه و به خصوص وام‌دهندگان مطابقت دارد.

$$\text{NewInv}_{i,t+1} = \alpha + \beta_1 Z_{i,t} + \beta_2 AQ_{i,t} + \beta_3 AQ_{i,t} \times Z_{i,t} + \beta_4 SG_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 Con_{i,t} + \beta_7 Lev_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Age_{i,t} + \beta_{10} BM_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

### متغیر وابسته

**بازده سهام:** مجموعه مزایایی است که در طول یک دوره به سهم تعلق می‌گیرد شامل افزایش سود نقدی، مزایای ناشی از حق تقدم، سهام جایزه، افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی، است

که در این پژوهش بازده سهام به طور مستقیم از نرم افزار ره آورد نوین استخراج شده و رابطه کلی محاسبه بازده سهام به شرح زیر است:

$$\text{بازده سهام} = \frac{P_t(1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} + C \times \alpha) + D}{P_{t-1} + C \times \alpha} \quad (۸)$$

$P_t$ : قیمت سهم در پایان دوره و  $P_{t-1}$ : قیمت سهم در ابتدای دوره،  $D$ : سود نقدی،  $C$ : آورده نقدی،  $\alpha$ : درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی مانند حق تقدم و  $\beta$ : درصد افزایش از محل اندوخته‌ها مانند سهام جایزه می‌باشد.

**سرمایه‌گذاری جدید (NewInv)**: در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری جدید از رابطه شماره ۹ استفاده شد که با ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای دوره تعدیل می‌شود.

$$(۹) \quad \text{هزینه‌های تحقیق و توسعه} + \text{خرید دارایی ثابت} = \text{سرمایه‌گذاری جدید}$$

فروش دارایی ثابت مشهود - استهلاک انباشته -

### متغیر تعدیل‌گر

**کیفیت اطلاعات حسابداری**: در این پژوهش کیفیت اطلاعات حسابداری به پیروی از دیچو و دیچاو (۲۰۰۲؛ ۴۰) و روش تعدیل شده فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸؛ ۶۶)، برای اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی استفاده شد. دیچو و دیچاو کیفیت اطلاعات حسابداری را با تبدیل اقلام تعهدی حسابداری به وجه نقد اندازه‌گیری کرده‌اند. کانون توجه مدل بر اقلام تعهدی سرمایه در گردش عموماً ظرف یکسال محقق می‌شود. سود غیرنقدی یا اقلام تعهدی به خروجی سیستم حسابداری تأثیر می‌گذارد. اقلام تعهدی می‌تواند منجر به تقدم و تاخر وجه نقد شوند و نهایتاً بر آوردی از مبالغ قابل بازیافت ارائه می‌دهند. بنابراین، از رابطه (۱۰) استفاده شده است:

$$\Delta WC_t = \phi_0 + \phi_1 CF_{t-1} + \phi_2 CF_t + \phi_3 CF_{t+1} + \phi_1 \Delta Sales_t + \phi_1 PPE_t + \varepsilon_t \quad (۱۰)$$

$\Delta WC_{it}$ : تغییر در اقلام تعهدی سرمایه در گردش شرکت بین سال‌های  $t$  و  $t-1$  که به صورت

زیر محاسبه شد.

$$\begin{aligned} \text{تغییر در موجودی کالا} + \text{تغییر در حسابهای دریافتی} &= \text{تغییر در اقلام تعهدی سرمایه در} \\ \text{تغییر در مالیات پرداختی} - \text{تغییر در حسابهای پرداختی} - &\text{گردش} \\ \text{تغییر در سایر داراییها} + & \end{aligned}$$

$CF$ : جریانهای نقدی،  $\Delta Sales$ : تغییرات فروش (فروش دوره جاری منهای فروش دوره قبل)،  
 PPE: اموال، ماشین آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال  $t$  و کلیه متغیرهای مدل با استفاده از  
 کل داراییها در سال قبل هم مقیاس شده است.

### متغیر مستقل

**محدودیت مالی:** مقدار امتیاز  $Z$  در مدل آلتمن مقیاسی برای برآورد احتمال ورشکستگی (محدودیت مالی) شرکت در کسب و کار است. این عدد که توسط داده‌های صورت‌های مالی محاسبه می‌شود قدرت مالی و اعتباری یا استحکام مالی شرکت‌ها را نشان می‌دهد. این عدد حاصل جمع پنج نسبت مالی است که بوسیله مدل اصلاح شده آلتمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) انتشار یافت. عدد کمتر از  $1/8$  حاکی از احتمال بالقوه در ورشکستگی شرکت در دو سال آینده با احتمال  $95\%$  است و اعداد بیشتر از  $3$ ، احتمال ورشکستگی پایین، برای شرکت است. اگر عدد  $Z$  کمتر از  $1$  باشد و شرکت دارای محدودیت مالی باشد، مقدار متغیر دامی برابر با  $1$  و اگر محدودیت مالی نداشته باشد، برابر با صفر است (باتچلر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ ۴۰۶؛<sup>۳</sup>).

$$Z - Score = 1.2A + 1.4B + 3.3C + 0.6D + 1.0E \quad (11)$$

A = کل داراییها / سرمایه در گردش

B = کل داراییها / سود (زیان) انباشته

1. Altman
2. Batchelor

۳. مدل امتیاز  $Z$  آلتمن که در سال ۱۹۶۸ معرفی شد در سال ۲۰۰۰ توسط ایشان اصلاح شد و سپس در سال ۲۰۰۶ نیز تایید شد. همچنین توسط پژوهشگران زیادی نظیر باتچلر (۲۰۱۸؛ ۴۰۶) این مدل در کشورهای مختلف با همین ضرایبی رابطه (۱۰) این پژوهش برای ارزیابی احتمال ورشکستگی شرکت‌ها استفاده شد.

C = کل دارایی‌ها / سود قبل از بهره و مالیات

D = کل بدهی‌ها / ارزش بازار حقوق سهامداران

E = کل دارایی‌ها / کل فروش

### متغیرهای کنترلی

نرخ رشد (SG): نرخ رشد شرکت  $i$  در سال  $t$  که به صورت رابطه شماره ۱۲ محاسبه می‌شود:

$$SG = \frac{\text{فروش سال قبل} - \text{فروش سال جاری}}{\text{فروش سال قبل}} \quad (۱۲)$$

**اندازه (Size):** اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی، است. با توجه به تجربه کارشناسان و امکانات شرکت‌ها و مشخص بودن برنامه و اهداف آنها میزان افشاء داوطلبانه اطلاعات و کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، به دلیل تعدد معاملات در شرکت‌های بزرگ اطلاعات بیشتری از این شرکت‌ها در بازار موجود است.

**بازده دارایی‌ها (ROA):** برابر با سودخالص تقسیم بر کل دارایی‌ها، است. شرکت‌هایی که سود بالاتری دارند کمتر درصدد عدم افشاء اطلاعات هستند. این شرکت‌ها با افشاء اطلاعات بیشتر، داوطلبانه سعی در جلب توجه سرمایه‌گذاران هستند.

**ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (BM):** ارزش دفتری (BV) از جمع بخش حقوق صاحبان سهام مندرج در ترازنامه، حاصل می‌شود. ارزش بازار سهام (MV) که از حاصلضرب ارزش بازار در تعداد سهام به دست می‌آید. شرکت‌هایی که نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام بزرگتری دارند احتمالاً ریسک بیشتری دارند، زیرا با یک شوک بازار، مقدار ارزش بازار برابر با ارزش دفتری و یا نزدیک به آن خواهد شد. از دیدگاه دیگری هر چقدر این نسبت کوچکتر باشد می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که مدت زمان زیادی از تاسیس شرکت گذشته و از آنجائی که اکثر قریب به اتفاق

شرکت‌ها به علت مسائل مالیاتی، نمی‌خواهند ارزش روز دارایی‌ها را افشا نمایند، بنابراین این موضوع باعث تفاوت ارزش دفتری به ارزش بازار می‌شود.

**اهرم مالی (Lev):** کل بدهی‌های شرکت در پایان سال مالی تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی، است.

**شاخص تمرکز بازار (Con):** فروش محصولات یک شرکت چند درصد مجموع فروش محصولات شرکت‌های آن صنعت است. این متغیر مقداری بین صفر تا یک را می‌گیرد و هر چه این نسبت بزرگتر باشد، به معنی تمرکز بیشتر شرکت در صنعت می‌باشد و بالعکس.

**سن (Age):** سن شرکت برابر با لگاریتم طبیعی تفاوت سال ورود به بورس شرکت از سال جاری است. هر چه تعداد سال‌های حضور شرکت در بازار سرمایه بیشتر باشد اطلاعات بیشتری درباره شرکت برای فعالان بازار در دسترس است که این موضوع موجب افزایش امکان گزارشگری با کیفیت بیشتری برای این شرکت‌ها است.

### یافته‌های پژوهش

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات متغیرهای این مطالعه، جدول (۱) برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر مشاهدات را ارائه می‌کند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها (نماد)	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیگی
بازده سهام (Ret)	۰/۱۲۹	۰/۱۴۶	۰/۹۲۶	-۰/۶۱۴	۰/۲۵۲	۰/۰۶۲	۳/۲۸
سرمایه‌گذاری جدید (NewInv)	۰/۰۴	۰/۰۳۵	۰/۱۰۷	-۰/۰۲۷	۰/۰۲۲	۰/۱۷۱	۲/۹۵۶
کیفیت اطلاعات حسابداری (AQ)	۰/۱۳۴	۰/۱۴	۱/۱۸	-۰/۹۶	۰/۲۰۴	-۰/۲۷۵	۶/۶۰۲
نرخ رشد شرکت (SG)	۰/۲۹۷	۰/۱۶۱	۷/۸۱۵	-۱	۱/۸۲۶	۲/۷۶۷	۸/۴۰۹
اندازه شرکت (Size)	۱۴/۳۲۲	۱۴/۱۵۵	۱۹/۷۷۳	۱۰/۴۹۱	۱/۴۸۴	۰/۷۸۶	۴/۳۵۲
شاخص تمرکز بازار (Con)	۰/۱۱۹	۰/۰۴۷	۰/۹۲۳	۰/۰۰۰۰۲	۰/۱۸۳	۲/۳۴۹	۸/۱۴۷
اهرم مالی (Lev)	۰/۵۶۲	۰/۵۷۴	۰/۹۹۶	۰/۰۱۲	۰/۱۹۷	-۰/۲۷۸	۲/۶۴۶
بازده دارایی‌ها (ROA)	۰/۱۱	۰/۰۹۲	۰/۶۲۶	-۱/۰۶۳	۰/۱۵۲	-۰/۴۷	۹/۱۱۲
سن شرکت (Age)	۳/۵۹۳	۳/۷۱۳	۴/۲۱۹	۱/۶۰۹	۰/۳۹۵	-۰/۹۶۸	۳/۹۶۲
ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (BM)	۰/۴۰۵	۰/۳۳۳	۳/۴۶	۰/۰۰۳	۰/۳۱۸	۳/۰۱۶	۲۰/۰۶۶

جدول (۱) آماره‌های توصیفی را نشان می‌دهد. متغیر  $Z$  دامنه صفر و یک داشته و در جدول بالا ارایه نشده است. برای متغیر بازده سهام مقدار میانگین و میانه به ترتیب برابر با  $۰/۱۲۹$  و  $۰/۱۴۶$  است که نشان می‌دهد نمونه‌ها از توزیع نرمال برخوردارند، مقدار انحراف معیار برای متغیر بازده سهام برابر  $۰/۲۵۲$  است. بنابراین، با توجه به تنوع شرکت‌های نمونه، دامنه بازده شرکت‌های نمونه زیاد است. مقدار ضریب چولگی برای متغیر بازده سهام مثبت و نزدیک صفر است که نشان می‌دهد توزیع نرمال و اندکی چوله به راست است. مقدار میانگین و میانه سرمایه‌گذاری جدید به ترتیب  $۰/۰۴$  و  $۰/۰۳۵$  است، اما مقدار انحراف معیار  $(۰/۰۲۲)$  اندک است و ضریب چولگی آن  $(۰/۱۷۱)$  چوله به راست است؛ یعنی، شرکت‌ها گرایش به سرمایه‌گذاری جدید دارند. کیفیت اطلاعات حسابداری دارای چولگی  $(-۰/۲۷۵)$  منفی و انحراف معیار آن  $(۰/۲۰۴)$  زیاد است این آماره‌ها نشان می‌دهد میزان کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های نمونه طی دوره پژوهش کاهش یافته و دارای پراکندگی نسبتاً زیادی بوده است. شاخص تمرکز بازار نشان می‌دهد شرکت‌ها تمرکز اندکی  $(۰/۱۱۹)$  بر بازار و صنعت اصلی خود دارند و تنوع بازار شرکت‌های نمونه زیاد است.

با بهره‌گیری از آزمون جارک برا نرمال بودن متغیر وابسته آزمون شده است. از آنجایی که نرمال بودن متغیر وابسته به نرمال بودن باقیمانده‌های الگو می‌انجامد، لازم است قبل از برازش الگو، نرمال بودن آن کنترل شود. مقدار آماره آزمون جارک برا برای بازده سهام و سرمایه‌گذاری جدید به ترتیب برابر با  $۴/۰۷۸$  و  $۴/۸۲۸$  و سطح احتمال آنها برابر با  $۰/۱۳۰$  و  $۰/۰۸۹$  است. از آنجایی که مقادیر سطح معناداری، متغیرهای بازده سهام و سرمایه‌گذاری جدید بیشتر از  $۵\%$  است، بنابراین متغیرهای بازده سهام و سرمایه‌گذاری جدید از توزیع نرمال برخوردار است.

### آزمون F لیمر و هاسمن

برای تعیین الگوهای رگرسیونی نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن در جدول (۲) ارایه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون چاو و هاسمن

مدل	آزمون چاو	سطح معناداری	نتیجه	آزمون هاسمن	سطح معناداری	نتیجه
۱	۲/۹۹۵	۰/۰۰۰	تابلویی	۲۷/۴۰۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
۲	۵/۹۴۸	۰/۰۰۰	تابلویی	۱۹/۵۷۸	۰/۰۲۳	اثرات ثابت



آزمون چاو یا  $f$  لیمبر برای تعیین بکارگیری مدل رگرسیون تابلویی در مقابل تلفیق کل داده‌ها اجرا شده است. آزمون هاسمن نیز برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت جهت برآورد مدل‌های فرضیه‌های اول تا دوم مناسب است.

### آزمون فرضیه‌ها

نتایج آزمون همه فرضیه‌های پژوهش در جدول (۳) نشان داده شده است. مقادیر آماره دوربین/واتسون برای همه مدل‌ها در دامنه مطلوب (۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد. بنابراین، باقیمانده‌های اجزا خطای مدل‌ها دارای استقلال است و خودهمبستگی بین آنها وجود ندارد. مقدار و احتمال آماره  $f$  برای همه مدل‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ پس مدل‌ها توان تشریح تغییرات متغیر مستقل را دارند.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌ها با الگوی رگرسیون تابلویی با اثرات ثابت

مدل ۱: متغیر وابسته Ret			مدل ۲: متغیر وابسته NewInv				
ضرایب	آماره t	VIF	ضرایب	آماره t	VIF	نماد	متغیر وابسته
$2/198^{\circ}$	۱۱/۰۶	-	$0/19^{\circ}$	۳۸/۷۴	-	$\alpha_0$	عرض از مبدأ
$-0/025^{\circ}$	-۱/۹۹	$2/50$	$0/001$	۱/۶۳	$2/50$	Z	محدودیت مالی
$0/028^{\circ}$	۱/۸۷	$2/37$	$0/010^{\circ}$	۴/۶۱	$2/38$	AQ	کیفیت حسابداری
$-0/159^{\circ}$	-۴/۵۹	$2/71$	$0/006^{\circ}$	۲/۴۵	$2/71$	AQ*Z	تعامل کیفیت حسابداری با محدودیت مالی
$-0/004$	-۰/۷۹	$1/02$	$0/0002$	۱/۷۴	$1/02$	SG	نرخ رشد شرکت
$-0/047^{\circ}$	-۳/۹۳	$1/39$	$-0/007^{\circ}$	-۳۶/۲۳	$1/39$	Size	اندازه شرکت
$0/343^{\circ}$	۴/۰۶	$1/33$	$0/043^{\circ}$	۲۶/۰۲	$1/33$	Con	شاخص تمرکز بازار
$0/004$	۰/۱۳	$2/11$	$0/006^{\circ}$	۳/۱۱	$2/10$	Lev	بدهی‌ها به دارایی‌ها
$0/177^{\circ}$	۳/۶۵	$1/93$	$0/001$	۰/۵۵	$1/93$	ROA	بازده دارایی‌ها
$-0/406^{\circ}$	-۵/۷۷	$1/03$	$-0/012^{\circ}$	-۱۶/۴۳	$1/02$	Age	سن شرکت
$0/056^{\circ}$	۲/۹۷	$1/61$	$-0/005^{\circ}$	-۴/۳۸	$1/61$	BM	ارزش دفتری به ارزش بازار
$0/4932$			$0/6464$			$R^2$	ضریب تعیین
$0/4026$			$0/6429$			$R^2$ Adj	ضریب تعیین تعدیل شده
$2/39$			$2/04$			DW	دوربین واتسون
$5/44$			$187/4$			F	آماره f

\* در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

نتایج فرضیه ۱ در جدول (۳) نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین یعنی توان توضیح‌دهندگی تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی حدود ۴۹/۳۲٪ است. برای متغیر محدودیت مالی سطح خطای قابل قبول کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، رابطه این متغیر با بازده سهام (۰/۰۲۵-) منفی و معناداری است. برای متغیر کیفیت حسابداری سطح خطا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، بین این متغیر با بازده سهام رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. اثر تعاملی کیفیت حسابداری با محدودیت مالی (۰/۱۵۹-)، منفی و معنادار است و نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از ۵٪، این اثر تعاملی منفی افزایش یافته است. از آنجایی که متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری چولگی منفی داشته است، برخلاف مبانی نظری پژوهش، کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی بین محدودیت مالی و بازده سهام را تشدید می‌کند و مقدار ضرایب این رابطه از ۰/۰۲۵- به ۰/۱۵۹- تعدیل شده است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد شده است.

نتایج فرضیه ۲ در جدول (۳) نشان می‌دهد مقدار ضریب تعیین در حدود ۶۴/۶۴٪ است. متغیر محدودیت مالی با سرمایه‌گذاری جدید (۰/۰۰۱) رابطه مثبت دارد، اما معنادار نیست. برای متغیر کیفیت حسابداری سطح احتمال کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، بین این متغیر با بازده سهام رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. اثر تعاملی کیفیت حسابداری با محدودیت مالی (۰/۰۰۶)، مثبت و معنادار است. بنابراین، کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه بین محدودیت مالی با میزان سرمایه‌گذاری جدید را به طور مثبت تعدیل کرده است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته شده است، زیرا کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه بین محدودیت مالی و سرمایه‌گذاری جدید را قوی‌تر کرده است و مقدار ضرایب این رابطه از ۰/۰۰۱ به ۰/۰۰۶ افزایش یافته شده است.

شاخص تمرکز بازار با بازده سهام و با میزان سرمایه‌گذاری جدید رابطه مثبت و معنی‌دار دارد، بنابراین نشان می‌دهد هرچه تمرکز شرکت بر فعالیت‌های اصلی مربوط به صنعت خودش بیشتر باشد بازده سهام و سرمایه‌گذاری جدید افزایش می‌یابد.

## بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت اطلاعات حسابداری و محیط‌های اطلاعاتی شرکت‌ها در کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و ارائه‌دهندگان منابع مالی و همچنین، کاهش نارسایی‌های بازار سرمایه نقش دارد و متعاقباً

امکان بروز خطر اخلاقی و گزینش نادرست کاهش می‌یابد. بنابراین، گزینه‌های تامین مالی بیشتر و شرایط تامین مالی مطلوب تری برای شرکت‌ها ایجاد می‌شود.

در این مطالعه ۱۴۸ شرکت به‌عنوان نمونه طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ انتخاب شد. یافته‌ها نشان می‌دهد کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی بین محدودیت مالی و بازده سهام را قوی‌تر کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد طی دوره مورد مطالعه، کیفیت اطلاعات حسابداری دارای چولگی منفی بوده و به عبارتی کیفیت اطلاعات حسابداری کاهش یافته است و این امر سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود؛ به طوری که وام‌دهندگان محدودیت‌های مالی را افزایش داده و با وضع شرایط دشوار، منابع مالی کمتری در اختیار متقاضیان وجوه قرار می‌دهند. این مطلب نشان می‌دهد برخلاف مبانی نظری پژوهش، کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی بین محدودیت‌های مالی و بازده سهام را تقویت کرده است. دلیل این امر، این است که طی سال‌های پژوهش کیفیت اطلاعات حسابداری کاهش یافته است. در این راستا، ستایش و همکاران (۱۳۹۲؛ ۲۱) نشان داده‌اند که بین کیفیت ارقام تعهدی و رشد در کیفیت ارقام تعهدی با محدودیت در تامین مالی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی بین محدودیت مالی با میزان سرمایه‌گذاری جدی را تضعیف می‌کند. مبانی نظری پژوهش پیش‌بینی می‌کند بهبود کیفیت اطلاعات منجر به افزایش سرمایه‌گذاری جدید می‌شود و کیفیت اطلاعات حسابداری سبب کاهش محدودیت مالی شده و میزان سرمایه‌گذاری جدید افزایش یافته است. این امر در یافته‌های این پژوهش هم حاصل شده است. البته عدم تقارن اطلاعاتی، سبب کاهش اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر بازارهای تامین مالی می‌شود. هر اندازه ثروت خالص شرکت‌های تجاری کمتر باشد و نسبت به تغییرات در سود خالص و ارزش خالص حساسیت بیشتری داشته باشند، مساله مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامطلوب در اعطای وام به شرکت‌ها افزایش می‌یابد. کاهش ثروت خالص شرکت‌ها منجر به کاهش اعطای وام و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود. از سوی دیگر، شفافیت مالی آنها می‌تواند حساسیت‌های آنها را به نارسایی‌های بازار وام، کاهش دهد. از این رو، نتایج فرضیه‌ها همسو با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۹؛ ۴۹) و لی و همکاران (۲۰۲۲؛ ۴) است. این مطالعه همچنین، نشان

می دهد هرچه تمرکز شرکت بر فعالیت های اصلی مربوط به صنعت خودش بیشتر باشد، بازده سهام و سرمایه گذاری افزایش می یابد.

کیفیت اطلاعات حسابداری و محدودیت های مالی تحت تاثیر عوامل زیادی قرار دارد. این عوامل شامل تورم، چرخه های تجاری، دوره های رونق و رکود اقتصادی، نرخ بهره، نرخ ارز، نوع صنعت، ساختار مالکیت و ساختار سرمایه است که می توان در پژوهش های آتی این عوامل به تفکیک صنایع مختلف مد نظر قرار گیرد. موضوع جالب توجه برای پژوهش های آینده، بررسی موضوع این پژوهش طی دوره ای طولانی به تفکیک دوره های سیاست های دولتی و یا تفکیک براساس تغییر دولت ها است. در تعمیم نتایج این پژوهش باید احتیاط کرد، زیرا این پژوهش طی دوره ۷ ساله و با نمونه ای از شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران اجرا شده است. همچنین، برخی از پدیده های موثر یاد شده در بالا در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است. مهمترین محدودیت های این پژوهش، نبود داده های منظم و بانک اطلاعاتی مناسب برای همه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از سوی دیگر، شمار زیادی از شرکت های بورس تهران از سازمان بورس بخاطر انتشار اطلاعات نامناسب و با تاخیر، اخطار دریافت می کند، ضمن اینکه نمونه ای این پژوهش نشان می دهد طی دوره پژوهش، کیفیت اطلاعات حسابداری، کاهش یافته است.

## منابع

- اخگر، محمد امید؛ کرانی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اصطکاک‌های بازار بر محدودیت مالی با تأکید بر ارتباطات سیاسی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۲): ۱۷-۳۸.
- پورعلیرضا، کریم؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ بادآور نهندی، یونس؛ زینالی، مهدی. (۱۳۹۸). ارتباط محدودیت مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و استراتژی سرمایه در گردش. دانش سرمایه‌گذاری، ۸(۳۲)، ۱۲۹-۱۵۰.
- حسینی‌راد، سیدداود؛ قاسمی، مصطفی؛ محسنی، عبدالرضا. (۱۴۰۱). بررسی آثار گرایش کارآفرینانه بر عملکرد مالی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت اطلاعات حسابداری. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۴(۱)، ۱-۱۶.
- ستایش، محمدحسین؛ رضایی، غلامرضا؛ زیاری، سارا؛ کاظم نژاد؛ فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات مالی و محدودیت در تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، ۵(۱۹)، ۲۱-۴۵.
- طاهری نیا، مسعود؛ دربندی فراهانی، سعید. (۱۴۰۱). بررسی رابطه متقابل بین افشای همزمان گزارش تفسیری و پیش بینی سود مدیریت با تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری با تعدیل‌گری عدم اطمینان محیطی. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۲)، ۴۱-۶۰.
- لطفی، محسن؛ دلشاد، افسانه. (۱۴۰۰). تبیین نقش ویژگی‌های ارتقاء دهنده کیفیت سود در افزایش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام: شواهدی از مدل همزمانی بازده سهام. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱(۱)، ۷۷-۱۰۶.

## References

- Ahmad, M. M., Hunjra, A. I., & Taskin, D. (2021). Do asymmetric information and leverage affect investment decisions? *The Quarterly Review of Economics and Finance*. Article in Press. Available online 10 May 2021
- Akhgar, M., & korani, fatemeh. (2019). Investigating the effects of market frictions on financial constraint with emphasis on political connection. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(2), 17-38. (In Persian)
- Armstrong, C. S., Glaeser, S., & Kepler, J. D. (2019). Accounting quality and the transmission of monetary policy. *Journal of Accounting and Economics*, 68(2-3), 101265.

- Armstrong, C. S., Guay, W. R., & Weber, J. P. (2010). The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 179-234.
- Bajaj, Y., Kashiramka, S., & Singh, S. (2021). Economic policy uncertainty and leverage dynamics: Evidence from an emerging economy. *International Review of Financial Analysis*, 77, 101836.
- Balakrishnan, K., Core, J. E., & Verdi, R. S. (2014). The relation between reporting quality and financing and investment: Evidence from changes in financing capacity. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 1-36.
- Balakrishnan, K., & Ertan, A. (2018). Banks' financial reporting frequency and asset quality. *The Accounting Review*, 93(3), 1-24.
- Balakrishnan, R., Drymiotis, G., Sivaramakrishnan, S., & Tian, J. (2020). CEO Overconfidence, Moral Hazard, and Investment. Available at SSRN 3680313.
- Batchelor, T. (2018). Corporate bankruptcy: Testing the efficacy of the Altman Z-score. *International research journal of applied finance*, 9(9), 404-414.
- Bernanke, B. S., & Gertler, M. (1995). Inside the black box: the credit channel of monetary policy transmission. *Journal of Economic Perspectives*, 9(4), 27-48.
- Bharath, S. T., Sunder, J., & Sunder, S. V. (2008). Accounting quality and debt contracting. *The Accounting Review*, 83(1), 1-28.
- Cho, S.-M., & Kang, S.-A. (2019). The effect of accounting information quality and competition on investment inefficiency: evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 26(4), 489-510.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77(s-1), 35-59.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 344-401.
- Fazzari, S., Hubbard, R. G., & Petersen, B. (1988). Investment, financing decisions, and tax policy. *The American Economic Review*, 78(2), 200-205.
- Francis, J., Nanda, D., & Olsson, P. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of accounting research*, 46(1), 53-99.
- Hoseinirad, S. D., Ghasemi, M., & Mohseni, A. (2022). Investigating the Effects of Entrepreneurial Orientation on Financial Performance Considering the Moderating Role of Accounting Information Quality. *Journal of Financial Accounting Research*, 14(1), 1-16. (In Persian)
- Kaplan, S. N., & Zingales, L. (1997). Do investment-cash flow sensitivities provide useful measures of financing constraints? *The Quarterly Journal of Economics*, 112(1), 169-215.
- Lambert, R., Leuz, C., & Verrecchia, R. E. (2007). Accounting information, disclosure, and the cost of capital. *Journal of Accounting Research*, 45(2), 385-420.

- Lei, Z., Gong, G., Wang, T., & Li, W. (2022). Accounting Information Quality, Financing Constraints, and Company Innovation Investment Efficiency by Big Data Analysis. *Journal of Organizational and End User Computing (JOEUC)*, 34(3), 1-21.
- Lotfi, M., & delshad, afsaneh. (2021). Explaining the Role of Profit Quality Upgraded Features in Increasing the Stock Price Informativeness: Evidence of Synchronicity Model Stock Return. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(1), 77–106. (In Persian)
- Mishkin, F. S. (2016). *Economics of money, banking and financial markets 10th ed.* Pearson Education Limited ISBN 9780273765851.
- Pouralireza, K., Baradaran Hasanzadeh, R., Badavar Nahandi, Y., & Zeynali, M. (2019). Relationship between Financial Constraint and Investment Efficiency and Working Capital Strategy. *Journal of Investment Knowledge*, 8(32), 129–150. (In Persian)
- Setaysh, M. H., Rezaei, G., Ziari S., Kazemnejad, F. (2013). Investigating the relation between the quality of financial information and restrictions on financing companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting*. 5 (19), 45-21. (In Persian)
- Taherinia, M., & Darbandi Farahani, S. (2022). Review the Interrelationship between Simultaneous Disclosure of Interpretive Report and Management Profit Prediction with Information Symmetry and Investment Quality with Environmental Uncertainty Adjustment. *Journal of Accounting and Social Interests*, 12(2), 41–60. (In Persian)
- Tirole, J. (2015). *The theory of corporate finance*. Princeton University Press.

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



## بررسی اثر سرریزی ورشکستگی بر کیفیت گزارشگری مالی<sup>۱</sup>

آمنه بذرافشان<sup>۲</sup>، مرجان محمودی<sup>۳</sup>

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش تعیین اثر ورشکستگی شرکت‌های همیشه بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد. به لحاظ نظری، انتظار می‌رود اثر ورشکستگی یک شرکت همیشه، فراتر از آن شرکت رفته و بر شرکت‌های هم‌صنعت نیز تأثیرات بااهمی تی داشته باشد.

**روش:** اطلاعات مربوط به ۱۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناسی از نوع رگرسیون و همبستگی می‌باشد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهند که ورشکستگی همیشگان بر معیارهای محافظه‌کاری، مدیریت سود تعهدی و ضریب واکنش سود تأثیر معناداری ندارد. با این حال، بررسی‌های تکمیلی حاکی از آن است که ورشکستگی همیشگان تأثیر معناداری بر مدیریت سود واقعی در بین شرکت‌های با مدیریت سود کاهنده، دارد.

**نتیجه‌گیری:** طبق یافته‌ها، ورشکستگی یک شرکت همیشه موجب می‌شود تا شرکت‌های دیگر فعال در آن صنعت، اقدام به دستکاری فعالیت‌های واقعی در جهت کاهش سود نمایند. تأثیر ورشکستگی همیشگان بر مدیریت سود واقعی کاهنده و عدم تأثیر آن بر مدیریت سود تعهدی، می‌تواند اینگونه توجیه شود که به دلیل وجود اصول نظارتی همچون، وجود حسابرسی مستقل، شرکت‌ها با دریافت اخبار بد از سوی همیشگان، تمایلی به انجام دستکاری از طریق ارقام تعهدی ندارند. آنها بیشتر متمایل به دستکاری از طریق فعالیت‌های واقعی هستند، زیرا نظارت حساب‌برسان بیشتر روی ارقام تعهدی صورت می‌گیرد و این دستکاری هم بیشتر در جهت کاهش سود می‌باشد.

**دانش‌افزایی:** یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ورشکستگی شرکت نه تنها بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است، بلکه بر برخی معیارهای کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های همیشه، نیز اثر می‌گذارد.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت گزارشگری مالی، ورشکستگی همیشگان، محافظه‌کاری، مدیریت سود، ضریب واکنش سود.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42

10.22051/JAASCI.2022.39255.1668 : DOI .۱

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران. نویسنده مسئول.  
(bazrafshan@imamreza.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران.  
(marjan.mahmoudi99@gmail.com)



## مقدمه

در لغت‌نامه کولین مفهوم سرریز چنین بیان شده است، «موقعیت یا احساسی که از یک مکان شروع می‌شود، سپس گسترش می‌یابد تا زمانی‌که برجایی دیگر تاثیر می‌گذارد». در دیکشنری لانگمن نیز در مورد سرریز چنین آمده است، «تاثیری که یک موقعیت یا مشکل بر موقعیت دیگر می‌گذارد». در اقتصاد، اثر سرریز به تاثیری اطلاق می‌شود که رویدادهای به ظاهر نامربوط در یک کشور می‌تواند بر اقتصاد سایر کشورها داشته باشد. مطالعات تجربی اخیر تاثیر اثر سرریز همپیشگان بر تصمیمات شرکت‌ها را مستند نموده‌اند. به‌عنوان مثال، لیری و رابرتز<sup>۱</sup> (۲۰۱۴، ۱۳۹)، فرانسیس، کاستینا و رانتالا<sup>۲</sup> (۲۰۱۵، ۳۱۹)، فایرهاست و نام<sup>۳</sup> (۲۰۱۸، ۲۳۶) آثار قابل توجه همپیشگان بر ساختار سرمایه را مشاهده نموده‌اند و ادھیکاری و آگراوال<sup>۴</sup> (۲۰۱۸، ۶۱۶) و گرنان<sup>۵</sup> (۲۰۱۹، ۵۴۹) اثرات مشابهی را بر سیاست سود سهام گزارش کرده‌اند. این تاثیر همان اثر سرریزی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

در این پژوهش، بررسی می‌شود که آیا ورشکستگی همپیشگان بر کیفیت گزارشگری مالی سایر شرکت‌ها در آن صنعت، تاثیر می‌گذارد؟ بر این اساس، ورشکستگی به‌عنوان یک رویداد قابل توجه در یک صنعت در نظر گرفته شده و بررسی می‌شود که آیا کیفیت گزارشگری در آن صنعت تحت تاثیر این بحران قرار می‌گیرد یا خیر؟ نتایج تحقیقات پیشین حاکی از آن است که اعلام ورشکستگی یک شرکت، همیشه اثرات منفی بازار سرمایه را بر سایر شرکت‌های داخل صنعت به دنبال دارد. به نظر می‌رسد شرکت‌های درون یک صنعت که ورشکستگی همپیشگان را تجربه می‌کنند، گزارش‌های مالی خود را اصلاح نموده تا چنین اثرات منفی را در بازار سرمایه کاهش دهند. در پژوهش‌های خارجی مقالات گوناگونی پیرامون "اثرات همپیشگان"، دیده می‌شود، اما در ایران پیرامون این موضوع پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است و این مساله مهجور مانده است. امید است، پژوهش حاضر به‌عنوان نقطه عطفی برای بررسی تاثیر همپیشگان در صنعت و گامی در جهت پر کردن خلاء تحقیقاتی پیرامون این موضوع در ایران باشد. این پژوهش به‌طور خاص، اثرات سرریز

- 
1. Leary and Roberts
  2. Francis, Kaustia and Rantala
  3. Fairhurst and Nam
  4. Adhikari and Agrawal
  5. Grennan

ورزشکستگی همپیشگان بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد. اطلاعات مربوط به ۱۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در ۲۸ صنعت مختلف به‌عنوان منبع اطلاعات معتبر، برای دوره پژوهش، گردآوری شده است.

### مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

گزارشگری مالی ابزاری جهت برقراری ارتباط میان سرمایه‌گذاران و عوامل بازار و مدیران و مالکان شرکت‌ها است و برای انتقال اطلاعات مالی شرکت به ذی‌نفعان داخل و خارج شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد (اروین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱، ۳۰۲؛ کایهان، ۲۰۲۱، ۴۴۸). هدف اصلی گزارش‌های مالی ارائه اطلاعات مناسب در مورد وضعیت مالی شرکت‌ها به استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها در جهت اتخاذ تصمیمات صحیح است. زمانی که گزارش‌های مالی بتوانند این هدف را برآورده کنند، از کیفیت لازم برخوردار خواهند بود. پژوهش‌های قبلی اشاره نموده‌اند که گزارشگری مالی با کیفیت می‌تواند پیامدهای اقتصادی مهمی از جمله افزایش کارایی سرمایه‌گذاری را به دنبال داشته باشد (هیلائی و پالپو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، ۴۱۰؛ بوشمن و اسمیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، ۲۳۷؛ لامبرت، لئوز و ورچیا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵، ۸؛ لطفی و دلشاد<sup>۶</sup>، ۱۴۰۰، ۷۸؛ شایسته و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۴۰۱، ۹۰). کیفیت گزارشگری مالی به این معنی است که تا چه اندازه گزارش‌های مالی، اقتصاد زیربنایی شرکت را به‌طور منصفانه نشان می‌دهند (دیفوند و ژانگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴، ۲۷۷). عواملی مانند عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع منجر به تحریف این گزارش‌ها توسط مدیران می‌گردد. اعمال مدیریت سود باعث می‌شود اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی به درستی وضعیت شرکت را افشا نکند و همین موضوع موجب گمراهی افرادی چون سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌گردد. در مطالعات حسابداری، از کیفیت سود به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است،

1. Erwin et al.
2. Kayhan
3. Healy and Palepu
4. Bushman and Smith
5. Lambert, Leuz and Verrecchia
6. Lotfi and Delshad
7. Shayesteh, et al
8. Defond and Zhang

زیرا سود، یکی از ارکان اصلی در فرآیند گزارشگری مالی است (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۶، ۳۲۱). لو<sup>۱</sup> (۱۹۸۹، ۱۵۴) بیان می‌کند که سود اگرچه معیاری کامل برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی نیست، اما حداقل مهمترین خروجی فرآیند گزارشگری می‌باشد. کیفیت سود گزارش شده توسط شرکت‌ها از عوامل مهم کیفیت یک گزارش مالی است. در ارائه گزارشات مالی یکی از دغدغه‌های استفاده‌کنندگان همواره این مطلب بوده است که آیا این گزارشات دقیق و واقعی هستند و یا تحریفاتی از سوی مدیریت در آنها اعمال شده است؟ مدیران با انگیزه‌هایی چون افزایش پاداش و ارتقاء جایگاه مدیریتی خویش و یا مواردی چون کاهش مالیات شرکت و هزینه‌های سیاسی، همواره انگیزه مدیریت سود (افزایشی و یا کاهش‌ی) را دارند. در پژوهش حاضر محافظه‌کاری، مدیریت سود و ضریب واکنش سود به‌عنوان معیارهای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است.

امروزه مطالعات انجام شده تاثیر شرکت‌های همیشه بر یکدیگر را مورد تایید قرار می‌دهند. لیری و رابرتز<sup>۲</sup> (۲۰۱۴، ۱۳۹)، فرانسیس<sup>۳</sup> (۲۰۱۳، ۳۲۰)، کاستینا و رانتالا<sup>۴</sup> (۲۰۱۵، ۶۵۳) و فایره‌رست و نام<sup>۵</sup> (۲۰۱۸، ۲۳۶)، به‌طور تجربی تاثیر همپیشگان را بر سیاست‌های ساختار سرمایه و ادھیکاری و آگراوال و گرنان<sup>۶</sup> (۲۰۱۹، ۶۱۵)، تاثیر همپیشگان را بر سیاست سود سهام نشان می‌دهند. بایک چندانی، هیرشلیفر و ولج<sup>۷</sup> (۱۹۹۸، ۱۵۱) نیز بیان می‌کنند درک ریسک در مدیران مالی، که ناشی از یک محیط رقابتی است، آنها را تشویق می‌کند تا از تصمیمات مالی دیگران استفاده نمایند.

تئوری مبتنی بر اطلاعات اذعان می‌دارد که در صورت بالا بودن عدم اطمینان و ابهام، تصمیمات شرکت‌های همیشه ممکن است به‌عنوان منبع مهم اطلاعاتی عمل کند (بایک چندانی و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸، ۱۵۱). اطلاعات به‌دست آمده از اقدامات همپیشگان، راهنمایی کم‌خطر و رایگان برای شرکت

- 
1. Lev
  2. Leary and Roberts
  3. Francis
  4. Kaustia and Rantala
  5. Fairhurst and Nam
  6. Adhikari and Agrawal
  7. Bikhchandani, Hirshleifer and Welch
  8. Bikhchandani

دریافت کننده است. اطلاعات، منجر به مزایایی نظیر کاهش قابل توجه در هزینه‌ها (کانلیسک<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰، ۲۷۷) و فرصت‌هایی برای بهره‌برداری از کارهای گسترده دیگران می‌شود (لیبرمن و آسابا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، ۳۶۸). در زمینه سرمایه‌گذاری که برگشت‌ناپذیری مهمترین ویژگی آن محسوب می‌شود (برتولا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، ۷)، عدم اطمینان و خطرات به‌طور معمول، در بسیاری از مدل‌ها به‌عنوان مسئله اصلی پژوهش، مورد توجه قرار گرفته است (فروت، شارفستاین و استین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳، ۱۶۲۹).

نظریه رقابت بیان می‌کند که تصمیم‌گیرندگان منطقی از رقبای موفق تقلید می‌کنند تا از صرف تلاش یا هزینه جستجوی بیشتر برای یافتن راه‌حل بهینه جلوگیری کنند (سایرت و مارچ<sup>۵</sup>، ۱۹۶۳، ۱۶۹؛ لیبرمن و آسابا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶، ۳۶۷). کانلیسک (۱۹۸۰، ۲۷۵) دریافت که تجربه یا آزمایش نسبت به تقلید هزینه بر و زمان برتر است، بنابراین شرکت‌هایی که اطلاعات آنها ناقص است، از استراتژی‌های دیگران برای کاهش احتمال عدم موفقیت تقلید می‌کنند. تحت شرایط عدم اطمینان محیطی، پیش‌بینی نتایج یک سرمایه‌گذاری خاص برای مدیران دشوار است (ملیکن<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷، ۱۳۵). شرکت‌هایی که هنگام تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری اطلاعات ناقص دارند، از رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های همپیشه، برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خود بهره می‌برند (فوکلت و فرسارد<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴، ۵۵۴).

نیازهای مدیران مالی برای انجام موفقیت‌آمیز سرمایه‌گذاری و کاهش بار خطرات مربوط به نظریه اطلاعات، موجب تصمیم‌گیری تقلیدی است. درک خطرات، احتمالاً مدیران مالی را به سمت انتخاب‌های امن‌تر و محافظه‌کارانه سوق می‌دهد (بایک چندانی، ۱۹۹۸، ۱۵۳). محدودیت‌های مالی همچنین، فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت را محدود می‌کند و انعطاف‌پذیری سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، شرکت‌هایی که محدودیت بیشتری در امور مالی دارند حالت رویه

- 
1. Conlisk
  2. Lieberman and Asaba
  3. Bertola
  4. Froot, Scharfstein and Stein
  5. Cyert and March
  6. Lieberman & Asaba
  7. Milliken
  8. Foucault and Fresard

محافظه کارانه تری در سرمایه گذاری دارند. آنها برای کاهش هزینه و ریسک احتمالی در سرمایه گذاری به تقلید از همپیشگان روی می آورند. مورد دیگری که در ارتباط با اثرات همپیشگان می توان به آن اشاره نمود، تاثیر همپیشگان بر نوآوری است. یافته های تحقیقات پیشین حاکی از آن است که اتخاذ سیاست های نوآوری همپیشگان با بهبود در بازده بلندمدت و عملکرد بازار محصول همراه است (ماچوکوتو<sup>۱</sup>، گیما<sup>۲</sup>، جی ان تیم<sup>۳</sup>، زیرچاپ). در نظریه اقتصادی، استدلال می شود که شرکت های همیشه نقش مهمی در شکل گیری تصمیمات شرکت ها مانند قیمت گذاری محصول (برتراند<sup>۴</sup>، ۱۸۸۳، ۴۹۹) و تبلیغات محصول (استیگلر<sup>۵</sup>، ۱۹۶۸، ۱۴۹) دارند.

مدل مفهومی پژوهش درخصوص تاثیر ورشکستگی شرکت های همیشه بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها در ادامه ارائه شده است. طبق این مدل که حاصل مطالعات نظری و تجربی است، ورشکستگی یک شرکت همکار در یک صنعت اثرات موجی را برای دیگر شرکت های موجود در همان صنعت به دنبال دارد (دلشادی و مگنان، ۲۰۲۰، ۶)<sup>۶</sup>. انتظار می رود مدیران این گونه بنگاه ها، استراتژی گزارشگری مالی خود را برای کاهش تاثیر چنین اثراتی بر شرکت هایشان، اصلاح نمایند. در ادبیات مالی شرکت ها به خوبی مستند شده است که پرونده ورشکستگی بر قیمت سهام سایر شرکت های همان صنعت، تاثیر منفی می گذارد و همچنین، هزینه بدهی آنها را بدون توجه به وضعیت اقتصادی آنها افزایش می دهد. استدلال می شود شرکت ها بعد از ورشکستگی یک همکار صنعت، درجه بالاتر یا پایین تری از محافظه کاری را در گزارشگری مالی خویش به دلیل سه اثر عدم تقارن اطلاعاتی، اثر احساسات مدیریتی و اثر یادگیری از شرکت ورشکسته بکار می برند. به دنبال اعلامیه ورشکستگی شرکت همکار، انتظار می رود مدیران یک استراتژی گزارشگری مالی را انتخاب کنند که شفافیت را افزایش و عدم تقارن اطلاعات را کاهش دهد. واتس و لافوند<sup>۷</sup> (۲۰۰۸، ۴۴۷) مشاهده کردند که شرکت ها در پی افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، درآمد محافظه کارانه تری ارائه

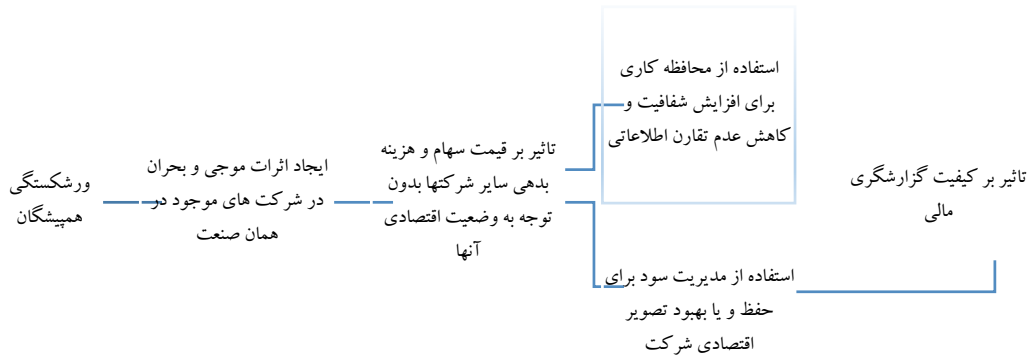
- 
1. Machokoto
  2. Gyimah
  3. G. Ntim
  4. Bertrand
  5. Stigler
  6. Delshadi and Magnan
  7. Watts & LaFond

می دهند. آنها اینگونه استدلال می کنند که محافظه کاری حسابداری واکنشی به کاهش ارزش به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران است. آنها همچنین، استدلال می کنند که سرمایه گذاران از قابل تایید بودن اطلاعات حسابداری استقبال می کنند. به این ترتیب، منطقی است که انتظار رود شرکت ها از محافظه کاری حسابداری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش تاثیر منفی ورشکستگی یک شرکت همکار بر ارزش آنها استفاده کنند. سرمایه گذاران همچنین، می توانند برای داشتن اطلاعات قابل تایید که اطمینانی را پیرامون عملیات فعلی شرکت فراهم کند، تقاضای گزارش های محافظه کارانه داشته باشند (دلشادی و مگنان، ۲۰۲۰، ۷).<sup>۱</sup>

بنابراین، با توجه به این واقعیت که ورشکستگی یک رویداد قابل توجه است، منطقی است که انتظار داشته باشیم شرکت های بدون پرونده ورشکستگی از تجربه شرکت ورشکسته در استفاده از محافظه کاری حسابداری (یا استفاده نکردن از آن) یاد می گیرند و محافظه کارتر می شوند، تا خطر بحران مالی در آینده را کاهش دهند. با این وجود، دلایلی نیز وجود دارد که انتظار داریم پرونده ورشکستگی یک شرکت منجر به افزایش محافظه کاری حسابداری در سایر شرکت ها نشود. گوی و ورچیا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶، ۱۴۹) تاکید می کنند که به تعویق انداختن شناسایی سود، اطلاعات مالی را مغرضانه نشان می دهد و بنابراین "ناکارآمدی اطلاعاتی" ایجاد می کند. به این ترتیب، استدلال می شود مدیران ممکن است برای افزایش سود و به تصویر کشیدن تصویر بهتری از عملکرد فعلی شرکت، سود را سریع تر از ضرر شناسایی کنند. برخی از مطالعات (به عنوان مثال، بوون و همکاران<sup>۳</sup> ۲۰۱۸، ۱؛ بنیش و همکاران<sup>۴</sup> ۲۰۱۲، ۱۹۳؛ روزنر<sup>۵</sup> ۲۰۰۳، ۳۶۱؛ گارسیا و دیگران<sup>۶</sup> ۲۰۰۹، ۱۱۹؛ لین و همکاران<sup>۷</sup> ۲۰۱۴، ۱؛ ژانگ و همکاران<sup>۸</sup> ۲۰۱۹، ۵۰۱)، نشان می دهند که شرکت ها برای حفظ و یا بهبود تصویر خود، در گیر مدیریت افزایش سود هستند. این تحقیقات دریافته اند که با ورشکستگی یک شرکت، انتظار می رود بازار واکنش منفی نسبت به سایر شرکت های فعال در آن صنعت داشته باشد. بنابراین،

1. Delshadi and Magnan  
2. Guay and Verrecchia  
3. Bowen  
4. Beneish  
5. Rosner  
6. Garcia Lara  
7. Lin  
8. Zhang

سایر شرکت‌ها جهت نشان دادن عملکرد خوبی از خود از مدیریت سود واقعی و تعهدی بهره می‌برند. به این ترتیب با توجه به اثر عدم تقارن اطلاعاتی، اثر احساسات مدیریتی و اثر یادگیری ناشی از ورشکستگی همپیشگان (که توضیحات آن در بالا اشاره شد)، این انتظار منطقی است که ورشکستگی یک شرکت همیشه بر کیفیت گزارشگری مالی سایر شرکت‌های موجود در همان صنعت شامل محافظه‌کاری، مدیریت سود و ضریب واکنش سود موثر باشد.



آدام و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷، ۱) با تکیه بر دیدگاه اکتشافی تی ورسکای و کانمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۳، ۱۱۲۵) استدلال می‌کنند که خبر تشکیل پرونده ورشکستگی توسط یک شرکت همیشه، احساسات منفی را در بین مدیران شرکت‌های محلی گسترش می‌دهد و آنها را به اتخاذ سیاست‌های مالی محافظه‌کارانه‌تر هدایت می‌کند. آنها مشاهده کردند که شرکت‌های محلی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند، اهرم ساختار سرمایه را کاهش می‌دهند و پول نقد بیشتری را پس از تشکیل پرونده ورشکستگی یک شرکت همیشه نگه می‌دارند. علاوه بر این، اثرات سرریز در جایی که مدیر عامل شرکت ورشکسته از کار برکنار می‌شود، قوی‌تر است.

دلشادی و مگنان (۲۰۲۰، ۵) در پژوهش خود بررسی می‌کنند که چگونه اعلامیه ورشکستگی یک شرکت همکار بر انتخاب‌های حسابداری سایر شرکت‌های فعال در آن صنعت تاثیر می‌گذارد. در

1. Addoum, J, et al

2. Tversky, A., and D. Kahneman

ادبیات مالی شرکت‌ها به خوبی مستند شده است که تشکیل پرونده ورشکستگی بر قیمت سهام سایر شرکت‌های همان صنعت تاثیر می‌گذارد و همچنین، هزینه بدهی آنها را صرف‌نظر از سلامت اقتصادی آنها، افزایش می‌دهد. آنها این سوال را مطرح نمودند که چگونه شرکت‌ها اعداد حسابداری را گزارش می‌نمایند تا احساس منفی ایجاد شده توسط اخبار پرونده‌های ورشکستگی شرکت همیشه را کاهش دهند. آنها ادعا نمودند که شرکت‌ها ممکن است سود (خبر خوب) را سریع‌تر یا حتی بیشتر گزارش دهند تا تصویر بهتری از سلامت اقتصادی را به تصویر بکشانند. اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و بخش حاکمیتی نیز ممکن است شرکت را با شدت بیشتری کنترل نموده و محافظه‌کاری بیشتری را در گزارش پس از ورشکستگی یک شرکت همیشه، تقاضا کنند. خبر ورشکستگی ممکن است با ایجاد احساسات منفی در بین مدیران ارشد سایر شرکت‌ها، منجر به محافظه‌کارتر بودن آنها شود. آنها در مطالعه خود با تحقیق بر روی یک نمونه بزرگ از شرکت‌های ایالات متحده در بازه زمانی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸، به این نتیجه رسیدند که در چنین شرایطی شرکت‌ها محافظه‌کاری مشروط بیشتری در گزارشگری مالی اعمال می‌نمایند. با توجه به استدلال‌ها و مبانی نظری فوق، فرضیه‌ها به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول پژوهش: ورشکستگی همپیشگان بر محافظه‌کاری تاثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم پژوهش: ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم پژوهش: ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم پژوهش: ورشکستگی همپیشگان بر ضریب واکنش سود تاثیر معناداری دارد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ روش از نوع رگرسیونی و همبستگی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسناد کاوی استفاده شده است. منبع جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق ارقام موجود در صورت‌های مالی شرکت‌ها است. بدین منظور از بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای (نرم‌افزار رهاورد نوین) و سایت کدال سازمان بورس و اوراق بهادار، استفاده شد. چهار فرضیه پژوهش شامل یک متغیر مستقل و چهار متغیر وابسته به همراه چندین متغیر کنترلی در نرم‌افزار SPSS با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت مورد آزمون



قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران هستند که دارای شرایط مندرج در جدول ۱ باشند. در نهایت ۱۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ۲۸ صنعت مختلف و طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ (دوره ۸ ساله)، به عنوان نمونه پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱. تعیین تعداد نمونه

تعداد شرکت‌ها	جدول غربالگری سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ (دوره ۸ ساله)
۵۲۲	کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس
(۲۱۹)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند نیست
(۱۱۰)	بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه گذاری
(۱۸)	شرکت‌هایی که اطلاعات آنها در دسترس نمی‌باشد
۱۷۵	تعداد شرکت‌های نمونه

جدول ۲. تعداد مشاهدات به تفکیک صنعت

تعداد در هر سال	صنعت
۱۱	استخراج
۸	ارتباطات
۲۳	دارویی
۳۶	سیمان
۱۷	غذایی
۲۰	فلزی
۴۱	خودرو
۱۴	شیمیایی
۵	کاغذی
۱۷۵	جمع کل

## مدل‌های پژوهش

به پیروی از دلشادی و مگنان (۲۰۲۰، ۱۳)، برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل ۱ استفاده شد. ضریب مورد نظر جهت تصمیم‌گیری پیرامون تأیید یا رد فرضیه،  $\beta_7$  است.

$$\begin{aligned}
Earnings_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Return_{it} + \beta_2 D_{it} + \beta_3 Return_{it} \times D_{it} + \beta_4 Spillover + \beta_5 Return_{it} \\
& \times Spillover + \beta_6 D_{it} \times Spillover + \beta_7 Return_{it} \times D_{it} \times Spillover + \beta_8 Size_{it} + \\
& \beta_9 Return_{it} \times Size_{it} + \beta_{10} D_{it} \times Size_{it} + \beta_{11} Return_{it} \times D_{it} \times Size_{it} + \beta_{12} Leverage_{it} + \\
& \beta_{13} Return_{it} \times Leverage_{it} + \beta_{14} D_{it} \times Leverage_{it} + \beta_{15} Return_{it} \times D_{it} \times Leverage_{it} + \\
& \beta_{16} MB_{it} + \beta_{17} Return_{it} \times MB_{it} + \beta_{18} D_{it} \times MB_{it} + \beta_{19} Return_{it} \times D_{it} \times MB_{it} + \beta_{20} BIG \\
& + \beta_{21} Return_{it} \times BIG + \beta_{22} D_{it} \times BIG + \beta_{23} Return_{it} \times D_{it} \times BIG + \beta_{24} AGE + \beta_{25} Return_{it} \\
& \times AGE + \beta_{26} D_{it} \times AGE + \beta_{27} Return_{it} \times D_{it} \times AGE + \beta_{28} INS + \beta_{29} Return_{it} \times INS \\
& + \beta_{30} D_{it} \times INS + \beta_{31} Return_{it} \times D_{it} \times INS + \beta_{32} INDEP + \beta_{33} Return_{it} \times INDEP + \\
& \beta_{34} D_{it} \times INDEP + \beta_{35} Return_{it} \times D_{it} \times INDEP + \beta_{36} ROA + \beta_{37} Return_{it} \times ROA + \\
& \beta_{38} D_{it} \times ROA + \beta_{39} Return_{it} \times D_{it} \times ROA + \beta_{40} SG + \beta_{41} Return_{it} \times SG + \beta_{42} D_{it} \times \\
& SG + \beta_{43} Return_{it} \times D_{it} \times SG + Firm Fixed Effect \quad (1)
\end{aligned}$$

جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل ۲ استفاده شد. در مدل زیر، در صورتی که ضریب  $\beta_1$  معنادار باشد فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد.

$$\begin{aligned}
REM_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Spillover_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 Leverage_{it} + \beta_4 Mbit + \beta_5 BIG_{it} + \beta_6 \\
& AGE_{it} + \beta_7 INS_{it} + \beta_8 INDEP_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} SG_{it} + Firm Fixed Effect \quad (2)
\end{aligned}$$

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل ۳ استفاده شد. در صورتی که ضریب  $\beta_1$  معنادار باشد فرضیه سوم پژوهش تایید می‌گردد.

$$\begin{aligned}
AEM = & \beta_0 + \beta_1 spillover + \beta_2 size + \beta_3 Leverage + \beta_4 MB + \beta_5 BIG + \beta_6 AGE + \\
& \beta_7 INS + \beta_8 INDEP + \beta_9 ROA + \beta_{10} SG + Firm Fixed Effect \quad (3)
\end{aligned}$$

در نهایت، برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش از مدل ۴ استفاده شد. در صورتی که ضریب  $\beta_4$  معنادار باشد فرضیه چهارم نیز تایید می‌گردد.

$$\begin{aligned}
Return_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Earning_{sit} + \beta_2 \Delta Earning_{sit} + \beta_3 spillover_{it} + \beta_4 spillover \\
&_{it} * Earning_{sit} + \beta_5 spillover_{it} * \Delta Earning_{sit} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 Size * Earning_{sit} + \\
& \beta_8 Size * \Delta Earning_{sit} + \beta_9 Leverage + \beta_{10} Leverage * Earnings + \beta_{11} Leverage \\
& * \Delta Earnings + \beta_{12} MB + \beta_{13} MB * Earnings + \beta_{14} MB * \Delta Earnings + \beta_{15} BIG + \\
& \beta_{16} BIG * Earnings + \beta_{17} BIG \Delta Earnings + \beta_{18} AGE + \beta_{19} AGE * Earnings + \beta_{20} AGE * \Delta Earnings + \\
& \beta_{21} INS + \beta_{22} INS * Earnings + \beta_{23} INS * \Delta Earnings + \beta_{24} INDEP + \beta_{25} INDEP * Earnings + \\
& \beta_{26} INDEP * \Delta Earnings + \beta_{27} ROA + \beta_{28} ROA * Earnings + \beta_{29} ROA * \Delta Earnings + \beta_{30} SG + \beta_{31} SG * Earnings + \beta_{32} \\
& SG * \Delta Earnings + Firm Fixed Effect \quad (4)
\end{aligned}$$

## متغیرهای پژوهش

### متغیر مستقل پژوهش

سرریزی (Spillover): یک متغیر موهومی است به این ترتیب که در صورت وجود شرکت ورشکسته در صنعت مقدار یک و در غیر اینصورت مقدار صفر را اتخاذ می‌کند.

### متغیرهای وابسته

در مدل اول پژوهش، محافظه‌کاری متغیر وابسته می‌باشد که با بهره‌گیری از مدل زیر اندازه‌گیری شده است.

$$Earnings_{it} = \beta_0 + \beta_1 Return_{it} + \beta_2 D_{it} + \beta_3 Return_{it} \times D_{it}$$

سود ( $Earnings_{it}$ ): سود خالص شرکت  $i$  در سال  $t$  تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در انتهای سال. بازده سالانه سهام ( $Return_{it}$ ). بازده مجازی ( $D_{it}$ ): یک متغیر موهومی است که اگر بازده سالانه سهام منفی باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد. ضریب تعامل بین بازده سالانه سهام و بازده مجازی، یعنی  $\beta_3$ ، سطح محافظه‌کاری را اندازه‌گیری می‌کند و مقادیر بالاتر برای  $\beta_3$  نشانگر درجه بیشتری از محافظه‌کاری است.

مدیریت سود واقعی (REM): مدیریت سود واقعی متغیر وابسته در فرضیه دوم است که برای اندازه‌گیری آن از مدل سه بخشی روی چاوداری (۲۰۰۶) استفاده شده است و به شرح زیر است:

$$CFO_t / A_{t-1} = \beta_0 + \beta_1 \Delta A_{t-1} + \beta_2 \Delta sales_t / A_{t-1} + \beta_3 \Delta sales_t / A_{t-1} + \varepsilon$$

مدل اول:

$$CGS_t / A_{t-1} = \beta_0 + \beta_1 \Delta A_{t-1} + \beta_2 \Delta sales_t / A_{t-1} + \beta_3 \Delta sales_t / A_{t-1} + \beta_4 \Delta sales_{t-1} / A_{t-1} + \varepsilon$$

مدل دوم:

$$DISE_t / A_{t-1} = \beta_0 + \beta_1 \Delta A_{t-1} + \beta_2 \Delta sales_t / A_{t-1} + \varepsilon$$

مدل سوم:

که در آن: جریان نقد عملیاتی ( $CFO_t$ )، جمع درآمد فروش ( $Sales_t$ )، تغییرات درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل ( $\Delta Sales_t$ )، بهای تمام شده کالای فروش رفته ( $CGS_t$ )، تغییرات درآمد فروش نسبت به دو سال قبل ( $\Delta Sales_{t-1}$ )، جمع هزینه‌های توزیع، فروش و عمومی ( $DISE_t$ )، جمع دارایی‌های ابتدای سال ( $A_{t-1}$ ) و خطای مدل ( $\varepsilon$ ).

در ادامه خطاهای مدل اول و سوم در عدد منفی یک ضرب می‌شوند و سپس با خطای مدل دوم جمع می‌گردند. عدد حاصله بیانگر مدیریت سود واقعی است. شایان ذکر است مدل رویچادری به تفکیک در هر صنعت برازش شده است.

مدیریت سود تعهدی (AEM): مدیریت سود تعهدی متغیر وابسته در فرضیه سوم است که برای اندازه‌گیری آن از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) به شرح زیر استفاده شده است.

$$TACC_t/TA_{t-1} = \beta_0 + \beta_1/TA_{t-1} + \beta_2(\Delta REV_t - \Delta REC_t)/TA_{t-1} + \beta_3 PPE_t/TA_{t-1} + \varepsilon$$

که در آن: کل اقلام تعهدی ( $TACC_t$ ): حاصل تفاضل جریان نقد عملیاتی از سود عملیاتی، جمع دارایی‌های ابتدای سال ( $TA_{t-1}$ )، تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل ( $\Delta REC_t$ )، اختلاف تغییرات حساب‌های دریافتی و تغییرات درآمد فروش ( $\Delta REV_t - \Delta REC_t$ ). قدرمطلق باقیمانده حاصل از برازش مدل فوق بیانگر مدیریت سود تعهدی می‌باشد. شایان ذکر است مدل تعدیل شده جونز به تفکیک در هر صنعت برازش شده است.

ضریب واکنش سود، متغیر وابسته در مدل آزمون فرضیه چهارم می‌باشد که با بهره‌گیری از مدل زیر اندازه‌گیری شده است.

$$Return_{it} = \beta_0 + \beta_1 Earning_{sit} + \beta_2 \Delta Earning_{sit}$$

تعاریف عملیاتی متغیرهای مدل مذکور قبلاً ارائه شده است. در این مدل  $\beta_1$  بیانگر ضریب واکنش سود است.

### متغیرهای کنترلی

**اندازه (size):** لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام. اهرم مالی ( $Leverage_{it}$ ): کل بدهی تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام. سطح بالاتر اهرم نشان‌دهنده تقاضای بیشتر وام‌دهندگان برای محافظه‌کاری حسابداری است. اندازه موسسه حسابرسی (BIG): متغیر موهومی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود عدد یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود. سن شرکت (AGE): برابر با لگاریتم طبیعی سن شرکت از زمان تاسیس شرکت است. درصد سهام در اختیار مالکان نهادی (INS): درصد سهام در اختیار مالکان نهادی است. مالکان نهادی عبارتند از

بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت‌شده نزد بورس و اوراق بهادار، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد و یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، شرکت‌های دولتی، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند، است. استقلال هیأت مدیره (INDEP): حاصل تقسیم اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضا است. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ( $MBit$ ). بازده دارایی‌ها (ROA): حاصل تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها است. رشد فروش (SG): حاصل تفاضل فروش سال قبل از فروش سال جاری بر فروش سال قبل، است.

## یافته‌های پژوهش

### آماره‌های توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول‌های شماره سه و چهار، ارائه شده است. جهت کنترل اثرات داده‌های پرت، متغیرهای پیوسته در سطح ۱ درصد، وینسورایز شده‌اند. نتایج آمار توصیفی پژوهش نشان می‌دهد میانگین اندازه شرکت‌ها، استقلال هیئت‌مدیره و درصد سهام در اختیار مالکان نهادی به ترتیب ۰/۱۴، ۶۶/۵ و ۰/۷۰ است. در نتیجه در شرکت‌های نمونه نسبت مالکان نهادی نسبت به سایر مالکان بالاتر است. میانگین استقلال هیئت‌مدیره که از تقسیم اعضای غیرموظف به کل اعضا بدست آمده است، نمایانگر این موضوع است که ۶۶ درصد اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های مورد بررسی مستقل هستند. با توجه به میانگین متغیر موهومی اندازه موسسه حسابرسی می‌توان گفت به‌طور متوسط ۲۰ درصد شرکت‌های مورد بررسی توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند. میانگین متغیر سرریزی با عدد ۰/۵۳ بیانگر این نکته است که ۵۳ درصد از مشاهدات، وجود شرکت ورشکسته در صنعت خود را تجربه کرده‌اند. همچنین، میانگین متغیر موهومی بازده مجازی نشان می‌دهد که ۳۰ درصد مشاهدات دارای بازده منفی بوده‌اند. بعلاوه نسبت سود خالص بر کل داراییها در شرکت‌های مورد بررسی حدود ۱۴ درصد بوده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
بازده	Return (درصد)	۱/۰۰۸	۰/۳۱۲	۱/۸۷	۳/۵۰۳	-۰/۵۸	۱۰/۱
سود	(Earning)	۰/۱۰۹	۰/۱۰۴	۰/۱۴۴	۰/۰۲۱	-۰/۵	۰/۵
تغییرات سود	$\Delta$ Earning	-۰/۰۱۴۵	۰/۰۰۷۱۱	۰/۰۲۹	-۰/۳۹۰	-۰/۷۴۶	۰/۶۲۰
اندازه	(Size)	۱۴/۵۰	۱۴/۲۵	۱/۷۰	۲/۸۹۱	۱۱/۰۹	۱۹/۰۰۲
اهرم مالی	(Leverage)	۰/۸۲	۰/۴۹۴	۰/۹۹۵	۰/۹۹۱	۰/۰۱۶۱	۵/۷۲۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB <sub>it</sub>	۳/۶۵۱۲	۲/۳۴۵	۴/۲۲	۱۷/۸۴۷	-۳/۴۶	۲۵/۹۲
سن شرکت	Age	۳/۵۸۷	۳/۶۸۸	۰/۳۸۶	۰/۱۴۹	۰/۲۶۳	۴/۱۴۳
درصد سهام مالکان نهادی	INS	۰/۷۰۹	۰/۷۰۳	۰/۱۸۷	۰/۰۳۵	۰/۰۱۳۰	۰/۹۸۰
استقلال هیأت مدیره	Indep	۰/۶۶۷	۰/۶۰	۰/۱۸۶	۰/۰۳۵	۰/۲	۱
بازده دارایی ها	ROA	۰/۱۴۲	۰/۱۱۹	۰/۱۵	۰/۰۳۳	-۰/۲۲	۰/۵۷
رشد فروش	SG	۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۶۱	۰/۳۸	-۰/۷	۴/۲۴
مدیریت سود واقعی	REM	-۰/۰۰۰۹۲	-۰/۰۱۶۸	۰/۱۶۸	۰/۰۲۸	-۰/۴۹۴	۰/۴۶۷
مدیریت سود تعهدی	AEM	۰/۱۰۸	۰/۰۷۹۴	۰/۰۹۸۹	۰/۰۱۰	۰/۰۰۱۳۰	۰/۴۷۹

جدول ۴. آمار توصیفی متغیرهای مجازی پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس	فراوانی مقدار ۰	فراوانی مقدار ۱	درصد مقدار ۰	درصد مقدار ۱
بازده مجازی	D	۰/۳	۰	۰/۴۵۷	۰/۲۰۹	۹۸۳	۴۱۷	۷۰/۲	۲۹/۸
سرریزی	Spillover	۰/۵۳	۱	۰/۵	۰/۲۵۰	۶۶۴	۷۳۶	۴۷/۴	۵۲/۶
اندازه موسسه حسابرسی	Big	۰/۲	۰	۰/۳۹	۰/۱۵۹	۱۱۲۳	۲۷۷	۸۰/۲	۱۹/۸

نتایج آزمون فرضیه اول مبنی بر وجود تاثیر معنادار ورشکستگی همپیشگان بر محافظه کاری، در جدول پنج قابل مشاهده است. در انتهای جدول (و جدول‌های بعدی) آماره‌های مرتبط با آزمون مفروضات رگرسیون و سپس، آزمون‌های مرتبط با انتخاب الگو ارایه شده است. همانطور که پیداست سطح معنی داری آزمون‌های نرمالیتی، وایت و نیز براش گودفری بالاتر از آستانه ۵ درصد است. بنابراین، فرض صفر آماری مبنی بر (به ترتیب) نرمال بودن خطاها، همسانی واریانس خطاها و استقلال خطاها رد نمی‌شود. علاوه بر این، حداکثر تولرانس بالاتر از آستانه ۱۰ نیست. بنابراین، نگرانی از بابت هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی وجود ندارد. همچنین، آزمون‌های انتخاب الگو برای دو بُعد آثار زمانی و آثار مقطعی، بیانگر کمتر بودن آماره‌های چاو و هاسمن از آستانه ۵ درصد است که نشان می‌دهد بکارگیری الگوی اثرات ثابت (نسبت به هر دو الگوی تلفیقی و آثار ثابت تصادفی) مناسب‌تر است.

ضریب مورد نظر جهت تصمیم‌گیری پیرامون تایید یا رد فرضیه،  $\beta_7$  است؛ یعنی، ضریب تعاملی بین متغیر سرریزی و معیارهای محافظه کاری. با توجه به نتایج، مقدار معناداری این ضریب برابر با ۰/۷۰۵ می‌باشد که در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست و در نتیجه فرضیه اول تایید نمی‌گردد. به پیروی از مطالعات قبلی، در مدل مذکور عوامل موثر بر محافظه کاری نظیر اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کنترل شده‌اند.

#### جدول ۵. بررسی ارتباط بین ورشکستگی همپیشگان و محافظه کاری

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری
مقدار ثابت	Constant	۰/۱۶۰	۰/۰۶۵	۲/۴۴۷	۰/۰۱۵
بازده سالانه سهام	Return <sub>it</sub>	۰/۰۴۰	۰/۰۲۵	۱/۶۰۶	۰/۱۰۸
بازده مجازی	D <sub>it</sub>	۰/۰۵۲	۰/۱۴۸	۰/۳۵۲	۰/۷۲۵
سرریزی	Spillover	۰/۰۱۵	۰/۰۱۰	۱/۴۷۴	۰/۱۴۱
اندازه	Size	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	-۲/۶۶۲	۰/۰۰۸
اهرم مالی	Leverage	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۲/۱۲۳	۰/۰۳۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB <sub>it</sub>	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	-۵/۹۳۴	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	-۰/۳۶۷	۰/۷۱۴
سن شرکت	AGE	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	-۰/۹۲۶	۰/۳۵۵

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معاذاری
درصد سهام در اختیار مالکان نهادی	INS	-۰/۰۱۷	۰/۰۲۴	-۰/۸۲۱	۰/۴۷۱
استقلال هیأت مدیره	Indep	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲	۰/۴۸۸	۰/۶۲۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۸۱۵	۰/۰۳۵	۲۰/۶۸۳	۰/۰۰۰
رشد فروش	SG	۰/۰۱۸	۰/۰۰۷	۲/۸۲۶	۰/۰۰۶
بازده سالانه سهام* بازده مجازی	RETURN*D <sub>it</sub>	-۰/۱۲۷	۰/۴۷۶	-۰/۲۶۷	۰/۸۹۰
بازده سالانه سهام* سرریزی	RETURN*SPILLOVER	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	-۰/۳۱۵	۰/۸۵۳
بازده مجازی* سرریزی	D <sub>it</sub> *SPILLOVER	-۰/۰۱۶	۰/۰۲۱	-۰/۸۹۷	۰/۴۲۶
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* سرریزی	RETURN*D <sub>it</sub> *SPILLOVER	-۰/۰۲۵	۰/۰۶۷	-۰/۳۷۹	۰/۸۰۵
بازده سالانه سهام* اندازه	RETURN*SIZE	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۱/۱۰۱	۰/۲۷۱
بازده مجازی* اندازه	D <sub>it</sub> *SIZE	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۱۹۵	۰/۸۴۶
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* اندازه	RETURN*D <sub>it</sub> *SIZE	-۰/۰۰۷	۰/۰۳۳	-۰/۳۱۳	۰/۸۵۵
بازده سالانه سهام* اهرم مالی	RETURN*LEVERAGE	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	-۰/۸۰۷	۰/۴۸۰
بازده مجازی* اهرم مالی	D <sub>it</sub> *LEVERAGE	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	-۰/۵۸۸	۰/۵۵۷
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* اهرم مالی	RETURN*D <sub>it</sub> *LEVERAGE	۰/۰۷۵	۰/۰۳۳	۲/۲۴۶	۰/۰۲۵
بازده سالانه سهام* نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	RETURN*MB <sub>it</sub>	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۲/۳۷۱	۰/۰۰۱
بازده مجازی* نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	D <sub>it</sub> *MB <sub>it</sub>	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	-۰/۸۲۷	۰/۴۰۸
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	RETURN*D <sub>it</sub> *MB <sub>it</sub>	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۴	-۰/۰۶۰	۰/۹۵۲
بازده سالانه سهام* اندازه موسسه حسابرسی	RETURN*BIG	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۱/۰۷۲	۰/۲۸۴



متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معاذاری
بازده مجازی* اندازه موسسه حسابرسی	$D_{it} * BIG$	۰/۰۱۸	۰/۰۲۵	۰/۷۱۵	۰/۴۷۵
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* اندازه موسسه حسابرسی	$RETURN * D_{it} * BIG$	-۰/۰۱۲	۰/۰۷۶	۰/۱۵۶	۰/۸۷۶
بازده سالانه سهام* سن شرکت	$RETURN * AGE$	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	-۰/۲۳۰	۰/۸۱۸
بازده مجازی* سن شرکت	$D_{it} * AGE$	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۶	-۰/۲۳۵	۰/۸۱۴
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* سن شرکت	$RETURN * D_{it} * AGE$	۰/۰۶۱	۰/۰۸۵	۰/۷۱۸	۰/۴۷۳
بازده سالانه سهام* درصد سهام مالکان نهادی	$RETURN * INS$	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۱۴۱	۰/۸۸۸
بازده مجازی* درصد سهام مالکان نهادی	$D_{it} * INS$	-۰/۰۵۶	۰/۰۵۴	-۱/۰۴۰	۰/۲۹۸
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* درصد سهام مالکان نهادی	$RETURN * D_{it} * INS$	-۰/۰۸۳	۰/۱۷۲	-۱/۴۸۱	۰/۶۳۰
بازده سالانه سهام* استقلال هیأت مدیره	$RETURN * INDEP$	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۰	-۱/۸۳۵	۰/۴۳۶
بازده مجازی* استقلال هیأت مدیره	$D_{it} * INDEP$	۰/۰۰۱	۰/۰۵۵	۰/۰۲۷	۰/۹۷۹
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* استقلال هیأت مدیره	$RETURN * D_{it} * INDEP$	۰/۰۴۳	۰/۱۷۷	۰/۲۴۵	۰/۸۰۷
بازده سالانه سهام* بازده دارایی ها	$RETURN * ROA$	-۰/۰۸۶	۰/۰۱۲	-۷/۲۴۸	۰/۰۰۰
بازده مجازی* بازده دارایی ها	$D_{it} * ROA$	۰/۱۰۲	۰/۰۸۲	۱/۲۳۹	۰/۲۱۶
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* بازده دارایی ها	$RETURN * D_{it} * ROA$	-۰/۳۷۷	۰/۲۷۹	-۱/۳۵۲	۰/۱۷۷
بازده سالانه سهام* رشد فروش	$RETURN * SG$	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	-۱/۲۶۳	۰/۲۰۷
بازده مجازی* رشد فروش	$D_{it} * SG$	۰/۰۰۲	۰/۰۲۰	۰/۰۸۸	۰/۹۳۰
بازده سالانه سهام* بازده مجازی* رشد فروش	$RETURN * D_{it} * SG$	-۰/۰۰۷	۰/۰۷۲	-۰/۱۰۱	۰/۹۲۰

اثرات ثابت صنعت و سال کنترل شد.

آماره F	سطح معناداری آماره F	ضریب تعیین مدل	ضریب تعیین تعدیل شده
۲۴/۸۳۰	۰/۰۰۰	۰/۵۹۲	۰/۵۶۸
مفروضات رگرسیون			
نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)	همسانی واریانس (آزمون وایت)	استقلال خطاها (آزمون برانش-گوفری)	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
۰/۱۹۸	۰/۵۴۹	۰/۳۷۲	(۱/۹۴۶)۴/۱۲۴
آزمون‌های انتخاب الگو			
آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴

نتایج آزمون فرضیه دوم مبنی بر وجود تاثیر معنادار بین ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی، در جدول شماره شش قابل مشاهده است. معناداری متغیر مستقل سرریزی برابر با ۰/۳۳۶ است که با توجه به اینکه از مقدار ۵ درصد بیشتر است، فرضیه دوم مورد تایید نمی‌باشد. جهت بررسی بیشتر، نمونه تحقیق با توجه به متغیر مدیریت سود، به دو گروه مدیریت سود افزایشده (مقادیر مثبت مدیریت سود) و مدیریت سود کاهشده (مقادیر منفی مدیریت سود)، تقسیم شد و برای هر یک از این دو گروه، مجدداً مدل دوم پژوهش برآورد گردید. نتایج در جدول ۶ ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول شماره شش مشاهده می‌شود، سطح معناداری متغیر سرریزی برای شرکت‌هایی که مدیریت سود کاهشده دارند، برابر با ۰/۰۲۷ و جهت رابطه مثبت است؛ یعنی، در شرکت‌هایی که مدیریت سود کاهشده دارند، ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی تاثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر، در چنین شرکت‌هایی اعلام بحرانی مانند ورشکستگی در صنعت موجب مدیریت سود واقعی کاهشده توسط شرکت‌های فعال در آن صنعت می‌شود. با توجه به نتایج جدول ۶، سطح معناداری متغیر سرریزی در شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایشده دارند برابر با ۰/۳۰۹ است. بنابراین،

در این گونه شرکت‌ها، وجود تاثیر معنادار ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی تایید نمی‌شود.

جدول ۶. بررسی ارتباط بین ورشکستگی همپیشگان و مدیریت سود واقعی

متغیر	نماد	ضریب			سطح معناداری		
		کل	خطاهای مثبت	خطاهای منفی	کل	خطاهای مثبت	خطاهای منفی
مقدار ثابت	Constant	۰/۰۳۰	۰/۱۲۹	-۰/۱۵۸	۰/۶۸۹	۰/۱۴۲	۰/۰۱۰
سرریزی	Spillover	۰/۰۱۲	-۰/۰۱۳	۰/۰۲۳	۰/۳۳۶	۰/۳۰۹	۰/۰۲۷
اندازه	Size	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۹۴	۰/۱۳۶	۰/۱۰۰
اهرم مالی	Leverage	۰/۰۰۷	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۷	۰/۱۸۳	۰/۰۸۱	۰/۱۲۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB <sub>it</sub>	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۰۲	۰/۷۹۷
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۲	۰/۷۰۶	۰/۶۵۲	۰/۸۰۹
سن شرکت	AGE	۰/۰۳۶	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۱۵۰	۰/۷۶۳
درصد سهام در اختیار مالکان نهادی	INS	-۰/۰۸۱	-۰/۰۱۸	-۰/۰۶۷	۰/۰۰۲	۰/۵۰۵	۰/۰۰۴
استقلال هیأت مدیره	Indep	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۰/۰۰۴	۰/۸۳۶	۰/۵۵۳	۰/۸۵۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۳۴۷	۰/۱۹۲	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷
رشد فروش	SG	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۶	-۰/۰۲۱	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اثرات ثابت سال و صنعت				کنترل شد			
آماره‌ها و مفروضات رگرسیون کل مشاهدات							
آماره F				۸/۴۹۷			
ضریب تعیین تعدیل شده				۰/۱۷۷			
نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)				۰/۳۵۴			
همسانی واریانس (آزمون وایت)				۰/۵۰۹			
استقلال خطاها (آزمون براش-گوفری)				۰/۳۴۹			
حداکثر میانگین هم خطی (VIF)				(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵			
آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون کل مشاهدات							
آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)				۰/۰۰۱			
آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون‌هااسمن)				۰/۰۰۲			
آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)				۰/۰۰۲			
آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون‌هااسمن)				۰/۰۰۰			

آماره‌ها و مفروضات رگرسیون خطاهای مثبت	
۴/۱۱۹	آماره F
۰/۱۵۹	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۶۷۴	نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)
۰/۶۰۱	همسانی واریانس (آزمون وایت)
۰/۵۴۴	استقلال خطاها (آزمون براش-گوفری)
(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون خطاهای مثبت	
۰/۰۰۰	آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)
۰/۰۰۰	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)
۰/۰۰۴	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)
۰/۰۰۸	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)
آماره‌ها و مفروضات رگرسیون خطاهای منفی	
۴/۵۵۱	آماره F
۰/۱۵۷	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۷۴۴	نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)
۰/۴۶۷	همسانی واریانس (آزمون وایت)
۰/۴۷۹	استقلال خطاها (آزمون براش-گوفری)
(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون خطاهای منفی	
۰/۰۱۶	آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)
۰/۰۴۵	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)
۰/۰۰۰	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)
۰/۰۱۳	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)

نتایج برازش رگرسیونی تاثیر ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود تعهدی در جدول شماره هفت، قابل مشاهده است. ضریب متغیر سرریزی برابر با (۰/۰۰۹-) و سطح معناداری برابر با ۰/۲۲۸ است. بنابراین، در سطح خطای ۵ درصد فرضیه سوم تایید نمی‌گردد. برای آزمون‌های بیشتر نمونه پژوهش با توجه به متغیر مدیریت سود، به دو گروه مدیریت سود افزاینده (مقادیر مثبت مدیریت سود) و مدیریت سود کاهنده (مقادیر منفی مدیریت سود) تقسیم شد و برای هر یک از این دو گروه، مجدداً مدل سوم پژوهش برآورد گردید. در شرکت‌هایی که مدیریت سود کاهنده دارند سطح معناداری متغیر سرریزی برابر با ۰/۱۷۱ است؛

یعنی، در اینگونه شرکت‌ها ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معناداری ندارد. در شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایش‌دهنده دارند، سطح معناداری متغیر سرریزی برابر با ۰/۲۲۰ است. بنابراین، در این شرکت‌ها تاثیر معنادار ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود تعهدی، تایید نمی‌گردد.

#### جدول ۷. بررسی ارتباط بین ورشکستگی همپیشگان و مدیریت سود تعهدی

سطح معناداری			ضریب			نماد	متغیر
خطاهای منفی	خطاهای مثبت	کل مشاهدات	خطاهای منفی	خطاهای مثبت	کل مشاهدات		
۰/۰۴۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۸	۰/۱۲۹	۰/۱۸۰	Constant	مقدار ثابت
۰/۱۷۱	۰/۲۲۰	۰/۲۱۸	۰/۰۲۳	-۰/۰۱۳	-۰/۰۰۹	Spillover	سرریزی
۰/۲۲۶	۰/۱۱۷	۰/۰۳۱	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۵	Size	اندازه
۰/۱۹۵	۰/۲۳۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰	Leverage	اهرم مالی
۰/۰۴۰	۰/۵۰۳	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	MB <sub>it</sub>	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
۰/۰۱۸	۰/۶۶۹	۰/۰۹۳	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	BIG	اندازه موسسه حسابرسی
۰/۶۱۰	۰/۴۸۴	۰/۲۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	AGE	سن شرکت
۰/۰۱۸	۰/۰۰۶	۰/۹۰۵	-۰/۰۶۷	-۰/۰۱۸	-۰/۰۰۲	INS	درصد سهام در اختیار مالکان نهادی
۰/۹۵۵	۰/۱۲۶	۰/۳۶۷	۰/۰۰۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱۳	Indep	استقلال هیأت مدیره
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰	۰/۱۹۲	۰/۰۷۵	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۰	۰/۶۳۸	۰/۰۰۶	-۰/۰۲۱	۰/۰۳۶	۰/۰۱۲	SG	رشد فروش
کنترل شد						اثرات ثابت سال و صنعت	
آماره‌ها و مفروضات رگرسیون کل مشاهدات							
۸/۴۹۷				آماره F			
۰/۱۷۷				ضریب تعیین تعدیل شده			
۰/۸۶۴				نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)			
۰/۶۸۳				همسانی واریانس (آزمون وایت)			
۰/۴۵۳				استقلال خطاها (آزمون برانش-گوفری)			
(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵				حداکثر (میانگین) هم خطی (VIF)			

آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون کل مشاهدات	
۰/۰۴۳	آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)
۰/۰۳۷	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)
۰/۰۱۴	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)
۰/۰۱۷	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)
آماره‌ها و مفروضات رگرسیون خطاهای مثبت	
۴/۱۱۹	آماره F
۰/۱۵۹	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۹۸۴	نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)
۰/۷۶۴	همسانی واریانس (آزمون وایت)
۰/۳۴۳	استقلال خطاها (آزمون برانش-گوفری)
(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون خطاهای مثبت	
۰/۰۰۰	آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)
۰/۰۱۰	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)
۰/۰۰۸	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)
۰/۰۲۱	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)
آماره‌ها و مفروضات رگرسیون خطاهای منفی	
۴/۵۵۱	آماره F
۰/۱۵۷	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۳۹۸	نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)
۰/۶۲۰	همسانی واریانس (آزمون وایت)
۰/۴۰۱	استقلال خطاها (آزمون برانش-گوفری)
(۱/۵۶۴)۳/۶۷۵	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
آزمون‌های انتخاب الگو برای رگرسیون خطاهای منفی	
۰/۰۴۰	آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)
۰/۰۳۲	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)
۰/۰۰۰	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)
۰/۰۱۲	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)

یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیونی فرضیه چهارم پژوهش در جدول شماره هشت، ارائه شده است. با توجه به ارقام موجود در جدول سطح معناداری متغیر ضریبی سرریزی در سود خالص، برابر با ۰/۴۴۸ است که با توجه به اینکه بالاتر از ۵ درصد است، فرضیه چهارم تایید نمی‌گردد.

جدول ۸. بررسی ارتباط بین ورشکستگی همپیشگان و ضریب واکنش سود

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری
مقدار ثابت	Constant	۱/۴۶۳	۰/۶۶۹	۲/۱۸۸	۰/۰۲۹
سود	Earnings it	۸/۶۵۲	۳/۲	۲/۷۰۴	۰/۰۰۷
تغییرات سود	Earnings it $\Delta$	-۷/۰۰۲	۲/۸۳۲	-۲/۴۷۲	۰/۰۱۴
سرریزی	Spillover	-۰/۱۰۹	۰/۱۲۳	-۰/۸۹۰	۰/۳۷۴
اندازه	Size	۰/۱۲۵	۰/۰۳۳	۳/۷۸۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Leverage	-۰/۰۸۳	۰/۰۴۴	-۱/۹۰۳	۰/۰۵۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB it	۰/۱۲۱	۰/۰۱۰	۱۲/۴۶۹	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	-۰/۱۷۳	۰/۱۲۵	-۱/۳۸۳	۰/۱۶۷
سن شرکت	AGE	-۰/۰۲۵	۰/۱۲۶	-۰/۲۰۰	۰/۸۴۱
درصد سهام در اختیار مالکان نهادی	INS	-۰/۶۱۹	۰/۲۴۱	-۲/۵۷۴	۰/۰۱۰
استقلال هیأت مدیره	Indep	۰/۲۶۲	۰/۲۱۵	۱/۲۱۵	۰/۲۲۴
بازده دارایی‌ها	ROA	-۱/۱۷۳	۰/۴۸۷	-۲/۴۰۹	۰/۰۱۶
رشد فروش	SG	۰/۲۵۷	۰/۰۶۷	۳/۸۴۴	۰/۰۰۰
سرریزی سود	Spillover it* Earnings it	۰/۴۳۶	۰/۶۲۹	۰/۶۹۳	۰/۴۸۸
سرریزی تغییرات سود	spillover it* $\Delta$ Earnings it	-۰/۸۱۷	۰/۵۲۶	-۱/۵۵۴	۰/۱۲۰
اندازه تغییرات سود	Size *Earnings it	-۰/۶۴۹	۰/۱۶۱	-۴/۰۳۲	۰/۰۰۰
اندازه تغییرات سود	Size * $\Delta$ Earnings it	۰/۳۶۹	۰/۱۲۶	۲/۹۳۸	۰/۰۰۳
اهرم مالی سود	Leverage *Earnings it	۰/۰۳۹	۰/۲۲۳	۰/۱۷۶	۰/۸۶۰
اهرم مالی تغییرات سود	Leverage * $\Delta$ Earnings it	۰/۰۵۳	۰/۱۷۸	۰/۳۰۰	۰/۷۶۴

۰/۰۰۰	۵/۳۵۱	۰/۰۷۷	۰/۴۱۳	MB it* Earnings it	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام* سود
۰/۰۰۰	-۵/۴۹۴	۰/۰۵۵	-۰/۳۰۳	MB it*Δ Earnings it	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام* تغییرات سود
۰/۱۰۵	۱/۶۲۱	۰/۶۶۱	۱/۰۷۲	BIG*Earnings it	اندازه موسسه حسابرسی* سود
۰/۰۶۰	-۱/۸۸۶	۰/۵۵۷	-۱/۰۵۰	BIG* ΔEarnings it	اندازه موسسه حسابرسی* تغییرات سود
۰/۷۴۵	-۰/۳۲۵	۰/۷۰۲	-۰/۲۲۸	AGE *Earnings it	سن شرکت* سود
۰/۱۲۳	۱/۵۴۳	۰/۵۷۱	۰/۸۸۱	AGE* ΔEarnings it	سن شرکت* تغییرات سود
۰/۲۰۹	۱/۲۵۶	۱/۳۷۵	۱/۷۲۷	INS *Earnings it	درصد سهام مالکان نهادی* سود
۰/۰۳۷	-۲/۰۸۷	۱/۱۹۸	-۲/۵۰۰	INS *ΔEarnings it	درصد سهام مالکان نهادی* تغییرات سود
۰/۱۳۲	-۱/۵۰۶	۱/۱۹۸	-۱/۸۰۵	INDEP *Earnings it	استقلال هیئت مدیره* سود
۰/۰۰۲	۳/۱۴۴	۱/۰۱۴	۳/۱۸۸	INDEP *ΔEarnings it	استقلال هیئت مدیره* تغییرات سود
۰/۰۰۲	۳/۰۳۵	۲/۰۰۰	۶/۰۶۹	ROA *Earnings it	بازده دارایی ها* سود
۰/۰۰۰	-۳/۵۱۳	۱/۷۵۸	-۶/۱۷۶	ROA *ΔEarnings it	بازده دارایی ها* تغییرات سود
۰/۸۱۵	۰/۲۳۴	۰/۴۱۴	۰/۰۹۷	SG *Earnings it	رشد فروش* سود
۰/۷۴۲	-۰/۳۲۹	۰/۳۵۰	-۰/۱۱۵	SG* ΔEarnings it	رشد فروش* تغییرات سود
اثرات ثابت صنعت و سال کنترل شد.					
ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین مدل	سطح معناداری آماره F	آماره F	
۰/۶۶۴		۰/۶۸۰	۰/۰۰۰	۴۳/۴۰۱	



مفروضات رگرسیون			
نرمال بودن خطاهای رگرسیون (آزمون نرمالیتی)	همسانی واریانس (آزمون وایت)	استقلال خطاها (آزمون براش-گوفری)	حداکثر میانگین هم خطی (VIF)
۰/۲۱۷	۰/۳۹۶	۰/۳۴۰	۴/۱۲۴ (۱/۹۴۶)
آزمون‌های انتخاب الگو			
آثار ثابت زمانی (آزمون چاو)	آثار ثابت زمانی در برابر آثار تصادفی زمانی (آزمون هاسمن)	آثار ثابت مقطعی (آزمون چاو)	آثار ثابت مقطعی در برابر آثار تصادفی مقطعی (آزمون هاسمن)
۰/۰۱۱	۰/۰۳۸	۰/۰۱۴	۰/۰۴۱

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر سرریز ورشکستگی همپیشگان بر کیفیت گزارشگری مالی می‌پردازد. به لحاظ نظری، انتظار می‌رود اثر ورشکستگی یک شرکت همیشه، فراتر از آن شرکت رفته و بر شرکت‌های هم صنعت نیز تاثیرات با اهمیتی داشته باشد. این اثر در ادبیات اقتصادی و مالی به عنوان اثر سرریزی شناخته می‌شود. در حوزه حسابداری نیز این انتظار نظری وجود دارد که شرکت‌هایی که همپیشگان آنها ورشکستگی را تجربه می‌کنند، گزارش‌های مالی خود را طوری اصلاح نمایند که آثار ورشکستگی در بازار سرمایه تعدیل گردد. در این راستا، چهار معیار محافظه‌کاری، مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی و ضریب واکنش سود به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شد. بنا بر نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول ورشکستگی همپیشگان بر محافظه‌کاری تاثیر معناداری ندارد. به عبارتی، زمانی که بحران ورشکستگی برای شرکتی در یک صنعت خاص روی می‌دهد، این امر منجر به اعمال محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی آنها نمی‌گردد. یافته‌های این پژوهش، با نتایج تحقیقات دلشادی و مگنان<sup>۱</sup> (۲۰۲۰، ۱) مطابقت ندارد. عدم تاثیر ورشکستگی همپیشگان بر محافظه‌کاری می‌تواند این گونه توضیح داده شود که در بازار سرمایه ایران، بازار هنگام اتخاذ تصمیم پیرامون عملکرد شرکت، توجهی به عملکرد شرکت‌های هم‌صنعت ندارد. همانطور که ملاحظه گردید، در این پژوهش جهت اندازه‌گیری معیار محافظه‌کاری از مدل باسو که مبتنی بر داده‌های بازار است استفاده شد. بنابراین، می‌توان گفت قیمت سهام در مقابل اخبار همپیشگان تغییر نمی‌یابد.

فرضیه دوم به بررسی تاثیر ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی توسط شرکت‌ها می‌پردازد. طبق نتایج نمی‌توان وجود تاثیر معنادار ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی را پذیرفت. بر طبق نظریه نمایندگی، مدیران به دنبال حداکثر سازی منافع خود هستند و ممکن است به دلیل وجود تضاد منافع بر بهبود عملکرد واقعی شرکت تمرکز نمایند و به دنبال دستکاری عملیات ایجاد سود یا به عبارتی مدیریت سود واقعی و در مواردی مدیریت سود تعهدی، باشند. در شرکت‌های نمونه مورد پژوهش، تاثیر بحران ورشکستگی یک شرکت همیشه بر تحریف سود، دیده نشده است. به این ترتیب می‌توان گفت رویداد برجسته‌ای مانند ورشکستگی در صنعت، در ایران، موجب دستکاری سود توسط مدیران شرکت‌های فعال در آن صنعت نمی‌شود. این در حالی است که زمانی که مدل مربوط به آزمون فرضیه دوم به تفکیک در دو گروه دارای مدیریت سود افزاینده و مدیریت سود کاهنده مورد برازش قرار گرفت، نتایج حاکی از وجود تاثیر معنادار و مثبت ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی در بین شرکت‌های با مدیریت سود کاهنده بود. به عبارت دیگر، وجود ورشکستگی یک شرکت همیشه موجب می‌شود شرکت‌های فعال در صنعت مشابه اقدام به دستکاری فعالیت‌های واقعی در جهت کاهش سود نمایند.

فرضیه سوم تاثیر اثر ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود تعهدی را بررسی می‌نماید. نتایج حاکی از آن بود که ورشکستگی همپیشگان تاثیر معناداری بر مدیریت سود تعهدی ندارد. تاثیر ورشکستگی همپیشگان بر مدیریت سود واقعی کاهنده و عدم تاثیر آن بر مدیریت سود تعهدی می‌تواند این گونه توجیه شود که به دلیل اصول نظارتی همچون وجود حسابرسی مستقل، شرکت‌ها با دریافت اخبار بد از سوی همپیشگان، تمایلی به انجام دستکاری از طریق اقلام تعهدی ندارند و بیشتر متمایل به دستکاری از طریق فعالیت‌های واقعی هستند، زیرا نظارت حسابرسان بیشتر روی اقلام تعهدی صورت می‌گیرد و این دستکاری هم بیشتر در جهت کاهش سود می‌باشد.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم نشان می‌دهد ورشکستگی همپیشگان بر ضریب واکنش سود تاثیر معناداری ندارد. عدم تاثیر ورشکستگی همپیشگان بر ضریب واکنش سود می‌تواند این گونه توضیح داده شود که در بازار سرمایه ایران، بازار هنگام اتخاذ تصمیم پیرامون عملکرد شرکت، توجهی به عملکرد شرکت‌های هم صنعت ندارد. این توضیح در مورد نتیجه مربوط به محافظه کاری نیز صدق می‌کند.

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم مبنی بر اینکه وجود ورشکستگی یک شرکت همیشه موجب می‌شود شرکت‌های فعال در صنعت مشابه اقدام به دستکاری فعالیت‌های واقعی در جهت کاهش سود نمایند، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران و نیز حسابرسان پیشنهاد می‌شود این موضوع را مورد توجه قرار دهند.

## منابع

شایسته، هادی؛ صالحی، اله کرم؛ نصیری، سعید؛ خدامرادی، محمد. (۱۴۰۱). بررسی نقش تعدیل کنندگی عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین سیاستهای تقلیل دهنده مالیات و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۲): ۸۹-۱۲۰.

لطفی، محسن؛ دلشاد، افسانه. (۱۴۰۰). تبیین نقش ویژگی های ارتقاء دهنده کیفیت سود در افزایش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام: شواهدی از مدل همزمانی بازده سهام. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱(۱): ۱۰۶-۷۷.

## References

- Adhikari, B. K., Agrawal, A. (2018). Peer influence on payout policies. *Journal of Corporate Finance*, 48, 615-637.
- Addoum, J., A. Kumar, & N. Le. (2014). Contagious Negative Sentiment and Corporate Policies: Evidence from Local Bankruptcy Filings, Cornell University, University of Miami, Australian National University Working Paper.
- Beneish, M. D., E. Press, & M. E. Vargus. (2012). Insider trading & earnings management in distressed firms, *Contemporary Accounting Research*, 29, 191-220.
- Bertrand, J. (1883), Review of "Theorie mathematique de la richesse sociale" and "Recherche sur les principes mathematiques de la theorie des richesses". *Journal des Savants*, 499-508.
- Bikhchandani, S., Hirshleifer, D., & Welch, I. (1998). Learning from the Behavior of Others: Conformity, Fads, and Informational, 151-170..
- Bowen, M. R., S. Dutta, & P. Zhu. (2018). Are Financially Constrained Firms More Prone to Financial Restatements? University of San Diego, the University of Ontario Institute of Technology Working Paper.
- Bertola, G.(1998), Irreversible investment, *Research in Economics*, 52, 3-37.
- Bushman, R. M. and Smith, A. J., Financial Accounting Information and Corporate Governance (April 1, 2001). *Journal of Accounting & Economics (JAE)*, 32, 237-333.
- Conlisk, J. (1980), Costly optimizers versus cheap imitators, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 1, 275-293.
- Cyert, R. M., & March, J. G. (1963). A behavioral theory of the firm. 2, 169-187
- Delshadi, M. & Magnan, M., 2020, The Spillover Effects of Peer Firm Bankruptcy & Accounting Conservatism, Concordia University, 1-47.
- Defond, M & Zhang, J. (2014), A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, 58, 275-326.
- Erwin, I., Giyanti, GH., Kartini, H., Syamsuddin, W., Arifuddin, M. (2021). Determinants of Financial Statement Fraud: Research Fraud Diamond Theory (Empirical Study on Manufacturing Company listed on the Stock Exchange). *Psychology and Education*, 58, 302-308.

- Fairhurst, D. & Nam, Y. (2018). Corporate Governance and Financial Peer Effects. , 235-263.
- Foucault, T., & Fresard, L. (2014). Learning from peers' stock prices and corporate investment. *Journal of Financial Economics*, 111, 554-577.
- Froot, K. A., Scharfstein, D. S., & Stein, J. C. (1993). Risk management: Coordinating corporate investment and financing policies. *the Journal of Finance*, 48, 1629-1658.
- Francis, B., I. Hasan, & Q. Wu. (2013). The benefits of conservative accounting to shareholders: Evidence from the financial crisis, *Accounting Horizons*, 27, 319–46.
- Garcia Lara, J. M., B. G. Osma, & E. Neophytou. (2009a). Earnings quality in ex-post failed firm, *Accounting & Business Research*, 39, 119-38.
- Grennan, Jillian. (2019). Dividend payments as a response to peer influence. *Journal of Financial Economics*, 549-570.
- Guay, W. R., & Verrecchia, R. E. (2006). Discussion of an Economic Framework for Conservative Accounting and Bushman and Piotroski (2006). *Journal of Accounting and Economics*, 42, 149-165.
- Paul M. Healy and Krishna G. Palepu, (2001), Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature . *Journal of Accounting and Economics*, 31, 405-440.
- Kaustia, M., & Rantala, V., (2015). Social learning and corporate peer effects. *Journal of Financial Economics*, 653-669.
- Kayhan, N. (2021). Financial Frauds and Governments' Role, 1-6. 23-
- LaFond, R., & R. L. Watts. (2008). The information role of conservatism, *The Accounting Review* 83(2), 447–78.
- Lambert, R., Leuz, C., & Verrecchia, R. (2007). Accounting Information, Disclosure, and the Cost of Capital. *Journal of Accounting Research*, 45, 385-42..
- Leary, M., Roberts, M . (2014). Do Peer Firms Affect Corporate Financial Policy? *The Journal of Finance*. VOL. LXIX, 1, 139–178. .
- Lev, B. (1989). On the Usefulness of Earnings and Earnings Research: Lessons and Directions from Two Decades of Empirical Research. *Journal of Accounting Research*, 27, 153–192.
- Lieberman, M. B., & Asaba, S. (2006). Why do firms imitate each other? *The Academy of Management Review*, 31, 366–385.
- Lin, C., M. Officer, & X. Zhan. (2014). Does competition affect earnings management? Evidence from a natural experiment, The University of Hong Kong, Loyola Marymount University, & Erasmus University Rotterdam Unpublished working paper.
- Lotfi, M. & Delshad, A. (2021). Explaining the Role of Profit Quality Upgraded Features in Increasing the Stock Price Informativeness: Evidence of Synchronicity Model Stock Return. *Accounting and Social Interests*, 11, 77-106. (In Persian)

- Machokoto, M., Gyimah , D. & Ntim, C.G., In Press, Do peer firms influence innovation? *The British Accounting Review*.
- Milliken, F. J. (1987). Three Types of Perceived Uncertainty about the Environment: State, Effect, and Response Uncertainty. *The Academy of Management Review*, 12(1), 133–143.
- Rosner, R. (2003). Earnings manipulation in failing firms. *Contemporary Accounting Research*, 20, 361–408.
- Shayesteh, H; Salehi, A; Nasiri, S & Khodamoradi, M. (2022). Investigating the moderating role of information asymmetry on the relationship between tax reducing policies and earnings quality in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Social Interests*, 12, 89-120. (In Persian)
- Stigler, G. (1968), Price and Non-Price Competition, *Journal of Political Economy*, 76, 149.
- Tversky, A., & D. Kahneman. (1974). Judgment under uncertainty: *Heuristics & biases*, *Science* 185, 1124–31.
- Zhang, S., Jiang, L., Magnan, M., & Su, L.N. ( 2019). Dealing with Ethical Dilemmas: A Look at Financial Reporting by Firms Facing Product Harm Crises, *Journal of Business Ethics*. 170, 497-518.

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



## تبیین مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی<sup>۱</sup>

امید محمدی<sup>۲</sup>، ابراهیم گیوکی<sup>۳</sup>، محمد تقی کبیری<sup>۴</sup>، آذر مسلمی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

مقاله پژوهشی

### چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش طراحی مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی می باشد.  
**روش:** برای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا با مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان، مولفه ها و شاخص های اثرگذار بر پاسخگویی اجتماعی از منظر نظام راهبری شرکتی مبتنی بر شبکه کنشگر، شناسایی و در نهایت مدل پژوهش، بر اساس استراتژی نظریه داده بنیاد کلاسیک و همچنین، شناسایی عناصر اصلی و ارتباط بین عناصر تشکیل دهنده مدل، ارائه گردید. در بخش کمی، پرسشنامه ای بر مبنای مطالعات و مصاحبه های قبلی طراحی و از طریق آزمون مدل سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS، تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد.  
**یافته ها:** بر اساس یافته های پژوهش، بعد از تحلیل مصاحبه ها در مرحله کد گذاری باز تعداد ۲۰۸ کد مفهوم سازی و در مرحله کد گذاری محوری در ۲۳ مقوله فرعی، ۱۰ مقوله اصلی، ۲ مضمون فرعی و در نهایت یک مضمون اصلی طبقه بندی شدند.  
**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش نشان می دهد بر اساس نظریه شبکه کنشگران، مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی از منظر نظام راهبری شرکتی را می توان به دو گروه کنشگران انسانی و غیر انسانی تقسیم نمود. همچنین، ارتباط بین مجموعه کنشگران موثر در این مدل دو سویه می باشد.  
**دانش افزایی:** پژوهش حاضر تلاش دارد با تقویت نقش پاسخگویی اجتماعی از دیدگاه نظام راهبری شرکتی با استفاده از نظریه شبکه کنشگر، مدل جامع کنشگران فعال در این حوزه را شناسایی و تقویت نماید.

**واژه های کلیدی:** جامعه شناسی، شبکه کنشگران، نظام راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکت.

طبقه بندی موضوعی: G34, Q5, M41, Z13

DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40340.1700

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (omidauditor64@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. نویسنده مسئول. (egivaki\_1352@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (kabiri.m@lu.ac.ir)

<sup>۴</sup> استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (azar.moslemi.kh@gmail.com)

<sup>۵</sup> استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (azar.moslemi.kh@gmail.com)

jaacsi.alzahra.ac.ir

### مقدمه

شواهد نشان می‌دهد، نظام راهبری شرکتی یکی از رایج‌ترین عبارات‌ها در واژگان تجارت جهانی در شروع هزاره جدید است. فروپاشی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و ورلد کام در آمریکا در سال‌های اخیر، توجه همگان را به نقش برجسته نظام راهبری شرکتی جلب کرده است و انجمن‌های حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و نهادهای قانونگذاری استقبال گسترده‌ای به این موضوع نشان دادند. دو دیدگاه برای تعریف نظام راهبری شرکتی وجود دارد که شامل دیدگاه محدود و دیدگاه گسترده است که دیدگاه محدود، نظام راهبری شرکتی را متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ سهامداران اقلیت می‌داند و دیدگاه گسترده، نظام راهبری شرکتی را بر سطح پاسخگویی وسیع‌تری نسبت به سهامداران و دیگر ذی‌نفعان تأکید دارد (حساس یگانه، ۱۳۹۲ به نقل از حسینی، ۱۴۰۱، ص ۲۹۹).

امروزه جایگاه واحدهای تجاری در اجتماع، تغییرات بسیار زیادی کرده است. مبتنی بر نظریه ذی‌نفعان انتظار می‌رود که عملکرد واحدهای تجاری صرفاً در راستای حداکثرسازی سود و ثروت سهامداران خود نباشد، بلکه آنها در مقابل جامعه نیز مسئولیت پاسخگویی داشته و در تعامل با جامعه نیز مفید باشند. بنابراین، یک ارتباط دو طرفه بین واحد تجاری و اجتماع وجود دارد (خرم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۹۸). ضعف و کاستی در ایفا و ارزیابی پاسخگویی اجتماعی در شرکت‌ها، ناشی از ضعف چارچوب نظری و اصول و استانداردهای لازم در حوزه پاسخگویی اجتماعی می‌باشد. دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان، حاصل نتیجه تأثیرگذاری و نفوذ سایر عوامل سازمان یافته در خروجی‌های هر شرکت می‌باشد. در همین راستا، ایفای نقش پاسخگویی اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریت ذی‌نفعان می‌تواند در بستر نظام راهبری شرکتی تعریف شود. در راستای ایفای نقش پاسخگویی اجتماعی، توجه به نقش بازیگران، فعالان و به‌طور کلی کنشگران داخلی و بیرونی شرکت‌ها به منظور ایفای مطلوب نقش پاسخگویی اجتماعی ضروری است.

بنابراین، مساله مهم در این پژوهش، با در نظر گرفتن ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی که به کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های متفاوتی منجر می‌شود، همراستایی شبکه‌ی کنشگران با نگاه مسئولانه به اجتماع از منظر حسابداری و با قوانین، تصمیمات، سیاست‌ها و اهداف سازمان به‌عنوان

مصادیق نظام راهبری شرکتی و شناسایی و بررسی کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی از دیدگاه نظام راهبری شرکتی که در ایفای نقش پاسخگویی اجتماعی موثرند، می‌باشد. به استناد تعاریف فوق، این پژوهش با شناسایی و اولویت‌بندی کنشگران موثر، بر پاسخگویی اجتماعی در شرکت از منظر نظام راهبری شرکتی به دستیابی توسعه پایدار در سایه پاسخگویی اجتماعی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سازمانی می‌پردازد. پژوهش حاضر تلاش دارد با تقویت نقش پاسخگویی اجتماعی در حوزه نظام راهبری شرکتی با استفاده از نظریه شبکه کنشگر به تبیین مفهوم پاسخگویی اجتماعی در شرکت‌ها بپردازد و در نهایت به واسطه توسعه مدلی جامع کنشگران فعال در حوزه مسئولیت اجتماعی در حسابداری را از منظر نظام راهبری شرکتی شناسایی و تقویت نماید.

براین اساس پژوهش حاضر، پژوهشی نظری مبتنی بر ادبیات علمی است که به تبیین جامع و کلاسیک نظریه شبکه کنشگران (ANT)، به‌عنوان یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسی و بررسی کاربرد آن در مسئولیت اجتماعی در حسابداری از دیدگاه نظام راهبری شرکتی برای اولین بار در ایران، می‌پردازد. یافته‌های پژوهش علاوه بر اینکه موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌شود، می‌تواند مورد استفاده سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار گیرد و در امر تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در زمینه مطالعات سازمانی و استراتژیک، پیوند دادن اصطلاح حاکمیت با حاکمیت شرکتی متداول است. باین حال، همه مطالعات در این زمینه در مورد حاکمیت شرکت‌ها نیست. بسیاری از اوقات، به منظور بررسی پدیده‌های سازمانی، تمرکز بر حاکمیتی است که ماهیت آن جامعه‌شناختی‌تر است. از نظر هیرست و تامسون (۱۹۹۵)، نظام راهبری شرکتی بر همگراسازی، شفاف‌سازی، ساختارمندی و تنظیم تمامی قوانین، سیاست‌ها، الزامات و اقدامات در مسیر تعیین شده دلالت دارد. شیلفر و ویشنی (۱۹۹۷) معتقد بودند که نظام راهبری شرکتی موثر از طریق یک چارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال و یا از طریق مالکیت متمرکز ایجاد می‌شود (هشی، ۲۰۰۳ به نقل از حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶).



در سال‌های اخیر نظام راهبری شرکتی و به تبع مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی در شرکت‌ها به یک جنبه اصلی و پویای تجارت تبدیل شده است و توجه به آن همواره رو به افزایش است. هدف غایی از استقرار نظام راهبری شرکتی، دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان در شرکت‌ها عنوان شده است. بنابراین، تمامی ذی‌نفعان به ویژه سرمایه‌گذاران و سهامداران در مورد ضرورت و اهمیت نظام راهبری شرکتی آگاه و نسبت به پیگیری استقرار این نظام در شرکت‌ها علاقه‌مند شده‌اند (صراف و محمدی، ۱۳۹۶، ص ۶۶). همچنین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌ها به پاسخگویی اجتماعی تغییر یافته که به بخش جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های تجاری در سراسر جهان تبدیل شده است. شرکت‌ها بخش قابل توجهی از هزینه‌های خود را به فعالیت‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی اختصاص می‌دهند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۶، به نقل از داداشی و پورعلی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۶). مسئولیت‌اجتماعی پل ارتباطی بین شرکت‌ها و ذی‌نفعان است. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دنبال وارد کردن عوامل زیست‌محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها است تا عملکرد اقتصادی شرکت برای واحد تجاری و جامعه سودمند باشد (اشرفی، رهنمای رودپشتی و بنی‌مهد، ۱۳۹۸، ص ۳).

نظریه شبکه‌کنشگران که توسعه جریان گسترده‌تر مکتب فکری ساخت‌گرایی اجتماعی - فناوری بر شمرده می‌شود، با بررسی ابعاد اجتماعی و فنی به‌طور همزمان، بقاء و ثبات شبکه‌های مشتمل بر مولفه‌های انسانی و غیرانسانی نظیر افراد، سازمان‌ها، نرم‌افزار و سخت‌افزارهای ارتباطی، استانداردهای زیرساختی و... را مد نظر دارد. نظریه شبکه‌کنشگران بر این باور است که جهان مملو از هویت‌های مرکب شامل مولفه‌های انسانی و غیرانسانی برای مثال ساختارهای اطلاعاتی است، از این رو برای موقعیت‌هایی که تمایز بین این مولفه‌ها دشوار است از نظریه شبکه‌کنشگران استفاده می‌شود (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶).

در رابطه با ترکیب نظریه شبکه‌کنشگران مبتنی بر مسئولیت‌اجتماعی شرکتی به‌طور ملموس می‌توان به تعریف هارجویو (۲۰۱۱) اشاره کرد که در آن مسئولیت‌های اجتماعی شرکت، در برگیرنده اقتصاد، قانون، رفتارها و انتظارات بشردوستانه واحدهای تجاری است که به کلیه ذی‌نفعان و سهامداران شرکت به صورت شبکه‌ای تعمیم می‌یابد. در این جا ذی‌نفعان، به‌عنوان هر فرد یا گروهی

که می‌توانند بر فعالیت‌ها، تصمیمات، سیاست‌ها، رویه‌ها و یا اهداف سازمان اثر گذارند، تعریف شده است (دانکو و همکاران، ۲۰۰۸ به نقل از حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸). به استناد تعاریف فوق، جهت همراستایی شبکه کنشگران با نگاه مسئولانه به اجتماع از منظر نظام راهبری شرکتی، می‌توان به دستیابی حس پاسخگویی اجتماعی در سازمان‌ها امیدوار بود. وام‌گیری از دانش شبکه کنشگران حسابداری عرصه تولید و بکارگیری کنشگران غیرانسانی تولید، تولید اطلاعات، ترویج اطلاعات حسابداری و صحنه‌گذاری اطلاعات می‌تواند در سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در حوزه قواعد، الزامات، زمینه‌ها و ابزارها پیش‌بینی شود (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶).

نظریه شبکه کنشگران<sup>۱</sup> مبتنی بر مسئولیت‌های اجتماعی<sup>۲</sup>، بر اساس تعریفی که توسط لاتور در سال ۲۰۰۵ ارائه شد، به سطحی از تشکیل اجتماع اشاره دارد که در آن تنها به نقش انسان‌ها در حوزه اجتماعی تاکید نشده است، بلکه کنشگران غیرانسانی را نیز شامل شده است (لاتور ۲۰۰۵ به نقل از مونتنگرو و بولگاکوف، ۲۰۱۴، ص ۱۰۹). بنابراین، نظریه کنشگران با رویکرد مسئولیت‌های اجتماعی، به رسمیت شناختن کنشگران اجتماعی در ارتباط با بازیگران غیرانسانی اطلاق می‌شود. لاو (۱۹۹۲) نیز به این موضوع که اجتماع فقط مرتبط با روابط انسانی نیست و ارتباطات غیرانسانی را نیز شامل می‌شود، تاکید دارد. شرایبر (۲۰۰۲) معتقد است که می‌توان کنشگرانی که با ارائه اطلاعات و فناوری در تصمیم‌گیری مدیران در خصوص نوآوری دخالت نمایند را به کنشگران اجتماعی، اقتصادی و عمومی تقسیم‌بندی نمود (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷).

پژوهش‌های پیشین در حوزه نظریه شبکه کنشگران، غالباً به تبیین نظریه شبکه کنشگران (ANT) در حسابداری از منظر دانش (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷) و کاربرد آن در علوم مختلف (غلامی جمکرانی و قمی، ۱۳۹۷)، واکاوی و تبیین اثرات کنشگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت با استفاده از نظریه شبکه کنشگران (رستمی‌مازویی و همکاران، ۱۳۹۸)، پرداخته‌اند. باین وجود، در خصوص مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی، پژوهشی در ایران صورت نگرفته است. باین حال در عمده

1. Actor Network Theory

2. Social Responsibility

مطالعات داخلی صورت گرفته، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری، مالی و شرکتی ایران برای پژوهش در این حوزه وجود دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر، پژوهشی نظری مبتنی بر ادبیات علمی است که به تبیین جامع و کلاسیک نظریه شبکه کنشگران (ANT)، به عنوان یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسی و بررسی کاربرد آن در مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی برای اولین بار در ایران، می‌پردازد.

لودویگ و ساسن (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی اصول حاکمیت شرکتی تاثیرگذار بر پایداری شرکت پرداختند. نتایج به دست آمده از نمونه‌ای متشکل از ۵۶ پژوهش، نتایجی را برای حاکمیت شرکتی نشان داد. بر این اساس، اصولی مانند تنوع هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره، کمیته پایداری در سطح هیئت‌مدیره، نقش مدیرعامل، تمرکز مالکیت و عملکرد افشا و شفاف‌سازی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در یک شرکت در جهت پایداری و دستیابی به یکپارچگی پایداری، نقش تنوع هیئت‌مدیره بیشتر در سراسر ادبیات مورد توجه قرار گرفته است. تیپ لی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکتی بر ارزش شرکت با بررسی اثر میانجی مسئولیت اجتماعی شرکت و هویت سازمانی در رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت پرداختند. این پژوهش از تکنیک تحلیل معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس (CB-SEM) به دلیل مناسب بودن آن برای تحقیقات سازمانی و مدیریتی استفاده نمود. یافته‌های پژوهش حاکی از تاثیر مثبت و معنادار حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت‌ها از طریق نقش میانجی مسئولیت اجتماعی شرکت و هویت سازمانی است. این پژوهش تاثیر نقش مسئولیت اجتماعی شرکت و هویت سازمانی را بر ارزش شرکت‌های کوچک و متوسط در بازارهای نوظهور، تایید کرد. صلحی (۲۰۲۱) در پژوهشی رابطه بین سوگیری‌های روان‌شناختی مدیر اجرایی، حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را بررسی کرده است. نتایج نشان دادند افزایش اعتماد به مدیران اجرایی، عامل مهمی در تعیین انگیزه‌های شرکت برای قبول فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی است. علاوه بر این، شیوه‌های موثر حاکمیت شرکتی به میزان چشم‌گیری به تعدیل رفتار مدیر اجرایی در رابطه با تسهیم مسئولیت اجتماعی شرکت منجر می‌شود. بنی‌طالبی دهکردی و سمرقندی (۱۴۰۱) در پژوهش خود به انتخاب بهینه کنشگران غیرانسانی موثر بر سیستم اطلاعات حسابداری پرداختند. یافته‌های پژوهش

نشان داد نقش آفرین ترین کنشگران اصلی در سیستم اطلاعات حسابداری، به ترتیب کنشگران سازمانی و پس از آن کنشگران فنی، کنشگران اقتصادی، کنشگران فناوری و کنشگران سیاسی/ اجتماعی هستند که دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی در سیستم اطلاعات حسابداری می‌باشند. همچنین، مدل جنگل تصادفی، بهترین مدل در پیش‌بینی موثرترین ویژگی‌های کنشگران غیرانسانی در سیستم اطلاعات حسابداری شناخته شده است. زنگانه و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیران عامل بر ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت شامل مسئولیت زیست‌محیطی، عملکرد اجتماعی، مسئولیت محصولات و خدمات و مسئولیت منابع انسانی با توجه به نقش تعدیل‌گری ارتباط سیاسی و کارایی مدیرعامل پرداختند. دوره زمانی پژوهش طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ و نمونه آماری پژوهش شامل ۱۳۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج نشان داد مدیران خوش‌بین به مسئولیت زیست‌محیطی توجه کمتری نموده و باعث افزایش ریسک شرکت می‌گردند، اما به مسئولیت منابع انسانی توجه بیشتری می‌نمایند. برعکس مدیران کوتاه‌بین، سرمایه‌گذاری کمتری در حوزه مسئولیت منابع انسانی دارند. بهبهانی‌نیا و عسگری (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیات با نمونه‌ای متشکل از ۱۱۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب کاهش عدم شفافیت شده و حاکمیت شرکتی از شدت این رابطه منفی می‌کاهد. نتایج آزمون فرضیات با نمونه‌ای متشکل از ۱۱۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب کاهش عدم شفافیت شده و حاکمیت شرکتی از شدت این رابطه منفی می‌کاهد. مازویی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به تبیین نقش بازیگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم حسابداری مدیریت با استفاده از نظریه شبکه کنشگران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کنشگران فنی و انسانی نقش موثری در بهبود کارکردهای نظام حسابداری مدیریت ایفا می‌نمایند و برخلاف رویکرد سنتی متداول، در رویکرد کنشگری، این بازیگران به‌عنوان مداخله‌گرانی که توانایی تاثیر و تغییر تصمیم‌های استراتژیک را دارند نگریسته می‌شوند و پژوهشگران را در جستجوی منابع تغییرات

بلندمدت سیستم حسابداری مدیریت و نقش آن‌ها در جامعه پیرامون کمک می‌نمایند. بنی طالبی دهکردی و همکاران (۱۳۹۴) به تبیین نظریه شبکه کنشگران (ANT) در حسابداری از منظر دانش پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد این نظریه قابلیت بررسی و تبیین کنشگران انسانی و غیرانسانی موثر در سیستم حسابداری همچنین، نحوه ارتباطات و تعاملات آنها در قالب شبکه کنشگران از دیدگاه جامعه‌شناسی را دارا است، به گونه‌ای که در هر سیستم حسابداری می‌توان بر اساس این نظریه شبکه‌های موجود، کلیه کنشگران موثر در هر شبکه و نقش آنها، نوع کنش، جعبه سیاه موجود و فعل انجام گرفته را شناسایی نمود و بر اساس مبانی نظری این نظریه و مباحث جامعه‌شناسی به تبیین و تحلیل ساختار سیستم اطلاعات حسابداری پرداخت.

### هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف غایی از انجام این پژوهش، خلق مدل شبکه کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی می‌باشد. در این راستا، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

الف) مدل شبکه کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی

به چه صورت است؟

ب) عناصر اصلی تشکیل دهنده مدل کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام

راهبری شرکتی کدام هستند؟

ج) ارتباط بین عناصر اصلی تشکیل دهنده مدل کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از

منظر نظام راهبری شرکتی چگونه است؟

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و با جهت‌گیری اکتشافی، از نوع مطالعات آمیخته (کیفی- کمی)، می‌باشد. استراتژی مورد استفاده در بخش کیفی، نظریه‌پردازی داده بنیاد کلاسیک مبتنی بر دیدگاه گلنزر و استراوس است. در این پژوهش و در بخش کمی از استراتژی همبستگی / پیمایشی و روش دو مرحله‌ای حداقل مربعات جزئی جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده شده است که از روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌باشد.

### نمونه، روش نمونه‌گیری و ابزار پژوهش

جامعه آماری بخش کیفی این پژوهش در برگرفته کلیه خبرگان و متخصصان حوزه نظام راهبری شرکتی می‌باشد. نمونه‌گیری بصورت نظری و بوسیله مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ۱۵ نفر در جامعه پژوهش صورت گرفته است. به منظور انتخاب نمونه و تعیین حجم نمونه معیارهای برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده تدوین شد و افرادی انتخاب شدند که یک مورد از پنج شاخص وضع شده را دارا بودند. این شاخص‌ها عبارتند از: (۱) عضویت در هیات علمی دانشگاه معتبر با درجه استادیاری و بالاتر، (۲) انتشار حداقل دو مقاله مرتبط با موضوعات حاکمیت شرکتی یا مسئولیت‌پذیری اجتماعی، (۳) حداقل عضویت در یک هیات‌مدیره یک شرکت سهامی عام یا مدیریت عامل شرکت، (۴) انتشار حداقل یک جلد کتاب در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نظریه شبکه کنشگران، (۵) انجام حداقل دو پروژه پژوهشی در زمینه موضوع پژوهش.

بر اساس معیارهای تدوین شده مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد و پس از انجام ۱۵ مصاحبه به نقطه اشباع نظری رسیدیم. هر مصاحبه به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه به طول انجامید. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

درصد	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	
۹۳	۱۴	مرد	جنسیت
		زن	
۱۳	۲	کمتر از ۴۰ سال	سن
		۴۰ تا ۵۰ سال	
		۵۰ سال و بیشتر	
۴۴	۷	۱۰ تا ۲۰ سال	سابقه کاری
		بالای ۲۰ سال	
۵۳	۸	خبرگان دانشگاهی / اعضای هیئت علمی	سمت / سازمان
		مدیرعامل / اعضای هیئت‌مدیره	
۴۷	۷		

جامعه آماری در بخش کمی شامل خبرگان و در بخش کیفی شامل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل کلیه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه‌گیری در این بخش به صورت غیرتصادفی می‌باشد. حجم نمونه با توجه به اینکه حجم جامعه معلوم است، به وسیله جدول مورگان محاسبه خواهد شد. بر این اساس، از تعداد ۴۲۰ شرکت بورسی فعال تعداد ۲۰۱ شرکت برای نمونه انتخاب شدند و برای این تعداد پرسشنامه ارسال شد. پرسشنامه این پژوهش در شرایط کرونا توزیع شد؛ به این شکل که تعدادی با مراجعه حضوری تکمیل شد و تعدادی هم به صورت الکترونیکی تهیه و بر اساس تاریخ مجامع شرکت‌ها و ایمیل آدرس اعضای نمونه، برای ایشان ارسال شد. از تعداد ۲۰۱ پرسشنامه ارسال شده، تعداد ۱۱۵ پرسشنامه دقیق، تکمیل و در فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌های کمی استفاده شد. در این بخش ابتدا آمار توصیفی متغیرها مانند فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و نمودار ستونی ارائه شد و سپس، در بخش آمار استنباطی از نتایج آزمون تحلیل عاملی تاییدی، آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون تی‌تک نمونه‌ای ارائه گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از رویه دو مرحله‌ای هالاند (۱۹۹۹) برای مدل‌یابی استفاده شد. مرحله اول شامل برازش مدل اندازه‌گیری با تحلیل عاملی تاییدی است و مرحله دوم شامل تعیین مدل ساختاری از طریق تحلیل معادلات ساختاری، ضرایب تعیین و تحلیل مسیر است که در هر کدام این مراحل از نرم افزار اسمارت پی.ال.اس (Smart PLS) استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش

### تحلیل عاملی تاییدی: بررسی روایی و پایایی

با استفاده از نرم افزار Smart PLS به بررسی روایی پرسشنامه با استفاده از شاخص‌های بار عاملی و روایی همگرا پرداخته شد و با استفاده از شاخص‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ، پایایی متغیرها ارزیابی شد. با توجه به حجم نسبتاً پایین نمونه که ۱۱۵ نفر است و تعداد زیاد سوالات پرسشنامه، از روش حداقل مجذورات جزئی استفاده شد.

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه شد که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از مقدار  $0/40$  شود، موبداین مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر است و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. برای سنجش پایایی علاوه بر آلفای کرونباخ، از روش پایایی ترکیبی نیز استفاده شد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بیشتر از  $0/7$  شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد. از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) جهت بررسی روایی همگرا استفاده شد. مقدار این شاخص بین  $0$  تا  $1$  است و مقادیر بالاتر از  $0/50$  این شاخص نشان از روایی همگرای سازه مورد نظر دارد. جدول ۲ وضعیت روایی و پایایی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. بررسی روایی و پایایی متغیرها

متغیر	تعداد سوال	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس (AVE)	پایایی ترکیبی (CR)
مدیریتی	۲۴	۰/۹۶	۰/۵۵	۰/۹۷
پاسخ خواهی	۱۵	۰/۹۵	۰/۶۱	۰/۹۶
حرفه‌ای	۱۱	۰/۹۵	۰/۶۷	۰/۹۶
اجتماعی	۳۵	۰/۹۷	۰/۵۳	۰/۹۷
سیاسی	۳	۰/۸۷	۰/۸۰	۰/۸۸
سازمانی	۴۴	۰/۹۸	۰/۵۲	۰/۹۸
اقتصادی	۷	۰/۹۲	۰/۷۰	۰/۹۳
حقوقی	۱۲	۰/۹۴	۰/۶۰	۰/۹۵
محیطی	۳۲	۰/۹۷	۰/۵۶	۰/۹۸
فنی	۲۵	۰/۹۶	۰/۵۲	۰/۹۶



## روایی واگرا

در جدول ۳ با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش و همچنین، بررسی روایی واگرا به روش فورنل و لارکر پرداخته شد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش و بررسی روایی واگرا

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
مدیریتی	۰/۷۴									
پاسخ خواهی	۰/۶۷**	۰/۷۸								
حرفه‌ای	۰/۶۵**	۰/۶۴**	۰/۸۲							
اجتماعی	۰/۴۷**	۰/۴۸**	۰/۳۷**	۰/۷۳						
سیاسی	۰/۵۱**	۰/۵۷**	۰/۴۰**	۰/۴۸**	۰/۸۹					
سازمانی	۰/۵۹**	۰/۶۳**	۰/۵۱**	۰/۵۴**	۰/۶۹**	۰/۷۲				
اقتصادی	۰/۶۳**	۰/۶۷**	۰/۶۲**	۰/۶۴**	۰/۷۲**	۰/۶۳**	۰/۸۴			
حقوقی	۰/۵۸**	۰/۵۴**	۰/۷۴**	۰/۳۶**	۰/۵۵**	۰/۵۷**	۰/۷۰**	۰/۷۷		
محیطی	۰/۶۰**	۰/۵۶**	۰/۶۷**	۰/۵۲**	۰/۵۸**	۰/۵۸**	۰/۵۲**	۰/۵۸**	۰/۷۵	
فنی	۰/۴۷**	۰/۶۷**	۰/۶۳**	۰/۵۸**	۰/۵۲**	۰/۷۲**	۰/۳۸**	۰/۶۸**	۰/۶۳**	۰/۷۲

توجه: \* =  $p \leq 0.05$  و \*\* =  $p \leq 0.01$

نتایج جدول ۳ نشان داد رابطه معنی‌داری بین تمامی متغیرها وجود دارد ( $p < 0.05$ ). یافته‌ها نشان می‌دهد که همبستگی متقابلی بین ۱۰ متغیر پژوهش وجود دارد ( $p < 0.05$ ). جهت تمامی رابطه‌ها مثبت بود و قوی‌ترین همبستگی بین بعد حرفه‌ای و حقوقی با ضریب ۰/۷۴، بعد سازمانی و فنی با ضریب ۰/۷۲ و بعد سیاسی و اقتصادی با ضریب ۰/۷۲، مشاهده شد. همانطور که مشاهده می‌شود تمامی مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر، بزرگتر از همبستگی آن متغیر با متغیرهای اصلی دیگر است و نشان‌دهنده تایید روایی واگرا است.

## نحوه اجرای پژوهش

در این پژوهش ابتدا داده‌های خام از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در حوزه مسئولیت اجتماعی، حاکمیت شرکتی و شبکه کنشگران، با خبرگان جمع‌آوری شد. همزمان با تکمیل مصاحبه‌ها که به شناسایی عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مدل شبکه کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی می‌پردازد، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تحلیل و کدگذاری قرار گرفتند و در مرحله بعد از دل کدهای باز در فرآیند کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌های مدل تبیین گشت. در گام بعد به منظور تایید و ارتقا‌روایی درونی، مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی به مصاحبه شوندگان و اساتید این حوزه ارائه و نظرات ایشان با طی مسیر رفت و برگشت در تبیین مدل نهایی اعمال شد.

## تحلیل داده‌ها

### کدگذاری باز

در این پژوهش و در خلال مصاحبه‌ها تعداد ۲۰۸ کد توسط خبرگان ثبت شد. در جدول (۴) نمونه‌ای از کدهای اولیه ارائه شده است.

جدول ۴. نمونه‌ای از کدگذاری باز

کد	نکات کلیدی در مصاحبه‌ها	مفاهیم
A01	تعریف‌های مختلفی از مسئولیت اجتماعی یک سازمان هست که بهتر است بگوییم: مشارکت در اجرای شاخص‌های توسعه پایدار و ایمنی. بهداشت جامعه.	مشارکت در اجرای شاخص‌های توسعه پایدار
A02		ایمنی و بهداشت جامعه
A03	عوامل زیادی برای‌اف‌نقش مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌ها و سازمان‌ها تاثیرگذار است؛ از جمله ویژگی‌های سازمانی مانند اندازه سازمان، پیچیدگی‌های سازمان، درجه بلوغ سازمان، ساختار سازمانی، تعیین مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌های سازمان، نوع و ساختار مالکیت شرکت.	اندازه سازمان
A04		پیچیدگی‌های سازمان
A05		درجه بلوغ سازمان
A06		ساختار سازمانی
A07		تعیین مأموریت، چشم‌انداز ارزش‌های سازمان
		ارزش‌های سازمان

کد	نکات کلیدی در مصاحبه‌ها	مفاهیم
A08		نوع و ساختار مالکیت شرکت
A09		جنسیت هیئت‌مدیره
A010		سن مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره مدیره
A011	یک شرکت وقتی به مسئولیت‌های اجتماعی خود به خوبی عمل می‌کند که یک هیئت‌مدیره کارا و توانمند داشته باشد. در این خصوص جنسیت هیئت‌مدیره، سن مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، توانایی، تخصص تجربه، دانش و تحصیلات هیئت‌مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، تعداد سال‌های حضور هیئت‌مدیره، ثبات هیئت‌مدیره نقش اساسی را ایفا می‌کنند.	استقلال هیئت‌مدیره
A012		تنوع توانمندی‌ها، تخصص، تجربه، دانش و تحصیلات در ترکیب هیئت‌مدیره
A013		دوگانگی وظایف مدیرعامل
A014		تعداد سال‌های حضور هیئت‌مدیره
A015		ثبات هیئت‌مدیره

### کدگذاری محوری

پس از استخراج کدها یا نشانگرهای باز از طریق ادغام و تجمیع چندین کد باز در قالب یک مقوله، کدگذاری محوری انجام شد. کدگذاری محوری، تعیین الگوهای موجود در داده‌ها را شامل می‌شود. مولفه‌های بسط‌یافته و روابط میان آنها چندین مرتبه در مقابل متن و داده‌ها قرار داده می‌شوند و محقق پیوسته میان تفکر استقرایی (ایجاد مفاهیم، مولفه‌ها و روابط بر اساس متن) و تفکر قیاسی (آزمون مفاهیم، مولفه‌ها و روابط در قبال متن، به‌ویژه در در قبال عبارت‌ها و متونی متفاوت با متن قبلی) در رفت و برگشت است. بعد از تحلیل مصاحبه‌ها و در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۲۷۰ کد مفهوم‌سازی شناسایی شد. سپس، پس از دو مرحله ادغام این تعداد کد به تعداد ۲۰۸ کد رسید و در مرحله کدگذاری محوری در ۲۳ مقوله فرعی، ۱۰ مقوله اصلی، ۲ مضمون فرعی و در نهایت یک مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند.

## جدول ۵. کد گذاری محوری

کد	مفاهیم	مقولات فرعی	مقولات اصلی	مضامین فرعی
P055, P069 P08, A09 A010, A011 A012, A013 A014, A015 A016, A017 A018, H05, H06, H07, H08, H09, H010, DO13 DO14, DO15 DO16, DO29 DO30, F01, F02, F03,	ثبات هیئت مدیره، تنوع توانمندی‌ها، تخصص، تجربه، دانش و تحصیلات در ترکیب هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، جنسیت اعضای هیئت مدیره، پاداش هیئت مدیره و مدیران اجرایی، سن مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره، مالکیت هیئت مدیره، استفاده از خدمات مشاوره تخصصی، وجود دعاوی حقوقی علیه شرکت، معامله با اشخاص وابسته، عدم دخالت سهامدار عمده، آموزش و توسعه هیئت مدیره مستقل و شایسته، تعداد سال‌های حضور هیئت مدیره، اختلال رفتاری فراعتمادی مدیرعامل، اختلال رفتاری خوش بینی مدیرعامل، اختلال رفتاری کوتاه بینی مدیرعامل، حمایت جدی مدیران ارشد از تدوین و اجرای ارزش‌ها و اصول اخلاقی کار اسلامی، تامین منابع لازم برای پیاده‌سازی و اجرای استراتژی‌های سازمانی از طرف مدیران ارشد، اثر بخشی هیئت مدیره و مدیران ارشد	هیئت مدیره و مدیران ارشد	مدیریتی	کنشگران انسانی
CO3, CO4 CO5, CO6,	کمیته حسابرسی، کمیته حقوق و مزایا، کمیته انتصابات، کمیته مدیریت ریسک، کمیته مدیریت دارایی و بدهی، کمیته رعایت قوانین و مقررات (تطبیق)، کمیته فناوری اطلاعات و ...	کمیته‌های تخصصی		
B022, B023 B024, B025	سهامدار عمده، سهامدار نهادی، سهامدار دولتی، سهامدار مدیریتی، سهامدار اقلیت، مالکیت خانوادگی	سهامداران		
P016, P068 B012, B013 B014, B015 B016	بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های تامین سرمایه	اعتبار دهندگان	پاسخ خواهی	
P035, B017 B018, B019 B020, B021	عرضه کنندگان کالا، کارکنان، تحلیلگران مالی، مشاوران مالیاتی، بیمه و حقوقی، مشتریان، سایر ذی‌نفعان	سایر ذی‌نفعان		
P026, P022 B03, B011 G01	حسابداران مالی، مدیریت، مالیاتی، بهای تمام شده، دادگاهی و منابع انسانی	حسابداران		
B010, H01, H02, H03, H04,	وجود یک واحد حسابرسی داخلی پویا، مقتدر و نحوه تعامل، سابقه، تحصیلات، گواهینامه‌های حرفه‌ای، صلاحیت و تجربه حسابرسان داخلی، استقلال حسابرسی داخلی، اندازه واحد حسابرسی داخلی	حسابرسان داخلی	حرفه‌ای	
C02, E09 E010, E011 E012, E013	اندازه حسابرس، استقلال حسابرس، دوره تصدی حسابرس، تغییر حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت، حق الزحمه حسابرس	حسابرسان مستقل		
P045, A021 DO17, DO19, F013 F014, F015	تجسم، سلسله‌مراتب، تسلط، استقلال احساسی، استقلال فکری، تساوی گرای، هماهنگی	فرهنگ	اجتماعی	

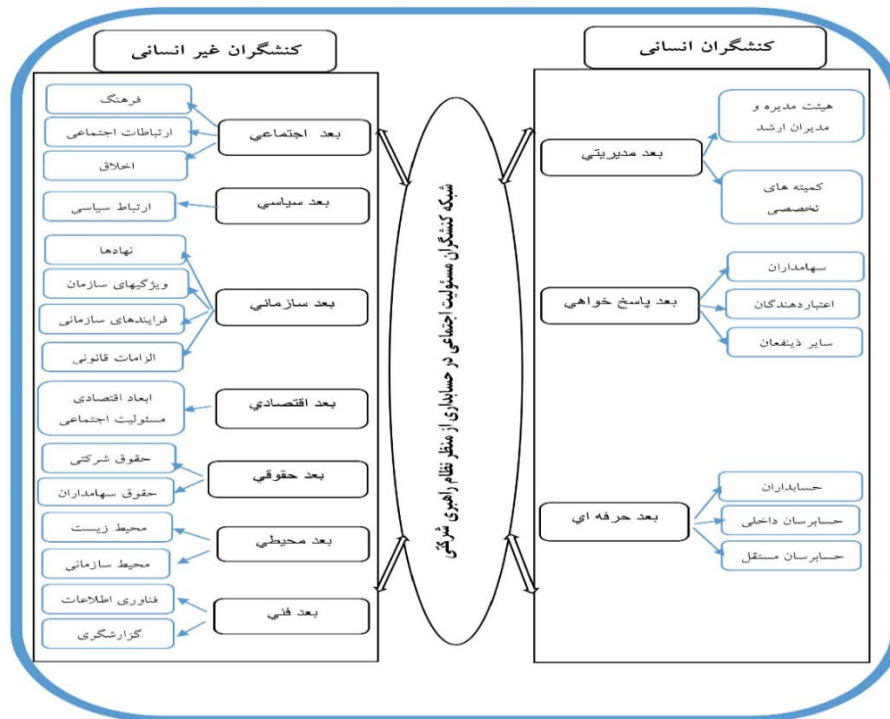
مضمین فرعی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	کد
کشگرا ن غیران سانی		ارتباطات اجتماعی	ارتباط با جوامع بومی و محلی، ارتباط با تامین کنندگان، ارتباط با مشتریان، ارتباط با مراکز پژوهشی و دانشگاهی، تعامل مستمر و کارآمد با ذی‌نفعان در به‌روزرسانی برنامه‌های شرکت، تعامل و مشارکت منظم با مجمع عمومی، تفویض اختیار، عدم تبعیض و شمول اجتماعی، ادراک اجتماعی ذی‌نفعان، توسعه اجتماعی و بشردوستانه، رعایت اصول حقوق بشر، برقراری و حفظ شبکه ارتباطی سالم و اثربخش	P049, P02 P051, P026, CO14, F04 G02, G03, L01, L02, L03, L04, L07, L08, A024
		اخلاق	مسئولیت‌پذیری هیئت‌مدیره، اجرای شاخص‌های توسعه پایدار، حفظ منافع عمومی، ارزش‌های سازمانی، درستکاری هیئت‌مدیره و مدیرعامل، تصویب برنامه مسئولیت‌اجتماعی توسط هیئت‌مدیره، تدوین اصول کاری و کدهای اخلاقی، تطبیق مقررات و آیین‌نامه‌ها با اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تدوین دستورالعمل‌های مبارزه با رشوه و فساد، تدوین، آموزش و اجرای نظامنامه رفتاری و اخلاق حرفه‌ای در سازمان، تدوین بیانیه اصول اخلاقی و دستورالعمل‌ها، برقراری سیستم‌هایی برای شفافیت و تعهد سهامدار، تدارک شیوه‌های بسیج کارکنان یا پشتیبانی از آنان در اقدامات ابتکاری مربوط به جامعه، گسترش فعالیت‌های ارتباطی: اعم از داخلی یا خارجی، که نسبت به فعالیتهای مسئولیت اجتماعی ایجاد آگاهی می‌کند، صداقت و احترام به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، پایبندی به صلاحیت‌های فردی و حرفه‌ای، سیستم گزارش تخلفات، انتقادات و پیشنهادات	P026, P066 P045, DO31 A01, CO9, A020, A021 A025, A026 A030, A031, A07, I01, I02, I03, I04, I05, I06 I07, I08 I09
	سیاسی	ارتباطات سیاسی	رانت‌های سیاسی، استفاده سودآورانه از ارتباط با دولت، وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت	P01, P04 P059, DO12 DO13
		نهادهای	اتحادیه‌ها، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مقام ناظر بازار سرمایه (بورس)، موسسات رتبه‌بندی، دادگاه‌ها، سازمان حسابرسی (مرجع تدوین استانداردها)، بانک مرکزی، انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان محیط‌زیست، سازمان ملی استاندارد، نهادهای مدنی	P043, P0133 P016, P08, B026, B027 B028, B039 B030, B031 B032, B033
	سازمانی	ویژگیهای سازمانی	اندازه سازمان، پیچیدگی‌های سازمان، درجه بلوغ سازمان، ساختار سازمانی، تعیین مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌های سازمان، نوع و ساختار مالکیت شرکت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان، پاسخگویی اجتماعی سازمان، مدیریت مسائل عمومی، توسعه اثربخشی ساختار، اختیارات و سلسله مراتب سازمانی، تدوین چشم‌انداز آینده براساس عوامل محیطی، مشتریان و نیازهای آنها و توانمندی‌های سازمان	A03, A04 A05, A06 A07, A08 CO13, IO10, IO11, IO12, F016 DO20, DO21 DO22, DO23 DO24, DO25
		فرایندهای سازمانی	جلسات کمیته‌های تخصصی، جلسات و مصوبات هیئت‌مدیره، ارزیابی عملکرد و جانشین پروری مدیرعامل، فرایندهای پاسخگویی اجتماعی شرکت، فرایندهای حسابرسی، فرآیند استراتژی‌های سازمانی، فرایند و سیستم شناسایی و تحلیل ریسک‌های سازمان، فرآیندهای سیاسی، دستور جلسه	F05, F06 F07, F08 F09, F010 F011, F012 Q01, Q02 Q03, Q04 Q05, Q06

مضامین فرعی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	کد
			مجامع هیئت مدیره، زمانبندی جلسات، زمانبندی تهیه اطلاعات، طرح گزارش های حسابرسی داخلی در هیئت مدیره، فرایند نظارت، کنترل و حسابرسی داخلی، تصویب گزارش های حسابرسی داخلی توسط هیئت مدیره، داشتن استراتژی مهندسی مجدد، فرایندهای تصمیم گیری هیئت مدیره، فرایند انتخاب اعضای هیئت مدیره	Q07
		الزامات قانونی	استانداردها و دستورالعمل ها، قوانین و مقررات بالادستی، قوانین و مقررات شرکت (آیین نامه های شرکت)، اسناد سازمانی شرکت (منشورها / اساسنامه شرکت)، الزامات سازمان بورس	CO11, M01 M02 M03
اقتصادی	ابعاد اقتصادی مسئولیت اجتماعی		حضور در بازار، تاثیر غیر مستقیم اقتصادی، مالیات، سرمایه گذاری اجتماعی مسئولانه، حداکثر سازی ثروت سهامداران، سود آوری، ارزیابی عملکرد شرکت	B034, DO11 DO12,
حقوقی	حقوق شرکتی		معاهدات و توافق نامه ها، مطابقت با قانون، رعایت دستورالعمل ها، مجموعه مقررات جهانی سازمان ملل متحد در مورد عدم گماردن کودکان، رعایت حقوق مشتریان، گروه های ذی نفع، نیروی کار و تولید کنندگان، ایمنی محصولات	A029, CO10 CO15, CO11 CO12, CO13 CO14, CO15 CO16, CO17,
		حقوق سهامداران	جلسات مجامع و رویه های رای گیری، حقوق مربوط به سود تقسیمی، رفتار یکسان با سهامداران، حقوق مالکیت و مالی، افشای اساسنامه، پاسخگویی به سهامداران	CO18, A023 CO8, CO19
محیطی	محیط زیست		عدم آلودگی هوا، بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، حفظ منابع طبیعی، تحقیق و توسعه زیست محیطی، توسعه فضای سبز و محوطه سازی، آموزش حفاظت از محیط زیست برای کارکنان، حفظ و صرفه جویی در انرژی، افشای اثرات مسائل زیست محیطی و اطلاعات انتشار آلاینده هوا، حمایت از بهداشت عمومی، سرمایه گذاری در پروژه های زیست محیطی، تعاملات و همکاری فعال با اداره محیط زیست، جلوگیری از خسارات زیست محیطی / مدیریت پسماند و پساب	DO1, CO10 DO2, DO3 DO4, DO5 DO6, A02, R02, R03, R04
		محیط سازمانی	نظارت بر قوانین و مقررات و کیفیت و در دسترس بودن اجرای قضایی، درک عمومی از مسئولیت های اجتماعی، انتظارات اجتماعی در مورد اهداف شرکت، رقابت داخلی و بین المللی در بازار محصولات، خدمات و سرمایه، ارتباطات کارکنان، ویژگی محصولات، اصول توسعه و آموزش نیروی انسانی، چارچوب توانمندسازی و پاسخگویی کارکنان، ایمنی و بهداشت کارکنان، ساختارهای اثربخش و مناسب فعالیت های گروهی، نقش مقام مسئول پاسخگو در سازمان، ابلاغ مأموریت و چشم انداز سازمان به همه کارکنان، ترسیم چشم انداز آینده سازمان به صورت واقع گرایانه، اثبات پذیر و قابل درک برای کارکنان، طراحی و پیاده سازی معیارهای مهم	N01, N02 N03, N04 N05, R01 M04, M05 D09, K01 K02, K03, K04, K05 K011, K012 K013 K010, M06 M07, M08 B09, N023 M09, M010 R01,

مضمین فرعی	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	کد
			شهروندی و مسئولیت اجتماعی سازمان، تعریف فرآیند سیستماتیک برای استانداردها و هدف‌های مربوط به شهروندی و مسئولیت اجتماعی، مشخص کردن اهداف و استانداردهای عملکردی سازمان برای دستیابی به سطح عملکرد جهانی، ارزیابی ریسک و پیامدهای احتمالی در فرآیند تحقق اهداف و استانداردهای حوزه مسئولیت اجتماعی، گنجاندن اهداف و استانداردهای مسئولیت اجتماعی و شهروندی در قالب خط‌مشی‌ها و روش‌های عملیاتی و ابلاغ به همه کارکنان، بازنگری اهداف و استانداردهای مسئولیت اجتماعی، براساس نیازها و تغییر محیط کسب و کار، فرهنگ سازمانی	
	فنی	فناوری اطلاعات	زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، رسانه‌ها (وب‌سایت‌ها و فضای مجازی و ...)، نرم‌افزار و سخت‌افزارهای رایانه، ورود و ثبت آنلاین داده‌ها و مستندات و امکان انجام محاسبات در بستر فناوری اطلاعات و وجود پایگاه اطلاعاتی جهت بایگانی و ضبط داده‌ها، دسترسی آنلاین تمامی ذی‌نفعان به گزارش‌های با تعریف سطوح دسترسی متفاوت و قابلیت ثبت پیگیری‌ها و نتایج اعمال شده مبتنی بر گزارش‌ها، سیستم یکپارچه پایش عملکرد، سیستم‌های مدیریت عملکرد فردی کارکنان، مدیریت دانش و سیستم‌های تکنولوژی اطلاعاتی، فناوری حساسی شرکت، سیستم مدیریت ریسک یکپارچه، سیستم ارتباط با مشتری، سیستم ارتباط با کارمندان، سیستم یکپارچه منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت اجتماعی، سیستم‌های مدیریت محیطی	B08, B05 F016, F017 F018, F019 , K06, K07 K08, K09 K010, K014 K015, K016 K017, K 018
		گزارشگری	شفافیت و افشای اطلاعات، یکپارچگی اطلاعات، کیفیت حساسی مستقل، کیفیت گزارشگری پایداری، کیفیت اطلاعات (قابل مقایسه بودن اطلاعات، ثبات رویه، به‌موقع بودن اطلاعات، کافی بودن اطلاعات، مربوط بودن اطلاعات، قابلیت اتکا اطلاعات، قابل فهم بودن اطلاعات)	A028, B038 B039

### کدگذاری نظری و تبیین مدل

کدگذاری نظری، چگونگی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر را تبیین می‌کند. معمولاً در زمان مرتب‌سازی و یکپارچه کردن کدها، گراف اولیه کدگذاری نظری شکل می‌گیرد. کدگذاری باز و محوری به دسته‌بندی و طبقه‌بندی و در واقع تکه‌تکه کردن داده‌ها می‌پردازد، اما در این مرحله و از طریق کدگذاری نظری، مقوله‌ها به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند و خط سیر داستان و تبیین‌های نظری بیان می‌شود تا مدل نهایی شبکه گنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی تبیین شود. این مدل در شکل شماره (۱) ارائه شده است.



شکل ۱. مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی

### آزمون مدل اول: مدل کنشگران انسانی

مدل مربوط به عامل کنشگران انسانی به روش حداقل مجذورات جزئی آزمون شد. در این بخش رابطه بین عامل کنشگران انسانی با سه سازه مدیریتی، پاسخ خواهی و حرفه ای و با مولفه های آنها بررسی شد. نتایج در جدول ۶ ارائه شده است. نتایج بدست آمده گویای این است که رابطه معنی داری بین سه بعد مدیریتی، پاسخ خواهی و حرفه ای با عامل کنشگران انسانی وجود دارد و این رابطه در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید قرار گرفت ( $p < 0/001$ ). جهت تمامی روابط مثبت بود. شدت ارتباط بین بعد مدیریتی و کنشگران انسانی برابر با ۰/۹۲۱، بین بعد پاسخ خواهی و کنشگران انسانی برابر با ۰/۹۵۵ و بین بعد حرفه ای و کنشگران انسانی برابر با ۰/۹۵۳ بدست آمد که ضرایب بارهای عاملی بالایی است و نشان از ارتباط قوی بین ابعاد با عامل کنشگران انسانی داشت.



## جدول ۶. نتایج آزمون رابطه بین ابعاد و مولفه‌های کنشگران انسانی

رابطه	ضریب بارهای عاملی	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
بعد مدیریتی با کنشگران انسانی	۰/۹۲۱	۵۲/۰۹	<۰/۰۰۱	تایید
بعد پاسخ‌خواهی با کنشگران انسانی	۰/۹۵۵	۸۰/۵۸	<۰/۰۰۱	تایید
بعد حرفه‌ای با کنشگران انسانی	۰/۹۵۳	۷۷/۵۴	<۰/۰۰۱	تایید

## آزمون مدل دوم: مدل کنشگران غیر انسانی

مدل مربوط به عامل کنشگران غیر انسانی به روش حداقل مجذورات جزئی آزمون شد. در این بخش رابطه بین عامل کنشگران غیر انسانی با هفت بعد اجتماعی، سیاسی، سازمانی، اقتصادی، حقوقی، محیطی و فنی و با مولفه‌های آنها بررسی شد. نتایج در جدول ۷ ارائه شده است. یافته‌های مربوط به آزمون مدل دوم به روش حداقل مجذورات جزئی نشان داد رابطه معنی داری بین هفت بعد با عامل کنشگران غیر انسانی وجود دارد و در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد این رابطه‌ها تایید شد ( $p < ۰/۰۰۱$ ). برای تمامی مقادیر، آماره تی بزرگتر از ۱/۹۶ بود (شکل ۳) که معنی داری رابطه‌ها را تایید کرد. جهت تمامی رابطه‌ها مثبت بود. بررسی شدت روابط نشان داد که قوی‌ترین ارتباط با عامل کنشگران انسانی را بعد سازمانی با ضریب ۰/۸۵۲، بعد حقوقی با ضریب ۰/۷۹۶ و بعد اجتماعی با ضریب ۰/۷۸۰ داشتند. تمامی روابط شدت یا مقدار بزرگی داشتند و در دامنه ۰/۵ تا ۰/۹ قرار داشتند که نشان از وجود رابطه قوی بین ابعاد و سازه اصلی کنشگران غیر انسانی داشت.

## جدول ۷. نتایج آزمون رابطه بین ابعاد و مولفه‌های کنشگران غیر انسانی

رابطه	ضریب بارهای عاملی	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
بعد اجتماعی - کنشگران غیر انسانی	۰/۷۸۰	۱۰/۲۸	<۰/۰۰۱	تایید
بعد سیاسی - کنشگران غیر انسانی	۰/۷۱۴	۱۰/۶۵	<۰/۰۰۱	تایید
بعد سازمانی - کنشگران غیر انسانی	۰/۸۵۲	۲۰/۶۴	<۰/۰۰۱	تایید
بعد اقتصادی - کنشگران غیر انسانی	۰/۶۸۳	۷/۷۴	<۰/۰۰۱	تایید
بعد حقوقی - کنشگران غیر انسانی	۰/۷۹۶	۱۵/۰۱	<۰/۰۰۱	تایید
بعد محیطی - کنشگران غیر انسانی	۰/۵۱۸	۳/۷۰	<۰/۰۰۱	تایید
بعد فنی - کنشگران غیر انسانی	۰/۶۱۰	۵/۹۰	<۰/۰۰۱	تایید

آزمون مدل اصلی پژوهش: شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی مدل مربوط به رابطه بین دو عامل کنشگران انسانی و غیرانسانی با سازه اصلی شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در این بخش آزمون شد. نتایج در جدول ۸ آمده است. نتایج آزمون مدل اصلی پژوهش نشان داد که رابطه معنی داری بین دو عامل کنشگران انسانی و غیرانسانی با سازه اصلی شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی وجود دارد. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که رابطه بین دو عامل کنشگران انسانی و غیرانسانی با شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی با اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید قرار گرفت ( $p < 0/001$ ). جهت روابط مثبت بود و بررسی شدت روابط نشان داد که شدت رابطه بین عامل کنشگران انسانی با شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی برابر با ۰/۹۳۷ و شدت رابطه بین عامل کنشگران غیرانسانی با شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی برابر با ۰/۸۵۱ است که هر دو رابطه مقدار بالایی بودند و نشان از رابطه قوی بین عامل ها با سازه اصلی بود.

جدول ۸. نتایج آزمون ضرایب مدل ساختاری

رابطه	ضریب استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
کنشگران انسانی - شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی	۰/۹۳۷	۵۸/۳۸	<۰/۰۰۱	تایید
کنشگران غیرانسانی - شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی	۰/۸۵۱	۷/۲۷	<۰/۰۰۱	تایید

جدول ۹. خلاصه ضرایب استاندارد، ضرایب تعیین، آماره تی و نتایج

رابطه	بارهای عاملی	آماره تی	نتیجه
بعد مدیریتی از مسیر کنشگران انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۹۲۱	۴۹/۲۶	تایید
بعد پاسخ خواهی از مسیر کنشگران انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۹۵۴	۷۷/۱۶	تایید
بعد حرفه ای از مسیر کنشگران انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۹۵۳	۷۶/۴۷	تایید
بعد اجتماعی از مسیر کنشگران غیرانسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۸۳۷	۱۶/۲۶	تایید
بعد سیاسی از مسیر کنشگران غیرانسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۶۷۳	۷/۷۱	تایید
بعد سازمانی از مسیر کنشگران غیرانسانی بر مدل شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.	۰/۷۹۱	۱۴/۲۱	تایید

نتیجه	آماره تی	بارهای عاملی	رابطه
تایید	۵/۱۲	۰/۶۱۷	بعد اقتصادی از مسیر کنشگران غیر انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.
تایید	۹/۶۱	۰/۷۳۵	بعد حقوقی از مسیر کنشگران غیر انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.
تایید	۶/۰۲	۰/۶۰۸	بعد محیطی از مسیر کنشگران غیر انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.
تایید	۹/۸۱	۰/۶۹۳	بعد فنی از مسیر کنشگران غیر انسانی بر مدل شبکه کنشگران مسولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی موثر هستند.

### بررسی برازش مدل

در بخش ساختاری مدل، بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به پرسش‌ها و متغیرهای آشکار مدل توجه‌ای نمی‌شود و تنها متغیرهای پنهان و روابط میان آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش مدل ساختاری شامل شاخص ضریب تعیین، شاخص کلی برازش و شاخص اعتبار افزونگی استفاده شد. نتایج در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

شاخص کلی برازش	شاخص اعتبار افزونگی	شاخص ضریب تعیین	متغیر
GOF	Q2	R2	
۰/۷۵	۰/۶۰۲	۰/۸۷۸	عامل کنشگران انسانی
	۰/۲۹۱	۰/۷۲۴	عامل کنشگران غیر انسانی
		۰/۷۶۲	کل

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، مدل شبکه کنشگران مسولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی ارائه گردید. پس از طراحی مدل اولیه که حاصل بررسی کتابخانه‌ای مبسوط متون و انجام مصاحبه با خبرگان بود، نهایتاً، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. براساس آزمون مدل کنشگران انسانی رابطه معنی‌داری بین سه بعد مدیریتی، پاسخ‌خواهی و حرفه‌ای با عامل کنشگران انسانی وجود دارد و بر اساس آزمون مدل کنشگران غیر انسانی یافته‌ها،

رابطه معنی داری بین هفت بعد اجتماعی، سیاسی، سازمانی، اقتصادی، محیطی، حقوقی و فنی با عامل کنشگران غیرانسانی را تایید کرد. همچنین، بر اساس آزمون مدل اصلی پژوهش (شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی)، نتایج آزمون نشان داد رابطه معنی داری بین دو عامل کنشگران انسانی و غیرانسانی با سازه اصلی شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی وجود دارد. براین اساس، می توان نتیجه گرفت که رابطه بین دو عامل کنشگران انسانی و غیرانسانی با شبکه کنشگران مسئولیت اجتماعی با اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید می باشد.

این پژوهش تلاش نمود تا با معرفی و تبیین اجمالی نظریه شبکه کنشگران (ANT) به عنوان یکی از نظریه های جامعه شناسی که به موضوع سیستم های اطلاعاتی می پردازد به سوال اصلی پژوهش، یعنی مدل شبکه کنشگران مسئولیت های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی به چه صورت است؟ پاسخ دهد. در مدل پژوهش، کنشگران موثر بر مسئولیت پذیری و پاسخگویی اجتماعی شرکت از منظر نظام راهبری شرکتی بر اساس نظریه شبکه کنشگران شامل ۲۳ مقوله فرعی در ۱۰ مقوله اصلی و ۲ مضمون کنشگران انسانی و کنشگران غیرانسانی دسته بندی شد، که این کنشگران هر کدام دارای زیر مجموعه متعددی از مفاهیم، عوامل و اجزا بودند.

در نهایت، در پاسخ به سوال دوم پژوهش (عناصر اصلی تشکیل دهنده مدل کنشگران مسئولیت های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی کدام هستند؟) نتایج حاکی از آن بود که بر اساس نظریه شبکه کنشگران، در مسئولیت اجتماعی از منظر نظام راهبری شرکتی، می توان کنشگران را به دو گروه کنشگران انسانی و غیرانسانی طبقه بندی نمود. کنشگران انسانی شامل کلیه اشخاص حقیقی هستند که به طور مستقیم در موضوع مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و تهیه گزارش های مرتبط با آن دخالت دارند. کنشگران انسانی مسئولیت اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری، در این پژوهش، شامل هیئت مدیره و مدیران ارشد، کمیته های تخصصی، سهامداران، اعتباردهندگان، سایر ذی نفعان، حسابداران، حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل است. کنشگران غیرانسانی شامل نظام های اطلاعاتی یکپارچه است که با فرآیندهای حسابداری پیوند دارند و انتظار می رود این سیستم ها کارهای همیشگی و تکراری را حذف کرده، دانش حسابداری را غیرمتمرکز نموده و نقش حسابداران مدیریت را توسعه داده و اطلاعاتی تولید نمایند که آینده نگر است. کنشگران غیرانسانی از طریق کارآمدی درونی، معنای سیستم اطلاعاتی را

می‌سازند و به شرکت‌ها به واسطه تمرکز بیشتر بر نوآوری، یادگیری، انعطاف‌پذیری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، مبادله و بکارگیری نظامند اطلاعات، مزیت رقابتی می‌دهند. همچنین، این کنشگران با ایجاد شاخص‌ها و سنجش‌های عملکرد می‌توانند باعث تغییر بهره‌وری و پاسخگویی گردند و از طریق ایجاد چارچوب‌های محاسبه‌پذیر موجب شکل‌گیری استراتژی‌ها و کنشگران جدید گردند. کنشگران غیرانسانی مسئولیت‌اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی، در این پژوهش، شامل فرهنگ، ارتباطات اجتماعی، اخلاق، ارتباطات سیاسی، نهادها، ویژگی‌های سازمان، فرایندهای سازمانی، الزامات قانونی، ابعاد اقتصادی مسئولیت اجتماعی، حقوق شرکتی، حقوق سهامداران، محیط‌زیست، محیط‌سازمانی، فناوری اطلاعات و گزارشگری است. در مدل بسط‌یافته و بومی‌شده پژوهش، موثرترین زیرکنشگران در هر کدام از ۱۰ کنشگر اصلی موثر بر مسئولیت‌اجتماعی از منظر نظام راهبری شرکتی، ارائه شده است. همچنین، مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی بر طبق این نظریه دارای لایه‌های اجرایی، سازماندهی و برنامه‌ریزی و نیز سیاست‌گذاری است که در این لایه‌ها به تدوین استانداردها، اصول و ضوابط حرفه‌ای و قوانین و مقررات مورد نیاز پاسخگویی اجتماعی پرداخته می‌شود.

نتایج پژوهش در پاسخ به سوال سوم (ارتباط بین عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مدل کنشگران مسئولیت‌های اجتماعی در حسابداری از منظر نظام راهبری شرکتی چگونه است؟) نشان داد که ارتباط بین مجموعه کنشگران موثر در این مدل دوسویه می‌باشد؛ به گونه‌ای که هر کنشگر از نوع انسانی و غیرانسانی دارای نقش تاثیرگذار بر پاسخگویی اجتماعی شرکت دارد و هدف آن دستیابی به توسعه پایدار در سایه پاسخگویی حرفه‌ای، اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سازمانی و ... است و در نهایت، به پاسخگویی شرکت در مقابل جامعه، ذی‌نفعان، سهامداران و نسل آینده ختم می‌گردد. نتایج حاکی از آن است که در مدل طراحی شده از مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی در حسابداری به‌عنوان وظایف راهبری شرکتی در چهارچوب مفهوم شبکه کنشگر و فرآیند تفسیر، بهتر می‌توان ماهیت چندوجهی از ارتباط بین کنشگران مختلف را نظاره نمود. این نتیجه با مبانی نظری پژوهش، بویژه با تحقیقات بنی‌طالبی و همکاران (۱۳۹۴)، مطابقت دارد. همچنین، همسو با نتایج تحقیق روبن بورگا (۲۰۱۷) است که بیان نمود، بازیگران غیرانسانی نقش مهمی در پاسخگویی و ارزیابی از طریق افشای اطلاعات دارند.

### ارائه پیشنهادها

با توجه به ارزش و جایگاه پاسخگویی اجتماعی شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که براساس مدل طراحی شده در این پژوهش، راهکارهای تقویت و ضمانت اجرایی انتشار گزارش‌های مرتبط با اجرای صحیح قوانین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها که مستلزم انتشار گزارش سالیانه مجزا در این رابطه است، صورت گیرد. همچنین، وجود رویه‌های یکسان برای افشا و پاسخگویی اجتماعی اهمیت دارد. بنابراین، چگونگی ایجاد ثبات رویه برای افشای مسئولیت اجتماعی از طریق سازمان بورس اوراق بهادار ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به شناسایی کنشگران غیرانسانی مسئولیت اجتماعی از منظر نظام راهبری در این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد مراجع قانونگذار کشور به توسعه و تقویت زیرساخت‌های مناسب در این حوزه به منظور ارتباطات ذی‌نفعان با یکدیگر و با حاکمان شرکتی به‌عنوان مجریان نظام راهبری شرکتی که می‌تواند سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارتقا شفافیت و پاسخگویی اجتماعی شوند، پردازند. الزام شرکت‌ها از سوی نهادهای نظارتی و متولی نظام راهبری شرکتی از جمله سازمان بورس اوراق بهادار به تشکیل واحد یا کمیته مستقل مسئولیت اجتماعی در ساختار سازمانی برای تدوین استراتژی‌ها، اهداف و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و چگونگی پایش و افشاء آن در ابعاد مختلف، لازم به نظر می‌رسد.

پیشنهاد می‌گردد نهادهای حرفه‌ای و دانشگاهی حوزه‌های مالی با استفاده از مدل طراحی شده در این پژوهش، مطالعات و تحقیقات لازم را برای تبیین موضوع و بسترسازی لازم جهت استفاده نهادهای قانون‌گذار به منظور تدوین استانداردهایی در راستای افشا، گزارشگری و حسابرسی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی شرکت‌ها، فراهم کنند.

به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود راهکاری برای رصد کنشگران و مولفه‌های ارائه شده در این پژوهش برای رسیدن به توان پاسخگویی اجتماعی در مقابل ذی‌نفعان و سایر افراد جامعه بیابد که به دغدغه‌های جامعه در خصوص محیط‌زیست و امور اجتماعی و بشردوستانه اهمیت دهند و متناسب با فرهنگ سازمانی خود، به تدوین سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبادرت ورزند.

## منابع

- اشرفی، جواد؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ بنی مهد، بهمن. ۱۳۹۸. نظریه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۳۱): ۱-۱۴.
- بهبهانی نیا، پریسا؛ عسگری، نرگس. (۱۴۰۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۴): ۵۵-۷۶.
- بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله. (۱۳۹۴). تبیین نظریه شبکه کنشگران در حسابداری از منظر دانش، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۴(۱۶): ۱۱۹-۱۳۰.
- بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ سمرقندی، حامد. (۱۴۰۰). انتخاب بهینه کنشگران غیرانسانی موثر بر سیستم اطلاعات حسابداری. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت.
- حسینی، علی؛ حقیقت، سرور. (۱۳۹۵). رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، حسابداری و منافع اجتماعی، ۶(۴): ۱۰۳-۱۲۸.
- حسینی، محمد. (۱۴۰۱). بررسی حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و ارزش شرکت در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، کنکاش مدیریت و حسابداری، ۱(۴): ۳۱۲-۲۹۸.
- خرم آبادی، مهدی؛ لشگرآراء، سهیلا؛ پورغلامرضا، ندا. (۱۴۰۱). بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی، ۳(۱)، ۹۷-۱۲۵.
- داداشی، نسرین؛ پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تاثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری بر عملکرد شرکت‌ها با توجه به متغیر تعدیل گر محدودیت مالی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۱): ۱۴۵-۱۵۸.
- رستمی مازویی، نعمت؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ رییس زاده، محمدرضا؛ پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۸). واکاوی و تبیین اثرات کنشگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت با استفاده از نظریه شبکه کنشگران. حسابداری مدیریت، ۱۲(۴۱): ۹۱-۱۱۰.
- زنگانه، جواد؛ اشرفی، مجید؛ عباسی، ابراهیم؛ نادریان، آرش. (۱۴۰۱). تاثیر خوش بینی و کوتاه بینی مدیرعامل بر ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیلی: ارتباط سیاسی و کارائی مدیرعامل. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۳)، ۱۰۳-۱۳۴.

- صراف، فاطمه؛ مهسا محمدی. (۱۳۹۶). بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تاکید بر آیات قرآن؛ فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶ (۲۱)، ۸۵-۶۶.
- غلامی جمکرانی، رضا؛ قمی، نفیسه. (۱۳۹۷). رویکرد نظریه شبکه کنشگران و کاربرد آن در علوم مختلف، دومین کنفرانس مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع، تهران.

## References

- Ashrafi, J; Rahnamaye Roodposhti, f; Banimahd, B (2019); Theories regarding companies' social responsibility, *Accounting Knowledge and Management Accounting*, 8(31), p 1-14. (In Persian)
- Barad, K. (2003). Posthumanist performativity: toward an understanding of how matter comes to matter. *Signs, Journal of Women in Culture and Society*, 28(3), 801-831.
- Banitalebi Dehkordi, B; Rahnamaye Roodposhti, F; Nikoomaram, H; Talebnia, Gh (2015), "Explaining actor-network theory in accounting from knowledge perspective", *Accounting Knowledge and Management Auditing Quarterly*, 4(16), 119-130. (In Persian)
- Behbahani Nia, P; Asgari, N (2021); "Social responsibility, corporate governance, and lack of financial reporting transparency in Tehran Stock Exchange", *Experimental Accounting Researches*, 11(4), 55-76. (In Persian)
- Dadashi, N; Poorali, M (2022), "Effect of social responsibility and risk taking on performance of companies with consideration of financial constraint as moderating variable", *Accounting Knowledge and Management Auditing*, 11 (41), p 145-158. (In Persian)
- Harjoto, M, A. (2011). Corporate governance and CSR nexus. *Journal of Business Ethics*, Vol. 100, No. 1, 45-67.
- Hosseini, A; Haghigat, S (2016), "Relationship between corporate governance and being committed to fulfill social responsibilities in companies listed in Tehran Stock Exchange", *Accounting and Social Interests*, 6 (4), p 128-103. (In Persian)
- Hosseini, Mohammad (2022), Studying corporate governance on corporate earnings and value management in companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Exploring Management and Accounting*, (4) 1, 298-312. (In Persian)
- Hirst, P., & Thompson, G. (1995). Globalization and the future of the nation state. *Economy and Society*, 24(3), 408-442.
- Khorramabadi, Mahdi; Lashkarara, Soheila; Pourgholamreza, Neda (2022), Studying the role played by corporate governance on the relationship between corporate social responsibility and tax avoidance, *Journal of Financial and Budget Strategic Researches*, (1) 3, 97-125. (In Persian)
- Law, J. (1992). Notes on the Theory of the Actor-Network System Practice, 5(2): 379-393.



- Latour, B. (2004). Nonhumans. In S. Harrison, S. Pile, & N. Thrift (Eds.), *Patterned ground: entanglements of nature and culture*, 224-227. London: Reaktion Books.
- Ludwig, p and R. Sassen (2022). Which internal corporate governance mechanisms drive corporate sustainability? *Journal of Environmental Management*, 301(1), 1-11.
- Latour, B. (2005). *Reassembling the social: An introduction to Actor-Network Theory*, Oxford University Press.
- Montenegro, L. & Bulgacov, S. (2014). Reflections on actor-network theory, governance networks, and strategic outcomes, *BAR, Braz. Adm. Rev.* (11)1, 107-124.
- Orlikowski, W., & Scott, S. (2008). Sociomateriality: challenging the separation of technology, work and organization. *The Academy of Management Annals*, 2(1), 433-474.
- Rostami Mazooie, N; Rahnamaye Roodposhti, F; Raiszadeh, M; Poorzamani, Z (2019), Analyzing and explaining effects of technical and human actors on functions of management accounting information system through usage made of actor-network theory, *Management Accounting*, 12(14), 91-110. (In Persian)
- Salhi, B. (2021). The Relationship between CEO Psychological Biases, Corporate Governance and Corporate Social Responsibility, *Journal of Risk and Financial Management*, 14(7), 317.
- Sarraf, Fatemeh; Mohammadi, Mahsa (2017), Studying corporate governance and accountability with emphasis put on Quranic verses, *Quarterly of Accounting and Audit Studies*, (21) 6, 66-85. (In Persian)
- Slife, B. (2004). Taking practice seriously: toward a relational ontology. *Journal of Theoretical and Philosophical Psychology*, 24(2), 157-178.
- Shleifer, A & Vishny, R, W. (1997). A Survey of Corporate Governance. *Journal of Finance*, (11)2, 737-783
- Suchman, L. (2007). *Human-machine reconfigurations: plans and situated actions*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Tiep Le, T. & Kha Nguyen, V, (2022) The impact of corporate governance on firms' value in an emerging country: The mediating role of corporate social responsibility and organizational identification, *Cogent Business & Management*, (9)1, 2018907.
- Wang, H, Tong, L., Takeuchi, R. & George, G. (2016). Corporate Social Responsibility: An Overview and New Research Directions, *Academy of Management Journal*, 59(2), 534-544.

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

## تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابران<sup>۱</sup>

رضا باقرزادگان<sup>۲</sup>، مهدی مرادزاده فرد<sup>۳</sup>، بهمن بنی مهدی<sup>۴</sup>، زهرا پورزمانی<sup>۵</sup>

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

### چکیده

**هدف:** تکامل حرفه حسابرسی و توانایی آن در جلب اعتماد عمومی به رعایت اخلاق حرفه‌ای بستگی خواهد داشت. الگوی فکری نئولیبرالیسم یکی از عوامل مهم موثر بر رفتارها و سطح استدلال اخلاقی حسابران است و شناسایی الگوی فکری یک منبع مهم اطلاعاتی برای شناسایی قضاوت اخلاقی حسابران است. از این رو، در این پژوهش تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابران مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش:** در این پژوهش، تعداد ۱۹۴ از حسابران شاغل در موسسات حسابرسی بخش خصوصی و سازمان حسابرسی در سال ۱۴۰۰ مشارکت داشتند. داده‌ها از طریق پرسشنامه کاغذی جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اس.پی.اس.اس مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نئولیبرالیسم رابطه منفی و معناداری با قضاوت اخلاقی حسابران دارد و با افزایش تفکر لیبرالیسم، قضاوت اخلاقی حسابران کاهش می‌یابد.

**نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های این پژوهش، از آنجا که وظیفه اصلی حسابران اطمینان‌بخشی و اظهار نظر نسبت به صورت‌های مالی است و قضاوت حسابران می‌تواند، منافع استفاده‌کنندگان زیادی را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین شناسایی آن دسته از عوامل اخلاقی که می‌تواند بر قضاوت حسابران تأثیرگذار باشد، حائز اهمیت است.

**دانش‌افزایی:** یافته‌های این پژوهش می‌تواند موجب بسط و گسترش نظریه‌ها و متون حسابرسی در ارتباط با قضاوت حسابران گردد. همچنین، اطلاعات سودمندی را برای جامعه حسابداران رسمی و سایر سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی، درباره سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابران و اثر این تفکر بر قضاوت آن‌ها، ارائه دهد.

**واژه‌های کلیدی:** نئولیبرالیسم، قضاوت اخلاقی، منافع اجتماعی، استقلال.

طبقه بندی موضوعی: M42, D7.

10.22051/JAASCI.2022.40471.1706 : DOI

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (reza.bagherzadegan@srbiau.ac.ir).

۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. نویسنده مسئول. (Moradzadehfard@yahoo.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. (dr.banimahd@gmail.com).

۴. استاد، گروه حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (zahra.Poorzamani@yahoo.com).

jaacsi.alzahra.ac.ir

## مقدمه

در سه دهه گذشته مفهوم جدیدی از لیبرالیسم<sup>۱</sup> به نام نئولیبرالیسم<sup>۲</sup> در اقتصاد پدیدار گشته است. این مفهوم، لیبرالیسم را گسترش داده است و موضوعاتی چون قانون بازار، خصوصی سازی، مقررات زدایی، کاهش نقش دولت برای خدمات اجتماعی و حذف منافع عموم<sup>۳</sup> و جایگزینی آن با منافع فردی را دنبال می کند. در واقع سیاست های تعدیل اقتصادی نئولیبرالیسم و خصوصی سازی، منافع اکثریت مردم در حوزه آموزش، بهداشت و اشتغال، منافع عموم را به خطر می اندازد. پژوهشگران، بحران اقتصادی را یکی از پیامدهای نئولیبرالیسم می دانند. به عقیده آن ها رقابت، خصوصی سازی و بازار آزاد و تاکید بر منافع شخصی که از پایه های اساسی تفکر نئولیبرالیسم است، موجب ایجاد بحران ها در حوزه مالی و همچنین، قصور حساب رسان شده است (سیکا، ۲۰۱۵: ۳)

تشکیل جامعه حسابداران رسمی و در پی آن افزایش موسسات حسابرسی و در نتیجه گسترش رقابت در بازار حسابرسی کشور را می توان کمک به گسترش تفکر نئولیبرالیسم در حرفه حسابرسی دانست (درمارکار و چندرون، ۲۰۱۹: ۵۶). با خصوصی سازی حرفه حسابرسی و رشد رقابت در میان موسسات حسابرسی، فعالیت بازاریابی، حفظ مشتری و تجاری شدن حرفه حسابرسی در کشور رونق یافته است (شجاع، بنی مهد و و کیلی فرد، ۱۳۹۷: ۳۴). همچنین، مطالعات نشان می دهد که پول پرستی<sup>۴</sup> و مشتری مداری با رقابتی شدن بازار حسابرسی، رونق یافته است. این موضوع باعث می شود تا حساب رسان به فروش اظهار نظر روی آورند و منافع فردی خود را به منافع عموم ترجیح دهند (مشهدی قره قیه، بنی مهد، فرقاندوست حقیقی و مرادزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۲). این مساله در نهایت مغایر با اخلاق حرفه ای<sup>۵</sup> و موجب تنزل کیفیت حسابرسی است و شهرت حساب رس را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. افزایش تعداد شرکای تعلیق شده از سوی کمیته انطباطی جامعه حسابداران رسمی خود گواهی بر این ادعا است. اگر خصوصی سازی حسابرسی و در نتیجه افزایش رقابت در بازار حسابرسی را دو عامل اصلی تجاری سازی حرفه حسابرسی بدانیم، در آن صورت باید گفت که این دو عامل،

- 
1. Liberalism
  2. Neoliberalism
  3. Social Interests
  4. Love Money
  5. Independence Auditor

مولفه‌های مهم تفکر اقتصادی نئولیبرالیسم هستند. به عبارت دیگر، نئولیبرالیسم بر حذف دولت در امور اقتصادی، خصوصی سازی و ایجاد رقابت در جوامع تاکید دارد. در واقع رشد تفکر نئولیبرالیسم در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، باعث شده است تا منافع فردی در مقایسه با منافع عمومی، نزد گروه‌های مختلف مردم در جامعه از جمله حسابرسان، در اولویت قرار گیرد. از این رو، فقدان پژوهش کافی در زمینه سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابرسان و تاثیر آن بر قضاوت اخلاقی و همچنین، اهمیت ویژه‌ای که این تفکر بر فعالیت‌های حسابرسان به ویژه بعد از خصوصی سازی حرفه حسابرسی متصور است، این انگیزه را در نویسندگان مقاله به وجود آورد تا اثرات نئولیبرالیسم را بر قضاوت اخلاقی حسابرسان مورد بررسی قرار دهند. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که تا چه اندازه تفکر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان اثرگذار است. هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی مفهوم نئولیبرالیسم و بررسی اثر این تفکر بر قضاوت حسابرس می‌باشد. ارزش افزوده و دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به شرح زیر بر شمرد: اول آن که نتایج این مقاله می‌تواند موجب بسط و گسترش نظریه‌ها و متون حسابرسی درباره قضاوت حسابرس گردد. همچنین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای جامعه حسابداران رسمی و سایر سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی درباره سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابرسان و اثر این تفکر بر قضاوت آن‌ها قرار دهد.

## مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

### نئولیبرالیسم

لیبرالیسم تفکری است که دغدغه اصلی آن آزادی فردی است. به بیان دیگر، لیبرالیسم به مجموعه دیدگاه‌ها، روش‌ها، سیاست‌ها و طرز تفکری اشاره دارد که مهم‌ترین هدف آن، فراهم آوردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد است و پایه و اساس این مکتب مبتنی بر فردگرایی است (هاروی، ۲۰۰۵: ۹). نئولیبرالیسم مفهومی از نظریه اقتصاد سیاسی<sup>۱</sup> است. این مفهوم بر این نکته تاکید دارد که رفاه انسان را می‌توان با فراهم آوردن آزادی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی فردی در چارچوب مالکیت

1. Political economy

خصوصی، بازار آزاد و تجارت آزاد به بهترین شکل ارتقا داد. نئولیبرالیسم بازار را بستر فوق‌العاده‌ای می‌داند که به جامعه اجازه می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده باشد، تولید و توزیع کالاها و خدمات را به شکلی کارآمد سازماندهی کند. نئولیبرالیسم، نه تنها به معاملات بازارمحور مانند تولید و توزیع کالاها و خدمات اشاره دارد، بلکه تقریباً به تمام ساختارهای انسانی و اجتماعی مانند سیاست اجتماعی و روابط اجتماعی تاکید دارد. از این رو، بازار به‌عنوان یک بستر و راهنمایی کارآمد، برای تمام اعمال انسان در نظر گرفته می‌شود. نئولیبرالیسم، نه تنها به مثابه یک سیستم اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک الگوی فلسفی نیز است که تأثیرات فراگیری بر الگوهای فکری انسان در درک و تفسیر از زندگی و جهان دارد. تا آنجا که کارایی بازار، انتخاب مشتری، تفکر تجارت را به حوزه روابط اجتماعی و شخصی گسترش می‌دهد. به‌عنوان یک الگوی فلسفی، نئولیبرال‌ها به سؤالاتی مانند «چرا اینجا هستیم؟» و «چه باید بکنیم؟» پاسخ می‌دهند. نئولیبرال‌ها برای این سؤالات استدلال می‌کنند: ما برای بازار و همچنین، برای رقابت اینجا هستیم. در این الگوی فلسفی، هر انسانی یک کارآفرین است و باید زندگی خود را به‌عنوان یک واحد تجاری با در نظر گرفتن منطق بازار مدیریت کند. چنین رفتار اجتماعی موجب گسترش تفکر و روابط بازار به حوزه‌های غیراقتصادی زندگی است. این تفکر موجب می‌شود تا انسان در همه حوزه‌ها، منافع شخصی را در اولویت قرار دهد. نئولیبرالیسم، جامعه را صرفاً از مجموعه‌ای از افراد می‌داند. بنابراین، این تفکر بر اخلاق فردگرایانه‌ای تاکید دارد که بر منفعت شخصی استوار است (هاروی، ۲۰۰۵: ۸). توجه موسسات حسابرسی در دهه‌های اخیر به فعالیت‌های بازاریابی و تجاری سازی حسابرسی نشان می‌دهد که آن‌ها به منظور کسب بیشتر سود و کاهش هزینه‌های خود، تفکر نئولیبرالیسم را دنبال می‌نمایند (بروبرگ، اومانس و گرلوفستیک، ۲۰۱۳: ۵۹).

### نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی

نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی، نظریه اعتقاد به تحصیل بیشترین سود و منافع برای افراد را دارد. در این نظریه بر کلماتی مانند خوشی، لذت‌های مادی و رفاه برخاسته از پول و ثروت، تاکید می‌شود. به بیان دیگر، در این نظریه اخلاقی، مبنای خوبی و بدی براساس لذت و کامیابی‌ها و امیال توجیه می‌شود. بنابراین، همه فعالیت‌های انسانی از جمله اخلاق را می‌توان براساس اصطلاح خوشی و درد

تجزیه و تحلیل کرد. افراد در انجام رفتارهای خود به دنبال لذت و خوشی بیشتر و پرهیز از درد هستند. نظریه منفعت‌گرایی، یکی از گرایش‌های مکتب اخلاقی نتیجه‌گرایی است. در این مکتب ارزش اخلاقی کار، براساس غایت و نتیجه خارجی آن تعیین می‌شود. لذت، سود، قدرت، رفاه و کمال، هر یک ممکن است غایت و نتیجه اخلاقی کارها و معیار ارزش‌های اخلاقی به حساب آیند. نتیجه‌گرایان، درستی یک عمل را صرفاً به وسیله تعیین میزان فایده حاصل از آن می‌دانند. یک عمل در صورتی از لحاظ اخلاقی درست است که نتایج آن بیشتر مطلوب تا نامطلوب، باشد. نتیجه‌گرایان، در ابتدا نتایج خوب و بد عمل را محاسبه می‌کنند. سپس، تعیین می‌کنند که آیا مجموع نتایج خوب بر نتایج بد غلبه دارد یا خیر؟ اگر نتایج بد بیشتر بود در این صورت، عمل مورد نظر از لحاظ اخلاقی نادرست و اگر نتایج خوب بیشتر بود، در این صورت، این عمل از لحاظ اخلاقی درست است (موفق و هادوی نیا، ۱۳۸۸: ۴۱).

در سرمایه‌داری نئولیبرال، دیدگاه‌های اخلاقی جامعه و اقتصاد با اخلاق فردی و تجاری تبیین می‌شود. اقتصاد نئولیبرال، آنچه را برای جامعه خوب می‌داند که مبتنی بر کارایی بازار باشد. نئولیبرالیسم را می‌توان به‌عنوان یک دیدگاه در مکتب منفعت‌گرایی دانست، زیرا نئولیبرالیسم آنچه را که برای جامعه ترجیح می‌دهد، ریشه در مفاهیم نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی دارد (فریمن، ۲۰۱۱: ۲۹).

بکر، مک‌کارتنی و فائمی (۲۰۲۲: ۳) اعتقاد دارند که تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از اثرات نئولیبرالیسم بر حسابداری است. این تفکر باعث شده است تا قدرت‌های بزرگ اقتصادی و موسسات مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی، کشورهای فقیر و ضعیف را تشویق به پذیرش استانداردهای مذکور نمایند. آن‌ها استدلال می‌کنند که بانک جهانی از استانداردهای حسابداری برای اولویت بخشیدن جنبه‌های اقتصادی بر جنبه‌های اجتماعی، در ترویج اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و فقیر، استفاده می‌کند. همچنین، آن‌ها اذعان می‌کنند که اجرای اصلاحات اقتصادی نئولیبرال از سوی بانک جهانی، موجب گسترش فساد و تقلب در کشورهای فقیر و ضعیف شده است. درمارکار و هیزگی (۲۰۲۲: ۱) تجاری‌سازی حرفه حسابرسی را به نئولیبرالیسم نسبت می‌دهند. به عقیده آن‌ها، ارزش‌ها و مزایای مثبتی که حسابرسان به منطق تجاری‌سازی

حسابرسی نسبت می‌دهند، موجب خواهد شد تا اخلاق حرفه‌ای میان حساب‌برسان تنزل یابد و در نهایت تعهد حرفه‌ای حساب‌برسان در راستای حفظ منافع عموم، عملاً پوچ به نظر برسد.

اویارزن، گرارد و ساوج (۲۰۲۱: ۴) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شهروند مسئولیت‌پذیر را دو واژه‌ای می‌دانند که تحت تاثیر نئولیبرالیسم قرار گرفته است. به عقیده آن‌ها تفکر نئولیبرال، اخلاق را در چارچوب "کاهش خطر و به حداکثر رساندن منفعت"، تعریف می‌کند. بنابراین در چنین تفکری، مسئولیت‌پذیری و شهروند مسئول به‌طور محتوایی وجود ندارد. در مارکار و جندرون (۲۰۱۹: ۵۸) در بررسی پیشنهاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، در مورد چرخش حساب‌برس دریافتند که علت مخالفت موسسات حساب‌رسی با این موضوع ناشی از اثرات تفکر نئولیبرالیسم در حساب‌برسان است. آن‌ها بر اساس سه مولفه نئولیبرالیسم، یعنی منفعت/هزینه، انباشت سرمایه و رقابت مبتنی بر بازار، مکاتبات موسسات حساب‌رسی با هیئت مذکور را مورد بررسی قرار دادند. اکثر موسسات حساب‌رسی چرخش حساب‌برس را مغایر با مولفه‌های نئولیبرالیسم تشخیص داده بودند و مخالف پیشنهاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام بودند.

فتنون (۲۰۱۹: ۶) دریافت هر چه کارکنان در سازمان‌های نئولیبرال، خود را ریسک‌گریزتر تصور کنند، استرس اخلاقی بیشتری را تجربه می‌کنند. به عقیده او نادیده گرفتن اخلاق و تاکید بر منافع شخصی توسط مدیران سازمان، می‌تواند منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت شود و منافع استفاده‌کنندگان از خدمات سازمان را به خطر اندازد. برابرگ و تیمورس، اسکوگ و تئودرسان (۲۰۱۸: ۳۷۴)، در پژوهشی نشان دادند، افزایش سطح فعالیت بازاریابی موسسات حساب‌رسی منجر به تمایل بیشتر آن‌ها برای حفظ مشتریان می‌شود. این موضوع یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند. همچنین، تقاضای مشتریان برای دریافت خدمات کسب و کار افزایش می‌یابد که به نوبه خود منجر به انطباق موسسات حساب‌رسی با مشتریان می‌شود و در نهایت منجر به ایجاد نقش فعال در بازار و حفظ مشتری خواهد شد.

بناتار، اوپشور و گیل (۲۰۱۸: ۱) بر این عقیده هستند که در عصر نئولیبرالیسم، تقویت اخلاق، همکاری بیشتر میان افراد، احترام متقابل، دموکراسی عمیق‌تر و بهبود عدالت اجتماعی می‌تواند توسعه پایداری را به‌عنوان یک اصل تسهیل کند. با این وجود، در نهایت، چنین پیشرفتی مستلزم دگرگونی

قدرت سیاسی و همچنین، سیاست‌هایی است که مبتنی بر تعهدات اخلاقی جدید باشد. به عقیده مک لود (۲۰۱۷: ۴۸) معانی اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نمی‌توان با مولفه‌های نئولیبرالیسم یعنی رقابت، انتخاب منطقی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری شخصی درک کرد، زیرا این مولفه‌ها بر مبنای منافع فردی استوار است، در حالی که اخلاق، منافع عموم را در نظر دارد. جوهری، سانوسی و چونگ (۲۰۱۷: ۳۸) دریافتند حسابرسانی که از نظر اخلاقی نسبی‌گرا و به دنبال منافع شخصی هستند، تصمیم‌گیری اخلاقی کمتری انجام می‌دهند. همچنین، آن‌ها نشان دادند هرگاه حساسیت اخلاقی حسابرسان پایین باشد، فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی نیز دچار خدشه می‌شود. علاوه بر آن، تجاری‌سازی حرفه حسابرسی بر اساس نظریه شبکه کنشگران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، جذب کارشناسان بازاریابی توسط موسسات حسابرسی در آمریکای شمالی را سرآغاز تجاری‌سازی حرفه حسابرسی می‌داند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که تجاری‌سازی حرفه حسابرسی موجب تنزل حرفه‌گرایی و اخلاق حرفه‌ای در راستای حفظ منافع عموم خواهد شد. لئورل (۲۰۱۵: ۲۴۶) تاکید دارد که خصوصی‌سازی خدمات اجتماعی باعث بروز رفتارهای غیراخلاقی و تقلب می‌شود. او توزیع نابرابر درآمد، کاهش دستمزدها، افزایش نابرابری‌ها و کاهش امنیت شغلی کارکنان را نتیجه خصوصی‌سازی ناشی از تفکر لیبرالیسم می‌داند. احمد الخیر، حنیفا، هودیا و عبدکریم (۲۰۱۵: ۲۲۷) معتقد هستند که در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی اغلب در دست نخبگان سیاسی است و نئولیبرالیسم وسیله‌ای مناسب برای مشروعیت بخشیدن به اعمال قدرت نخبگان سیاسی در تبدیل دارایی‌های دولت به بنگاه‌های خصوصی و مقررات‌زدایی از فعالیت‌های اقتصادی و همچنین، توانمندسازی خود و وابستگان بوده است. در حقیقت، تفکر نئولیبرالیسم تسهیل‌کننده فساد و تقلب در چنین کشورهایی بوده است. در چنین محیطی همسویی منافع حسابرس و صاحبکار، می‌تواند مشکل را دو چندان نماید.

به اعتقاد میشل و سیکا (۲۰۱۱: ۱) موسسات حسابرسی بزرگ نقش کلیدی در مشاوره دادن دولت بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ برای گسترش تفکر نئولیبرالیسم داشتند. آن‌ها خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و گسترش منطق بازار در حوزه‌های آموزش، بهداشت و درمان و سایر خدمات ضروری را به دولت وقت بریتانیا پیشنهاد دادند. همچنین، این موسسات شرکت‌ها را در تدوین استراتژی‌های



خلاقانه برای افزایش سود و اجتناب مالیاتی کمک کردند. آن‌ها در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی و مقررات نظارتی برای شرکت‌ها و بازارهای مالی جهانی نیز مشارکت داشتند. این موضوع می‌تواند رعایت اخلاق حرفه‌ای از جمله استقلال حسابرس را مورد تردید قرار دهد. در دنیای نئولیبرال، موفقیت موسسات حسابرسی با سود و تعداد مشتریان و تأکید بر تجاری بودن سنجیده می‌شود. حسابرسان در تایید صورت‌های مالی شرکت‌ها شکست خورده‌اند، زیرا آن‌ها سابقه سکوت و تبانی با مدیران شرکت‌ها دارند. مرینو، مایپر و تولسون (۲۰۱۰: ۷۷۵) عنوان می‌کنند که قانون ساربنز آکسلی برخاسته از تفکر نئولیبرالیسم است. این قانون برتری سهامداران و استفاده مداوم از یک مدل حاکمیت شرکتی شکست خورده را مشروع می‌داند. اولویت سهامداران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی حسابرسان را تضعیف می‌کند. باررت و جندرون<sup>۱</sup> (۲۰۰۶: ۶۳۴) نیز معتقدند در گذشته حرفه حسابرسی از طریق خدمات با کیفیت به مشتریان خود، مشکلی برای جذب مشتریان جدید نداشته است، اما در دهه‌های اخیر به دلیل رشد لیبرالیسم و جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی و همچنین، افزایش موسسات حسابرسی، رقابت در بازار حسابرسی رشد نموده و موسسات حسابرسی به ناچار به فعالیت‌های بازاریابی برای جذب مشتری روی آورده‌اند. استوارت (۲۰۰۲: ۱) تایید می‌نماید موسسات حسابرسی برای ماندن در بازار رقابت با یکدیگر ادغام شده‌اند. در گذشته تعداد موسسات حسابرسی بزرگ هشت موسسه حسابرسی بوده است، اما در حال حاضر به دلیل ادغام به چهار موسسه حسابرسی، تقلیل یافته است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی به منظور کسب بیشتر سود و کاهش هزینه‌های خود، تجاری‌سازی را دنبال می‌نمایند. موسسات حسابرسی کوچک نیز به پیروی از موسسات بزرگ، واحدهای بازاریابی را در دفاتر خود ایجاد نموده‌اند. هدف این موسسات، از این کار کسب مشتریان بیشتر می‌باشد. این موضوع می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر اخلاق حرفه‌ای در حسابرسی داشته باشد. جوردن، دیما و گولت (۲۰۱۶: ۱۹۷)، بررسی تاثیر حرفه‌ای بودن حسابرسان بر قضاوت اخلاقی: تفاوت میان دانشجویان و حسابرسان پرداختند. آن‌ها به تجزیه و تحلیل حرفه‌ای بودن حسابرسان از طریق دو مولفه اصلی حرفه‌ای بودن (حفظ منافع عموم و استقلال) پرداختند و نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که تعهد دانشجویان به

---

1. Barrett and Gendron

منافع عموم و اجرای استقلال از حسابرسان به طور قابل توجهی بالاتر است و با افزایش تجربه حسابرسان، این ارزش‌های حرفه‌ای کاهش می‌یابد و همچنین، حسابرسان قضاوت حرفه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارند.

بنی مهد، مرادزاده و زینالی (۱۳۹۲: ۹۱) در بررسی تغییر حسابرس و تغییر اظهارنظر حسابرسی، دریافتند که حسابرس جدید، اظهارنظر مطلوب‌تری در مقایسه با حسابرس قبلی ارائه می‌نماید. آن‌ها این موضوع را نوعی همسویی منافع میان حسابرس و مدیریت صاحبکار می‌دانند و پدیده خرید اظهارنظر حسابرس که می‌تواند منجر به افزایش منافع شخصی حسابرس در بازار حسابرسی کشور شود را تایید می‌نمایند. شجاع و همکاران (۱۳۹۷: ۳۱)، به این نتیجه دست یافتند که موسسات حسابرسی در جذب و حفظ روابط خود با صاحبکاران، به فعالیت‌های بازاریابی روی می‌آورند. همچنین، رقابت میان موسسات حسابرسی، باعث می‌شود که آن‌ها از اصول پیچیده بازاریابی پیروی کنند و همواره به دنبال تکنیک‌های جدید بازاریابی باشند. بنابراین، حسابرسان بر این باور هستند که فعالیت‌های بازاریابی بخش مهمی از حرفه آن‌ها است. موسوی و پهلوان (۱۳۹۴: ۱۸۳)، در پژوهش خود "توازن بین مسئولیت‌های حسابرسی و بازاریابی توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی"، نشان دادند که تمایل حسابرسان به بازاریابی با سختی جذب کار توسط حسابرس رابطه معناداری دارد و می‌توان گفت با افزایش سختی جذب کار توسط حسابرس، تمایل حسابرسان به بازاریابی نیز افزایش می‌یابد. مهدوی و دریایی (۱۳۹۴: ۱)، دریافتند که بین نگرش حسابرسان کارآفرین و سایرین، نسبت به فعالیت‌های بازاریابی بر تعادل بین زمان حسابرسی و فعالیت‌های بازاریابی، تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، آن‌ها نشان دادند حسابرسان کارآفرین در مواجهه با موضوعات چالش برانگیز مانند فعالیت‌های بازاریابی می‌توانند کمک موثری به مدیران خود نمایند. آن‌ها پیشنهاد دادند که به منظور کاهش فعالیت‌های بازاریابی در حرفه حسابرسی، قانون‌گذاران با اتخاذ راه کارهای مناسب، بازار حسابرسی را از انحصار خارج نمایند. بنایی مقدم و حافظی (۱۴۰۰: ۸۳)، به بررسی تاثیر معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسی تاثیر منفی و بر کیفیت حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، یک کارمند راضی که نیازهای معنوی او تکمیل شده است، اثری در رفتارهای ناکارآمد شرکت ندارد، بلکه در عوض گرایش دارد یک رفتار کارآمدتر و بهتر از خود بروز

دهد. همچنین، معنویت در محیط کار، بخشی از یکپارچگی ارزش‌های اخلاقی است که عامل کنترل‌کننده محیط و بهبود کیفیت حسابداری است. شفقتی، امینیان و پاکدامنی (۱۳۹۹: ۶۳) به بررسی تاثیر تمرکز بازار حسابداری بر دوره تصدی حسابرسان و تاخیر گزارش حسابداری در شرکت‌های بورسی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود، که تمرکز بازار حسابداری بر تاخیر گزارش حسابداری و دوره تصدی حسابرسان، تاثیر منفی و معناداری دارد. وهاب‌زاده گردودباری و بنی‌مهد (۱۳۹۶: ۱) رابطه معنادار و مستقیم میان قضاوت‌های اخلاقی حسابرسان و رابطه‌مداری را تایید می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود که سطح رابطه‌مداری و قضاوت اخلاقی در میان حسابرسان شاغل در بخش‌های خصوص و دولتی، حسابرسان زن و مرد و رتبه‌های شغلی حسابداری با هم برابر است. بنی‌مهد و بیگی هرچگانی (۱۳۹۲: ۳۱) دریافتند، میان جهت‌گیری‌های اخلاقی (آرمان‌گرایی و نسبی‌گرایی) و گرایش حسابرسان به نیت غیراخلاقی هنگام مواجهه با تنگناهای اخلاقی رابطه‌ای وجود ندارد، اما میان رابطه‌مداری و گرایش حسابرسان به رفتار غیراخلاقی، هنگام مواجهه با تنگناهای اخلاقی رابطه‌ای مثبت و معناداری وجود دارد. شجاعی، پورزمانی و یعقوب‌نژاد (۱۴۰۰: ۲۸۱) در پژوهشی نشان دادند، تمامی متغیرهای زیرمجموعه محیط اخلاقی (شامل محیط ابزاری، محیط دلخواه، محیط مستقل، محیط ضوابط، محیط کارایی محور و محیط قانون و مقررات)، بر عملکرد حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد و متغیرهای ایدئولوژی اخلاقی و ایده‌آل‌گرایی بر عملکرد حسابرسان تاثیر مثبت دارد. همچنین، نسبی‌گرایی بر عملکرد حسابرسان دارای تاثیر منفی و معنادار است.

مطابق مبانی نظری، مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:  
میان تفکر نئولیبرالیسم حسابرسان و قضاوت اخلاقی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف در گروه مطالعات کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها به‌عنوان توصیفی/همبستگی طبقه‌بندی می‌گردد. محققان از روش کتابخانه‌ای همراه با مجلات، کتاب‌های درسی و وب‌سایت‌ها جهت طراحی چارچوب نظری استفاده کردند که هدف آن تبیین تاثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان است. نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند برای گروه‌های متعددی همچون، قانون‌گذاران حرفه حسابداری، سازمان حسابداری، جامعه حسابداران رسمی و موسسات حسابداری مورد استفاده قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در سال ۱۴۰۰ می‌باشند. ابزار گردآوری پرسشنامه است و در دو بخش سوالات عمومی و سوالات تخصصی و توزیع در جامعه هدف گردآوری شده است. در بخش عمومی سوالات در خصوص ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان همچون جنسیت، تجربه، رده سازمانی و محل خدمت است و در بخش سوالات تخصصی برای اندازه‌گیری تفکر نئولیبرالیسم از پرسشنامه نئولیبرالیسم بای‌چنگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال هفت گزینه‌ای است. نحوه نمره‌دهی به سوالات در پرسشنامه مذکور بر حسب طیف ۷ درجه‌ای لیکرت، از کمترین موافقت با امتیاز ۱ و بیشترین موافقت با امتیاز ۷، است. همچنین، برای اندازه‌گیری قضاوت اخلاقی از پرسشنامه باررائینکو و اسپینوزاپیک<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۶ سوال در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد. نحوه نمره‌دهی به سوالات در پرسشنامه مذکور بر حسب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، از کمترین موافقت با امتیاز ۱ و بیشترین موافقت با امتیاز ۵ است. هر دو پرسشنامه استاندارد می‌باشند که در تحقیقات قبلی مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است و از روایی کافی برخوردار می‌باشند. جهت اندازه‌گیری پایایی ابزار پژوهش از معیار آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ دو پرسشنامه به ترتیب برابر با ۷۶ درصد و ۸۲ درصد بود.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اس.پی.اس.انجام شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری افراد در دسترس استفاده شد و جهت افزایش اعتبار تحقیق و با توجه به اندک بودن نرخ بازگشت پرسشنامه ۳۰۰ پرسشنامه کاغذی میان حسابرسان توزیع گردید و در نهایت ۱۹۴ مورد پرسشنامه مبنای تحلیل آماری قرار گرفت. همچنین، مدل پژوهش برای آزمون فرضیه پژوهش به شرح مدل شماره ۱ است:

$$Y = a_0 + a_1x_1 + a_2x_2 + a_3x_3 + a_4x_4 + \varepsilon \quad \text{مدل شماره ۱}$$

که در آن:

Y: قضاوت اخلاقی، x<sub>1</sub>: سطح تفکر نئولیبرالیسم، x<sub>2</sub>: رتبه شغلی، x<sub>3</sub>: حسابدار رسمی و x<sub>4</sub>: جنسیت، است.

1. Bay-Cheng

2. Barrainkua & Espinosa-Pike

براساس ۱۹۴ پرسشنامه‌ای که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتایج زیر به دست آمد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناختی در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

متغیرها	شرح	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۴۸	۲۵٪
	مرد	۱۴۶	۷۵٪
تحصیلات	کارشناسی	۴۶	۲۴٪
	دانشجوی ارشد	۱۵	۸٪
	کارشناسی ارشد	۸۶	۴۴٪
	دانشجوی دکتری	۲۹	۱۵٪
	دکتری	۱۸	۹٪
	۵ و کمتر از ۵ سال	۳۸	۱۹٪
سابقه کار	۶ تا ۱۰ سال	۴۵	۲۳٪
	۱۱ تا ۱۵ سال	۳۹	۲۰٪
	۱۶ تا ۲۰ سال	۲۸	۱۵٪
	۲۰ سال به بالا	۴۴	۲۳٪
رتبه شغلی	حسابرس	۴۵	۲۳٪
	حسابرس ارشد	۴۶	۲۴٪
	سرپرست	۳۴	۱۷٪
	مدیر حسابرسی	۳۸	۲۰٪
	شریک حسابرسی	۳۱	۱۶٪

متغیر وابسته در این پژوهش، قضاوت اخلاقی و متغیر مستقل تفکر نئولیبرالیسم است. همچنین، متغیرهای سن، جنسیت، حسابدار رسمی بودن یا نبودن و رتبه شغلی حسابرسان به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شد.

### یافته‌های پژوهش

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

## جدول ۲. آمار توصیفی

شرح	نئولیبرالیسم	قضاوت اخلاقی	سن	رتبه شغلی	جنسیت	حسابدار رسمی بودن/نبودن
میانگین	۱۱۲/۳۲	۱۳/۱۹	۴۰	۲/۸۱	۰/۷۵	۰/۶۵
میانه	۱۱۳	۱۲	۳۹	۳	۱	۱
انحراف معیار	۱۶/۳۵۵	۴/۸۹۹	۹/۹۳۵	۱/۴۰۷	۰/۴۳۳	۰/۴۷۸
حداقل	۲۶	۶	۲۳	۱	۰	۰
حداکثر	۱۵۱	۳۰	۷۰	۵	۱	۱

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با ۰/۱۵۶ است. این موضوع بیانگر آن است که حدود ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته براساس تغییرات متغیرهای مستقل خط رگرسیون بیان می‌شود و بقیه آن متاثر از سایر عواملی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است. از آنجا که مقدار آماره دورین واتسون (۲/۰۷۵) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض بر عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

## جدول ۳. خلاصه مدل

شرح	دورین واتسون	خطای معیار ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین همبستگی	ضریب همبستگی
مدل	۲/۰۷۵	۷/۱۸۱	۰/۱۵۶	۰/۱۷۴	۰/۴۱۷

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، برای بررسی اعتبار مدل رگرسیونی از آزمون آماری آنالیز واریانس (ANOVA) استفاده شد. این آزمون برای تحلیل دارای آماره فیشر است. همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، سطح معناداری این آزمون برابر ۰/۰۰۰ و مقدار آماره فیشر برابر با ۹/۸۶۸ می‌باشد. بنابراین، آزمون فوق، صحت و اعتبار خط رگرسیون (مدل رگرسیونی) را تایید می‌نماید.

## جدول ۴. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی (ANOVA)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره فیشر	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰۳۵/۴۹۳	۴	۵۰۸/۸۷۳	۹/۸۶۸	۰,۰۰۰
باقی مانده	۹۶۹۵/۲۲۲	۱۸۸	۵۱/۵۷۰	---	---
کل	۱۱۷۳۰/۷۱۵	۱۹۲	---	---	---

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد میان الگوی فکری نئولیبرالیسم با قضاوت اخلاقی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. عامل تورم واریانس برای هر یک از متغیرها نزدیک به عدد یک می‌باشد؛ این موضوع نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل و کنترلی خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون مدل

شرح	ضرایب	خطای معیار ضرایب رگرسیون	آماره T	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۱۵/۷۷۲	۲/۶۰۲	۶/۰۶۱	۰/۰۰۰	
رتبه شغلی	(۰/۳۹۷)	۰/۲۵۹	(۱/۵۳۴)	۰/۱۲۷	۰/۹۰۶
نئولیبرالیسم	(۰/۱۹۱)	۰/۰۳۲	(۶/۰۰۴)	۰/۰۰۰	۰/۹۸۲
حسابدار رسمی بودن/نبودن	۱/۵۲۳	۰/۷۴۲	۲/۰۵۳	۰/۰۴۱	۰/۹۵۲
جنسیت	۲/۱۱۹	۰/۸۲۴	۲/۵۷۱	۰/۰۱۱	۰/۹۵۵

### بحث و نتیجه‌گیری

شناخت این مساله که تفکر نئولیبرالیسم در میان حرفه حسابرسی چگونه است و تا چه اندازه قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، امری مهم در حرفه حسابرسی به شمار می‌رود. حسابرسان از یک سو با اعتباربخشی به گزارش‌های مالی، منافع عموم مردم را حفظ می‌کنند و از سوی دیگر در یک واحد انتفاعی به نام موسسه حسابرسی فعالیت دارند که برای کسب درآمد به ارائه خدمات به صاحبکاران نیاز دارند. یکی از نگرانی‌ها، مربوط به زمانی است که این دو نقش با هم در تضاد باشند. کیفیت حسابرسی، محصول قضاوت‌های فردی حسابرس است و تحت تاثیر الگوهای فکری پیرامون محیط حسابرس است و قضاوت حسابرس تحت تاثیر ملاحظات فنی و اخلاقی قرار می‌گیرد (واتکینز، هیلسون و مورکرافت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). الگوی فکری حسابرس زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های حسابرس است و زمینه خاصی را برای حسابرسان فراهم می‌کند تا بر پایه آن قضاوت کنند. شناسایی عواملی که بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان موثر هستند، می‌تواند کمک بزرگی به حسابرسان مستقل نماید. بخش بزرگی از حسابرسی، اظهارنظر بر مبنای قضاوت

حرفه‌ای است و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان است که باید بصورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان پیرامون کیفیت حسابرسی مطالعات دقیق‌تری انجام داد. علاوه بر این، محققان معتقد هستند که تفاوت‌های روان‌شناختی فردی می‌تواند به‌عنوان متغیر اثرگذار بر قضاوت اخلاقی حسابرسان باشد. بنابراین، حسابرسان جهت داشتن قضاوت با کیفیت بالاتر، نیازمند تفکر منطقی هستند و این تفکر منطقی مدیون الگوی فکری آنان می‌باشد (لیبی و لاف، ۱۹۹۳: ۴۲۷).

نئولیبرالیسم، به‌عنوان یکی از اصول فکری نوین، می‌تواند قضاوت اخلاقی حسابرسان را کاهش دهد. قضاوت حسابرس یکی از موضوعات مهم حوزه تحقیقات حسابرسی است. برخی از کارهای حرفه‌ای مانند قضاوت، پزشکی و حسابرسی مبتنی به قضاوت یک فرد حرفه‌ای است. اگر بخواهیم حسابرسی را از سایر حرفه‌ها متمایز کنیم، می‌توانیم دو ویژگی استقلال و بی‌طرفی حسابرس و دیگری قضاوت حسابرس را بر شماریم. این دو موضوع به حسابرس شخصیت می‌دهد. وظیفه اصلی حسابرسان گواهی دادن نسبت به این موضوع است که صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت عاری از هرگونه تحریف اساسی است. این امر مستلزم بی‌طرفی در قضاوت حسابرس است. این امر حاکی از آن است که برخی از حسابرسان در برابر تمایلات فردی خود تسلیم می‌شوند و منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و در امر قضاوت، استقلال و بی‌طرفی نیستند. باید برای حل این مشکلات به دنبال ریشه‌یابی و بررسی الگوهای فکری حسابرسان بود. هنگامی که حسابرسان مطابق میل و نیازهای گزارشگری مدیران و در راستای منافع خود عمل می‌کنند، تردید حرفه‌ای آن‌ها نسبت به صورت‌های مالی کمتر می‌شود، به بیان دیگر کیفیت حسابرسی تحت تاثیر این مسئله قرار می‌گیرد. تفکرات نئولیبرالیسم به‌طور قابل توجهی به کاهش میزان رضایت از زندگی منجر می‌شود. این الگوی فکری، استانداردهای بالای زندگی غیرواقعی را به فرد تحمیل می‌کند که هرگز قابل دستیابی نیست. نئولیبرالیسم در کاربرد عمومی، اغلب به طرفداری از خواسته‌ها و نیازهای مادی و ناچیز شمردن امور معنوی اشاره دارد و نوعی روش زندگی، عقیده و گرایش کامل به سمت علایق مادی است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، الگوی فکری نئولیبرالیسم رابطه منفی و معناداری با قضاوت اخلاقی حسابرسان دارد. به عبارت دیگر، هرچه الگوی فکری افراد به سوی نئولیبرالیسم افزایش یابد، در آن صورت قضاوت اخلاقی حسابرسان کاهش می‌یابد. براساس شواهد پژوهش حاضر، می‌توان گفت که



الگوی فکری غالب یک جامعه نقش مهمی در قضاوت افراد و حرفه حسابرسی ایفا می‌کند. این امر، باورها، نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و رفتارهای اخلاقی حساب‌رسان را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که رفتار اخلاقی حساب‌رسان، علاوه بر عوامل فردی، به الگوهای فکری جامعه از جمله تفکرات نئولیبرالیسم بستگی دارد. یافته‌های این پژوهش، با نظریه نئولیبرالیسم در جامعه مطابقت دارد. طبق این نظریه می‌توان گفت نئولیبرالیسم یک الگوی فکری است که بر مادی‌گرایی به‌عنوان پیامد ضروری سرمایه‌داری و رقابت در بازار متمرکز شده است. همچنین، نتایج پژوهش حاضر را می‌توان با یافته‌های دی ملو (۲۰۰۵)؛ لئورل (۲۰۱۵)؛ بارت و جندرون (۲۰۰۶) و بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۲) که نشان دادند چگونه مادی‌گرایی بر قضاوت اخلاقی حساب‌رسان تأثیر دارد، یکسان دانست.

لزوم توجه به اخلاق و حفظ منافع عمومی در حرفه حسابرسی امری حیاتی برای جامعه است؛ بطوریکه رعایت رفتار و معیارهای اخلاقی می‌تواند به‌عنوان هسته وجودی حرفه باشد. با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی مناسب منجر به رشد درآمد شخص می‌شود، این مهم می‌تواند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. همانطور که محققان دریافته‌اند، کارمندان پر درآمد دارای سطح بالایی از رضایتمندی دستمزد هستند و کم‌تر در رفتارهای غیر اخلاقی سازمان درگیر می‌شوند. از آنجا که حساب‌رسان نقش بااهمیتی در اطمینان‌بخشی نسبت به صحت اطلاعات حسابداری به استفاده‌کنندگان آن اطلاعات دارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا قانون‌گذاران در حرفه حسابرسی، سیاست‌گذاری‌های مناسبی در زمینه اقتصادی اتخاذ نمایند. آموزش نیز یکی از متغیرهایی است که منجر به پرورش انسان شده و با توجه به رشدی که در مقاطع مختلف عمر دارد، منجر به تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شود. پژوهشگران معتقدند آموزش و پرورش و تربیت از متغیرهایی هستند که روند مثبت و قابل توجهی در اخلاقیات و رفتار افراد دارد و این مهم می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. در فرآیند اجرای تحقیق برخی از محدودیت‌ها وجود دارد که لازم است آن‌ها را در نظر گرفت. این محدودیت‌ها شامل خطرهای ناشی از سوگیری پاسخ‌دهندگان، انگیزه‌های شرکت‌کنندگان در بررسی، اعمال محافظه‌کاری در پاسخ‌ها و شرایط روحی و روانی مشارکت‌کنندگان است که اساساً قابل کنترل نخواهد بود. همچنین، به دلیل شیوع ویروس کرونا و اشتغال حرفه‌ای حسابداران رسمی در دوره مورد بررسی، جذب مشارکت بیشتر امکان‌پذیر نبود. در نهایت، با توجه به جدید بودن موضوع نئولیبرالیسم به منظور مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های داخلی، پژوهش مرتبگی در این حوزه یافت نشد.

## منابع

- بنایی قدیم، رحیم، و حافظی، بابک. (۱۴۰۰). تأثیر معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرس و کیفیت حسابرسی. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*. ۱۱(۲): ۸۳-۱۰۲.
- بنی مهد، بهمن، و بیگی هرچگانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). رابطه بین ارزش‌های فردی و نیت اخلاقی حسابرسان. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۷(۴): ۳۱-۴۰.
- بنی مهد، بهمن، مرادزاده فرد، مهدی، و زینالی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۴(۱۴): ۹۱-۱۰۸.
- شجاع، نفیسه، بنی مهد، بهمن، و وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه حسابرسان درباره فعالیت‌های بازاریابی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۸): ۳۱-۴۶.
- شایسته شجاعی، پرویز، پورزمانی، زهرا، و یعقوب نژاد، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی (محیط اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی اخلاقی) بر عملکرد حسابرسان. *دوفصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۵(۱۰): ۲۸۱-۳۱۸.
- شفعتی، مرتضی، امینیان، ابوالفضل، و پاکدامن، حسن. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تمرکز بازار حسابرسی بر دوره تصدی حسابرس و تاخیر گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰(۲): ۶۳-۸۹.
- مشهدی قره قیه، هادی، بنی مهد، بهمن، فرقاندوست حقیقی، کامبیز، و مرادزاده فرد، مهدی. (۱۳۹۸). ماکیاولیسم، پول پرستی، فرهنگ مشتری مداری و خرید اظهارنظر حسابرسی از سوی صاحبکار. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸(۲۹): ۱۶۱-۱۷۴.
- موفق، علی رضا، و هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۸). مبانی اخلاقی مصرف‌ازدیدگاه مکاتب سودگرایی وظیفه‌گرایی و اسلام. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۹(۳۶): ۳۳-۵۷.
- مهدوی، غلامحسین، و دریایی، عباسعلی. (۱۳۹۴). نگرش حسابرسان کارآفرین و سایرین به تعادل زمانی بین فعالیت‌های بازاریابی و حسابرسی. *دانش حسابداری مالی*، ۲(۴): ۱-۲۵.
- موسوی شیری، سیدمحمود، و پهلوان، مریم. (۱۳۹۴). توازن بین مسئولیت‌های حسابرسی و عمل بازاریابی توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران. *پیشرفت مالی حسابداری*، ۷(۲): ۱۸۳-۲۱۸.
- وهاب زاده گردودباری، میلاد، و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۵). اثر رابطه مداری بر قضاوت‌های اخلاقی حسابرسان. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵(۲۰): ۱-۲۰.

## References

- Astroulakis, N. (2014). An ethical analysis of neoliberal capitalism: alternative perspectives from development ethics. *Éthique et économique= Ethics and economics*, 11(2).
- Astroulakis, N. (2013). Challenging Conventional Economics: An Ethical Development Paradigm. *Problemas del desarrollo*, 44(175), 33-53.
- Bakre, O. M., McCartney, S., & Fayemi, S. O. (2022). Accounting as a technology of neoliberalism: the accountability role of IPSAS in Nigeria. *Critical Perspectives on Accounting*, 87, 102282.
- Banimahd, B., & Beigi Harchegani, E. (2013). The Relationship between Personal Values and Ethical Intentions of Auditors. *Ethics in science and Technology*, 7(4), 31-40. (In Persian)
- Banimahd, B., Moradzadehfard, M., & Zeynali, M. (2013). Relationship between change of independent auditor and change of audit opinion. (In Persian)
- Barrainkua, I., & Espinosa-Pike, M. (2018). The influence of auditors' professionalism on ethical judgement: Differences among practitioners and postgraduate students. *Revista de Contabilidad*, 21(2), 176-187.
- Barrett, M., & Gendron, Y. (2006). WebTrust and the "commercialistic auditor": The unrealized vision of developing auditor trustworthiness in cyberspace. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Bay-Cheng, L. Y., Fitz, C. C., Alizaga, N. M., & Zucker, A. N. (2015). Tracking homo oeconomicus: Development of the neoliberal beliefs inventory. *Journal of Social and Political Psychology*, 3(1).
- Benatar, S., Upshur, R., & Gill, S. (2018). Understanding the relationship between ethics, neoliberalism and power as a step towards improving the health of people and our planet. *The Anthropocene Review*, 5(2), 155-176.
- Bonabi Ghadim, R., & Hafezi, B. (2021). Effect of Workplace Spirituality on Auditor Dysfunctional Behavior and Audit Quality. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(2), 83-101. (In Persian)
- Broberg, P., Umans, T., Skog, P., & Theodorsson, E. (2018). Auditors' professional and organizational identities and commercialization in audit firms. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(2), 374-399.
- Broberg, P., Umans, T., & Gerlofstig, C. (2013). Balance between auditing and marketing: An explorative study. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(1), 57-70.
- DeMartino, G. (2002). Global economy, global justice: Theoretical and policy alternatives to neoliberalism. *Routledge*.
- Dermarkar, S., & Hazgui, M. (2022). How auditors legitimize commercialism: A micro-discursive analysis. *Critical Perspectives on Accounting*, 83, 102228.
- Dermarkar, S., & Gendron, Y. (2019). The incursion of neoliberalism into audit standard-setting arenas: A disproportionate influence?. *Accounting Auditing Control*, 25(2), 55-85.

- D'Mello, B. (2002). Transnational pharmaceutical corporations and neo-liberal business ethics in India. *Journal of Business Ethics*, 36, 165-185.
- Fenton, J. (2020). 'Four's a crowd'? Making sense of neoliberalism, ethical stress, moral courage and resilience. *Ethics and social welfare*, 14(1), 6-20.
- Freeman, S. (2011). Capitalism in the classical and high liberal traditions. *Social Philosophy and Policy*, 28(2), 19-55.
- Hamann, T. H. (2009). Neoliberalism, governmentality, and ethics. *Foucault studies*, 37-59.
- Harvey, D. (2007). A brief history of neoliberalism. Oxford University Press, USA.
- Johari, R. J., Mohd-Sanusi, Z., & Chong, V. K. (2017). Effects of auditors' ethical orientation and self-interest independence threat on the mediating role of moral intensity and ethical decision-making process. *International Journal of Auditing*, 21(1), 38-58.
- Jordaan, J. A., Dima, B., & Goleţ, I. (2016). Do societal values influence financial development? New evidence on the effects of post materialism and institutions on stock markets. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 132, 197-216.
- Khair, A. H. A., Haniffa, R., Hudaib, M., & Karim, M. N. A. (2015, September). Personalisation of power, neoliberalism and the production of corruption. In *Accounting Forum* (Vol. 39, No. 3, pp. 225-235). No longer published by Elsevier.
- Laurell, A. C. (2015). Three decades of neoliberalism in Mexico: the destruction of society. *International Journal of Health Services*, 45(2), 246-264.
- Libby, R., & Luft, J. (1993). Determinants of judgment performance in accounting settings: Ability, knowledge, motivation, and environment. *Accounting, organizations and society*, 18(5), 425-450.
- DARYAEI, A. A. (2016). Entrepreneur auditors' attitudes and others toward balance time between auditing and marketing activities. *Financial Accounting Knowledge*, 2(4), 1-25. (In Persian)
- Marangos, J., & Astroulakis, N. (2010). The Aristotelian contribution to development ethics. *Journal of economic issues*, 44(2), 551-558.
- Mashhadi Gharaghaya, H., Banimahd, B., Forqandoost Haqiqi, K., & Moradzadehfard, M. (2019). Machiavellianism, Love of Money, Consumerism Culture and opinion shopping By Client. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 8(29), 161-174. (In Persian)
- McLeod, J. (2017). Reframing responsibility in an era of responsabilisation: Education, feminist ethics. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 38(1), 43-56.
- Merino, B. D., Mayer, A. G., & Tolleson, T. D. (2010). Neoliberalism, deregulation and Sarbanes-Oxley: The legitimation of a failed corporate governance model. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Mitchell, A., & Sikka, P. (2011). The pin-stripe mafia: How accountancy firms destroy societies. *Association for Accountancy & Business Affairs*.

- Mousavi Shiri, M., & Pahlavan, M. (2016). Balancing between Marketing and Auditing Responsibility by Members of Iranian Association of Certified Public Accountants. (In Persian)
- Movafagh, A. R., & Hadavinia A. A. (2009). Ethical foundations of consumption from the perspective of the schools of utilitarianism, conscientiousness, and Islam. *Journal of Islamic economy*, 9 (36), 33-57. (In Persian)
- Oyarzún, J. D., Gerrard, J., & Savage, G. C. (2021). Ethics in neoliberalism? Parental responsibility and education policy in Chile and Australia. *Journal of Sociology*, 58 (3), 1-19.
- Shafati, M., Aminian, A., & Pakdaman, H. (2020). The Effect of Audit Market Concentration on Audit Report Lag and Auditor Tenure of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting & Social interests*, 10 (2), 63-89. (In Persian)
- Shayeste Shojaei, P., Poorzamani, Z., & Yaghobnezhad, A. (2021). The Impact of Ethical standards including Ethical Environment, Professional Commitment, Ethical Values, and Ethical Ideology on the Performance of Auditors. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 5 (10), 281-318. (In Persian)
- Shoja, N., Banimahd, B., & Vakilifard, H. (2018). Review auditors' views on marketing activities. *Journal of Financial accounting & auditing research*, 10 (38), 31-46. (In Persian)
- Sikka, P. (2015). The corrosive effects of neoliberalism on the UK financial crises and auditing practices: A dead-end for reforms. *Accounting Forum*, 39 (1), 1-18.
- Stewart, B. (2002). Marketing Professional Services-how to win new clients and keep the ones you have. Toronto: The Canadian Institute of Chartered Accountants.
- Vahabzadeh Gardroodbari, M., & Banimahd, B. (2017). Impact of Relativisional to the Moral Judgment of Auditors. *Management accounting and auditing knowledge*, 5 (20) 1-12. (In Persian)
- Vallentin, S., & Murillo, D. (2022). Ideologies of Corporate Responsibility: From Neoliberalism to "Varieties of Liberalism". *Business Ethics Quarterly*, 32(4), 635-670.
- Watkins, A. L., Hillison, W., & Morecroft, S. E. (2004). Audit Quality: A Synthesis of Theory and Empirical Research. *Journal of Accounting Literature*, 23, 153-193).

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



## تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد<sup>۱</sup>

مریم شیخ زاده<sup>۲</sup>، رسول برادران حسن زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

مقاله پژوهشی

### چکیده

**هدف:** هدف از این پژوهش بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر روابط بین نااطمینانی اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

**روش:** برای این منظور تعداد ۱۸۰ شرکت، طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، انتخاب گردید. در این پژوهش اثر سه متغیر نااطمینانی اقتصاد کلان شامل نوسان نرخ رشد اقتصادی، نوسان نرخ تورم و نوسان نرخ ارز، بر نگهداشت وجه نقد مورد مطالعه قرار گرفت و اثر تعدیلی حاکمیت شرکتی بررسی شد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد.

**یافته ها:** نتایج این پژوهش نشان می دهد که با افزایش نااطمینانی اقتصاد کلان، نگهداشت وجه نقد کاهش می یابد.

**نتیجه گیری:** با افزایش نااطمینانی، وجود حاکمیت شرکتی قوی اثر مثبتی بر نگهداشت وجه نقد دارد.

**دانش افزایی:** حضور ساز و کارهای حاکمیت شرکتی قوی تأثیر مثبتی بر ارتباط بین نرخ تورم و نرخ ارز و میزان نگهداشت وجه نقد داشته است.

**واژه های کلیدی:** حاکمیت شرکتی، نااطمینانی اقتصاد کلان، نگهداشت وجه نقد.

طبقه بندی موضوعی: E44,G18,G38,O16

10.22051/JAASCI.2022.38120.1643 : DOI

۱. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.  
(Maryam.shekhzadeh94@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. نویسنده مسئول.  
(Baradaran313@iaut.ac.ir)

## مقدمه

این پژوهش تاثیر حاکمیت شرکتی<sup>۱</sup> بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد کلان<sup>۲</sup> و نگهداشت وجه نقد<sup>۳</sup> را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر وجه نقد به اندازه کافی در شرکت نگهداری شود به گونه‌ای که بتوان در فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری بهینه انجام داد، نگهداری این وجوه ارزشمند خواهد بود و می‌تواند حاکی از اطمینان در سیاست‌های اقتصادی باشد. در حالت کلی نااطمینانی به حالتی گفته می‌شود که در آن دانش فرد یا افراد محدود است و توضیح کامل حالت و یا نتیجه‌ای که بدست آمده و یا می‌آید ممکن نیست (هابارد،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷: ۲۷۱). نااطمینانی در اقتصاد کلان معمولاً در مواردی همچون، نوسان رشد اقتصادی، نوسان نرخ تورم، نوسان نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی<sup>۵</sup>، رابطه مبادله<sup>۶</sup> و در نهایت، ارزش سهام<sup>۷</sup>، قابل بررسی است (جعفری صمیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

در این پژوهش سه مورد اول بررسی شده است. حاکمیت شرکتی و نااطمینانی اقتصاد کلان به روش‌های مختلفی بر موجودی نقد شرکت، تاثیر می‌گذارد (بروگارد و دتزل<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵؛ گیلچریست<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۴ و پاستور و ورونسی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲: ۱۲۱۹). برای ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد دو نظریه قابل بررسی است. اول اینکه با افزایش نااطمینانی در اقتصاد کلان، شرکت‌ها واهمه دارند که در سررسید بدهی‌ها درمانده شوند، بنابراین نگهداشت وجه نقد افزایش می‌یابد (احدی سرکانی و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۱۳۹۲: ۷۷). نظریه دوم بیان می‌کند که با افزایش نااطمینانی در شرایط تورمی، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند وجه نقد را به دارایی‌های دیگر تبدیل نمایند. در نتیجه

- 
1. Corporate Governance
  2. Macroeconomic Uncertainty
  3. Cash
  4. Hubbard
  5. GDP
  6. Terms of Trade (نسبت شاخص قیمت صادرات به شاخص قیمت واردات یک کشور)
  7. Stock market Value
  8. Brogaard & Detzel
  9. Gilchrist
  10. Pastor & Veronesi

نگهداشت وجه نقد کاهش می‌یابد. بنابراین، تغییرات نرخ رشد اقتصادی، نوسان نرخ تورم و نرخ ارز باعث نوسانات شدیدی در نگهداشت وجه نقد خواهد شد. با وجود تأثیر عوامل مختلف بر نگهداشت وجه نقد، در نهایت این مدیران هستند که تصمیم می‌گیرند که آیا وجه نقد بین سهامداران توزیع شود؟ صرف مخارج داخلی شود؟ برای تحصیل خارجی بکارگرفته شود؟ و یا همچنان نگهداری شود؟ در این راستا باید همواره منافع و تصمیمات را ارزیابی نمایند (کینسی<sup>۱</sup>، ۱۹۳۶). سطح بهینه موجودی نقد شرکت شامل توازن بین هزینه‌ها و منافع موجودی نقد است (اوپلر<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۹: ۳، هارفورد<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹: ۱۹۶۹). یکی از عوامل اصلی کاهش نااطمینانی اقتصادی استقرار حاکمیت شرکتی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از روابط بین مدیران و سایر گروه‌های ذی‌نفع است. کیفیت حاکمیت شرکتی سبب بهبود نظارت بر مدیریت شرکت می‌شود، عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و هزینه نمایندگی را کاهش می‌دهد (فاما و جنسن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳: ۳۲۷). حاکمیت شرکتی ساختاری فراهم می‌سازد که وسایل دستیابی به هدف‌ها و نظارت بر عملکرد بهبود یابد و به این ترتیب اثرات نااطمینانی اقتصادی کاهش یافته و باعث بهبود عملکرد نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها می‌شود. بنابراین، در شرایط نااطمینانی اقتصادی، افزایش یا کاهش نگهداشت وجه نقد، تحت تأثیر حاکمیت قوی یا ضعیف خواهد بود. بر اساس آنچه که ارائه شد، این پژوهش قصد دارد ارتباطی بین نااطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد دارد را بررسی نموده و اثر تعدیلی حاکمیت شرکتی بر این رابطه را بسنجد.

### مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از نظام‌ها، فرآیندها و ساختارهایی است که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی نظیر ساختار هیات‌مدیره<sup>۵</sup>، دوره تصدی<sup>۶</sup>، درصد مالکیت نهادی<sup>۷</sup>،

1. Kinsey
2. Opler
3. Harford
4. Fama & Jensen,
5. Bods
6. Tfnure
7. Instown



کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، حسابرسی داخلی و نیز سازوکارهای برون‌سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام‌های حقوقی، بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، حسابرسی مستقل و مؤسسات رتبه‌بندی، در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است (تائیبی‌نقندری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۶). نااطمینانی اقتصاد کلان به حالتی اطلاق می‌گردد که در آن عوامل اقتصادی بدلیل عدم توانایی و یا عدم امکان دریافت علائم مثبت از بازار که ناشی از بی‌ثباتی شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ رشد اقتصادی است، پیش‌بینی دقیقی از نتیجه نداشته باشند (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). شرکت‌ها همواره در جستجوی سطح بهینه‌ایی از وجه‌نقد در شرکت می‌باشند که نه به دلیل کمبود وجه‌نقد، ضرر عمده به شرکت وارد شود، و نه از سوی دیگر، با نگهداشت مازاد وجه‌نقد، فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری از دست برود. در واقع، این سطح مدنظر مدیران شرکت‌ها همان سطح بهینه نگهداشت وجه‌نقد است که در ارتباط با آن نظریه‌های مختلفی وجود دارد. از مهمترین این نظریه‌ها می‌توان به نظریه توازن اشاره کرد (دستگیر و همکاران ۱۳۹۲: ۱۹).

یکی از معیارهای مهم و اساسی در تعیین آینده و سرنوشت شرکت، استراتژی نگهداشت وجه‌نقد شرکت می‌باشد. در یک بازار نیمه کارا، شرکت‌ها تمایل دارند که وجه‌نقد خود را برای معاملات و کاهش ریسک آتی خود حفظ نمایند و این درحالی است که نگهداشت بیش از حد وجه‌نقد می‌تواند هزینه‌های فرصت را افزایش دهد؛ از سوی دیگر، نگهداشت پایین وجه‌نقد نیز منجر به کمبود وجه‌نقد می‌شود که این امر نیز به سرمایه‌گذاری شرکت آسیب وارد می‌کند. بر این اساس، سطح بهینه نگهداشت وجه‌نقد باید توازنی بین هزینه‌ها و منابع نگهداشت وجه‌نقد باشد. با افزایش نرخ تورم، نرخ ارز و کاهش نرخ رشد اقتصادی (که باعث نااطمینانی اقتصاد کلان می‌شوند) موجودی نقد شرکت‌ها کاهش می‌یابد. با این حال، وقتی که نااطمینانی اقتصاد کلان به سطح مشخصی (ثبات) می‌رسد، موجودی نقد تحت‌تاثیر افزایش چرخه عملیاتی افزایش نمی‌یابد (نازی، ۱۳۹۵).

شرکت‌ها هنگام افزایش عدم قطعیت اقتصادی در کشور تمایل به نگهداشت وجه‌نقد بیشتری دارند. سطح عدم قطعیت اقتصادی سال قبل تاثیر مثبتی بر نگهداشت وجه‌نقد در شرکت‌ها دارد.

تصمیم‌های مدیریت شرکت می‌تواند به عنوان یک ابزار در مواجهه با عدم قطعیت بکار رود. این رفتار محتاطانه منجر به افزایش نگهداشت وجه نقد می‌شود. شرکت‌ها ترجیح می‌دهند تا وجه نقدی فراتر از نیاز معاملاتی خود نگه‌دارند تا با عدم قطعیت کنار بیایند، زیرا مدیران نگهداشت وجه نقد را به عنوان گزینه‌ای که در دوره‌های با عدم قطعیت بالا ممکن است بکار رود، مدنظر قرار می‌دهند. با این حال، سطوح بالاتر نگهداشت وجه نقد برای شرکت به معنای استفاده کمتر از دارایی‌های شرکت در فعالیت‌های سودده نیز می‌باشد. سطوح رو به افزایش نگهداشت وجه نقد منجر به تخصیص ناکارآمد بودجه‌ها به فعالیت‌های اقتصادی سودده می‌شود. نگهداری بیش از حد وجه نقد که به آن مازاد وجه نقد نیز گفته می‌شود، یک هزینه مهم برای شرکت است. به طور کل، عدم قطعیت در یک کشور ممکن است به دلیل اتلاف فرصت‌های سرمایه‌گذاری، از رشد اقتصادی بکاهد (متین فرد و چهارم‌محالی ۱۳۹۸: ۵۱۲).

هارفورد و همکاران (۲۰۰۸: ۵۳۵) در پژوهشی به رابطه بین نگهداشت وجه نقد و ساختار حاکمیت شرکتی پرداختند. بررسی آن‌ها نشان داد که شرکت‌ها با مالکیت داخلی و درصد مالکیت نهادی بیشتر، تمایل به نگهداشت وجه نقد بیشتری دارند، در حالی که شرکت‌ها با کیفیت بالاتر در برقراری اصول حاکمیت شرکتی و هیأت‌مدیره بزرگتر و مستقل‌تر، نگهداشت وجه نقد کمتری دارند. در پژوهش النجار (۲۰۱۳: ۷۷) با عنوان تأثیر اصول حاکمیت شرکتی بر نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های کوچک و متوسط، نتایج نشان داد که پاداش هیأت‌مدیره، هزینه‌های تحقیق و توسعه و ریسک عملیاتی، رابطه مثبت و ویژگی‌های خاص شرکت از قبیل اندازه، اهرم بدهی و نقدینگی، رابطه منفی با میزان نگهداشت وجه نقد دارند و هیچ شواهدی مبنی بر تأثیر شاخص حاکمیت شرکتی و مالکان نهادی بر نگهداشت وجه نقد مشاهده نگردید. ایم و همکاران (۲۰۱۷: ۴۳) در پژوهشی به بررسی رابطه عدم اطمینان محیطی و ارزش وجه نقد نگهداری شده پرداختند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که بین عدم اطمینان محیطی و ارزش وجه نقد ارتباط معنی داری وجود دارد. با افزایش نرخ تورم و نرخ ارز و کاهش نرخ رشد اقتصادی که باعث ناطمینانی اقتصادی می‌شوند، موجودی نقد

شرکت‌ها کاهش می‌یابد. چاکرابورتی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷: ۱۴۹)، در پژوهشی با عنوان سیاست مالی شرکت و ارزش وجه‌نقد تحت شرایط عدم اطمینان، دریافتند که افزایش در ریسک مختص شرکت معمولاً ارزش نگهداری وجه‌نقد را افزایش می‌دهد، در حالی که افزایش در ریسک‌های اقتصادی معمولاً ارزش نگهداری وجه‌نقد را کاهش می‌دهد. گودل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان نااطمینانی اقتصادی و نگهداشت وجه‌نقد، نشان دادند که وقتی نوسانات نااطمینانی اقتصادی بیشتر باشد، با وجود حاکمیت شرکتی قوی و تحت انتظارات منطقی، شرکت‌ها وجه‌نقد بیشتری نگه می‌دارند. جوادی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان نگهداشت وجه‌نقد، مشکلات نمایندگی و نااطمینانی سیاست اقتصادی بیان کردند که در شرایط نااطمینانی اقتصادی، کاهش نگهداشت وجه‌نقد باعث کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود. دیده‌خانی و همکاران (۲۹:۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان می‌دهند که بین تورم و چرخه عملیاتی با میزان انباشت وجه‌نقد رابطه معناداری وجود ندارد. اولی و همکاران (۱۷:۱۳۹۸) نیز در پژوهشی نشان می‌دهند که نگهداشت وجه‌نقد تحت تاثیر نااطمینانی شرکت است. بر اساس آنچه که ارائه شد، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

**فرضیه اول پژوهش:** بین نااطمینانی در اقتصاد و نگهداشت وجه‌نقد ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

**فرضیه دوم پژوهش:** حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد و نگهداشت وجه‌نقد، تاثیر دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ که دارای شرایط عنوان شده در جدول ۱ است، استفاده شد. بر این اساس، تعداد ۱۸۰ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید و با استفاده از نرم افزار اکسل داده‌ها مرتب گردید. همچنین، برای تجزیه و تحلیل و برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه پژوهش از نرم‌افزارهای ایویوز، استتا و اس.پی.اس.اس استفاده شد.

1. Chakraborty, Baum & Liu

2. Goodell

## جدول ۱. نحوه انتخاب نمونه پژوهش

۶۵۲	کل شرکت‌های بورسی و فرابورسی در پایان سال ۱۳۹۷
(۳۱۳)	تعداد شرکت‌های فرابورسی در پایان سال ۱۳۹۷
۳۳۹	تعداد شرکت‌های بورسی
(۴۱)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها، واسطه‌گری‌های مالی و موسسات تامین مالی
(۲۷)	شرکت‌هایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۰-۱۳۹۷) تغییر سال مالی داشته‌اند و یا سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه (برای داشتن قابلیت مقایسه بیشتر) نبود.
(۷۱)	شرکت‌هایی که بین سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ در لیست بورس نبودند (یعنی بین سال‌ها حذف شده‌اند یا در سال‌هایی بعد از سال ۱۳۸۷ عضو بورس شده‌اند) و شرکت‌هایی که بیش از ۳ ماه توقف معاملاتی داشته‌اند.
(۲۰)	شرکت‌های زیان‌ده
(۱۵۹)	تعداد شرکت‌های حذف شده
۱۸۰	نمونه مورد بررسی در پژوهش

## مدل‌های پژوهش

بر اساس آنچه که تا اینجا ارائه شد، مدل ۱ جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش در نرم‌افزار برآورد گردید.

$$\text{Cash}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{RM}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{MTB}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon \text{Cash}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{RM}_{i,t} + \beta_2 \text{RM} \times \text{CG}_{i,t} + \beta_3 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \beta_5 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon \quad (1)$$

## متغیرهای پژوهش

## متغیر وابسته

نگهداشت وجه نقد (CASH): برابر با وجه نقد (صندوق و بانک، تنخواه‌گردان، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت) به کل دارایی‌ها است (توکل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳).

## متغیر مستقل

نااطمینانی اقتصادی (RM): ناطمینانی اقتصادی ناتوانایی کارگزاران در پیش‌بینی دقیق نتایج تصمیمات است. در این پژوهش ناطمینانی در اقتصاد با سه شاخص شامل نوسان نرخ رشد اقتصادی، نوسان نرخ تورم و نوسان نرخ ارز، مورد بررسی قرار گرفت (جعفری‌صمیمی، ۱۳۹۱). برای

شاخص‌بندی این معیارها مطابق پژوهش چاکرابورتی و همکاران (۲۰۱۷)، از یک مدل GARCH استفاده شد. برای این منظور یک معیار نوسانگرایانه از تغییرات شاخص تولید ناخالص ملی (GNP) به عنوان شاخصی برای ریسک عوامل کلان اقتصادی که شرکت در تصمیمات مالی و تولیدی خود با آن روبرو می‌شود، در نظر گرفته شد. نتایج حاصل از تخمین مدل GARCH به واریانس‌های شرطی می‌انجامد که نهایتاً با جذرگیری به انحراف معیار یا همان مفهوم ناطمینانی منجر می‌شود. در پژوهش حاضر از این انحراف معیارهای دوازده ماهه، میانگین گرفته می‌شود تا شاخص عدم اطمینان سالانه حاصل شود.

نوسان نرخ رشد اقتصادی (GNPr): رشد تولید ناخالص داخلی یک کشور متغیری از اقتصاد کلان است که وضعیت اقتصاد را نشان می‌دهد. افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که از طریق سایت بانک مرکزی قابل دسترس می‌باشد.

نوسان نرخ تورم (INFr): نوسان نرخ تورم از تفاضل بین نوسان نرخ تورم سال جاری و سال قبل تقسیم بر نرخ سال پایه (۱۳۹۰) به دست می‌آید.

نوسان نرخ ارز (EXr): نوسان نرخ ارز از تفاوت نوسان نرخ ارز سال جاری و سال قبل تقسیم بر نرخ سال پایه (۱۳۹۰) به دست می‌آید که از طریق سایت بانک مرکزی قابل دسترس می‌باشد.

### متغیر تعدیل گر

حاکمیت شرکتی (CG): در پژوهش حاضر مطابق با پژوهش القداسی و آیدین، (۲۰۱۸) از یک معیار ترکیبی برای اندازه‌گیری کفایت حاکمیت شرکتی استفاده شد. به عبارتی، بکارگیری ترکیبی از متغیرهای ساختاری هر گونه خطای حاصل از بکارگیری مجزای متغیرهای ساختاری را کاهش خواهد داد. بر این اساس، در پژوهش حاضر حاکمیت شرکتی، ترکیبی از امتیاز ۱۴ متغیر مرتبط با سازوکارهای مالکیتی، مدیریتی و حسابرسی است (طبق جدول ۲). از آن‌جا که برای تمامی ۱۴ متغیر عدد ۱ برای مقادیر بالاتر از میانه صنعت و یا داشتن آن ویژگی اختصاص داده شد و عدد صفر برای مقادیر کمتر از میانه و یا نداشتن آن ویژگی اختصاص داده شده است، بنابراین حاصل جمع این

امتیازها برای هر شرکت یک امتیاز بین صفر تا ۱۴ است که در پایان برای محاسبه کفایت نظام راهبری شرکتی مجموع امتیازات هر سال / شرکت بر مجموع امتیازات قابل کسب (یعنی ۱۴) تقسیم می‌شود.

#### جدول ۲. سازوکارهای حاکمیت شرکتی

مالکیت نهادی	استقلال هیأت مدیره
مالکیت مدیریتی	دوگانگی پست مدیر عامل
تمرکز مالکیت	تخصص مالی هیأت مدیره
نوع مالکیت (دولتی-خصوصی)	تخصص حسابرس در صنعت
اندازه هیأت مدیره	دوره تصدی حسابرس
اندازه موسسه حسابرسی	استقرار کمیته حسابرسی
واحد حسابرس داخلی	امتیاز کنترل کیفیت موسسات حسابرسی

#### متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت  $t$  برای دوره مالی  $t$  است.

فرصت‌های رشد (MTB): فرصت‌های رشد برابر با تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $t$  برای دوره مالی  $t$  است.

نسبت اهرمی (lev): نسبت اهرمی برابر با تقسیم کل بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌های شرکت  $t$  برای دوره مالی  $t$  است.

#### یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت داده‌های پژوهش ارائه می‌کنند، در جدول ۳ ارائه شده است. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تعداد مشاهدات مربوط به فرضیه‌ها ۱۴۴۰ مشاهده می‌باشد. در مورد فرضیه‌ها دوره پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۷ بررسی شد که برای هر سال ۱۸۰ شرکت مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی پژوهش در سطح کل شرکت‌ها

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نگهداشت وجه نقد	۰/۰۳۷	۰/۰۲۲	۰/۰۴۲	۰/۰۰۱	۰/۲۲۲
نرخ رشد اقتصادی	۰/۰۱۰	۰/۰۳۱	۰/۰۵۴	-۰/۰۷۷	۰/۱۱۱
نرخ تورم	۰/۱۹۹	۰/۱۵۶	۰/۰۹۳	۰/۰۹۰	۰/۳۴۷
نرخ ارز	۲/۱۰۸	۱/۶۹۸	۲/۵۶۵	۰/۰۰۰	۸/۴۳۰
حاکمیت شرکی	۰/۴۹۴	۰/۵۰۰	۰/۱۳۶	۰/۱۴۳	۰/۹۲۸
اندازه شرکت	۱۳/۹۵۷	۱۳/۸۳۹	۱/۵۱۳	۹/۹۰۲	۱۸/۴۵۵
فرصتهای رشد	۲/۳۷۰	۱/۹۲۸	۱/۷۵۷	۰/۱۹۲	۷/۷۵۴
نسبتهای اهرمی	۰/۵۶۸	۰/۵۶۳	۰/۲۲۵	۰/۰۲۹	۰/۹۹۷

با توجه به جدول ۳، مقدار میانگین برای نگهداشت وجه نقد برابر با ۰/۰۳۷ است. عبارت دیگر در شرکت‌های نمونه بطور متوسط ۳/۷ درصد دارایی‌ها وجه نقد است و برای متغیرهای مستقل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ ارز به ترتیب برابر ۰/۰۱۰، ۰/۱۹۹ و ۲/۱۰۸ است. بطوریکه متوسط نرخ رشد اقتصادی طی دوره پژوهش ۱ درصد و متوسط نرخ تورم ۱۹,۹ درصد و متوسط تغییرات نرخ ارز در دوره نسبت به سال پایه بیش از دو برابر بوده است. هم‌طور مقدار میانگین برای متغیر تعدیل گر حاکمیت شرکی برابر با ۰/۴۹۴ است. به این معنی که بطور متوسط امتیاز حاکمیت شرکی ۴۹,۴ درصد بوده است. همچنین، انحراف معیار برای نگهداشت وجه نقد برابر ۰/۰۴۲ و برای متغیرهای مستقل شامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ ارز به ترتیب برابر ۰/۰۵۴، ۰/۰۹۳ و ۲/۵۶۵ است. هم‌طور مقدار انحراف معیار برای متغیر تعدیل گر حاکمیت شرکی برابر با ۰/۱۳۶ است. می‌توان نتیجه گرفت که نگهداشت وجه نقد در بین شرکت‌ها دارای کمترین پراکندگی بوده و تغییرات نرخ ارز بیشترین پراکندگی و نوسان را داشته است.

در بررسی فروض کلاسیک، نتایج برآورد فرضیه‌ها بعد از رفع همزمان ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته است.

### نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش با استفاده از مدل (۱) مبنی بر اینکه بین ناطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد ارتباط وجود دارد، بررسی شد. جدول ۴ نتایج را ارائه داده است.

$$\text{Cash}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{RM}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{MTB}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon$$

جدول ۴. برآورد نتایج ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد و نگهداشت وجه نقد

نگهداشت وجه نقد				نگهداشت وجه نقد				نگهداشت وجه نقد				Cash <sub>it</sub>	متغیر وابسته
آماره VIF	معناداری	آماره t	ضریب	آماره VIF	معناداری	آماره t	ضریب	آماره VIF	معناداری	آماره t	ضریب	متغیرهای مستقل و کنترلی	
								۱,۰۱	۰,۰۰۷	-۲,۶۹۴	-۰,۰۴۲	GNP <sub>it</sub>	نوسان نرخ رشد اقتصادی
				۱,۰۳	۰,۰۷۶	-۱,۷۷۵	-۰,۰۱۷					INF <sub>it</sub>	نوسان نرخ تورم
۱,۰۳	۰,۰۱۶	-۲,۴۰۱	-۰,۰۰۱									EX <sub>it</sub>	نوسان نرخ ارز
—	۰,۰۰۵	۲,۸۰۰	۰,۰۹۸	—	۰,۰۰۰	۵,۱۱۸	۰,۱۶۵	—	۰,۰۰۰	۴,۲۴۷	۰,۱۲۸	β <sub>0</sub>	عرض از مبدا
۱,۰۴	۰,۱۲۶	-۱,۵۳۰	-۰,۰۰۴	۱,۰۳	۰,۰۰۰	-۳,۷۷۶	-۰,۰۰۸	۱,۰۲	۰,۰۰۵	-۲,۸۲۷	-۰,۰۰۶	SIZE <sub>it</sub>	اندازه شرکت
۱,۰۲	۰,۰۰۰	۳,۵۹۱	-۰,۰۰۲	۱,۰۳	۰,۰۰۲	۳,۰۶۸	۰,۰۰۲	۱,۰۲	۰,۰۰۰	۳,۶۳۸	۰,۰۰۲	MTB <sub>it</sub>	فرصت‌های رشد
۱,۰۳	۰,۰۰۰	-۳,۵۳۰	-۰,۰۲۱	۱,۰۳	۰,۰۰۰	-۳,۹۲۴	-۰,۰۲۳	۱,۰۳	۰,۰۰۰	-۳,۹۴۰	-۰,۰۲۳	LEV <sub>it</sub>	نسبت اهرمی
۳۱۶/۷				۲۸۷/۷				۷,۳۳۳				آماره فشر	
۰,۰۰۰				۰,۰۰۰				۰,۰۰۰				معناداری	
۱,۷۵۲				۱,۷۵۱				۱,۷۵۴				آماره دورین واتسون	
۱۳,۱۴۰				۱۲,۸۱۷				۱۲,۵۱۸				آزمون خودهمبستگی سریالی	
۱۷۲۲,۵۸۳				۱۷۳۵,۷۰۲				۱۷۳۴,۶۸۹				آزمون نرمال بودن خطاها	
۰,۵۱۶				۰,۵۱۵				۰,۵۱۶				ضریب تعیین	
۰,۴۴۵				۰,۴۴۴				۰,۴۴۶				ضریب تعیین تعدیل شده	
۱,۰۳				۱,۰۳				۱,۰۲				میانگین VIF	
فرضیه پذیرفته می‌شود				فرضیه رد می‌شود				فرضیه پذیرفته می‌شود				معناداری در سطح خطای ۵ درصد	



همانطور که در جدول (۴) قابل مشاهده است، بین نرخ رشد اقتصادی و نگهداشت وجه نقد ارتباط معنی دار و منفی وجود دارد، یعنی با افزایش نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر نرخ رشد اقتصادی میزان نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها کاهش می‌یابد، بنابراین فرضیه مبنی بر ارتباط بین نرخ رشد اقتصادی و نگهداشت وجه نقد پذیرفته می‌شود. نتایج برای فرضیه مبنی بر ارتباط بین نرخ تورم و نگهداشت وجه نقد، رد می‌شود و رابطه معناداری وجود ندارد. در نهایت، نتایج بر آورد مدل پژوهش در جدول (۴) بیانگر آن است که ارتباط بین نرخ ارز و نگهداشت وجه نقد معنی دار و منفی است؛ یعنی، با افزایش نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر نرخ ارز میزان نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها کاهش می‌یابد، بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود.

#### نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش

فرضیه اصلی دوم پژوهش با استفاده از مدل (۲) مبنی بر اینکه حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد کلان و نگهداشت وجه نقد تاثیر دارد، طبق جدول (۵) مورد آزمون قرار گرفته است:

$$\text{Cash}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{RM}_{i,t} + \beta_2 \text{RM} \times \text{CG}_{i,t} + \beta_3 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \beta_5 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon$$

همانطور که در جدول (۵) قابل مشاهده است، حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نرخ رشد اقتصادی و نگهداشت وجه نقد تاثیر معنی داری ندارد، بنابراین فرضیه رد می‌شود. حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نرخ تورم و نگهداشت وجه نقد تاثیر معنی دار و مثبت دارد، یعنی حضور سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبت بر ارتباط نرخ تورم و میزان نگهداشت وجه نقد دارد، بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود. در نهایت، حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نرخ ارز و نگهداشت وجه نقد تاثیر معنی دار و مثبت دارد؛ یعنی، حضور سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبتی بر ارتباط بین نرخ ارز و میزان نگهداشت وجه نقد دارد، بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود.

## جدول ۵. برآورد نتایج تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین نااطمینانی در اقتصاد و نگهداشت وجه نقد

نگهداشت وجه نقد				نگهداشت وجه نقد				نگهداشت وجه نقد				Cash <sub>it</sub>	متغیر وابسته: نگهداشت وجه نقد
آماره VIF	معاداری	آماره t	ضریب	آماره VIF	معاداری	آماره t	ضریب	آماره VIF	معاداری	آماره t	ضریب	متغیرهای مستقل و کنترلی	
								۹,۴۰	۰,۰۱۶	-۲,۴۰۵	-۰,۱۲۱	GNP <sub>it</sub>	نوسان نرخ رشد اقتصادی
				۳,۲۵	۰,۰۰۰	-۴,۰۱۱	-۰,۰۸۰					INF <sub>it</sub>	نوسان نرخ تورم
۳,۳۲	۰,۰۰۰	-۸,۸۶۸	-۰,۰۰۶									EX <sub>it</sub>	نوسان نرخ ارز
								۹,۴۴	۰,۰۷۲	۱,۷۹۵	۰,۱۷۸		تعامل نوسان نرخ رشد اقتصادی و حاکمیت شرکتی
				۳,۱۷	۰,۰۰۰	۳,۵۹۶	۰,۱۲۷						تعامل نوسان نرخ تورم و حاکمیت شرکتی
۳,۳۹	۰,۰۰۰	۹,۲۰۰	۰,۰۱۱										تعامل نوسان نرخ ارز و حاکمیت شرکتی
—	۰,۰۰۱	۳,۳۶۴	۰,۱۱۶	—	۰,۰۰۰	۵,۸۶۰	۰,۱۹۴	—	۰,۰۰۱	۳,۲۵۳	۰,۰۹۹	$\beta_0$	عرض از مبدا
۱,۰۵	۰,۰۱۷	-۲,۳۹۸	-۰,۰۰۶	۱,۰۹	۰,۰۰۰	-۴,۵۵۲	-۰,۰۱۰	۱,۰۲	۰,۰۲۷	-۲,۲۱۸	-۰,۰۰۵	SIZE <sub>it</sub>	اندازه شرکت
۱,۰۳	۰,۰۰۶	۲۲,۷۴۷	۰,۰۰۲	۱,۰۴	۰,۰۰۲	۳,۰۸۶	۰,۰۰۲	۱,۰۲	۰,۰۰۱	۳,۴۶۳	۰,۰۰۲	MTB <sub>it</sub>	فرصت‌های رشد
۱,۰۴	۰,۰۳۹	-۰,۴۶۹	-۰,۰۰۳	۱,۰۴	۰,۰۰۰	-۴,۲۲۰	-۰,۰۲۵	۱,۰۳	۰,۰۶۶	-۰,۴۵۹	-۰,۰۰۲	LEV <sub>it</sub>	نسبت اهرمی
۸,۰۲۹				۷,۳۸۶				۷,۱۲۶				آماره فیشر	
۰۰۰/۰				۰۰۰/۰				۰۰۰/۰				معاداری	
۱,۲۴۰				۱,۷۶۵				۱,۷۷۶				آماره دورین واتسون	
۱۵,۹۹۴				۱۲,۳۶۸				۱۲,۴۹۵				آزمون خودهمبستگی سریالی	
۱۳۰۷,۸۸۶				۲۶۷/۱۶۲۶				۱۵۱/۱۹۳۰				آزمون نرمال بودن خطاها	
۰,۵۴۱				۰,۵۲۰				۰,۵۱۱				ضریب تعیین	
۰,۴۷۳				۰,۴۴۹				۰,۴۳۹				ضریب تعیین تعدیل شده	
۱,۹۷				۱,۹۲				۴,۳۸				میانگین VIF	
فرضیه پذیرفته می‌شود				فرضیه پذیرفته می‌شود				فرضیه رد می‌شود				معاداری در سطح خطای ۵٪	

## بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاکی از این می‌باشد که بر اساس فرضیه اول با افزایش نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر نرخ رشد اقتصادی میزان نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها کاهش می‌یابد و با افزایش نااطمینانی اقتصادی مبتنی بر نرخ ارز میزان نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها کاهش می‌یابد. نتایج حاکی از فرضیه دوم نشان می‌دهد حضور سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبت بر ارتباط نرخ تورم و میزان نگهداشت وجه نقد دارد، و همچنین حضور سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبت بر ارتباط نرخ ارز و میزان نگهداشت وجه نقد دارد.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش هارفورد و همکاران (۲۰۰۸)، ایم و همکاران (۲۰۱۷)، جاکر ابورتی و همکاران (۲۰۱۷)، گودل و همکاران (۲۰۲۱)، جوادی و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد و با نتایج حاصل از پژوهش اولی و همکاران (۱۳۹۸)، دیده خانی و همکاران (۱۳۹۷) و النجار (۲۰۱۳) مطابقت ندارد.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه افزایش نوسان نرخ رشد اقتصادی و نوسان نرخ ارز در فرضیه اصلی اول باعث کاهش نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها می‌شود به مدیران و سیاست گذاران شرکتها پیشنهاد می‌شود رویه و سیاستهایی را در پیش گیرند که بتوانند اثرات نااطمینانی را کاهش دهند تا از این طریق باعث نگهداشت وجه نقد شرکتها در حد معقولی شوند. و پیشنهاد می‌شود که به منظور سوء استفاده قرار نگرفتن ناشی از نگهداری وجوه نقد اضافی در شرکت، شرکتها اقدام به نگهداری داراییهای جاری با قابلیت نقدینگی بالا کنند تا توان پرداخت دیون را داشته باشند و در صورت نیاز از طریق بدهی تامین مالی نمایند و سطح نگهداشت وجه نقد به عنوانیک مکانیزم مفید در گزارش گری مالی و تأثیر آن در ایجاد یک حاشیه اطمینان برای سهامداران و اعتبار دهندگان در خصوص به کار گیری صحیح منابع شرکت مورد استفاده قرار گیرد. استفاده کنندگان از گزارش‌های مالی باید بدانند که حضور سهامداران نهادی در یک شرکت، اطمینان کافی از نظارت کارآمد بر سطح نگهداشت وجه نقد توسط شرکت‌ها را فراهم نمی‌کند. که به نقش اعضای غیرموظف هیأت مدیره به عنوانیک ابزار نظارتی حاکمیت شرکتی توجه بیشتری شود تا از جنبه تشریفاتی خارج و نقش کاربردی مؤثری در نظارت بر شرکت‌ها و افزایش عملکرد شرکت‌ها ایفا نمایند.

## منابع

- احدی سرکانی، سید یوسف، سنگ پهنی، هاجر و دسینه، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عوامل درون شرکتی و برون شرکتی با نگهداشت وجه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۶(۲۳): ۱۷۷-۱۰۱.
- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۵). تحلیل آماری در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار Stata، تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.
- اولی، محمد رضا، میناب، سیده مریم و ربویی، وحید. (۱۳۹۸). بررسی رابطه عدم اطمینان شرکت و ارزش نگهداشت وجه نقد. هفدهمین همایش حسابداری.
- تائبی نقدری، امیرحسین، تائبی نقدری، علی و عباس زاده، مه‌ری. (۱۳۸۶). تأثیر تعدیل‌گری اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکتها. مجله دانش حسابداری، ۸(۱): ۱۵۵-۱۸۲.
- توکل نیا، اسماعیل و تیرگری، مهدی (۱۳۹۳). اهرم مالی، سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت، ۷(۲۲).
- جعفری صمیمی، احمد و کوروش اعظمی. (۱۳۹۱). نااطمینانی اقتصاد کلان و اندازه دولت شواهد کشورهای منتخب در حال توسعه. راهبرد اقتصادی، ۱(۳): ۱۴۹-۱۶۸. حساس یگانه، یحیی، جعفری، علی و رسائیان، امیر. (۱۳۹۰). عوامل تعیین کننده سطح نگهداشت وجه نقد شرکتها در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، (۹).
- دستگیر، محسن، یوسفی، امین، ایمانی کریم. (۱۳۹۲). سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد و ویژگیهای شرکتی موثر بر آن. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۳(۱۰): ۱۹-۳۳.
- دیده خانی، حسین، دمیری، محمدهادی و کاویانی، میثم. (۱۳۹۷). تأثیر تورم و چرخه عملیاتی بر انباشت وجه نقد. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳۹): ۲۹-۴۴.
- رحمانی تیمور، نیکخوتریت، حافظ خلیلی فرزانه. (۱۴۰۱). نااطمینانی اقتصاد کلان و تصمیمات سرمایه‌گذاری بانکها. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۶(۱ پیاپی ۵۸): ۱-۲۲.
- سبز علیپور، فرشاد، آقایی، محمد علی و سپاسی، سحر. (۱۳۹۹). تبیین حاکمیت شرکتی با استفاده از نظریه اقتضایی: مسیراینده پژوهی. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۱ پیاپی ۳۶): ۷۱-۸۹.
- عظی‌می‌آرانی، حسین. (۱۳۸۵). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، چاپ هفتم.

کاشانی پور، محمد و بیژن نقی نژاد. (۱۳۸۸). بررسی اثر محدودیت‌های مالی بر حساسیت جریان نقدی وجه نقد. *تحقیقات حسابداری*، (۲): ۷۲-۹۳. متین فرد، مهرا ن و علی اکبر چهارمحالی. (۱۳۹۸). بررسی اثر عدم قطعیت اقتصادی بر نگهداشت وجه نقد. *دانش سرمایه گذاری*، ۱۱(۴۱)، ۵۱۱-۵۲۷.

نازی، نادیا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین متغیرهای اقتصاد کلان و چرخه عملیاتی با نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های بورس و اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی دانشگاه پردیس البرز.

نمازی، محمد و رضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تاثیر نرخ تورم بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۵): ۶۷-۹۱.

## References

- Ahadi Sarkani, SY, Sangpahn, H and M, Desineh. (2013). Study of the relationship between intra-corporate and extra-corporate factors with the holding of funds in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Securities*, 6(23): 77-110. (in Persian).
- Al-Najjar, B. (2013). The financial determinants of corporate cash holdings: Evidence from some emerging markets. *International business review*, 22(1), 77-88.
- AlQadasi, A., & Abidin, S. (2018). The effectiveness of internal corporate governance and audit quality: the role of ownership concentration—Malaysian evidence. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 18(2), 233-253.
- Aflatooni, A. (2016). Statistical analysis in financial and accounting research with Stata software.
- Azimi, H. (2004). Circuits of Underdevelopment in Iran's Economy.
- Chakraborty, A., Baum, C. F., & Liu, B. (2017). Corporate financial policy and the value of cash under uncertainty. *International Journal of Managerial Finance*, 13(2), 149-164.
- Dastgir, M, Yousefi, A and K, Imani. (2013). Cash Adjustment Retention Rate and Corporate Characteristics Affecting It. *Quarterly Journal of Accounting Research*, 3(10): 19-33. (in Persian).
- Didekhani, H, Demiri, M and M, Kaviani. (2018). The Impact of Inflation and the Operational Cycle of Cash Collection. *Journal of Financial Accounting Research*, 10(39): 29-44. (in Persian).
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Goodell, J. W., Goyal, A., & Urquhart, A. (2021). Uncertainty of uncertainty and firm cash holdings. *Journal of Financial Stability*, 56, 100922.

- Harford, J., Mansi, S. A., & Maxwell, W. F. (2008). Corporate governance and firm cash holdings in the US. *Journal of financial economics*, 87(3), 535-555.
- Harford, J. (1999). Corporate cash reserves and acquisitions. *The journal of finance*, 54(6), 1969-1997.
- Hasas Yeganeh, Y., Jafari, A., & Rasaeian, A. (2011). Factors determining the level of cash retention in the Tehran Stock Exchange. *Financial accounting*, 3(9), 39-66.
- Hubbard, D. W. (2007). How to measure anything: Finding the value of "intangibles" in business.
- Byrne, J. P., & Davis, E. P. (2004). Permanent and temporary inflation uncertainty and investment in the United States. *Economics Letters*, 85(2), 271-277.
- Im, H. J., Park, H., & Zhao, G. (2017). Uncertainty and the value of cash holdings. *Economics Letters*, 155, 43-48.
- Jafari Samimi, A and K, Azami. (2012). Macroeconomic Uncertainty and Government Size Evidence of Selected Developing Countries. *Economic Strategy*, 1(3):149-168. (in Persian).
- Javadi, S., Mollagholamali, M., Nejadmalayeri, A., & Al-Thaqeb, S. (2021). Corporate cash holdings, agency problems, and economic policy uncertainty. *International Review of Financial Analysis*, 77, 101859.
- Kashanipour, M., & Naghinejad, B. (2009). The effect of financial constraints on cash-cash flow sensitivity. *Iranian Journal of Accounting Research*, 2, 72-92.
- Keynes, J. M. (1936). *The General Theory of Employment, Inter, est and Money* (London, 1936). *Keynes The General Theory of Employment, Inter, est, and Money 1936*.
- Mateen Fard, Mehran, & Chaharmahali. (2022). Examining the effect of economic uncertainty on cash retention. *Investment Knowledge*, 11(41), 511-527
- Namazi, M., & Rezaei, H. R. (2012). The effect of inflation rates on the earnings quality of the companies listed on the Tehran stock exchange (TSE). *Empirical Research in Accounting*, 2(3), 67-91.
- Nazi, Nadia. (2015). Investigating the relationship between macroeconomic variables and operating cycle with cash holding in the stock exchange and securities companies of Tehran. Master's thesis in the field of financial management at Alborz University.
- Oli, M, Minab, SM and V, Roboobi, Investigating the Relationship between Company Uncertainty and Cash Retention. *Value. 17th Accounting Conference*, October 2017. (in Persian).
- Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R., & Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of financial economics*, 52(1), 3-46.
- Pastor, L., & Veronesi, P. (2012). Uncertainty about government policy and stock prices. *The Journal of Finance*, 67(4), 1219-1264.

- Nikkhoo, H., RAHMANI, T., & Khalili, F. (2022). Macroeconomic Uncertainty and Investment Decisions of Banks.
- Riddick, L. A., & Whited, T. M. (2009). The corporate propensity to save. *The Journal of Finance*, 64(4), 1729-1766.
- Sabzalipour, F., Aghaei, M. A., & Sepasi, S. (2020). Explaining Corporate Governance Using Contingency Theory: A Direction for Future Research. *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(1), 71-89.
- Taebi Naghandari, AH, Taebi Naghandari, A and M, Abbaszadeh. (2007). the effect of corporate size adjustment on the relationship between corporate governance and economic performance of companies. *Journal of Accounting Knowledge*, 8(1): 15-182. (in Persian).
- Tavakolnia, I and M, Tirgari. (2014). Financial leverage, cash holding level, and value, of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting Quarterly*, 7(22). (In Persian).

#### COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



## شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی های سرمایه ای دولتی از نگرش خبرگان<sup>۱</sup>

غریبه اسماعیلی کیا<sup>۲</sup>، حامد پرویزی کیا<sup>۳</sup>

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

### چکیده

**هدف:** در سه دهه گذشته، گزارشگری مالی جامع دارایی های سرمایه ای دولت تبدیل به موضوعی چالش برانگیز شده است. بر مبنای رویه های مدیریت عمومی نوین، نهادهای بخش عمومی موظفند که در مدلی ارزش های اقتصادی تمام دارایی های سرمایه ای تحت کنترل خود را به ذی نفعان گزارش دهند، اما در حال حاضر، مدل جامعی برای گزارشگری دارایی های سرمایه ای دولتی وجود ندارد. هدف پژوهش حاضر شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع و عملی شناخت و گزارشگری دارایی های سرمایه ای دولتی است.

**روش:** با بکارگیری روش دلفی و نظرخواهی از ۲۱ نفر از خبرگان، داده ها گردآوری و با استفاده از نرم افزار اس.بی.اس تجزیه و تحلیل شدند. **یافته ها:** هدف دولت از نگهداری دارایی های سرمایه ای دولت، می تواند مبنای مناسبی برای شناخت دارایی ها باشد و بر این اساس، دارایی های اقتصادی، دارایی های نظامی و دارایی های میراث ملی شناسایی می شوند.

**نتیجه گیری:** شناخت دارایی های اقتصادی می تواند مشابه با معیارهای شناخت دارایی های بخش خصوصی انجام پذیرد و به دلیل ماهیت خاص برخی دارایی های سرمایه ای دولت، دو معیار مکمل عدم وجود محدودیت در واگذاری و تطابق دارایی در مقابل بدهی ها، نیز برای شناخت این دارایی ها استفاده شود.

**دانش افزایی:** لازمه گزارشگری جامع دارایی های سرمایه ای علاوه بر گزارش های مالی، تهیه گزارش های غیر مالی برای طبقه های خاصی از این دارایی ها است. بنابراین، دارایی های نظامی و اجتماعی که حائز معیارهای شناخت نباشند، در گزارش های نظامی و اجتماعی بر حسب واحدهای فیزیکی گزارش شوند.

**واژه های کلیدی:** دارایی های سرمایه ای دولتی، رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری، روش دلفی.

طبقه بندی موضوعی: M48، M40.

10.22051/JAASCI.2022.40404.1705 : DOI

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (gh.esmailikia@ilam.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (hamedparvizikia@gmail.com).

jaasci.alzahra.ac.ir



## مقدمه

بسیاری از تحولات بخش عمومی نظیر بکارگیری حسابداری تعهدی، تحولات بودجه‌بندی، ارتقای پاسخگویی و راهبری بهتر تحت لوای مدیریت عمومی نوین و مدیریت مالی عمومی نوین رخ داده است. در این راستا ارائه خدمات با کیفیت مناسب به شهروندان در مبادلات برای منابع مالی دریافتی، نیز نیازمند ایجاد محیطی برای مدیریت مالی عمومی پیشرفته و حرفه‌ای است (اسماعیلی کیا، ۱۴۰۰: ۸۷). ارتقای پاسخگویی، شفافیت، کارایی، اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و احکام قانونی، اهداف اساسی دولت در راستای ارائه موفقیت‌آمیز خدمات عمومی است (اسماعیلی کیا، ۱۳۹۹: ۱۴۵). پاسخ‌گویی برای مدیریت بهتر دارایی‌های عمومی به وجود یک سیستم حسابداری و گزارشگری که اطلاعات مربوطی برای اهداف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی تهیه می‌کند، بستگی دارد (اسماعیلی کیا، ۱۴۰۰: ۸۷). فقدان اطلاعات صحیح، مربوط و با جزئیات در مورد دارایی‌های دولتی می‌تواند به‌عنوان یک مانع در پذیرش راهبری صحیح بخش عمومی در نظر گرفته شود. از آنجایی که استفاده از سیستم حسابداری دولتی سنتی تمام اطلاعات مورد نیاز برای اهداف مدیریت دارایی‌ها را تهیه نمی‌کند، حسابداری تعهدی همراه با سیستم‌های اطلاعات مدیریت مالی پیشرفته، می‌تواند اطلاعات جامع و به‌موقع را در صورت نیاز تهیه نماید. این رویکرد، مستلزم نگهداری کامل و منظم ثبت‌های دقیق دارایی و ارزیابی مجدد منظم و دارایی‌های نگه داشته شده است. بنابراین، انتقال به حسابداری تعهدی در بخش عمومی مستلزم آن است که نهادهای دولتی دارایی‌های خود را شناسایی و ارزش‌گذاری کنند تا بتوانند ترازنامه را تهیه کنند (آئودا، ۲۰۱۶: ۲۶).

شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌های فیزیکی در بخش عمومی کار ساده‌ای نیست، زیرا این دارایی‌ها برای چندین دهه وجود داشته‌اند و از راه‌های مختلفی تحصیل شده‌اند که باعث می‌شود روند شناسایی و ارزیابی این دارایی‌ها دشوارتر باشد (آئودا، ۲۰۱۴: ۱۹). بنابراین، مشکل اصلی برای ثبت دارایی‌های فیزیکی واحدهای گزارشگر دولتی، تنها این نیست که بدانند مالک دارایی‌ها هستند، بلکه باید آنها را ارزش‌گذاری کنند. برخلاف بخش انتفاعی، که در آن اغلب استانداردهای حسابداری، رفتار مشابهی با دارایی‌های سرمایه‌ای دارند، بخش غیرانتفاعی و بخش عمومی همچنان با سوالات مفهومی در

رابطه با دارایی‌های سرمایه‌ای درگیر هستند. برخی از پژوهشگران و استانداردها گذاران تلاش‌هایی در راستای تبیین کاربری و شرایط در طی ۲۰ سال اخیر انجام داده‌اند، اما دارایی‌های سرمایه‌ای بخش عمومی در حوزه حسابداری مالی، همچنان موضوع بسیاری از چالش‌ها و مناظره‌های حل نشده است (کریستینز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۷۴۴).

در حالی که نوشتارهای تخصصی حسابداری بخش عمومی در سه دهه اخیر در رابطه با رفتار حسابداری با دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی شبه بازرگانی توافق داشته و با آنها به روشی مشابه با دارایی‌های سرمایه‌ای بخش عمومی برخورد کرده‌اند، اما ادبیات موجود نشان داده که در مورد رفتار حسابداری دارایی‌های سرمایه‌ای ویژه دولتی، نظیر دارایی‌های میراث ملی و دارایی‌های دفاعی، اتفاق نظر وجود ندارد (آئودا، ۲۰۱۶: ۳۰). در حقیقت، نحوه حسابداری دارایی‌های میراث ملی و دارایی‌های دفاعی تبدیل به موضوع بسیار چالش‌برانگیزی برای واحدهای بخش عمومی شده است که این نوع دارایی‌ها را نگهداری می‌کنند. اغلب مطالعات بر رفتار حسابداری انواع دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی نظیر دارایی‌های نظامی، دارایی‌هایی زیرساختی تمرکز نموده‌اند (برای مثال ماتز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸، رولز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲، بارتون، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، آئودا، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴)، برخی دیگر نظیر کریستینز، رومل، بارتون و ایورایرت<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) رویکردی جامع در رابطه با شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی اتخاذ نموده‌اند. با این حال، رویکردهای جامع معرفی شده مشکل شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی را از دیدگاه فعالان حرفه حل نکرده است و با معیارهای شناخت دارایی تعیین شده در استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، شماره ۱۶ و ۱۷، سازگار نیست (آئودا، ۲۰۱۶: ۲۵). علاوه بر این، تاثیر گزارش دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی بر حسب ارزش‌های اقتصادی آن‌ها در صورت‌های مالی، لحاظ نشده است. آئودا (۲۰۱۶) با دیدگاه ویژه‌ای، مبنای نظری چالش‌های مذکور را در مدل خود مورد توجه قرار داده است، اما علیرغم تلاش‌های انجام شده در طی سه دهه گذشته، همچنان پرسش‌ها و بحث‌های حل نشده‌ای در رابطه با حسابداری

---

1. Christiaens

2. Mautz

3. Rowles

4. Christiaens, Rommel, Barton & Everaert

دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی وجود دارد (اسماعیلی کیا، ۱۴۰۰: ۸۷). در واقع پیش‌بینی اندکی برای شناخت کلیه دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی (شامل زیرساخت‌ها و دارایی‌های میراث ملی و زمین زیر جاده) در ترازنامه وجود دارد و آنها فرض می‌کنند که این دارایی‌ها تفاوت چندانی با سایر دارایی‌ها ندارند (میکالف و پرایسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۱۰). در حالی که پذیرش حسابداری تعهدی در بخش عمومی، مستلزم شناسایی دارایی‌های سرمایه‌ای در ترازنامه است، نوشتارهای تخصصی حسابداری بخش عمومی راه‌حل عملی حسابداری برای شناسایی دارایی سرمایه‌ای دولت در ترازنامه ارائه نکرده- اند (آئودا، ۲۰۱۶: ۲۷). با توجه به این بحث‌ها و چالش اساسی موجود، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی از دیدگاه خبرگان است. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش بدین مضمون مطرح می‌گردد، مدل جامع عملی برای شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌های سرمایه‌ای به چه شکلی پیشنهاد و ارائه شود؟ پژوهش حاضر سعی دارد با نظرسنجی از خبرگان و بکارگیری روش دلفی با مبنا قرار دادن رویکرد حسابداری جامع عملی برای دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی آئودا (۲۰۱۶)، با پاسخ به سوال فوق ضمن پیشنهاد رویکردی جامع در این زمینه و گام موثری در جهت رفع شکاف تحقیقاتی مذکور برداشته و همچنین، بتواند رهنمود و راهنمای مناسبی برای استاندارد‌گذاران و افراد فعال در حرفه ارائه نماید.

### مبانی نظری و توسعه سوالات پژوهش

به‌طور کلی نیاز به پاسخگویی در فعالیت‌های بخش عمومی مورد توافق همگانی است، اما بحث‌های گسترده‌ای در رابطه با چگونگی رخدادهای آن وجود دارد (اسماعیلی کیا، ملانظری و مطاعی، ۱۳۹۴: ۲۲). بهبود سیستم اطلاعاتی دارایی‌های بخش عمومی، هسته بنیادی رویکرد مدیریت عمومی نوین است. نیاز به شناسایی دارایی‌های عمومی و استفاده بهینه از این دارایی‌ها در بسیاری از کشورها، هم در سطح مرکزی و هم در سطح محلی، عمدتاً ناشی از این ایده است که دولت و مردم باید تصویری کامل از دارایی‌های کشور داشته باشند و دولت، مسئول مدیریت منابع عمومی از طرف همه شهروندان خود است. بنابراین، برای تصمیم‌گیری منطقی و کسب اطمینان از کنترل بهتر بر

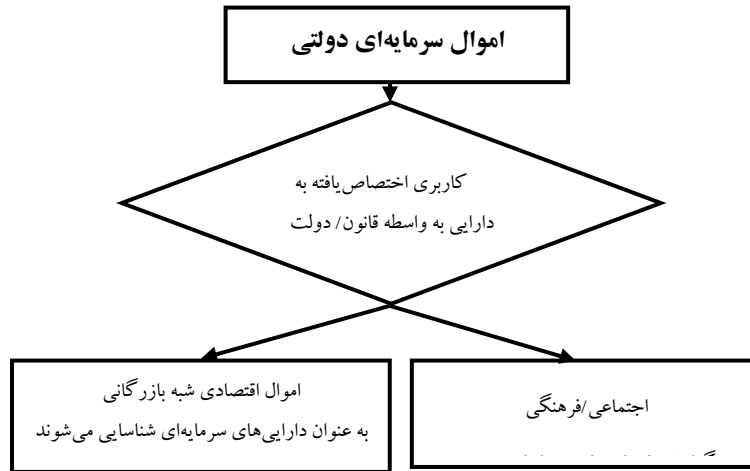
1. Micallef, and Peirson

فعالیت‌های بخش عمومی، پایگاه داده به‌روز از کلیه دارایی‌های عمومی مورد نیاز است. استدلال بر این است که دولت‌ها زمانی که خدمات عمومی ارائه می‌کنند، نه تنها از پول مالیات‌دهندگان استفاده می‌کنند، بلکه از دارایی‌های عمومی که دولت باید از طریق دارندگان دارایی‌های عمومی، یعنی شهروندان، برای حفظ ثروت ملی اداره کند، استفاده می‌کنند (گروبیسیک، نوسینویک و روج<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۳۳۲). درک اهمیت و ضرورت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای منجر به توجه بیشتر به این زمینه و انجام اقدامات لازم توسط دولت‌ها در این راستا است.

اولین پیش‌شرط برای بکارگیری دارایی‌های عمومی برای ایجاد درآمد عمومی، تعیین صریح و شفاف انواع دارایی‌هایی است که پرتفوی دارایی‌های عمومی را تشکیل می‌دهند (گروبیسیک و هم‌کاران، ۲۰۰۹: ۳۳۲). در بخش انتفاعی تردیدی در مورد گزارش زیرساخت‌ها، تجهیزات و ماشین‌آلات به‌عنوان دارایی سرمایه‌ای وجود ندارد. اگرچه از نظر شکل فیزیکی آنها با هم همگن نیستند، اما نتیجه تمام آنها یکی است و آن انتفاع مالی برای شرکت است. منافع اقتصادی یکی از دلایل اصلی برای سرمایه‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای توسط شرکت‌های بخش خصوصی است، اما دولت‌ها در بخش عمومی با قصد انتفاع مالی در دارایی‌های سرمایه‌ای (مانند جاده‌ها و تجهیزات پلیس) سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بلکه هدف آنها ارائه خدمات فردی و جمعی (حمل و نقل و امنیت) به جامعه است. بر این اساس، بیشتر اموال سرمایه‌ای مورد استفاده توسط دولت طبق تعاریف بازرگانی نمی‌تواند و نباید به‌عنوان دارایی شناسایی شود. برای فائق آمدن بر این محدودیت که در تعریف دارایی در استانداردهای بازرگانی مشاهده می‌شود، استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی به‌عنوان یک راهکار جایگزین به این تعریف، خدمات بالقوه را افزوده است. در هر حال، منافع اجتماعی بخشی از منافع دولت به‌عنوان واحد گزارشگر نمی‌باشد، بلکه به‌عنوان بخشی از منافع شهروندان است و امکانات و تسهیلات ارائه‌کننده منافع اجتماعی باید به‌عنوان بدهی به مبلغ هزینه‌های متحمل شده بابت تحصیل و نگهداری آنها شناسایی شوند.

با توجه به این مباحث، پژوهشگران استدلال نموده‌اند که شناخت اموال سرمایه‌ای نظیر دارایی‌ها در صورت‌های مالی صرفاً با ویژگی ظاهری و فیزیکی دارایی‌های مرتبط نیست، بلکه به کاربری

اختصاص یافته به دارایی‌ها به واسطه دولت یا قانونگذار ارتباط دارد. کاربری دارایی‌ها منعکس کننده هدف دولت از نگهداری آنها است (کریستینز و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۳۱) و بر این اساس و با رویکردی جامع، دو کاربری اقتصادی (شبه‌بازرگانی) و کاربری اجتماعی/ فرهنگی، را تعیین و بدین ترتیب تصویری جامع از دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی ارائه نموده‌اند.



نمودار ۱. شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای از دیدگاه کلی (کریستینز و همکاران، ۲۰۱۲)

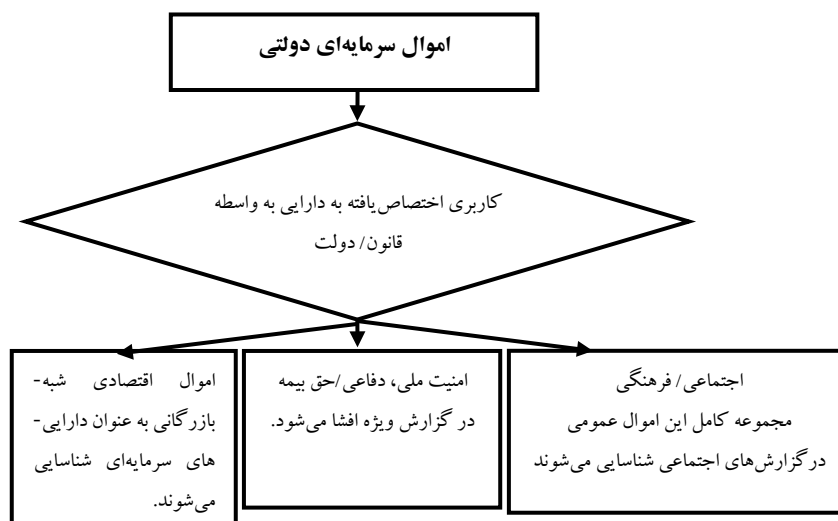
آنودا (۲۰۱۶: ۳۱) ضمن اعلام موافقت کلی با رویکرد جامع کریستینز و همکاران (۲۰۱۲) با توجه به کاربری داده شده به دارایی‌ها مبنی بر کاربری اقتصادی یا اجتماعی، آن را ناکامل دانسته و کاربری دارایی‌های نظامی/ دفاعی (نظیر اجزای سیستم‌های اسلحه‌ای و پشتیبانی نظامی و کشتی‌های نظامی که برای سیستم دفاعی نگهداری می‌شوند)، را مطرح نموده است. در این کاربری، در رابطه با دارایی‌های نظامی/دفاعی مشابه با هزینه‌های جاری رفتار می‌شود؛ بدان معنا که به دلایل امنیت ملی یا به این دلیل که در مقابل آنها خروجی وجود ندارد که بهای تمام شده این اقلام بتواند با آن تطابق یابد، در ترازنامه منعکس نمی‌شوند. در نتیجه رویکرد جامع کریستینز و همکاران (۲۰۱۲) می‌تواند برای شمول کاربری امنیت ملی/ نظامی به شرح نمودار ۲ تعدیل شود.

بکارگیری رویکرد جامع یا جامع تعدیل شده، مشکل را از دیدگاه فعالان حرفه حل نمی کند، زیرا که فعالان حرفه در می یابند که این دو رویکرد با معیارهای شناخت دارایی ها که در استانداردهای بین المللی بخش عمومی شماره ۱۶ و ۱۷ تعیین شده سازگار نیست. دارایی ها باید در صورت مالی شناسایی شوند، تنها زمانی که:

الف- جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه مرتبط با دارایی به درون واحد گزارشگر محتمل باشد.

ب- بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی واحد گزارشگر به طور قابل اتکا قابل اندازه گیری باشد.

مطابق با این معیارهای شناخت، دارایی های سرمایه ای باید زمانی که اطلاعات بهای تمام شده یا ارزش دارایی های سرمایه ای در دسترس باشد و منافع اقتصادی یا خدمات بالقوه وجود دارد، در ترازنامه شناسایی شود و زمانی که اطلاعات بهای تمام شده یا ارزش در دسترس وجود ندارد، نباید شناسایی شوند. بنابراین، سوال این است: اگر دارایی های سرمایه ای با توجه به کاربری اجتماعی / فرهنگی و از سویی دیگر، اطلاعات بهای تمام شده یا ارزش این دارایی ها در دسترس باشد، آیا این دارایی ها باید شناسایی شود؟ (آئودا، ۲۰۱۶: ۳۳).



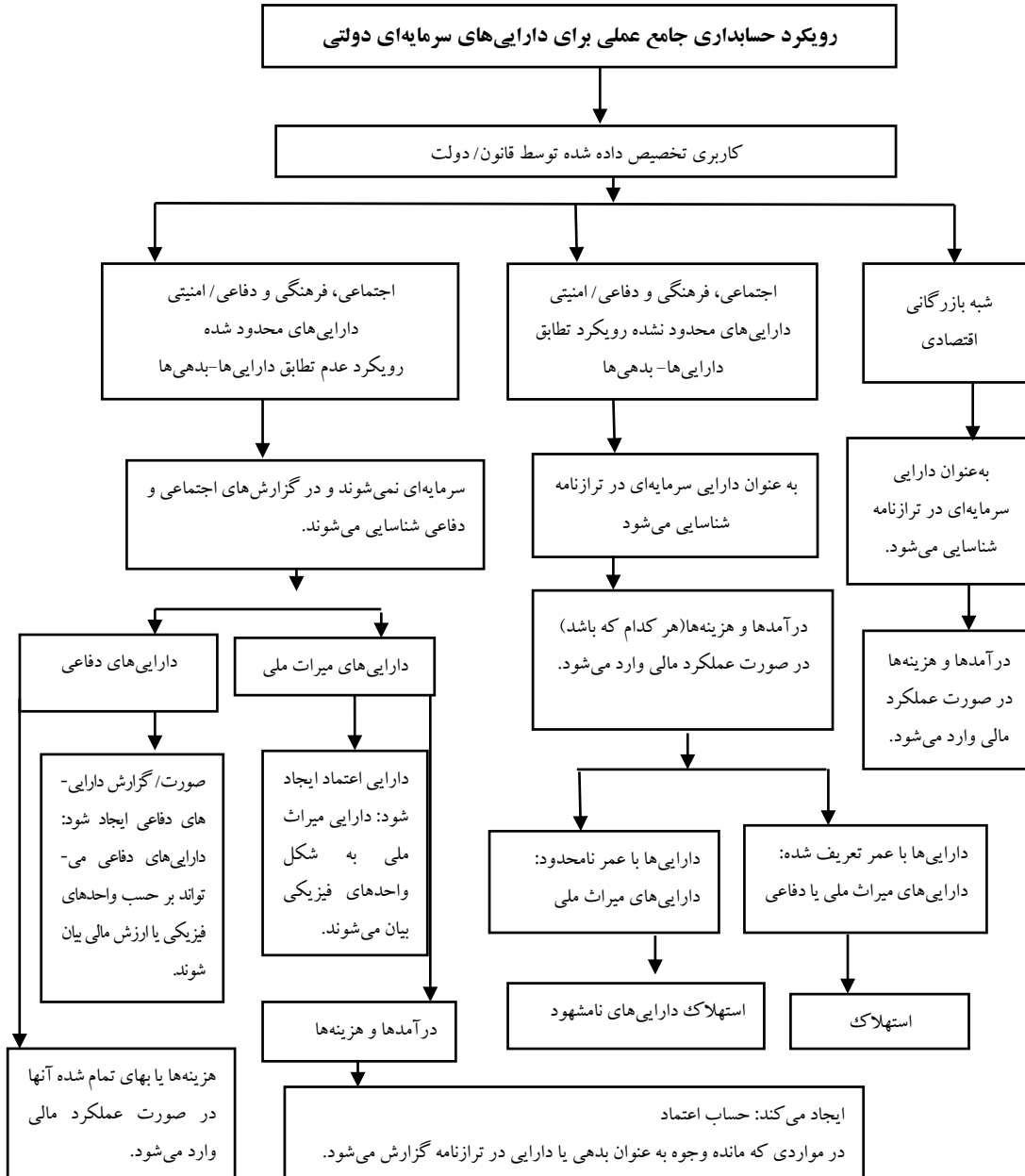
نمودار ۲. رویکرد جامع تعدیل شده: شناخت دارایی های سرمایه ای از دیدگاه کلی (آئودا، ۲۰۱۶)

آنودا (۲۰۱۶: ۳۳) برای پاسخ به این سوال دو دیدگاه را مطرح می‌نماید: در دیدگاه رویکرد جامع، زمانی که دارایی کاربری اجتماعی داشته باشد، نباید در ترازنامه منعکس شود، اما باید در گزارش های اجتماعی شناسایی شود. علاوه بر این، سوال دیگری نیز باقی می‌ماند، اگر دارایی‌های سرمایه‌ای (برای مثال دارایی‌های میراث ملی) کاربری اجتماعی / فرهنگی داشته باشد و اطلاعات بهای تمام‌شده یا ارزش آن‌ها در دسترس باشد و این دارایی‌ها در ترازنامه منعکس شود، آیا محتوی اطلاعاتی صورت‌های مالی گمراه‌کننده است؟ در حقیقت، اگر دارایی، کاربری اجتماعی / فرهنگی داشته باشد (نظیر دارایی‌های میراث ملی) و اطلاعات بهای تمام‌شده یا ارزش آن در دسترس باشد و محدودیت‌های فرهنگی / اجتماعی یا قانونی در رابطه با برکناری اینچنین دارایی‌ها وجود داشته باشد، سرمایه‌ای نمودن اینچنین دارایی‌هایی برای مدیریت و همچنین، برای بستن‌کاران گمراه‌کننده خواهد بود، زیرا به لحاظ قانونی برای آنان در دسترس نخواهد بود.

بنابراین، می‌توان بیان کرد که تفاوتی ندارد کاربری داده‌شده به دارایی سرمایه‌ای دولتی کدامیک است، در هر حال معیار اصلی شناخت دارایی‌ها این است که آیا دارایی‌ها در مقابل بدهی‌ها قابل تطابق هستند یا خیر. این اقدام می‌تواند منجر به ایجاد یک معیار شناخت نوین دیگر و رویکرد جدیدی شود که می‌توان آن را رویکرد حسابداری جامع عملی برای دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی نامید. ایجاد و توسعه رویکرد حسابداری جامع عملی، مستلزم اضافه نمودن دو معیار شناخت دیگر به دو معیار شناخت اصلی بیان شده توسط استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی، شماره ۱۶ و ۱۷، است. این دو معیار می‌تواند برای تصمیم‌گیری در رابطه با شناسایی یا عدم شناسایی دارایی مورد استفاده قرار گیرد، که به شرح زیر می‌باشند:

ج- هیچ محدودیت قانونی، فرهنگی / اجتماعی و امنیت ملی / نظامی برای برکناری دارایی وجود ندارد.

د- برای جلوگیری از گمراه‌کنندگی، دارایی‌های شناسایی شده باید در مقابل بدهی‌ها تطابق یابند.



نمودار ۳. رویکرد حسابداری جامع عملی برای دارایی‌های سرمایه‌ای آئودا (۲۰۱۶)



نتایج حاصل از این رویکرد به شرح زیر می‌باشد:

- هر دارایی سرمایه‌ای که حائز کاربری شبه بازرگانی اقتصادی باشد و منافع اقتصادی ایجاد نماید، باید در ترازنامه، سرمایه‌ای شود.

- هر دارایی که حائز کاربری اجتماعی/فرهنگی یا کاربری نظامی شود و منافع اجتماعی/فرهنگی یا منافع نظامی/امنیتی ایجاد نماید، دارایی‌های محدود نشده است و می‌تواند در برابر بدهی‌ها تطابق یابد و باید در ترازنامه سرمایه‌ای شود. بر این اساس، دارایی‌های میراث ملی که از نظر قانونی، فرهنگی و اجتماعی دارایی‌های غیرمحدود در نظر گرفته می‌شوند و اطلاعات بهای تمام‌شده یا ارزش آنها در دسترس باشد و می‌تواند در برابر بدهی‌ها تطابق یابد، باید در ترازنامه بر اساس ارزش فعلی سرمایه‌ای شود.

- اگر اطلاعات بهای تمام شده یا ارزش دارایی‌های میراث ملی و دارایی‌های نظامی در دسترس نباشد یا در دسترس است، اما این دارایی‌ها قابلیت واگذاری ندارند و نمی‌توانند در مقابل بدهی‌ها تطابق یابند، در این شرایط دارایی‌های مذکور سرمایه‌ای نمی‌شوند. نمودار ۳، شمایی کلی از رویکرد جامع عملی آئودا (۲۰۱۶) ارائه می‌کند.

با مرور نوشتارهای تخصصی فوق می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از رویکردهای ارائه شده برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی سعی داشته تا بهتر بتوانند رویکرد جامعی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های مذکور ارائه نمایند، اما از آنجایی که در نوشتارهای تخصصی دانشگاهی هیچگونه اجماعی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای مشاهده نمی‌شود، بنابراین اتخاذ رویکردی جامع و نظرسنجی از خبرگان جهت دستیابی به الگوی مناسب بسیار حائز اهمیت است. نتیجه آنکه پژوهش حاضر با الهام از نحوه شناخت و اندازه‌گیری مطرح شده فوق، به دنبال شناسایی رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی است. طبق بررسی‌های انجام شده، در ایران تاکنون هیچگونه پژوهش دانشگاهی در زمینه شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی انجام نشده است و از این رو، مطالعه حاضر نخستین پژوهش در این حوزه تلقی می‌شود.

دی‌ولف، کریستینز و آورسانو<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود ارزیابی نمودند که آیا مقاله مشورتی هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی در مورد دارایی‌های میراث ملی واقعا می‌تواند به بحث‌های آکادمیک در مورد نحوه گزارشگری دارایی‌های میراث ملی خاتمه دهد. در این پژوهش مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در موضع هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، نوشتارهای تخصصی پیشین دانشگاهی و پاسخ‌دهنده‌ها به مقاله مشورتی توسط نویسندگان بررسی شده است. هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی پیشنهاد نموده که دارایی‌های میراث ملی در صورت‌های مالی شناسایی و اندازه‌گیری شوند، در حالی که نوشتارهای تخصصی آکادمیک تا حد زیادی از گزارشگری با استفاده از یادداشت‌های توضیحی پشتیبانی کرده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که اکثریت پاسخ‌دهنده‌ها با هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی موافقت کردند، اما همان دشواری‌های بحث شده در نوشتارهای تخصصی آکادمیک را مطرح کردند. پاسخ‌دهندگان عمدتاً نهاد‌های بخش عمومی و انجمن‌های حرفه‌ای بودند که اکثراً از اروپا، اقیانوسیه و آفریقا بودند، اگرچه مقاله مشورتی سوالات درستی می‌پرسد، اما راهنمایی موردنیاز برای گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای را فراهم نمی‌کند، بنابراین نمی‌تواند به بحث‌های در جریان خاتمه دهد.

لومباردی، فدریکو، مارگاریت و سورنتینود<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) اگرچه به دلیل نگرانی از بدتر شدن زیرساخت‌های عمومی و در نتیجه تغییر جهت استفاده از حسابداری تعهدی در بخش دولتی توجه به دارایی‌های زیرساختی بخش عمومی افزایش یافته است، اما هنوز در نوشتارهای تخصصی دانشگاهی در مورد بهترین روش حسابداری دارایی‌های زیرساختی اجماع وجود ندارد. بنابراین، به دنبال درخواست هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی، نویسندگان برای تعریف وضعیت فعلی در تحقیقات دانشگاهی، نوشتارهای تخصصی بین‌المللی موجود را بررسی و رویکردهای کشورهای مختلف برای تعیین استاندارد در این زمینه را نیز بررسی و مقایسه کرده‌اند. در این پژوهش، هفت موضوع اصلی شناسایی شده توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی بخش عمومی بررسی شده است.

1. De Wolf, Christiaens , Aversano

2. Lombardi, Federico ,Margherita & Sorrentinod

دیپوره، هیورلی، سویتمن، فیینی، ترید، لونگو و مک کراکین<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی دو نوع از دارایی‌های بالقوه نامشهود بخش عمومی را بررسی کرده که باید مورد توجه هیئت‌های حسابداری بخش عمومی قرار گیرد. سرمایه‌گذاری‌های دولت در برنامه‌های سلامتی و اجتماعی می‌تواند دو نوع دارایی نامشهود بالقوه ایجاد کند. زیرساخت‌های نامشهود مورد استفاده برای ارائه برنامه سلامت یا اجتماعی و ارتقای سرمایه انسانی در خدمات دریافت‌شده توسط دریافت‌کنندگان خدمات برنامه ظهور پیدا می‌کند. به دلیل اینکه هیچکدام از این دارایی‌ها در حال حاضر در صورت‌های مالی پایان سال دولت یا گزارش‌های مالی با اهداف عمومی گسترده‌تر شناسایی نمی‌شوند، این گزارش‌ها ممکن است ظرفیت واقعی مالی و خدماتی دولت را کمتر از واقع نشان دهد. این پژوهش، چارچوب استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی را در تحلیل‌های خود بکار برده است: آیا سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه‌های سلامت و اجتماعی دارایی‌های نامشهود ایجاد می‌کند که حائز شرایط تعریف بر اساس استانداردهای بین‌المللی بخش عمومی است؟ آیا آنها دارایی‌های دولت هستند و آیا به منظور گزارشگری مالی قابل شناسایی هستند؟ یافته‌ها نشان داد که دارایی نامشهود زیرساختی که برای تسهیل ارائه برنامه‌های بهداشتی و درمانی ایجاد شده است، اغلب واجد شرایط شناسایی به‌عنوان یک دارایی برای دولت هستند؛ اگرچه احتمالاً گزارش دادن از طریق گزارش‌های مالی با اهداف عمومی یا سازوکارهای دیگر، مزایایی دارد.

آنودا (۲۰۱۶) با این بحث که گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای موضوعی چالش‌برانگیز است و اجتماعی در رابطه با اینکه کدام دارایی سرمایه‌ای باید در ترازنامه گزارش شود و کدام مستثنی شود، وجود ندارد، مقاله‌ای ارائه نموده است. او استدلال نموده که برخی مطالعات بر شناخت بعضی از دارایی‌های خاص نظیر دارایی‌های میراث ملی و دارایی‌های نظامی تمرکز کرده‌اند، برخی دیگر رویکرد جامعی در این رابطه اتخاذ کرده‌اند. رویکرد جامع مذکور مشکل را از منظر عملی حل نکرده است و با معیارهای شناخت تعیین شده در استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی شماره ۱۶ و ۱۷ هماهنگ نیست. بنابراین، این پژوهش از طریق اتخاذ رویکردی عملی، رویکرد جامع را گسترش داده تا مشکل شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را حل کند.

1. Deborah, Hurley, Sweetman, ; Feeny, Tarride, Longo & McCracken

آنودا (۲۰۱۴) در پژوهش دیگری، موضوع چالش برانگیز حسابداری دارایی‌های میراث ملی را مورد توجه قرار داده است. او با این استدلال که علیرغم وجود نوشتارهای تخصصی گسترده در رابطه با حسابداری دارایی‌های میراث ملی، موارد اندکی از آن‌ها به گزارشگری دارایی‌های میراث ملی از منظر جایگزین مالی و غیرمالی پرداخته است. بنابراین، او با اتخاذ رویکرد تحلیل نقادانه، آموزه‌ها و ایدئولوژی مدل مدیریت عمومی نوین را بررسی نموده است. رویکرد حسابداری عملی پیشنهادی برای دارایی‌های میراث ملی این پژوهش مبتنی بر دو رویکرد است: ۱) رویکرد تطابق دارایی‌ها با بدهی‌ها و ۲) رویکرد عدم تطابق دارایی‌ها و بدهی‌ها. در رویکرد اول اگر بهای تمام شده و ارزش دارایی‌های میراث ملی در دسترس باشد و بتوان این دارایی‌ها را واگذار کرد، این دارایی‌ها سرمایه‌ای می‌شوند (دارایی‌های میراث ملی محدود نشده) و در صورت‌های مالی منعکس می‌شوند. در رویکرد دوم، اگر بهای تمام شده و ارزش دارایی‌های میراث ملی در دسترس نباشند و امکان واگذاری آن وجود نداشته باشد، سرمایه‌ای نمی‌شوند و در صورت‌های مالی منعکس نمی‌شوند (دارایی‌های محدود شده).

کریستینز و هم‌کاران (۲۰۱۲) با این استدلال که حسابداری تعهدی طی سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای در دولت‌ها رواج یافته است، اما هنوز پرسش‌های زیادی از جمله سرمایه‌ای نمودن دارایی‌های خاص دولت که ماهیت بازرگانی ندارند پیرامون آن وجود دارد. علاوه بر آن، مطالعات انجام شده در این حوزه تنها بر برخی از دارایی‌های دولتی از جمله دارایی‌های زیربنایی، دارایی‌های نظامی یا میراث ملی تمرکز داشته و این رویه منجر به رویکردهای متفاوت و در نتیجه نبود اجماع شده است. در مقاله‌ای با توسعه رویکرد موجود، رویکردی جامع را اتخاذ کرده که تمام انواع اموال سرمایه‌ای مشهود دولت را در بر می‌گیرد. بنابراین، از طریق پالایش و تعمیم معیارهای قبلی با هدف استخراج معیاری جامع بوده و به دنبال نشان دادن آن است که کدام اموال سرمایه‌ای باید به‌عنوان دارایی سرمایه‌ای در دولت شناسایی شود. نتیجه این پژوهش آن است که نوع کاربری آن‌ها تنها معیاری است که مشخص می‌کند که آیا باید به‌عنوان دارایی شناسایی شوند یا خیر؟ بنابراین، مشکلات سرمایه‌ای نمودن اموال دولتی تنها مربوط به نوع دارایی فیزیکی نیست، بلکه به کاربری موردنظر دولت یا قانون نیز مرتبط است.

تقفی و قربان پور (۱۳۹۷) در پژوهش خود سیستم مدیریت اموال و دارایی‌های دولتی کشورهای منتخب و پیشگام را بررسی نموده‌اند. بررسی‌ها و نتایج این پژوهش نشان داد که اکثر کشورهای منتخب که در زمینه مدیریت اموال و دارایی‌های دولتی تجارب موفقیت دارند، سیستم حسابداری تعهدی را اجرا کرده‌اند. همچنین، از یک پایگاه داده‌ای متمرکز جهت تمرکز و یکپارچگی داده‌ها و بروزرسانی آن استفاده نمودند. اجرای حسابداری تعهدی و پایگاه داده‌ای متمرکز و یکپارچه، کیفیت مدیریت اموال و دارایی‌های دولت را به نحو چشمگیری افزایش داده است.

حجازی، حاجی محمدی و دهقانی‌زاده بغدادآباد (۱۳۹۷) با توجه به ابلاغ "شیوه‌نامه نحوه و زمان شناسایی اولیه، برکناری و واگذاری دارایی‌های دولت" در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر شناسایی صحیح اموال دولت در دستگاه‌های اجرایی پرداخته‌اند. با بررسی ادبیات پژوهش، قوانین مربوط و مصاحبه با خبرگان امر، تعداد ۱۳ مانع شناسایی و این موانع را در سه گروه موانع انسانی، سازمانی و قانونی طبقه‌بندی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که دو مانع قانونی "موانع ثبت قانونی اموال (نظیر تصرفی، واگذاری، بدون سند مالکیت، بدون مستندات قانونی و...)" و "ضعف قوانین و آیین‌نامه‌ها در ارزش‌گذاری دارایی‌ها"، به‌عنوان مهمترین موانع شناسایی می‌شوند.

غبدیان، دهنوی و قوام‌سعیدی (۱۳۹۶) به بررسی موانع و مشکلات بکارگیری سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی در تصمیمات مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولتی پرداختند و برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه سونیا و همکاران (۲۰۱۶) را بومی‌سازی و بسط و توسعه دادند. نتایج نشان داد که موانع و مشکلات کارکنان، مدیران و سایر فشارهای محیطی، تاثیر معناداری بر مولدسازی و مدیریت دارایی‌های سازمان‌های دولتی دارند.

رستمی و بیگ‌زاده عباسی (۱۳۹۴) به بررسی و اولویت‌بندی مشکلات سیستم حسابداری دولتی در ثبت اموال پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن بود که در اولویت‌بندی مشکلات سیستم حسابداری دولتی در ثبت اموال عوامل ساختاری (عدم محاسبه استهلاک دارایی‌ها، عدم محاسبه بهای تمام شده فعالیت‌ها، عدم ثبت دقیق سرفصل‌های اموال) و عوامل محیطی (قانون محاسبات عمومی، قانون برنامه و بودجه، دستورالعمل‌های حسابداری)، جزء مشکلات سیستم حسابداری دولتی در ثبت اموال به حساب می‌آید.

زارعی و معرفتی (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی نوشتارهای تخصصی موجود نشان می‌دهند که تحقیقات علمی زیادی مشکلات شناخت، اندازه‌گیری و افشاء دارایی‌های زیربنایی، هنری و میراث ملی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما هنوز هم پرسش‌های زیادی در رابطه با سرمایه‌ای نمودن دارایی‌های خاص دولت که ماهیت بازرگانی ندارد، وجود دارد؛ علیرغم اینکه مطالعات زیادی در این رابطه انجام شده است، اما این مطالعات تنها بر برخی از دارایی‌های دولتی از جمله دارایی‌های زیربنایی، دارایی‌های نظامی یا میراث ملی تمرکز کرده‌اند و این رویه، منجر به رویکردهای متفاوت و در نتیجه عدم اجماع در این زمینه شده است. بنابراین، این پژوهش به معرفی رویکرد کریستینز و هم‌کاران (۲۰۱۲) که به دنبال استخراج معیاری کلی برای شناسایی انواع اموال سرمایه‌ای که به‌عنوان دارایی سرمایه‌ای در دولت بوده است، پرداخته است.

بر اساس مباحث بیان شده و رویکردهای ارائه شده در رابطه با حسابداری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی، سوالات اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می‌گردد:

۱. مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت چه ضرورت و اهمیتی دارد؟
۲. نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت چگونه باشد؟
۳. معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت کدامند؟
۴. نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت چگونه باشد؟

### روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی با استفاده از روش دلفی و نظرخواهی از خبرگان کشور در این حوزه است. پژوهش از نظر روش استنتاجی، توصیفی-پیمایشی و از لحاظ نوع پژوهش، همبستگی و از جهت هدف، کاربردی و توصیفی است. با توجه به نوع پژوهش تعریف قلمرو زمانی مورد نیاز نخواهد بود. تنها به ذکر این موضوع بسنده می‌شود که این پژوهش در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. فن دلفی یک رویکرد پژوهشی برای بدست آوردن اجماع با استفاده از پرسشنامه و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگانی است که در زمینه مورد بررسی متخصص هستند (اسماعیلی کیا وهمکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). در مرحله اول پژوهش، با بررسی نوشتارهای تخصصی اهمیت و ضرورت بررسی موضوع

استخراج و سپس با الگو قرار دادن رویکردهای موجود حسابداری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی، نحوه شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای استخراج گردید. سپس، در مرحله بعد، ابزار گردآوری اطلاعات جهت پاسخگویی به سوالات اصلی پژوهش که پرسشنامه‌ای متشکل از ۳۱ سوال بود، طراحی گردید. در طراحی پرسشنامه سعی بر آن بوده که سبک و شیوه آن به روش استاندارد نزدیک باشد.

به منظور حصول اطمینان از روایی یا اعتبار پرسشنامه محقق ساخته از نظر متخصصان استفاده شد. برای دستیابی به این هدف، علاوه بر استفاده از نظر محققین از دو معیار نسبت روایی محتوایی<sup>۱</sup> و شاخص روایی محتوایی<sup>۲</sup> استفاده شد. برای این منظور به ده نفر از متخصصین پرسشنامه‌ای در مورد میزان روایی هر سوال داده شد و بر اساس نظر آن‌ها، زوایی محتوایی و شاخص روایی محتوایی به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۸۶ به دست آمد. بنابراین، نتیجه‌گیری شد که پرسشنامه از روایی برخوردار است. برای بررسی پایایی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۶ محاسبه شد که بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. سرانجام، پرسشنامه مذکور برای نظرخواهی در اختیار خبرگان قرار گرفت. در ابتدا نظر موافق یا مخالف خبرگان (بلی یا خیر) راجع به هر یک از عوامل، مورد پرسش قرار گرفته و سپس، در صورت وجود نظر موافق، شدت موافقت نیز در دامنه ۱ تا ۹ مورد ارزیابی قرار گرفت. نهایتاً، با استفاده از پرسشنامه مذکور و با بکارگیری روش دلفی از خبرگان مربوطه، نظرخواهی شد. روش دلفی دارای فرآیندی سیستماتیک برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری از طریق راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت اجماع گروهی است (احمدی، نصیریانی و ابادری، ۱۳۸۷). این روش زمانی به کار می‌رود که برای رسیدن به یک نتیجه کلی در مورد یک موضوع خاص، نیازمند به جمع‌آوری و ترکیب نظرات متخصصین باشد، مخصوصاً زمانی که متخصصین از نظر جغرافیایی از هم فاصله داشته باشند، اسامی متخصصین اعضای هیات یا پنل<sup>۳</sup> ناشناخته باشد، اما مجموع نظرات آنها در مورد موضوع مورد بررسی پس از رسیدن به اجماع یا توافق نظر منتشر گردد. اجزای اصلی دلفی شامل: تکرار یا بازگویی پرسشنامه، متخصصین، بازخورد

1. Content validity ratio(CVR)

2. Content validity index(CVI)

3. Panel

کنترل شده، گمنامی، آنالیز، نتایج، اجماع، زمان و تیم هماهنگ کننده است (رحمانی، وزیري نژاد، احمدی نیا و رضایان (۱۳۹۹).

### جامعه و روش نمونه گیری

یکی از مهمترین مراحل روش دلفی انتخاب اعضای واجد شرایط برای گروه دلفی است؛ به این دلیل که اعتبار نتایج به شایستگی و دانش اعضای گروه بستگی دارد (پاول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۳۷۸). هس و سانفورد<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) ادعا کردند که گروه دلفی باید در زمینه‌های تخصصی دانش مربوط به موضوع مورد نظر متخصص باشند و وسعت نظر داشته باشند (هس و سانفورد، ۲۰۰۷: ۳). از نظر ترسین و ریگز (۱۹۷۶) و بریدی (۲۰۰۲)، در صورت همگن بودن گروه مشارکت کنندگان، برای ایجاد نتایج اثربخش، حجم نمونه‌ای متشکل از ۱۰ الی ۱۵ نفر کفایت می‌کند. در برخی منابع نیز تعداد مطلوب خبرگان، ۱۰ الی ۲۰ نفر توصیه شده است (ضیایی، محمودزاده و شاهی، ۱۳۹۶: ۲۶). هوگارت (۱۹۷۸) استدلال کرد که تعداد اعضای ایده‌آل برای روش دلفی بین ۶ تا ۱۲ نفر است و با توجه به دیدگاه کلایتون (۱۹۹۷)، اگر ترکیبی از خبرگان با تخصص‌های مختلف به کار رود بین ۵ تا ۱۰ نفر کافی است (سومرویل و جری، ۲۰۰۸: ۳).

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه افراد خبره در حوزه حسابداری بخش عمومی با تمرکز بر حسابداری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی است. با توجه به محدود بودن خبرگان در این حوزه، برای شناسایی آنان از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. این روش زمانی مناسب است که اعضا گروه به راحتی شناسایی نشوند. ابتدا ۱۵ تن از افرادی که در خصوص حسابداری بخش عمومی از نظر محققین خبره بودند، شناسایی شدند. پس از شناسایی خبرگان و تکمیل پرسشنامه توسط ۱۲ تن (سه نفر به دلیل عدم پاسخگویی حاضر به مشارکت در پژوهش نشدند)، ۷ نفر دیگر به عنوان خبره توسط خبرگان مذکور به محققین معرفی شدند. در مرحله بعد پس از مراجعه به ۷ نفر بعدی، ۴ نفر دیگر نیز معرفی شدند که از این میان ۲ نفر در مراحل قبل جزو خبرگان بودند. افراد معرفی شده توسط خبرگان اخیر، همگی قبلاً در گروه دلفی شناسایی شده بودند، بنابراین جمع اعضای دلفی به ۲۱ نفر رسید که

1. Powell

2. Hsu & Sandford



در پنج گروه به شرح جدول ۱ طبقه‌بندی شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی خبرگان در جدول ۲ ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، ۷۱ درصد خبرگان مرد بوده‌اند. رشته تحصیلی تمام خبرگان، حسابداری بوده و تمامی آنان دارای تحصیلات دکترا بوده‌اند. در رابطه با سابقه امور اجرایی نیز درصدهای بالایی از خبرگان (۶۷٪) بین ده تا بیست سال سابقه اجرایی داشته‌اند.

جدول ۱. گروه‌های خبرگان و متخصصین منتخب

گروه	شرح گروه	تعداد(نفر)
اول	ذی‌حسابان خبره در حوزه نظام پاسخگویی دانشگاه‌ها	۲
دوم	کارشناسان عالی وزارت اقتصاد و دارایی	۴
سوم	اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها خبره در حوزه نظام پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی	۱۰
چهارم	کارشناسان عالی دست‌اندرکار در حوزه پیاده‌سازی تحولات در نظام مالی دانشگاه‌های علوم پزشکی	۲
پنجم	کارشناسان عالی هیات تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی	۳
	جمع	۲۱

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی خبرگان

جنسیت	تعداد	درصد	رشته تحصیلی	تعداد	درصد	مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	سابقه در امور اجرایی	تعداد	درصد
زن	۶	۲۴٪	حسابداری	۲۱	۱۰۰٪	کارشناسی	۰	۰٪	کمتر از ۱۰ سال	۴	۱۹٪
مرد	۱۵	۷۱٪	اقتصاد	۰	۰٪	کارشناسی ارشد	۲	۱۰٪	از ۱۰ تا ۲۰ سال	۱۴	۶۷٪
جمع	۲۱	۱۰۰٪	مدیریت مالی	۰	۰٪	دکترا	۱۹	۹۰٪	بیشتر از ۲۰ سال	۳	۱۴٪
			سایر	۰	۰٪	جمع	۲۱	۱۰۰٪	جمع	۲۱	۱۰۰٪
			جمع	۲۱	۱۰۰٪						

### آزمون‌های آماری مورد استفاده

در پژوهش حاضر برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال<sup>۱</sup> استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیئی یا فرد، است. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه‌ای را یافت. چنین مقیاسی به ویژه در مطالعات مربوط به روایی میان داوران<sup>۲</sup> مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها بکار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند یا خیر. ضریب توافق کندال در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده درجه اجماعی است که از طریق گروه بدست آمده است (اجماع قوی برای  $w > 0.7$ ، اجماع متوسط برای  $w = 0.5$  و اجماع ضعیف در  $w = 0.3$ ) (اسمیت، لیتنن، کیل و سولی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱: ۱۳). شایان ذکر است که معناداری آماری ضریب w برای توقف فرآیند دلفی کافی نیست. برای گروه‌های کمتر از ۱۰ نفر مقدار بسیار کوچک w هم عمده و معنادار است.

در حالتی که سؤالات بر اساس دو حالت بلی و خیر تدوین شوند، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های ناپارامتری استفاده می‌شود. بنابراین، برای تک‌تک سؤالات، آزمون دو جمله‌ای انجام می‌شود. برای ارزیابی شدت موافقت پاسخ‌دهندگان از آزمون تی استفاده شد. با توجه به امتیازهای در نظر گرفته شده برای سنجش میزان موافقت که در طیف ۱ تا ۹ قرار دارد، برای کسب اطمینان از شدت موافقت، امتیاز ۴/۵ به بالا (میانگین طیف) به عنوان معیار ارزیابی انتخاب شد و برای بررسی امتیازهای اختصاص داده شده آزمون تی استفاده گردید. در این آزمون، در سطح خطای ۵ درصد اگر مقداری محاسبه شده، بیشتر از مقدار تی جدول (۱/۶۴) باشد، میزان موافقت شدید بوده و با امتیاز ۴/۵، به عنوان نقطه بی تفاوتی، تفاوت معناداری دارد. چنانچه تی محاسبه شده از عدد مذکور کوچکتر باشد، میزان موافقت شدید نبوده و با امتیاز ۴/۵ تفاوت معناداری نداشته است.

1. Kendall's Coefficient of Concordance (W)

2. Interjudge reliability

3. Schmidt, Lyytinen, MKeil & Cule

بررسی وجود یا عدم وجود اجماع نظر بین خبرگان در رابطه با هر یک از سوالات، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای انجام شد. این آزمون، آزمونی از نوع نیکویی برآزش است و روش ناپارامتری ساده‌ای برای تعیین همگونی اطلاعات تجربی با توزیع‌های آماری منتخب است. هدف از انجام این آزمون، کسب اطمینان از یکسان بودن نظر خبرگان در درون گروه مربوطه است. به عبارتی دیگر، اگر اختلاف معناداری بین نظر خبرگان هر گروه وجود نداشته باشد، آن گروه در مورد سوال مورد پرسش هم نظر هستند و در موضوع مورد سوال مربوط، اجماع نظر موافق یا مخالف دارند. برای تشخیص همسانی یا عدم همسانی پاسخ‌های گروه‌های مختلف خبرگان، آزمون کروسکال والیس انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

در بخش پیش اشاره شد که ضریب هماهنگی کندال (W کندال) معیاری از اجماع است که سطح اجماع بین اعضای دلفی را نشان می‌دهد. جدول ۳ نتایج میزان اجماع حاصل از اجرای دور اول دلفی را مستند می‌نماید. نتایج حاکی از آن است که مقدار ضریب کندال برای همه عوامل مدنظر بیشتر از ۰/۷ یا نزدیک به آن است که دلالت بر اجماع قوی خبرگان دارد. سطح معناداری برای ضریب هماهنگی کندال در همه عوامل نیز بیش از پنج درصد است که به معنای وجود توافق معنادار بین خبرگان است. بنابراین، می‌توان گفت که در همین مرحله بین خبرگان اجماع کلی برقرار شده است.

جدول ۳. میزان اجماع نظر خبرگان با استفاده از ضریب هماهنگی کندال

نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت	معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت	نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه- ای دولت	ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت	تعداد عامل‌ها
۹	۶	۱۱	۵	ضریب کندال (W)
۰/۶۹۵	۰/۶۷۸	۰/۷۰۳	۰/۸۷۵	آماره کای دو
۶۵/۵۳۳	۷۶/۵۲۶	۱۳۰/۶۶۴	۵۳/۶۴۳	درجه آزادی
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	سطح معناداری
۰/۰۷۹	۰/۰۸۶	۰/۰۵۷	۰/۰۶۷	

### ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

در سوال نخست، سوالی بدین مضمون "مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت چه ضرورت و اهمیتی دارد؟" مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی نوشتارهای تخصصی، پنج عامل به‌عنوان اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای شناسایی و در اختیار خبرگان قرار داده شد. یافته‌ها در جدول ۴ بیانگر آن است که همه خبرگان تمام پنج عامل مطرح شده را به‌عنوان موارد ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، دانسته‌اند. همچنین، نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای در رابطه با پنج عامل مذکور حاکی از معناداری آزمون و در واقع عدم برابری نسبت موافقان و مخالفان در رابطه با عوامل مذکور است.

جدول ۴. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد عامل
۱	مدیریت بهتر دارایی‌های سرمایه‌ای دولت می‌تواند مشکل بدهی‌های دولت‌ها را حل کند.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۲	مدیریت بهتر دارایی‌های عمومی می‌تواند منابعی را برای تحریک اقتصاد و افزایش بازده دارایی‌ها فراهم کند.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۳	مدیریت بهتر دارایی‌های سرمایه‌ای دولت می‌تواند به دولت-ها در ارتقای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی کمک کند.	بلی	۲۱	۰/۸۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۱۲				
۴	مدیریت بهتر دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در گرو وجود یک سیستم حسابداری و گزارشگری است که اطلاعات مربوطی برای اهداف مباشرت و پاسخگویی تهیه کند.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۵	یکی از ضرورت‌های پذیرش و بکارگیری کامل سیستم حسابداری تعهدی در بخش عمومی، شناسایی و ارزش-گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت است.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				

آزمون تی، برای ارزیابی میزان موافقت خبرگان در رابطه با هر کدام از عوامل، ارزیابی اجماع یا عدم اجماع در رابطه با هر یک از سوالات و با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و کروسکال والیس برای مقایسه همسانی یا عدم همسانی پاسخ‌های گروه‌های مختلف خبرگان استفاده شده است (مشابه با باباجانی، آذر و معیری (۱۳۹۲)، اسماعیلی کیا و ملاتظری (۱۳۹۵)، اسماعیلی کیا و ملاتظری (۱۳۹۴) و باباجانی و فروغی (۱۳۸۲). نتایج حاصل از هر

یک از سه آزمون مذکور در جدول ۶ ارائه شده است. همانگونه که نتایج آزمون تی نشان می‌دهد، مقدار آماره در کلیه موارد بیشتر از  $1/64$  و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است که حکایت از موافقت شدید خبرگان در رابطه با عوامل مذکور دارد. یافته‌های حاصل از آزمون کلموگروف اسمیرنوف نیز در جدول ۶ نشان داده شده است. روش ارزیابی این آزمون به این صورت است که در سطح خطای ۵ درصد، چنانچه Z بدست آمده بیشتر از  $1/96$  باشد، پراکندگی و یکنواختی توزیع وجود نداشته است. اگر مقدار Z بین  $1/96$  و  $-1/96$  باشد، توزیع تاحدی دارای عدم یکنواختی است و چنانچه که مقدار Z از  $-1/96$  کمتر باشد، شدت موافقت‌ها دارای توزیع یکنواخت بوده است و هیچگونه اجماعی وجود ندارد. اجماع خبرگان در رابطه با کلیه سوالات در جدول ۵ قابل مشاهده است. نتایج آزمون کروسکال والیس نیز بر همسانی پاسخ‌های خبرگان در کلیه سوالات دلالت دارد.

**جدول ۵. نتایج آزمون‌های t، آزمون کلموگروف اسمیرنوف و آزمون کروسکال والیس برای شناسایی**

**ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت**

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	آزمون تی			آزمون کلموگروف-اسمیرنوف			آزمون کروسکال والیس				
		میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معناداری	شدت	مقدار Z کلموگروف اسمیرنوف	مقدار احتمال	اجماع یا عدم اجماع	کای دو	سطح معناداری	همسانی پاسخ‌ها
۱	۲۱	۶/۸۵۷	۲/۱۹۷	۱۴/۳۰۰	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۹۳	۰/۰۴۱	اجماع	۳/۵۷۷	۰/۴۶۶	بلی
۲	۲۱	۶/۹۵۲	۲/۰۶۱	۱۵/۴۵۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۷۱	۰/۱۱۳	اجماع	۴/۷۵۶	۰/۳۱۳	بلی
۳	۲۱	۷/۳۸۱	۲/۰۱۱	۱۶/۸۱۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۱۰	۰/۰۱۶	اجماع	۲/۹۷۸	۰/۵۶۱	بلی
۴	۲۱	۸/۰۹۵	۱/۴۱۱	۲۶/۲۹۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۳۵۸	۰/۰۰۰	اجماع	۵/۱۲۷	۰/۲۷۴	بلی
۵	۲۱	۸/۱۹۱	۱/۱۲۳	۳۳/۴۱۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۳۸۳	۰/۰۰۰	اجماع	۸/۸۵۲	۰/۰۶۵	بلی

### نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

بعد از بررسی ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای، نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در سوال دوم اصلی پژوهش مطرح شد. بررسی‌های انجام شده نشان داد که طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با انواع دارایی‌های سرمایه‌ای دولت وجود دارد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن طبقات مذکور و

از طریق ارائه ۱۱ سوال، نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را مورد توجه قرار داده است. نتایج مربوط به آزمون دوجمله‌ای در جدول ۶ حاکی از معناداری همه عوامل مدنظر بوده است. به عبارت دیگر، خبرگان موافق نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، بر اساس موارد مطرح شده در نوشتارهای تخصصی هستند.

جدول ۶. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یار د عامل
۶	در حال حاضر رویکرد جامع و مورداجتماعی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت وجود ندارد.	بله	۱۷	۰/۸۱	۰/۸۰۶	۰/۴۰۲	۰/۰۰۷	موافقت
		خیر	۴	۰/۱۹				
۷	استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران، شناسایی تمام دارایی‌های سرمایه‌ای را مورد توجه قرار نداده است.	بله	۱۶	۰/۷۶	۰/۷۶۲	۰/۴۳۶	۰/۰۲۷	موافقت
		خیر	۵	۰/۲۴				
۸	شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در صورت‌های مالی صرفاً بر اساس ویژگی ظاهری و فیزیکی آنها امکان‌پذیر نیست.	بله	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۹	دارایی‌های سرمایه‌ای دولت غالباً به دلایل دیگری غیر از حداکثرسازی مقاصد اقتصادی نگهداری می‌شوند.	بله	۲۰	۰/۹۵	۰/۹۵۲	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۱	۰/۰۵				
۱۰	تعیین نوع کاربری اختصاص یافته به دارایی‌های سرمایه‌ای دولت که منعکس کننده هدف دولت از نگهداری آنهاست، می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای شناخت دارایی‌ها باشد.	بله	۱۸	۰/۸۶	۰/۸۵۷	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱	موافقت
		خیر	۳	۰/۱۴				
۱۱	اهداف دولت‌ها از نگهداری دارایی‌ها را می‌توان در قالب سه هدف اقتصادی، فرهنگی/اجتماعی و دفاعی تقسیم‌بندی نمود.	بله	۱۹	۰/۹۰	۰/۹۰۵	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۲	۰/۱۰				
۱۲	بر اساس کاربری اقتصادی، کاربری فرهنگی/اجتماعی و کاربری نظامی یا دفاعی می‌توان دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را طبقه‌بندی نمود.	بله	۱۹	۰/۹۰	۰/۹۰۵	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۲	۰/۱۰				
۱۳	کاربری اقتصادی منجر به تعیین دارایی‌های شبه‌بازرگانی یا اقتصادی دولت می‌شود.	بله	۱۹	۰/۹۰	۰/۹۰۵	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۲	۰/۱۰				
۱۴	کاربری فرهنگی/اجتماعی و کاربری دفاعی منجر به شناسایی دارایی‌های ویژه (خاص) دولت می‌شود.	بله	۱۹	۰/۹۰	۰/۹۰۵	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۲	۰/۱۰				

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد عامل
۱۵	دارایی‌های نظامی و دفاعی بر اساس کاربری نظامی تعریف می‌شود.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۱۶	دارایی‌های میراث ملی بر اساس کاربری فرهنگی/اجتماعی تعریف می‌شوند.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				

بر اساس نتایج مستند شده در جدول ۷ مقادیر آماره تی برای همه عوامل بیشتر از  $1/64$  و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است که بر موافقت شدید خبرگان با موارد مطرح شده دلالت دارد. مقادیر Z کلموگروف اسمیرنوف گزارش شده در جدول ۷ تا حدی دارای عدم یکنواختی است و همگی بر اجماع خبره‌ها در رابطه با نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دلالت دارد. در سطح معناداری پنج درصد، نتایج آزمون کروسکال والیس نشان‌دهنده همسانی پاسخ‌های خبرگان به استثنای سوال ۱۳ است.

جدول ۷. نتایج آزمون‌های t، آزمون کلموگروف اسمیرنوف و آزمون کروسکال والیس برای شناسایی نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معناداری	شدت موافقت	آزمون کلموگروف-اسمیرنوف		آزمون کروسکال والیس			
							مقدار Z کلموگروف اسمیرنوف	مقدار احتمال	اجماع یا عدم اجماع	کای دو	سطح معناداری	همسانی پاسخ‌ها
۶	۲۱	۶/۳۳۳	۲/۳۷۳	۱۲/۲۲۸	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۵۵	۰/۲	اجماع	۲/۶۷۵	۰/۶۴۹	بلی
۷	۲۱	۵/۶۶۷	۳/۳۳۰	۸/۰۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۸۴	۰/۰۶۲	اجماع	۴/۰۵۴	۰/۳۹۹	بلی
۸	۲۱	۷/۲۳۸	۱/۶۷۰	۱۹/۸۵۶	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۸۸	۰/۰۵۲	اجماع	۵/۵۸۰	۰/۲۳۳	بلی
۹	۲۱	۶/۵۷۱	۲/۲۹۳	۱۳/۱۳۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۶۲	۰/۱۵۶	اجماع	۱/۷۵۹	۰/۸۸۰	بلی
۱۰	۲۱	۶/۴۲۹	۲/۵۶۱	۱۱/۵۰۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۴۳	۰/۰۰۲	اجماع	۵/۱۵۲	۰/۳۷۲	بلی
۱۱	۲۱	۶/۰۹۵	۲/۵۴۸	۱۰/۹۶۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۱۰	۰/۰۱۶	اجماع	۷/۴۴۸	۰/۱۱۴	بلی
۱۲	۲۱	۶/۵۷۱	۲/۱۵۸	۱۳/۹۵۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۵۰	۰/۲	اجماع	۳/۱۰۱	۰/۵۴۱	بلی
۱۳	۲۱	۶/۷۱۴	۲/۰۵۳	۱۴/۹۸۸	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۰۱	۰/۰۲۷	اجماع	۹/۹۲۵	۰/۰۴۲	خیر
۱۴	۲۱	۶/۵۲۴	۲/۵۲۲	۱۱/۸۵۳	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۴۲	۰/۰۰۲	اجماع	۸/۴۷۱	۰/۰۷۶	بلی
۱۵	۲۱	۷/۷۱۴	۱/۴۵۴	۲۴/۳۱۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۴۰	۰/۰۰۳	اجماع	۶/۷۱۱	۰/۱۵۲	بلی
۱۶	۲۱	۷/۳۳۳	۲/۰۳۳	۱۶/۵۳۰	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۴۸	۰/۰۰۲	اجماع	۷/۲۷۹	۰/۱۲۲	بلی

### معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

بعد از تعیین نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت مطرح شده و در ۶ سوال معیارهای مذکور در معرض نظرسنجی خبرگان قرار گرفت. به استثنای سوال ۲۱، تقریباً کل خبرگان با معیارهای مذکور موافق بوده‌اند. نتایج مستند شده حاصل از آزمون دوجمله‌ای در جدول ۱۸ ارائه شده است. یافته‌های حاصل از ارزیابی شدت موافقت خبرگان در مورد معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت با استفاده از آزمون تی در جدول ۱۹ ارائه شده است با توجه به مقدار آماره تی (بیشتر از ۱/۶۴) و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، موافقت شدید خبرگان با کلیه معیارهای مذکور تایید می‌شود. اجماع خبرگان در رابطه با معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت مطرح شده در این پژوهش با استفاده از نتایج حاصل از اجرای آزمون کلموگروف اسمیرنوف مستند شده است. در سطح خطای ۵ درصد نتایج آزمون کروسکال والیس نیز نشان‌دهنده آن است که پاسخ‌های خبرگان راجع به کلیه معیارها به غیر از سوال ۱۷، از همسانی برخوردار بوده‌اند.

#### جدول ۸. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی معیارهای شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد
۱۷	شناخت دارایی‌های شبه‌بازرگانی می‌تواند بر اساس معیارهای شناخت استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۵ که مشابه با معیارهای مورد استفاده در شناخت دارایی‌های بخش خصوصی انجام پذیرد.	بلی	۲۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۰	۰/۰۰۰				
۱۸	با معیارهای شناخت مندرج در استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۵ (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) که شباهت زیادی به معیارهای شناخت بخش خصوصی دارد، نمی‌توان شناخت تمام دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را انجام داد.	بلی	۱۶	۰/۷۶	۰/۷۶۲	۰/۴۳۶	۰/۰۲۷	موافقت
		خیر	۵	۰/۲۴				
۱۹	با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص برخی دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و عدم کفایت معیارهای شناخت موجود در استانداردهای بخش عمومی، نیاز به معیارهای شناخت مکمل و مرتبط وجود دارد.	بلی	۱۸	۰/۸۶	۰/۸۵۷	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱	موافقت
		خیر	۳	۰/۱۴				



شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد
۲۰	یک معیار شناخت در مورد دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، باید عدم وجود محدودیت قانونی، فرهنگی/اجتماعی و امنیت ملی/نظامی برای واگذاری و پرکاری دارایی باشد.	بلی	۱۷	۰/۸۱	۰/۸۱۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۷	موافقت
		خیر	۴	۰/۱۹				
۲۱	یک معیار شناخت در مورد دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، باید تطابق دارایی‌های شناسایی شده در مقابل بدهی‌ها برای جلوگیری از گمراه‌کنندگی شناسایی آنها در ترازنامه باشد.	بلی	۱۴	۰/۶۷	۰/۶۶۷	۰/۴۸۳	۰/۱۸۹	مخالفت
		خیر	۷	۰/۳۳				
۲۲	بر اساس ۴ معیار شناخت یعنی محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی و خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکالپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه، عدم وجود محدودیت در واگذاری و تطابق دارایی در مقابل بدهی‌ها می‌توان شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را در ترازنامه انجام داد.	بلی	۱۶	۰/۷۶	۰/۷۶۲	۰/۴۳۶	۰/۰۲۷	موافقت
		خیر	۵	۰/۲۴				

## جدول ۹. نتایج آزمون‌های تی، کلموگروف اسمیرنوف و کروسکال والیس برای شناسایی معیارهای

## شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	آزمون تی			آزمون کلموگروف-اسمیرنوف			آزمون کروسکال والیس		
		مقدار تی	سطح معناداری	شدت موافقت شدید	مقدار Z کلموگروف اسمیرنوف	مقدار احتمال	اجماع یا عدم اجماع	کای دو	سطح معناداری	همسانی پاسخ‌ها
۱۷	۲۱	۱۸/۴۸۶	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۰۴	۰/۰۲۳	اجماع	۱/۵۱۷	۰/۰۳۳	خیر
۱۸	۲۱	۸/۱۱۴	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۷۳	۰/۰۹۹	اجماع	۹/۳۱۸	۰/۰۵۴	بلی
۱۹	۲۱	۱۱/۰۱۵	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۱۱	۰/۰۱۵	اجماع	۱/۴۴۸	۰/۸۳۶	بلی
۲۰	۲۱	۸/۶۶۳	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۹۸	۰/۰۳۱	اجماع	۶/۵۷۹	۰/۱۶۰	بلی
۲۱	۲۱	۶/۸۷۵	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۸۷	۰/۰۵۳	اجماع	۸/۹۳۷	۰/۰۶۳	بلی
۲۲	۲۱	۷/۶۵۶	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۸۹	۰/۰۴۹	اجماع	۶/۶۹۱	۰/۱۵۳	بلی

### نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در جدول ۱۰ مستند شده است. نتایج نشان داد که خبرگان نظر موافق خود را در رابطه با نحوه گزارشگری بیان شده به استثنای موارد ۲۵ و ۲۹ اعلام نموده‌اند؛ سطح معناداری آزمون دوجمله‌ای نیز موید این یافته است.

شدت موافقت خبرگان در رابطه با نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت با استفاده از آزمون تی ارزیابی شده است. با توجه به بیشتر بودن آماره تی از مقدار  $1/64$  و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، در جدول ۱۱، موافقت شدید خبرگان با کلیه معیارهای مذکور تایید می‌شود. اجماع خبرگان در رابطه با نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت مطرح شده در این پژوهش با استفاده از نتایج حاصل از اجرای آزمون کلموگروف اسمیرنوف مستند شده است. در سطح معناداری ۵ درصد نتایج آزمون کروسکال والیس نیز نشان‌دهنده آن است که پاسخ‌های خبرگان راجع به کلیه موارد از همسانی برخوردار بوده‌اند.

#### جدول ۱۰. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای شناسایی نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد
۲۳	با توجه به تنوع دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی، لازمه گزارشگری جامع آنها علاوه بر گزارش‌های مالی، تهیه گزارش‌های غیرمالی (بر حسب واحدهای فیزیکی و نه ارزش مالی) برای طبقه‌های خاصی از این دارایی‌ها است.	بلی	۲۰	۰/۹۵	۰/۹۵۲	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۱	۰/۰۵				
۲۴	دارایی‌های با کاربری اجتماعی و دفاعی که حائز شرایط مندرج در استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۵ (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری انکاپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) باشند و محدودیتی برای واگذاری آنها نباشد و قابلیت تطابق بدهی و دارایی وجود داشته باشد، در ترازنامه منعکس می‌شوند.	بلی	۱۷	۰/۸۱	۰/۸۱۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۷	موافقت
خیر	۴	۰/۱۹						

شماره سوال	شرح سوال	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	تایید یا رد
۲۵	دارایی‌هایی که کاربری اجتماعی/فرهنگی یا کاربری نظامی دارند و در ترازنامه شناسایی می‌شوند، بر اساس ارزش فعلی گزارش می‌شوند.	بلی	۱۲	۰/۵۷	۰/۵۷۱	۰/۵۰۷	۰/۶۶۴	مخالفت
		خیر	۹	۰/۴۳				
۲۶	دارایی‌های اجتماعی (نظیر دارایی‌های میراث ملی) که حائز شرایط شناخت نباشند در گزارش اجتماعی ارائه می‌شوند.	بلی	۱۶	۰/۷۶	۰/۷۶۲	۰/۴۳۶	۰/۰۲۷	موافقت
		خیر	۵	۰/۲۴				
۲۷	دارایی‌های اجتماعی (نظیر دارایی‌های میراث ملی) که در گزارش اجتماعی ارائه می‌شوند بر حسب واحدهای فیزیکی گزارش می‌شوند.	بلی	۱۷	۰/۸۱	۰/۸۱۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۷	موافقت
		خیر	۴	۰/۱۹				
۲۸	دارایی‌های نظامی که حائز شرایط شناخت نباشند در گزارش دفاعی ارائه می‌شوند.	بلی	۱۸	۰/۸۶	۰/۸۵۷	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱	موافقت
		خیر	۳	۰/۱۴				
۲۹	دارایی‌های نظامی که در گزارش دفاعی ارائه می‌شوند، بر حسب واحدهای فیزیکی گزارش می‌شوند.	بلی	۱۵	۰/۷۱	۰/۷۱۴	۰/۴۶۳	۰/۰۷۸	مخالفت
		خیر	۶	۰/۲۹				
۳۰	دارایی‌های زیربنایی واجد تعریف دارایی‌های ثابت مشهود مطابق با استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۵ هستند و حائز معیارهای شناخت مندرج در این استاندارد (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آبی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) می‌باشند، در ترازنامه شناسایی می‌شوند.	بلی	۲۰	۰/۹۵	۰/۹۵۲	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	موافقت
		خیر	۱	۰/۰۵				
۳۱	منابع طبیعی با توجه به اینکه حائز ویژگی‌های دارایی هستند (مفهوم منبع ذاتا در تعریف دارایی است) و حائز معیارهای شناخت مندرج در این استاندارد (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آبی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) می‌باشند، در ترازنامه شناسایی می‌شوند.	بلی	۱۷	۰/۸۱	۰/۸۱۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۷	موافقت
		خیر	۴	۰/۱۹				

جدول ۱۱. نتایج آزمون‌های تی، کلموگروف اسمیرنوف و کروسکال والیس برای نحوه گزارشگری  
دارایی‌های سرمایه‌ای دولت

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	آزمون تی			آزمون کلموگروف-اسمیرنوف		آزمون کروسکال والیس				
		میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معناداری	شدت موافقت	مقدار Z کلموگروف ف اسمیرنوف	مقدار احتمال	کای دو	معناداری	همسانی پاسخ‌ها
۳۳	۲۱	۶/۴۷۶	۲/۵۲۲	۱۱/۷۶۶	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۰۳	۰/۰۲۳	۱/۹۲۹	۰/۷۴۹	بله
۳۴	۲۱	۵/۳۸۱	۳/۱۵۴	۷/۸۱۸	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۶۶	۰/۰۴۹	۷/۰۵۴	۰/۱۳۳	بله
۳۵	۲۱	۵/۱۴۳	۳/۲۱۴	۷/۳۳۳	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۹۵	۰/۱۳۴	۷/۸۰۸	۰/۰۹۹	بله
۳۶	۲۱	۶/۰۰۰	۲/۸۲۸	۹/۷۲۱	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۶۲	۰/۰۳۷	۴/۹۶۴	۰/۲۹۱	بله
۳۷	۲۱	۶/۱۴۳	۲/۶۱۳	۱۰/۷۷۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۵۲	۰/۰۱	۵/۹۶۶	۰/۲۰۲	بله
۳۸	۲۱	۵/۹۰۵	۲/۹۸۲	۹/۰۷۵	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۱۵	۰/۲۰۰	۷/۲۸۲	۰/۱۲۲	بله
۳۹	۲۱	۵/۵۷۱	۳/۱۵۵	۸/۰۹۱	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۹۰	۰/۰۱۳	۶/۷۴۶	۰/۱۵۰	بله
۳۰	۲۱	۶/۷۶۲	۲/۲۱۱	۱۴/۰۱۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۱۸۸	۰/۰۴۶	۸/۴۹۳	۰/۰۷۵	بله
۳۱	۲۱	۶/۵۷۱	۲/۷۱۲	۱۱/۱۰۲	۰/۰۰۰	موافقت شدید	۰/۲۲۵	۰/۰۵۰	۸/۹۴۰	۰/۰۶۳	بله

### اجرای دور دوم دلفی

بررسی نتایج آزمون دوجمله‌ای در بخش پیشین، نشان داد که در سه سوال (سوال‌های ۲۱، ۲۵ و ۲۹) پاسخ‌دهندگان موافقت یا عدم موافقت معناداری در رابطه با سوالات اظهار نکرده بودند. همچنین، یافته‌های حاصل از اجرای آزمون کروسکال‌والیس در رابطه با دو سؤال (سوال‌های ۱۳ و ۱۷) حاکی از نبود اجماع در بین گروه‌های پاسخ‌دهنده بود. بنابراین، برای این سؤال‌ها (تعداد ۵ سؤال) دور دوم دلفی اجرا شد و از خبرگان درخواست شد که با توجه به مجموع نظرات گردآوری شده در دور اول دلفی، پاسخ قبلی خود را (موافقت

یا مخالفت و شدت آن) تأیید و یا تغییر دهند. بر این اساس، ۱۴ نفر از خبرگان به سؤال‌ها پاسخ داده و نظرات آنها با استفاده از آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های آماری لازم برای بررسی سوال‌هایی که در دور دوم دلفی مجدداً از خبرگان مورد پرسش قرار گرفت در جدول ۱۲ ارائه شده است. تمام سوال‌ها به استثنای سوال ۲۵ مورد موافقت خبرگان قرار گرفت. مقادیر آماره تی که بسیار از مقدار ۱/۶۴ فاصله دارد و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده موافقت شدید خبرگان است. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بیانگر یکنواخت بودن توزیع پاسخ‌ها است. نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس هم در سطح معناداری ۵ درصد از عدم وجود تفاوت معنادار بین پاسخ گروه‌های خبره مشارکت‌کننده در این پژوهش حکایت دارد. به عبارت دیگر، توافق نظر بین گروه‌های پاسخ‌دهنده نیز وجود دارد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون‌های آماری - دور دوم دلفی

شماره سوال	آزمون دوجمله‌ای			آزمون تی		آزمون کلموگروف-اسمیرنوف		آزمون کروسکال والیس	
	نوع جواب	تعداد	نسبت	سطح معناداری	مقدار تی	سطح معناداری	مقدار Z	مقدار احتمال	آماره کای دو
۱۳	بلی	۱۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۰/۵۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	۰/۰۲۳	۲/۴۷۱
	خیر	۰	۰/۰۰۰						
۱۷	بلی	۱۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۳/۸۷۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰	۵/۱۴۴
	خیر	۰	۰/۰۰۰						
۲۱	بلی	۱۲	۰/۸۶	۰/۰۱۳	۱۱/۲۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۰/۰۱۲	۳/۸۴۹
	خیر	۲	۰/۱۴						
۲۵	بلی	۱۰	۰/۷۱	۰/۱۸۰	۶/۳۶۰	۰/۰۰۰	۰/۲۱۴	۰/۰۸۰	۳/۲۵۶
	خیر	۴	۰/۲۹						
۲۹	بلی	۱۲	۰/۸۶	۰/۰۱۳	۷/۱۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵۱	۰/۰۱۷	۴/۹۱۳
	خیر	۲	۰/۱۴						

## بحث و نتیجه‌گیری

تغییر فرهنگ مدیریت از اداره عمومی به سمت مدیریت عمومی نوین، همه نهادهای بخش عمومی را ملزم نموده تا ارزش‌های اقتصادی دارایی‌های سرمایه‌ای خود را تعیین نموده و گزارش‌های مالی

سالیانه بر مبنایی مشابه با مدل بخش خصوصی تهیه نمایند (آئودا، ۲۰۱۴: ۱۹). نوشتارهای تخصصی حسابداری بخش عمومی راه حل جامعی برای حسابداری دارایی‌های سرمایه‌ای ارائه نکرده‌اند. بر این اساس، شناسایی دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی موضوع بسیار پرچالشی برای نهادهای بخش عمومی است که دارایی‌ها را نگهداری می‌کنند و همچنان، موضوعی لاینحل باقی مانده است (آئودا، ۲۰۱۶). هدف این پژوهش، شناسایی و پیشنهاد رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی است. بنابراین، با بررسی نوشتارهای تخصصی موجود و مبنا قرار دادن رویکرد حسابداری جامع عملی برای دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی که در سال ۲۰۱۶ توسط آئودا ارائه شد و با نظرسنجی از خبرگان به روش دلفی، رویکردی جامع و عملی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت ارائه نماید. در بخش نخست پژوهش، ضرورت و اهمیت مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که از دیدگاه خبرگان پنج عامل مطرح شده از دلایل اهمیت توجه به موضوع مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت است. به عبارت دیگر، مدیریت بهتر دارایی‌های سرمایه‌ای دولت می‌تواند به حل مشکل بدهی‌های دولت‌ها کمک کند، منابعی را برای تحریک اقتصاد فراهم سازد و به ارتقای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی کمک نماید. علاوه بر این، وجود یک سیستم حسابداری و گزارشگری که اطلاعات مربوطی برای اهداف مباشرت و پاسخگویی تهیه کند و شناسایی و ارزش‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را انجام دهد، یکی از ضرورت‌های پذیرش و بکارگیری کامل سیستم حسابداری تعهدی در بخش عمومی است. یافته‌های مذکور هر کدام به نوعی مشابه با آئودا (۲۰۱۶) است.

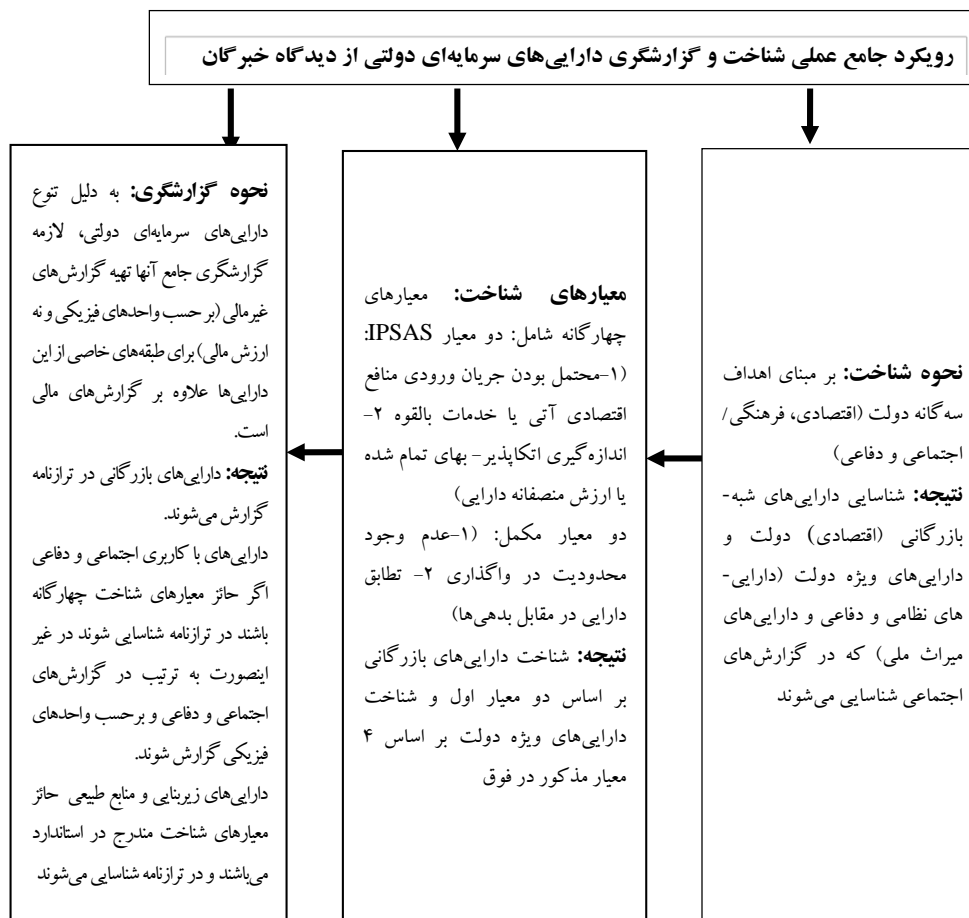
نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نقطه آغاز شناسایی و پیشنهاد مدل جامع شناخت و گزارشگری مالی دارایی‌های سرمایه‌ای دولت می‌باشد. بر این اساس، در ابتدا اجماع خبرگان در رابطه با عدم وجود رویکرد جامع و مورد اجماعی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و همچنین، عدم جامعیت استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران در رابطه با شناسایی تمام دارایی‌های سرمایه‌ای، کسب گردید. یافته‌ها بر اساس اجماع خبرگان در رابطه با نحوه شناخت دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، مبین آن بود که شناسایی این دارایی‌ها در صورت‌های مالی صرفاً بر اساس ویژگی ظاهری و فیزیکی آنها امکان‌پذیر نیست و هدف دولت از نگهداری آنها می‌تواند نقطه

شروع مناسبی برای شناخت دارایی‌ها باشد. بر مبنای اهداف سه‌گانه دولت (اقتصادی، فرهنگی / اجتماعی و دفاعی)، دارایی‌های شبه‌بازرگانی یا اقتصادی دولت و دارایی‌های ویژه دولت، یعنی دارایی‌های نظامی و دفاعی و دارایی‌های میراث ملی، شناسایی می‌شوند. نتایج این بخش با دیدگاه‌های کریستینز و همکاران (۲۰۱۲) و آئودا (۲۰۱۶) همراستا است.

شناخت دارایی‌های شبه‌بازرگانی می‌تواند مشابه با معیارهای شناخت دارایی‌های بخش خصوصی، یعنی بر اساس دو معیار محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیربهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی انجام پذیرد. با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص برخی دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و عدم کفایت معیارهای شناخت موجود در استانداردهای بخش عمومی، نیاز به معیارهای شناخت مکمل و مرتبط وجود دارد. با دو معیار مکمل عدم وجود محدودیت در واگذاری و تطابق دارایی در مقابل بدهی‌ها می‌توان شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت را در ترازنامه انجام داد. این یافته‌ها مطابق با مدل جامع پیشنهادی آئودا (۲۰۱۶) و تا حدی آئودا (۲۰۱۴) است.

در رابطه با نحوه گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نتایجی بدین مضمون مستند شد. با توجه به تنوع دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی، لازمه گزارشگری جامع آنها علاوه بر گزارش‌های مالی، تهیه گزارش‌های غیرمالی (بر حسب واحدهای فیزیکی و نه ارزش مالی) برای طبقه‌های خاصی از این دارایی‌ها است. در رابطه با دارایی‌ها با کاربری اجتماعی و دفاعی دو حالت ممکن است رخ دهد: یا دارایی‌های مذکور حائز معیارهای شناخت چهارگانه ذکر شده در مرحله قبل هستند یا خیر؛ اگر حائز این معیارها باشند در ترازنامه شناسایی شوند، اما خبرگان با گزارش دارایی‌های مذکور به ارزش فعلی موافقت نکردند. در صورتی که این دارایی‌ها حائز شرایط شناخت نباشند به ترتیب در گزارش‌های اجتماعی و دفاعی و بر حسب واحدهای فیزیکی گزارش می‌شوند. یافته‌های این بخش نیز تا حدود زیادی مشابه با مدل پیشنهادی آئودا (۲۰۱۶) و در رابطه با دارایی‌های اجتماعی (دارایی‌های میراث ملی) با نتایج دی‌ولف و همکاران (۲۰۲۱) همراستا است. دارایی‌های زیربنایی حائز معیارهای شناخت مندرج در استاندارد (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیربهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) می‌باشند و در ترازنامه شناسایی می‌شوند. یافته مذکور مشابه با نتیجه پژوهش لومباردی و همکاران (۲۰۲۱) است و نهایتاً اینکه منابع

طبیعی با توجه به اینکه حائز ویژگی‌های دارایی هستند و حائز معیارهای شناخت (محتمل بودن جریان ورودی منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه و اندازه‌گیری اتکاپذیر بهای تمام شده یا ارزش منصفانه دارایی) می‌باشند، در ترازنامه شناسایی می‌شوند. با توجه به یافته‌های مستند شده در پژوهش حاضر، شمای کلی رویکرد جامع عملی از دیدگاه خبرگان به شرح نمودار (۴) می‌باشد.



نمودار ۴. رویکرد جامع عملی شناخت و گزارشگری دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی از دیدگاه خبرگان



پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی به این شرح مواجه بود؛ نخست: یکی از معایب پرسشنامه، احتمال عدم درک مفاهیم و محتوی سوال‌ها پرسشنامه و بروز ابهام برای پاسخگو است. بنابراین، سعی بر آن بوده که ضمن درج توضیحات لازم در پرسشنامه، از طریق برقراری تماس تلفنی به خبرنگاران راهنمایی‌های لازم به آنان ارائه شود و ابهام‌ها در حد امکان برطرف گردد. دوم آنکه برخی از خبرنگاران در این حوزه علیرغم پیگیری پژوهشگر متأسفانه حاضر به همکاری در این پژوهش نشدند. در پایان می‌توان گفت که به دلیل فقدان اجماع عمومی در رابطه با حسابداری و گزارشگری مالی دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نیاز جدی به توسعه یک رویکرد حسابداری جدید وجود دارد که بر رفتار حسابداری یکنواخت و شفاف برای تمام دارایی‌های سرمایه‌ای متمرکز باشد. بنابراین، با استناد به یافته‌های مطالعه حاضر به نهادهای ذیربط و بطور خاص نهاد استانداردگذار پیشنهاد می‌گردد با توجه به پشتوانه نظری و همچنین، پشتوانه تجربی که از طریق پژوهش حاضر حاصل شده است، در این راستا اقدام لازم را بعمل آورند.

### تقدیر و تشکر

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه ایلام و همکاران این بخش، جهت حمایت مادی و معنوی از پژوهش حاضر صمیمانه تقدیر و تشکر بعمل می‌آید.

## منابع

- احمدی، فضل‌اله، نصیریانی، خدیجه، ابادری، پروانه (۱۳۸۷)، تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق، آموزش در علوم پزشکی، ۸(۱)، ۱۷۵-۱۸۵.
- اسماعیلی کیا؛ غریبه، ملا نظری، مهناز (۱۳۹۵)، شناسایی موانع و محدودیت‌های اجرای تحولات در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران، پیشرفت‌های حسابداری، ۸(۲)، ۱-۲۹.
- اسماعیلی کیا؛ غریبه، ملا نظری، مهناز (۱۳۹۴)، چارچوبی برای تحول در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران از دیدگاه خبرگان، حسابداری سلامت، ۴(۴)، ۱-۲۵.
- اسماعیلی کیا، غریبه (۱۴۰۰)، دارایی‌های سرمایه‌ای دولتی: رویکرد جامع عملی برای شناخت و گزارشگری دارایی‌ها، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۳۸، ۸۷-۱۰۴.
- اسماعیلی کیا، غریبه (۱۳۹۹)، بکارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی: شناسایی چالش‌های موجود و عوامل پیش‌نیاز تحول از دیدگاه خبرگان، حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۰(۴)، ۱۴۱-۱۶۶.
- اسماعیلی کیا، غریبه، ملا نظری، مهناز، مطاعی، موسی (۱۳۹۴)، استقرار سیستم‌های هزینه‌یابی کامل در دانشگاه‌ها: الزامات، مزایا و چالش‌ها، حسابداری و منافع اجتماعی، ۵(۲)، ۱۹-۳۶.
- اسماعیلی کیا، غریبه، ملا نظری، مهناز (۱۳۹۴)، چارچوبی برای تحول در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران از دیدگاه خبرگان، حسابداری سلامت، ۴(۴)، ۱-۲۵.
- باباجانی، جعفر، آذر، عادل، معیری، مرتضی (۱۳۹۲). عوامل و محرک‌های تحول در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۳۷)، ۳۷-۹.
- باباجانی، جعفر، فروغی، داریوش (۱۳۸۲)، ارزیابی قابلیت پاسخگویی نظام حسابداری نسبت به مسئولیت اجتماعی واحدهای انتفاعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱(۲)، ۳۹-۶۰.
- حجازی، محسن، حاجی قاسمی، محمدرضا، دهقانی‌زاده بغدادآباد، علیرضا (۱۳۹۷). "بررسی عوامل مؤثر بر شناسایی اموال دولت با استفاده از فازی تاپسیس (مورد مطالعه: استان یزد)". حسابداری دولتی، ۴(۲)، تهران، پیاپی (۸). ۱۰۵-۱۱۴.
- ثقفی، علی، قربان‌پور، فریدون (۱۳۹۷). "بررسی تجارب کشورها در زمینه مدیریت اموال و دارایی‌های دولت (عمومی)". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۷)، ۵-۲۰.
- رستمی مهدی، بیگ زاده عباسی، فرزانه (۱۳۹۴)، بررسی و اولویت‌بندی مشکلات سیستم حسابداری دولتی در ثبت اموال. "کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی. صنایع، تهران.

رحمانی، عبدالله، وزیرینژاد، رضا، احمدی‌نیا، حسن، رضاییان، محسن (۱۳۹۹)، مبانی روش‌شناختی و کاربردهای روش دلفی: یک مرور روایی، مرور روایی مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۹، ۵۱۵-۵۳۸.

زارعی، بتول، معرفتی، داوود. (۱۳۹۳). "آیا در حسابداری مالی تمامی اموال سرمایه‌ای متعلق به دولت باید به‌عنوان دارایی شناسایی شود؟" *حسابرس*، ۷۱، ۷۲-۸۰.

غبدیان، مرتضی؛ دهنوی، محمد علی قوام سعیدی، محمد (۱۳۹۶)، بررسی موانع و مشکلات به کارگیری سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی در تصمیمات مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولتی، *مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۳(۲)، ۱۹۸-۲۰۸.

ضیایی، محمود، محمودزاده، سید مجتبی، شاهی، طاهره. (۱۳۹۶). اولویت‌بندی عوامل موثر بر پیاده‌سازی مدیریت زنجیره تامین سبز در صنعت گردشگری، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۵(۴۶)، ۳۴-۱۹.

## References

- Ahmadi F, Nasiriani K, Abazari P. Delphi technique: a tool for research. (2008). *Iranian Journal of Medical Education*. 8(1):175 -85. (In Persian)
- Babajani, J, Azar, A, Moayeri, M. (2013). Factors and Drivers of the Reforms in Iran's Public Sector Financial and Operational Accountability System, *Empirical studies of financial accounting*, 11(37), 9-37. (In Persian)
- Babajani, G, Foroghi, D. (2003). Capability Assessment of Enterprises Accounting System Accountability to Social Responsibility, *Empirical studies in financial accounting*, 1(2), 39-60. (In Persian)
- Barton, A. (1999). Public and Private Sector Accounting – the Non-identical twins. *Australian Accounting Review*, 9 (2), 22-31.
- Barton, A.D. (2000), Accounting for public heritage facilities – assets or liabilities of the government? *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 13(2), 219-35.
- Christiaens, J., Rommel, J., Barton, A., and Everaert, P., (2012), Should All Capital Goods of Governments be Recognized as Assets in Financial Accounting? *Baltic Journal of Management*, 7(4), 429-443.
- Deborah, M, ; Hurley, J ; Sweetman, A ; Feeny, D ; Tarride, J ; Longo, Christopher J. ; McCracken, S.(2020). Unrecognized assets created by public-sector investments in health and social services, *Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management*. - Emerald, ISSN 1945-1814. - 2020 (13.10).
- De Wolf, Ai, Johan C , Natalia A. (2021). Heritage assets in the due process of the International Public Sector Accounting Standards Board (IPSASB), *Public Money & Management*, 41:4, 325-335, DOI: 10.1080/09540962.2020.1727114.

- Esmailikia, Gh, Mollanazari, M. (2017). Identifying barriers and constraints to implement reforms in the financial and operational accountability systems of public universities, *Accounting Advances*, 8(2), 1-29. (In Persian).
- Esmailikia, Gh, Mollanazari, M. (2016). A Framework for Evolution in the Financial and Operational Accountability Systems of Iranian Public Universities from the Experts' Perspective, *Health accounting*, 4(4), 1-25. (In Persian).
- Esmailikia, Gh . (2021). Governmental Capital assets: Practical Holistic Approach for assets recognition, and reporting, *Accounting and Auditing Studies*, 38, 87-104. (In Persian).
- Esmailikia, Gh. (2021). Public sector accounting standards, Challenges of applying standards, Prerequisites factors of reforms, *Accounting and social interests*, 10(4), 141-166. (In Persian).
- Esmailikia, Gh, Mollanazari, M, Mataii, M. (2015). Full Costing Implementation in Universites Equirements, Benefits, and Challenges, *Accounting and social interests*, 5(2), 19-36. (In Persian).
- Esmailikia, Gh, Mollanazari, M Esmailikia, Gh, Mollanazari, M.(2015). A Framework for Evolution in the Financial and Operational Accountability Systems of Iranian Public Universities from the Experts' Perspective, *Health accounting*, 4(4), 1-25. (In Persian)
- Ghabdiyan, M, Dehnavi, M,A, Ghavamsaeidi, M.(2017). Investigating Barriers and Problems in Using Accounting and Financial Reporting Systems in Government Asset Production and Management Decisions, *Journal of Management Studies and Accounting*, 3(2), 198-208. (In Persian).
- Grubišić, M, Mustafa, N , Gorana R .(2009).Towards Efficient Public Sector Asset, *Management Financial Theory and Practice*, 33 (3) 329-362.
- Hejazi, M, haji ghasemi, M R, Dehghani Baghdad abad, A.R.(2018). The Investigation of Factors Affecting the Identification of Public-Sector Assets by Fuzzy Topsis (Case study: Yazd Province), *Governmental accounting*, 4(2), 105-114. (In Persian)
- Hsu, C., Sandford, B. (2007). The Delphi technique: Making sense of consensus. Practical Assessment, *Research and Evaluation*, 12, 1—8.
- Lombardi, R ,Federico S,Margherita S, Marco S.(2021). Accounting for infrastructure assets in the public sector: The state of the art in academic research and international standards setting, *Public Money & Management*, 41(3), 203-212.
- Mautz, R.K. (1988). Editorial: monuments, mistakes and opportunities, *Accounting Horizons*, 2(2), 123-128.
- Micallef, F, Peirson, G. (1997). Financial reporting of cultural, heritage, scientific and community collections", *Australian Accounting Review*, 7 (13), 31-7.
- Ouda, H. (2016). Governmental Capital assets: How Far Should the Accounting Recognition of These Assets Go? ", *International Journal on Governmental Financial Management* - Vol. XVI 1, 23-41.

- Ouda, H., (2014). Towards a Practical Accounting Approach for Heritage Assets: An Alternative Reporting Model for the NPM Practices”, *Journal of Finance and Accounting*. 2(2). 19-33.
- Ouda, H. (2013). A Practical Accounting Approach for Heritage Assets under Accrual Accounting: With Special focus in Egypt. Proceeding of the 14th Comparative International Governmental Accounting Research (CIGAR) Conference, September 2-3, 2013-Birmingham University, Birmingham, UK.
- Ouda, H. (2005). Transition to Accrual Accounting in the Public Sector of Developed and Developing Countries: Problems and Requirements, With special focus on the Netherlands and Egypt, Universal Press, Veenendaal, the Netherlands, 405.
- Powell, C. (2003). The Delphi Technique: Myths and Realities, *Journal of Advanced Nursing*, 41(4), 376-382.
- Rahmani A, Vaziri Nejad, R, Ahmadi Nia H, Rezaian M.(2020). Methodological Principles and Applications of the Delphi Method: A Narrative Review. *J Rafsanjan Univ Med Sci* , 19 (5): 515-38. . (In Persian).
- Rostami, M , Baigzadeh Abassi, F.(2015). Review and prioritize the problems of the government account system in property registration, International Conference on Management, *Economics and Engineering Industry*, Tehran. (In Persian)
- Rowles, T. (1992). Financial reporting on infrastructure and heritage assets by public sector entities”, AARf Discussion paper 17, Australian accounting research foundation, Melbourne.
- Saghafi, A. Ghorbanpour, F.(2018). A Survey on Government (Public) Asset Management Experiences of Selected Countries, *Accounting and Auditing Researches*, 10(37), 5-20. (In Persian)
- Schmidt RC, Lyytinen, K, MKeil Cule, P .(2001). Identifying software project risks: An international Delphi study. *Journal of Management Information Systems*, 17(4), 5-36.
- Somerville, Jerry A. (2008). Effective Use of the Delphi Process in Research: Its Characteristics. Strengths, and Limitations. 1-7.
- Zarei, B, Marefati, D. (2014). Should All Capital Goods of Governments Be Recognized as Assets in Financial Accounting? *Hesabras*, 71, 72-80. (In Persian).
- Zaei, M, Mahmudzadeh, M, Shahi, T. (2017). Prioritize the factors affecting the implementation of green supply chain management in the tourism industry, *Journal of Geography and Development*, 15(46), 19-34. (In Persian).

## COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

## Identifying and Proposing Practical Holistic Approach for Governmental Capital Assets Recognition and Reporting from Experts Attitudes<sup>1</sup>

Gharibeh Esmailikia<sup>2</sup>, Hamed parvizikia<sup>3</sup>

Received: 2022/06/19

Accepted: 2022/12/01

Research Paper

### Abstract

**Purpose:** Over the past three decades, holistic financial reporting of governmental capital assets has become a challenging issue. Based on the New Public Management practices, public sector entities are required to report the economic values of all capital assets under their control to stakeholders in a model, but there is no comprehensive model for reporting governmental capital assets. This study aims to identify and propose a holistic practical approach to recognition and reporting of the governmental capital assets.

**Method:** Using Delphi method and interviewing 21 experts, data were collected and analyzed using SPSS software.

**Results:** The purpose of the government in maintaining government capital assets can be a good basis for assets recognition and based on this, economic assets, defense assets and heritage assets are identified.

**Conclusion:** Recognition of economic assets can be done based on criteria similar to the criteria for recognizing private sector assets. And due to the special nature of some governmental capital assets, two complementary criteria should be used to recognition these assets, including the absence of restrictions on the disposal and matching of assets to liabilities.

**Contribution:** In addition to financial reports, Requisite to capital asset Holistic reporting is requires the preparation of non-financial reports for specific classes of these assets. Therefore, defense and social assets that do not meet the recognition criteria should be reported in defense and social reports in terms of physical units.

**Keywords:** Governmental Capital Assets, Recognition and Reporting, Practical Holistic Approach.

**JEL Classification:** M40, M48.

---

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40404.1705

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. (gh.esmailikia@ilam.ac.ir).

3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (hamedparvizikia@gmail.com).

## The Effect of Corporate Governance on the Relationship between Uncertainty in Macroeconomics and Cash Holdings<sup>1</sup>

Maryam Sheykhzadeh<sup>2</sup>, Rasoul Baradaran Hassanzadeh<sup>3</sup>

Received: 2022/06/12

Accepted: 2022/11/23

Research Paper

### Abstract

**Received:** This study aims to investigate corporate governance's effect on the relationship between macroeconomic uncertainty and cash holdings in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

**Methodology:** For this purpose, 180 companies were selected during the period from 2012 to 2018. This study studied the effect of three macroeconomic uncertainty variables; Economic growth rate fluctuations, inflation rate fluctuations, and exchange rate fluctuations, which have been studied on cash holdings. Corporate governance has been used as a moderating variable. In this study, multivariate linear regression has been used for analysis.

**Results:** The results of this study show that with increasing macroeconomic uncertainty, cash holdings decrease

**Conclusion:** with increasing macroeconomic uncertainty, strong corporate governance has had a positive effect on cash holdings.

**Contribution:** The presence of strong corporate governance mechanisms has positively affected the relationship between the inflation rate and the exchange rate and the amount of cash retention.

**Keywords:** Corporate Governance, Macroeconomic Uncertainty, Cash Holdings.

**JEL Classification:** E44, G18, G38, O16.

---

<sup>1</sup>. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.38120.1643

<sup>2</sup>. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Maryam.shekhzadeh94@gmail.com).

<sup>3</sup>. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Corresponding Author. (Baradaran313@iaut.ac.ir).

## The Impact of Neoliberalism on the Ethical Judgment of Auditors<sup>1</sup>

Reza Bagherzadegan<sup>2</sup>, Mehdi Moradzadehfard<sup>3</sup>, Bahman Banimahd<sup>4</sup>,  
Zahra Poorzamani<sup>5</sup>

Received: 2022/04/09

Accepted: 2022/09/22

Research Paper

### Abstract

**Purpose:** The development of the auditing profession and its ability to gain public trust will depend on the observance of professional ethics. The neoliberal mindset is one of the most important factors influencing the behaviors and level of ethics of auditors, and identifying the mindset is an important source of information to identify the ethical judgment of auditors. Therefore, in this study, the impact of neoliberalism on the ethical judgment of independent auditors has been investigated.

**Method:** In this research, 194 auditors working in private sector auditing firms and auditing organizations in 2022 participated. Data were collected through a paper questionnaire and analyzed using Excel and SPSS software.

**Results:** The findings of this study show that neoliberalism has a negative and significant relationship with the moral judgment of auditors and with increasing liberalism thinking, the moral judgment of auditor's decreases.

**Conclusion:** Based on the findings of this study, since the main task of auditors is to reassure and comment on financial statements and the judgment of auditors can affect the interests of many users, so identify those ethical factors that can affect the judgment of the auditor. To be effective is important.

**Contribution:** The findings of this study can lead to the development of auditing theories and texts about auditors' judgment, as well as useful information for the community of certified public accountants and other policymakers of the auditing profession about the level of neoliberal thinking among auditors and the effect of this thinking on their judgment.

**Keywords:** Neoliberalism, Moral judgment, Social interests, Independence.

**JEL Classification:** M42, D7.

---

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40471.1706

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (reza.bagherzadegan@srbiau.ac.ir).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran. Corresponding Author, (Moradzadehfard@yahoo.com).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran. (dr.banimahd@gmail.com).

5. Professor, Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (zahra.Poorzamani@yahoo.com).



## Explaining Network Model of Social Responsibility Actors in Accounting from Perspective of Corporate Governance System<sup>1</sup>

Omid Mohammadi<sup>2</sup>, Ebrahim Givaki<sup>3</sup>, Mohamad Taghi Kabiri<sup>4</sup>,  
Azar Moslemi<sup>5</sup>

Received: 2022/06/22  
Accepted: 2022/11/17

Research Paper

### Abstract

**Objective:** The research is aimed at designing network model of social responsibility actors in accounting from perspective of corporate governance system.

**Method:** To achieve research goal, primarily and studying theoretical foundations, research background, and performing semi-structured interviews with experts; components and indicators effective on social accountability from perspective of corporate governance system based on actor-network have been identified. Finally, research model has been presented based on strategy of classic grounded theory as well as identification of main elements forming the model and the relationship between them. In quantitative section, a questionnaire has been designed based on previous studies and interviews; and, data have been analyzed through structural equation modeling via SPSS 27 and Smart PLS 3.

**Findings:** According to the research findings and after analyzing the interviews at open coding stage, 208 codes have been conceptualized; and, at axial coding stage, they have been categorized in 23 subcategories, 10 main categories, 2 subthemes and finally one main theme.

**Conclusion:** As shown by the research results and based on actor-network theory, social responsibility and accountability from perspective of corporate governance can be divided into two groups of human and non-human actors. Also, the relationship between the set of effective actors in the model is bilateral.

**Knowledge Acquisition:** Effort has been made in the research to strengthen the role of social accountability from perspective of corporate governance system through usage made of actor-network theory; and, to identify and empower active actors in the field through designing a comprehensive model.

**Keywords:** Sociology, Actor Network, Corporate Governance System, Corporate Social Responsibility.

**JEL Classification:** Z13, M41, Q5, G34.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40340.1700

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (omidauditor64@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. Corresponding Author. (egivaki\_1352@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Arak University, Arak, Iran. (kabiri.m@lu.ac.ir).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (azar.moslemi.kh@gmail.com).

## The Effect of Bankruptcy Spillover on Financial Reporting Quality<sup>1</sup>

Ameneh Bazrafshan<sup>2</sup>, Marjan Mahmoudi<sup>3</sup>

Received: 2022/05/30

Accepted: 2022/11/06

Research Paper

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this study is to determine the effect of peer firms bankruptcy on financial reporting quality. Theoretically, it is expected that the effect of the peer firm bankruptcy will go beyond that company and will have significant effects on companies in the same industry.

**Methodology:** Information about 175 companies listed on the Tehran Stock during 2012 to 2020 will be examined. In terms of methodology, the current research is regression and correlation type.

**Results:** Findings show that there is no significant relationship between peer bankruptcy and conservatism, accrued earnings management as well as earnings response coefficient. However, supplementary studies suggest that there is a significant relationship between peer firms bankruptcy and real earning management among firms with reducing earnings management.

**Conclusion:** Overall, this study shows that the bankruptcy of a peer firm causes other companies operating in that industry to manipulate real activities to reduce earnings. The effect of the bankruptcy of competitors on the management of real profits and its lack of impact on the management of accrued profits can be justified by the fact that due to the monitoring mechanisms such as the existence of independent audits, companies tend to manipulate through accruals when they receive bad news from competitors. Are more inclined to manipulation through real activities because auditors' supervision is mostly done on accrual items and this manipulation is mostly in the direction of profit reduction.

**Contribution:** Findings show that the bankruptcy of a company not only affects the quality of its financial reporting, but also affects some measures of financial reporting quality of its peers.

**Keywords:** Financial Reporting Quality, Peer Firm Bankruptcy, Conservatism, Earnings Management, Earning Response Coefficient.

**JEL Classification:** M41, M42.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39255.1668

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. Corresponding author. (bazrafshan@imamreza.ac.ir).

3. M.Sc. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (marjan.mahmoudi99@gmail.com).

## The Effect of Accounting Information Quality on the Relation between Financial Constraints with Stock Returns and New Investment<sup>1</sup>

Mohammad-Ali Aghaei<sup>2</sup>, Mohammad Amri Asrami<sup>3</sup>, Elham Malekzadeh<sup>4</sup>

Received: 2022/07/01

Accepted: 2022/12/11

Research Paper

### Abstract

**Purpose:** The quality of accounting information can affect various variables and phenomena in the financial field. This study investigated its effect on the relation between financial constraints with stock returns and new investment.

**Method:** Using the regular screening sampling method, 148 companies listed on the Tehran Stock Exchange for the years 2013 to 2019 were selected and tested with the help of multiple regression model with fixed effects.

**Results:** Findings show that an increase in the quality of accounting information is associated with an increase in stock returns, and the improvement in the quality of accounting information is associated with new investments. The quality of accounting information weakens the negative relation between financial constraints and stock returns, but with the increase in the quality of accounting information, the positive relation between financial constraints and new investments is strengthened.

**Conclusion:** the capital market reacts positively to the quality of accounting information, which it leads to increase in stock return and new investment. On the other hand, the increase in financial constraints leads to a significant decrease in stock returns but insignificant increase in new investment. And accounting information quality has significant effect on these relations.

**Contribution:** Accounting information quality reduces the negative impact of financial constraints on stock returns. Financial constraints have no relation with new investment, but with the increase in the quality of accounting information, the positive relation between financial constraints and new investment is strengthened.

**Keywords:** Accounting Information Quality, Financial Constraints, Stock Return, New Investment.

**JEL Classification:** G14, E22, G32.

---

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39025.1679

2. Associate Professor, Accounting Department, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Corresponding Author. (aghaeim@modares.ac.ir).

3. Assistant Professor, Accounting Department, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. (m.amriarami@semnan.ac.ir).

4. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (e.malekzadeh61@gmail.com).

## The State of Disclosure of Environmental, Social, and Governance Dimensions in the Insurance Industry of Iran<sup>1</sup>

Mahnaz Mahmoudkhani<sup>2</sup>, Ali Rahmani<sup>3</sup>, Saeid Homayoun<sup>4</sup>, Leili Niakan<sup>5</sup>

Received: 2022/06/07

Accepted: 2022/11/12

Research Paper

### Abstract

**Purpose:** The insurance industry plays an important role in sustainable development and directly and indirectly affects the sustainable performance of other industries and society. The main purpose of this study is to investigate the extent of disclosure of sustainability components in the insurance industry.

**Methodology:** In this study, the model extracted in the research of Mahmoudkhani, Rahmani, Homayoun, and Niakan (2021), which was obtained by analyzing the content of sustainability reports, was modified and supplemented by reviewing sustainability standards and guidelines and obtaining expert opinions. The board activity report of 26 insurance companies (7 members of the stock exchange and 19 members of the OTC market of Iran) for the year 2020 was analyzed. The Chi-square test was used to examine the differences in the disclosure of sustainability components at the company level.

**Results:** According to the findings, the three main dimensions of sustainability reporting in the insurance industry are environmental, social, and governance dimensions. The results showed that there is a significant difference between the disclosure of environmental, social, and governance components in double and triple comparisons between sustainability components at the level of Iranian insurance companies. The disclosure rate of the governance dimension was 21.71 for each measure and 13.13 for the social dimension on average, while this ratio is 1.53 for the environmental dimension.

**Conclusion:** In the activity report of the board of directors, most disclosure is related to the governance dimension and no disclosure has been made regarding the climate change component. A reason for paying more attention to the governance aspect is related to the regulations of corporate governance in the insurance industry, which are implemented by insurance companies.

**Contribution:** The findings of this research enrich the research literature on sustainability reporting in the insurance industry and its results can be used by insurance companies to prepare and improve sustainability reporting.

**Keywords:** Environmental Disclosure, Governance Disclosure, Social Disclosure, Sustainability Reporting, Insurance Industry.

**JEL Classification:** M41.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39763.1688

2. Ph.D. Department of Accounting, Faculty of Social Sciences & Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (m.mahmoudkhani@alzahra.ac.ir).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences & Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author). (rahmani@alzahra.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Business and Economic Studies, Faculty of Education and Business Studies, Gävle University, Gävle, Sweden. (Saeid.Homayoun@hig.se).

5. Assistant Professor, Department of Macro Insurance Studies, Insurance Research Center, Tehran, Iran. (niakan@irc.ac.ir).

## Table of content

<b>The State of Disclosure of Environmental, Social, and Governance Dimensions in the Insurance Industry of Iran .....</b>	<b>1</b>
Mahnaz Mahmoudkhani, Ali Rahmani, Saeid Hodayoun, Leili Niakan	
<b>The Effect of Accounting Information Quality on the Relation between Financial Constraints with Stock Returns and New Investment.....</b>	<b>33</b>
Mohammad-Ali Aghaei, Mohammad Amri Asrami, Elham Malekzadeh	
<b>The Effect of Bankruptcy Spillover on Financial Reporting Quality.....</b>	<b>57</b>
Ameneh Bazrafshan, Marjan Mahmoudi	
<b>Explaining Network Model of Social Responsibility Actors in Accounting from Perspective of Corporate Governance System.....</b>	<b>87</b>
Omid Mohammadi, Ebrahim Givaki, Mohamad Taghi Kabiri, Azar Moslemi	
<b>The Impact of Neoliberalism on the Ethical Judgment of Auditors</b>	<b>115</b>
Reza Bagherzadegan, Mehdi Moradzadehfard, Bahman Banimahd, Zahra Poorzamani	
<b>The Effect of Corporate Governance on the Relationship between Uncertainty in Macroeconomics and Cash Holdings.....</b>	<b>135</b>
Maryam Sheykhzadeh, Rasoul Baradaran Hassanzadeh	
<b>Identifying and Proposing Practical Holistic Approach for Governmental Capital Assets Recognition and Reporting from Experts Attitudes.....</b>	<b>153</b>
Gharibeh Esmailikia, Hamed parvizikia	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting, and Society Interests

Winter 2022, Volume 12, Issue Number 4, Number 47

Journal of

*Accounting, and Society Interests*

**Licence Holder:** Alzahra University

**Director:** Rahmani Ali, Prof. Alzahra University

**Editor in chief:** Kordestani, Gholamreza Professor,  
Imam Khomeini University

**Editorial Board:**

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University

Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University

Rahmani Ali, Professor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis  
University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof.  
of Alzahra University

Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University

Homayoun Saeid, Professor of Gavle University

Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford  
University Business School

**Executive Manager:** Pakkhesal, Azam

**Literally Editor:** Taheri, Mandana

**English Editor:** Rezaei, Ali

**Cover Designer:** Samadian, Maryam

**Lay Out Editor:** Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

**Address:** Alzahra University, Vanak, Tehran - Iran.

P. O Box 1993893973

**Tel:** (+9821) 85692421- 85692745

**Fax:** 88252178

**Website:** <http://jaacsi.alzahra.ac.ir/>

**Email:** [jaacsi@alzahra.ac.ir](mailto:jaacsi@alzahra.ac.ir)